



وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج

کاربست خوشه کسب و کارهای کشاورزی و

فنون تسهیلتگری در توسعه روستایی

دکتر حسین حیدری و دکتر عبدالحمید پاپ زن

۱۴۰۳

۱۴۱۵

کاربست خوشه کسب و کارهای کشاورزی و فنون تسهیلتگری در توسعه روستایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج

کاربست خوشه کسب و کارهای کشاورزی و فنون تسهیلگری در توسعه روستایی

مولفان:

دکتر حسین حیدری

محقق، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمانشاه

و دکتر عبدالحمید پاپ زن

عضو هیات علمی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سرشناسه	: حیدری، حسین، ۱۳۶۵ اسفند-
عنوان و نام پدیدآور	: کاربست خوشه کسب و کارهای کشاورزی و فنون تسهیلگری در توسعه روستایی / مولفان حسین حیدری، عبدالحمید پاپزن؛ تهیه شده در دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی.
مشخصات نشر	: تهران : سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت آموزش و ترویج، نشر آموزش کشاورزی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۵۶-۱۹-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۰۲-۲۱۲.
موضوع	: عمران روستایی Rural development صنایع روستایی Rural industries
شناسه افزوده	: پاپزن، عبدالحمید، ۱۳۲۹ -
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. معاونت آموزش و ترویج کشاورزی. نشر آموزش کشاورزی
رده بندی کنگره	: HN49
رده بندی دیویی	: ۱۴۱۲/۳۰۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۰۴۹۹۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا	

ISBN: 978-622-5956-19-3

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۵۶-۱۹-۳



عنوان: کاربست خوشه کسب و کارهای کشاورزی و فنون تسهیلگری در توسعه روستایی

مولفان: دکتر حسین حیدری و دکتر عبدالحمید پاپ زن

مدیر داخلی: فتح‌اله بهرامی

تهیه شده در: معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی

ناشر: نشر آموزش کشاورزی

طراح و صفحه آرا: سبا سادات کرمانی پوربقایی

شمارگان: محدود

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

مسئولیت درستی مطالب با مولفان است.

شماره ثبت در مرکز فن آوری اطلاعات و اطلاع رسانی کشاورزی ۳۱۴۰۳۲۸ به تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۶ است.

نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین نواب و رودکی، پلاک ۲۰۵، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی

تلفن: ۶۶۴۳۰۴۶۵ | تلفکس: ۶۶۴۳۰۴۶۴ | کد پستی: ۱۴۵۷۸۹۶۶۸۱

تقدیم به:

برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران توسعه کسب و کارهای روستایی.

سازمان‌ها و نهادهای فعال در اشتغال‌زایی و توسعه روستایی.

روستائیان زحمت‌کش و تولیدکنندگان ایران عزیز.

دانشجویان رشته‌های مرتبط با توسعه روستایی.

فهرست

صفحه

عنوان

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه (دیباچه):
۱۷	فصل اول: رویکردها، راهبردها و بسترهای توسعه روستایی
۱۸	مقدمه
۱۸	توسعه روستایی
۲۰	رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی
۲۲	رویکردهای اقتصادی
۲۶	رویکردهای اجتماعی:
۲۸	رویکردهای کالبدی - فضایی
۳۲	رویکردهای جامع:
۳۴	روند تاریخی شکل‌گیری نظریه‌های توسعه
۳۸	سابقه برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران
۳۹	سابقه برنامه‌ریزی روستایی در ایران پیش از انقلاب اسلامی
۴۳	جمع‌بندی و نقد نظام برنامه‌ریزی عمران روستایی در قبل از انقلاب
۴۵	سابقه برنامه‌ریزی روستایی در ایران بعد از انقلاب اسلامی:
۶۱	اثرات برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران
۶۱	فقر اقتصادی و اختلاف درآمد خانوارهای شهری و روستایی
۶۲	روند تخلیه روستاها
۶۵	اجرای برنامه‌های توسعه روستایی و تدوین الگو اشتغال روستایی
۷۱	فصل دوم: صنایع روستایی و توسعه روستایی
۷۲	مقدمه
۷۲	تعریف صنایع روستایی و ویژگی‌های آن
۷۴	دیدگاه‌های مختلف صنعتی کردن روستاها
۷۹	طبقه‌بندی صنایع روستایی

۸۲	صنایع دستی
۸۳	صنایع کارگاهی
۸۳	صنایع کوچک و متوسط
۸۸	وضعیت صنایع روستایی در ایران
۹۰	کسب و کارهای کشاورزی و نقش آن در اشتغال و توسعه روستایی
۹۳	کشاورزی قراردادی
۹۵	فصل سوم: خوشه کسب و کارهای کشاورزی و توسعه روستایی
۹۶	مقدمه
۹۶	مفهوم خوشه‌های کسب و کار و انواع آن
۱۰۲	اهمیت و کارکرد خوشه‌های کسب و کار
۱۰۸	خصوصیات خوشه‌های کسب و کار
۱۱۱	وجود نهادهای عینی تأمین کننده خدمات پشتیبان خوشه‌های کسب و کار
۱۱۲	وجود تأسیسات زیربنایی
۱۱۲	سرمایه اجتماعی
۱۱۴	اعتماد آفرینی در خوشه‌ها
۱۱۵	نشانه‌های ایجاد اعتماد
۱۱۵	گردش خوشه‌های کسب و کار در طول زمان و شکل‌گیری چرخه عملی آن
۱۱۸	ساختار خوشه‌های کسب و کار
۱۲۲	مفهوم خوشه کسب و کارهای کشاورزی
۱۲۵	شناسایی خوشه‌های کسب و کارهای کشاورزی
۱۲۶	عوامل مؤثر بر توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی
۱۴۴	نقش خوشه کسب و کارهای کشاورزی در توسعه روستایی
۱۵۰	جایگاه خوشه کسب و کارهای کشاورزی در کارآفرینی روستایی
۱۵۴	چگونگی توسعه خوشه‌های کسب و کار
۱۵۷	زنجیره ارزش خوشه کسب و کار
۱۵۹	تحلیل سیستم کسب و کار زنجیره ارزش با رویکرد مسأله‌یابی
۱۶۳	فصل چهارم: فنون تسهیلگری و توسعه روستایی

مقدمه	۱۶۴
مشارکت و توسعه.....	۱۶۵
رهیافت‌های مشارکتی	۱۶۹
کاربرد ابزارهای مشارکتی در فرآیند توسعه:	۱۷۰
تعریف تسهیلگری.....	۱۷۲
ویژگی‌های یک تسهیلگر خوب.....	۱۷۴
انواع ابزارها و فنون تسهیلگری	۱۷۵
گفتگو (مصاحبه) نیمه ساختارمند	۱۷۶
تشکیل گروه‌های کاری ویژه	۱۸۱
نقشه اجتماعی	۱۸۳
نقشه منابع (طبیعی، مالی، فیزیکی، اجتماعی و انسانی).....	۱۸۵
فلوچارت فعالیت‌ها.....	۱۸۷
جدول شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات	۱۹۰
درخت مشکلات (با نمودار علت - معلول).....	۱۹۴
شناسایی راه‌حل‌ها (اعم از محلی یا بیرونی)	۱۹۸
منابع:	۲۰۲

فهرست جداول و شکل‌ها

جدول ۱-۱. انواع شیوه‌های توسعه روستایی	۲۰
جدول ۱-۲. مقایسه درآمد شهر نسبت به روستا.....	۶۲
جدول ۱-۳. آمار آبادی‌های دارای سکنه در طی سال‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۵.....	۶۲
جدول ۱-۴. متوسط رشد سالانه جمعیت روستایی کشور طی سال‌های ۹۵ - ۱۳۶۵ ...	۶۳
شکل ۱-۱. عوامل مؤثر بر اشتغالزایی و افزایش درآمد در روستاها.....	۶۶
شکل ۱-۲. شرایط لازم جهت توسعه کسب و کارهای روستایی.....	۶۹
جدول ۱-۲. طبقه‌بندی صنایع بر مبنای نظام سازمانی.....	۸۱
شکل ۱-۲. طبقه‌بندی صنایع روستایی بر اساس معیارهای ترکیبی.....	۸۲
جدول ۲-۲. تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای منتخب.....	۸۴
ادامه جدول ۲-۲. تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای منتخب.....	۸۵

فهرست جداول و شکل‌ها

عنوان

صفحه

جدول ۲-۳. مقایسه تطبیقی صنایع دستی، صنایع کارگاهی و صنایع کوچک روستایی ...	۸۶
جدول ۳-۱. تفاوت بین خوشه و شبکه کسب و کار	۹۸
جدول ۳-۲. آثار خوشه‌ها بر کسب و کارها	۱۰۶
شکل ۳-۱. روند مراحل و چرخه عمر خوشه	۱۱۶
شکل ۳-۲. منحنی خوشه‌های شناسایی شده در ایران	۱۱۷
شکل ۳-۳. اجزاء اساسی هر خوشه	۱۱۹
شکل ۳-۴. توزیع خوراک کامل دام بین اعضای شبکه دام سبک روستای هدف	۱۳۳
شکل ۳-۵. فرایند توسعه خوشه‌های کسب و کار	۱۵۵
شکل ۳-۶. مدل فرایندی توسعه خوشه‌های کسب و کار	۱۵۶
شکل ۳-۷. مدل عمومی زنجیره ارزش پورتر	۱۵۸
شکل ۳-۸. توزیع ارزش در زنجیره کسب و کار	۱۵۹
شکل ۳-۹. مدل زنجیره ارزش کسب و کار	۱۶۰
شکل ۴-۱. پلکان مشارکت	۱۶۶
شکل ۴-۲. انجام مصاحبه نیمه ساختارمند	۱۸۱
شکل ۴-۳. اجرای فن مصاحبه نیمه ساختارمند	۱۸۱
شکل ۴-۴. ارائه آموزش به اعضای گروه کاری (شبکه) نخود	۱۸۳
شکل ۴-۵. خرید مشارکتی نهاده‌ها توسط گروه کاری	۱۸۳
شکل ۴-۶. ترسیم نقشه اجتماعی روستا، توسط اهالی روستا	۱۸۵
شکل ۴-۷. ترسیم نقشه اجتماعی و منابع روستا	۱۸۷
شکل ۴-۸. روندنما کاشت، داشت و برداشت نخود	۱۸۹
شکل ۴-۹. ترسیم جدول اولویت بندی مشکلات خوشه کسب و	۱۹۲
شکل ۴-۱۰. جدول اولویت بندی مشکلات خوشه کسب و کار نخود	۱۹۳
شکل ۴-۱۱. مشارکت افراد در ترسیم درخت مشکل	۱۹۶
شکل ۴-۱۲. درخت مشکل بهره‌وری پایین تولیدکنندگان نخود	۱۹۷
شکل ۴-۱۳. حضور افراد در اجرای فن راه حل‌های محلی	۱۹۹
شکل ۴-۱۴. نمودار راه‌حل‌های محلی مشکل بهره‌وری پایین تولیدکنندگان نخود ...	۲۰۰

پیشگفتار

در گذشته‌های دور شرایط جوامع به گونه‌ای بود که هر فردی می‌توانست به تنهایی و تقریباً مستقل از دیگران امورات خود را بگذراند، لیکن پس از تحولات جهانی، اوضاع به شکل دیگری سامان گرفته و رقم خورده است. امروز موفقیت بسیاری از کارها در گرو حضور در یک جمع وسیع محلی و غیر محلی تعریف می‌شود. اصطلاح و مفهوم «زنجیره ارزش» بیان‌کننده‌ی شرایط جدید است. اگر دیروز تولیدکننده‌ای برای عرضه‌ی محصول خود هم با محدودیت زمان، طول روز، روزهای تعطیل و ... و به لحاظ مکان مقید به جغرافیای خاصی همچون بازار سنتی بود، امروز دیگر این محدودیت‌ها وجود ندارد. در هر نقطه‌ای از جغرافیای ملی و حتی جهانی و در هر روز و ساعتی می‌تواند محصول خود را به بازار جدید عرضه کند. این امر در گرو وجود زنجیره‌های ارزش جهانی ظهور پیدا کرده است. اگر این پیش فرض را بپذیریم که دیگر نمی‌توانیم همچون گذشته به تولید و فعالیت بپردازیم، آنگاه ضرورت تغییر در دیدگاه‌های همه مردم دست اندرکار تولید روشن و آشکار می‌شود.

از آنجا که در همه‌ی کشورها، حتا در دنیای صنعتی و شهرنشین فعلی، روستا همچنان کانون تولید به شمار می‌رود، بحث توسعه‌ی پایدار روستایی نیز در صدر توجه اغلب برنامه‌ریزان توسعه می‌باشد. توسعه‌ی روستایی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و به ویژه در کشورهای جهان سوم از شرایط بخصوصی برخوردار است. حال سؤال اساسی این است که برای توسعه‌ی روستایی به شکل پایدار تحت آتمسفر کنونی چکار می‌توان کرد و سیاست‌ها و راهبردها به چه شکلی باید ساماندهی شوند. برای پاسخ به این پرسش، طبیعی است که همراه همه‌ی تغییرات جهانی باید طرحی نو دراندازیم. مردم روستایی ما دیگر قادر نخواهند بود بطور مستقل و جدای از زنجیره تولید و توزیع، در رسته‌های شغلی مربوطه محصول خود را به بازار ارایه کنند. اگر اصرار بر روند قبلی داشته باشند آن خواهد شد که امروز شاهد هستیم. محصولات تولیدی روستایی یکی پس از دیگری از سودآوری ساقط می‌شوند و دیگر تولید آنها صرفه‌ی اقتصادی ندارد. حاصل آن بهره‌وری پایین، بیکاری، دست کشیدن از تولید، روی آوردن به شهرها و تن

دادن به یک زندگی مصرفی و قبول موقعیت شهروند درجه‌ی دو است. در مقابل اگر تغییرات به درستی و منطبق بر واقعیت‌های جامعه صورت بگیرد و مبنای ایجاد اشتغال و توسعه پایدار روستایی بر پایه شناسایی و استفاده از ظرفیت‌های انسانی، طبیعی، فیزیکی و مالی روستا، شناسایی حلقه (های) مفقوده زنجیره‌های تولید به همراه فعال کردن فعالیت‌های جمعی و گروهی همچون شبکه‌ها و خوشه‌ها باشد و بر اساس توسعه خوشه‌ای عمل کرد، می‌توان بخشی از مشکل اشتغال روستایی را برطرف کرد و نتیجه را به گونه‌ای دیگر رقم زد.

خوشه‌ها صرف نظر از تعاریف علمی که در کتاب حاضر به تفصیل به آن پرداخته شده است، در حقیقت شامل تعدادی شبکه هستند که از سویی می‌توانند محصولات تولیدکننده‌های روستایی را بدون واسطه یا با واسطه‌ی محدود به دست مصرف‌کننده‌ها برسانند و از دیگر سو مردمان روستایی ما را از تنهایی و انزوا خارج کنند و نیازهای زنجیره ارزش تولید از ابعاد مختلف اقتصادی، فنی، اجتماعی و شخصیت بخشی به آنها را در بر داشته باشد. به لحاظ سابقه‌ی استفاده، خوشه‌ها ابتدا در صنعت شکل گرفتند و با نام «خوشه‌های صنعتی» در معادلات اقتصادی جایی برای خود پیدا کردند و سپس به جوامع روستایی و بخش کشاورزی راه پیدا کردند. گفتنی است که خوشه‌های کشاورزی هنوز در کشور ما بخوبی معرفی نشده و به عبارت بهتر وجود خارجی ندارند، اما پر واضح است که بر ضرورت تشکیل آنها شکی وجود ندارد. در شناسایی مزیت‌های روستا، پیدا کردن حلقه‌های مفقوده زنجیره ارزش محصولات تولیدی و شکل‌گیری خوشه‌های کشاورزی آنچه از اهمیت ویژه برخوردار است این است که چگونه باید به این مهم پرداخت و راه عملی آن کدام است. اینجاست که بحث «تسهیلگری» مطرح می‌شود. تسهیلگری کارسازی است برای فراهم کردن شرایط، به گونه‌ای که مردم خود وارد میدان عمل شوند و تسهیلگران وظیفه دارند بستر را برای این مهم فراهم کنند. امر تسهیلگری برخلاف ظاهر آن که تصور می‌شود ساده و سهل می‌باشد از سختی‌ها و دشواری‌های بسیاری برخوردار است. تسهیلگران کسانی هستند که فرایند به تحرک درآوردن مردم را می‌دانند و به نکات فنی و اجرایی آن واقف هستند. بنابراین در فرایند ایجاد تغییرات در محیط‌های روستایی و مردم روستایی برای ورود، تشکیل و حضور در

خوشه‌های کشاورزی، برطرف کردن مشکلات زنجیره تولید و ایجاد اشتغال توجه ویژه به این امر مهم بسیار در خور دقت می‌باشد.

با این نوشتار مختصر، نقش کتابی را که در پیش رو دارید در می‌یابیم. این کتاب که کار مدتی طولانی مطالعه، تحقیق و بررسی در سوابق جهانی، تجارب ارزنده‌ی دیگر کشورها و تجارب میدانی در این بحث پر اهمیت را شامل می‌شود؛ بخوبی به کالبد شکافی خوشه‌ها و جزییات آن پرداخته و خواننده را در بطن و متن سازوکارهای تشکیل و توسعه خوشه‌های کشاورزی و مدیریت مبتنی بر خود مردم و مشارکت واقعی آنها در افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال و فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌دهد. ضرورت مطالعه‌ی زیرساخت این کتاب از مدت‌ها احساس می‌شد، تا اینکه به همت آقای دکتر حسین حیدری و در قالب پژوهش رساله‌ی دکتری خود، در یک واکاوی پهنانگر و در عین حال ژرفانگر و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای مختلف دیگر، تحقیق به اجرا درآمد. اینک شما بخشی از این پژوهش مهم و کاربردی را ملاحظه می‌کنید که می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان کشور باشد. این کتاب نیز همانند هر نوشتار دیگری می‌تواند از کاستی‌هایی برخوردار باشد. سپاسگزار خواهیم شد از نقد علمی و منصفانه‌ی صاحبان فکر و اندیشه بهره‌مند شویم.

در پایان از یاری علمی جناب آقای دکتر علیرضا دربان آستانه و سرکار خانم مهندس سروناز احمدی تشکر و قدردانی می‌شود. همچنین از همراهی اساتید محترم موسسه آموزش و ترویج کشاورزی، اعضای محترم شورای نشر سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و داوران محترم این اثر تشکر و سپاسگزاری به عمل می‌آید.

با سپاس بیکران
دکتر حسین حیدری
دکتر عبدالحمید پاپ زن

مقدمه (دیباچه):

دنیای امروز سرشار از شگفتی‌هاست که در زمینه‌های گوناگون خودنمایی می‌کند، دنیای روستا نیز بسیار پیچیده و شگفتی‌ساز می‌باشد. اگر قرار است توسعه روستایی به معنای درست کلمه محقق شود، آشکاراست که هم باید روستا را به درستی شناخت و هم تلاش کرد از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوان آن به بهترین وجه ممکن بهره برد.

خوشه‌ها از جمله سازواره‌های مناسبی هستند که ضمن متشکل کردن و شبکه‌سازی در بین مشاغل مختلف روستایی، زمینه‌های یاد شده را برای تجلی و تبلور ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مردم و طبیعت و استعداد روستا و روستایی را فراهم می‌نماید. ماهیت و ساختار خوشه به گونه‌ای است که مردم روستا از یک سو بدون داشتن دغدغه‌ی تنها بودن و قطره‌ی جدا از دریا و از سوی دیگر به نمایش گذاشتن استعدادهای توانایی‌های خود مبادرت می‌کنند. گسترش و توسعه کسب و کارهای روستایی و ایجاد اشتغال پایدار از طریق توسعه رسته‌های شغلی مختلف روستایی، از جمله اثرات تأسیس و پاگیری خوشه‌های روستایی است که خود می‌تواند به شکل مؤثری از مهاجرت روستاییان به شهر جلوگیری کند و طبیعتاً مانع اثرات جانبی مهاجرت‌های منفی گردد. بدیهی است گسترش و توسعه خوشه کسب و کارهای روستایی امری تخصصی و نیازمند فراگیری سازوکارهایی است که متولیان این حرکت مؤثر باید بدان مجهز باشند. اما برای رسیدن به خوشه و رسته کسب و کارهای روستایی هر منطقه، حلقه‌های مفقوده کسب و کارهای دارای مزیت به فنون مشارکتی روستایی نیاز است. چراکه با مشارکت روستاییان می‌توان کسب و کارهای فعال منطقه را استخراج کرده و در قدم بعدی اقدام به خوشه‌ای کردن و شبکه‌ای کردن کسب و کارها کرد و از طریق اعضای آن کسب و کارها به بررسی مشکلات احتمالی موجود در رسته پرداخت و با توجه به شناسایی دیگر ظرفیت‌های موجود در روستا اقدامات لازم را انجام داد. لذا تسهیلگری یکی از اساسی‌ترین شیوه‌های لازم برای این امر به شمار می‌رود.

با توجه به اینکه عمده کسب و کارهای موجود در روستاها و تولیدات روستاییان به صورت خام فروشی عرضه می‌گردند، لذا یکی از اقدامات مؤثر در زمینه اشتغالزایی و افزایش بهره‌وری و حتی خوشه‌ای کردن کسب و کارها، فراوری محصولات و صنایع کوچک روستایی می‌باشد که می‌تواند ارزش افزوده به محصولات دهد و زنجیره ارزش کسب و کارها را تکمیل کند. بر این اساس کتاب پیش‌روی به طور مؤثر به این مفهوم پرداخته است به گونه‌ای که در فصل اول رویکردهای موجود در توسعه روستایی و توسعه کسب و کارها مورد بررسی قرار گرفته و

برنامه‌های مختلف توسعه‌ای قبل و بعد انقلاب و تأثیر آنها بر توسعه روستاها تحلیل و نقد شده است. نهایتاً در انتهای فصل اول مدل اشتغالزایی روستایی و توسعه کسب و کارها همراه با ویژگی‌های آن ارائه شده است. در این الگو صنایع روستایی، خوشه کسب و کارهای روستایی و فنون تسهیلمگری به عنوان بسترهای لازم جهت توسعه کسب و کارهای روستایی بیان شده‌اند که عنوان هر کدام از فصل‌های بعدی کتاب را تشکیل می‌دهند.

در فصل دوم به بررسی صنایع روستایی و انواع آن و نقش این صنایع در اشتغالزایی روستایی پرداخته شده است. فصل سوم در مورد خوشه‌های کسب و کارهای کشاورزی و ارتباط آن با توسعه کسب و کارهای روستایی است، در این فصل نیز ابتدا مفاهیم مرتبط با خوشه‌های صنعتی و کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه ویژگی و ساختار خوشه‌ها، عوامل مؤثر در موفقیت خوشه کسب و کارهای کشاورزی و نقش خوشه‌های کشاورزی در توسعه کسب و کارهای روستایی مورد بررسی قرار گرفته است، در انتهای این فصل نیز مدل توسعه خوشه‌ای و تحلیل زنجیره ارزش کسب و کارها و چگونگی اجرای آن توسط سازمان جهاد کشاورزی بیان شده است. فصل چهارم کتاب نیز به بررسی نقش فنون تسهیلمگری در توسعه خوشه کسب و کارهای روستایی پرداخته است. در این فصل ابتدا تعاریفی از مشارکت و انواع مشارکت بیان شده است و در ادامه ویژگی‌های یک تسهیلمگر خوب به منظور آشنایی تسهیلمگران با وظایف‌شان ارائه شده است. نهایتاً به بررسی انواع ابزارها و فنون تسهیلمگری که می‌توانند در زمینه توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و تحلیل زنجیره ارزش آنها به تیم توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی کمک کنند، پرداخته شده است. بنابراین هدف از نگارش این کتاب ارائه یک الگو و روش کار مناسب جهت توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی می‌باشد که بتواند به سازمان‌ها و نهادهایی که در امر توسعه کشاورزی و توسعه روستایی فعالیت می‌کنند، کمک کند.

فصل اول

رویکردها، راهبردها و بسترهای توسعه روستایی

مقدمه

توسعه روستایی، مفهومی همه جانبه و کل نگر است که علاوه بر عمران و آبادانی روستا، همه جنبه‌های حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا را در بر می‌گیرد. یک برنامه‌ریزی آرمانی و هدفمند در مناطق روستایی، نیازمند رویکردی جامع است که باید ناظر به این ویژگی‌ها و پوشش دهنده آنها باشد (توحیدلو و مجردی، ۱۴۰۱). توسعه روستایی یکی از مسائل بسیار مهم و جدی در کشورهای در حال توسعه است (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۲). سرنوشت اغلب کشورهای جهان در هر دوره از تاریخ به سرنوشت روستاها بستگی داشته است. یکی از خصیصه‌های بارز روستا آن است که تأمین کننده غذای بشر است و می‌تواند بدون تکیه به شهر، به حیات خود ادامه دهد. در حالی که شهر بدون روستا و بهره‌گیری از منابع آن محکوم به نابودی است. جمله زیبای سقراط که می‌گوید: «نظامی می‌تواند بر آتن حکومت کند که بتواند غذای مردم آن را تأمین نماید» مؤید این مطلب است. به طور کلی توسعه روستایی به عنوان راهبردی جهت بهبود زندگی اجتماعی - اقتصادی مردم روستایی در نظر گرفته شده است. به علاوه آن شامل انتشار منافع توسعه در بین کم برخوردارترین افراد نواحی روستایی یا به عبارت دیگر کشاورزان کوچک، اجاره‌داران، افراد فاقد زمین و دیگر گروه‌های کم برخوردار است (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶). از آنجا که یکی از اهداف اصلی توسعه روستایی کاهش فقر است، برنامه‌های توسعه روستایی باید به منظور افزایش تولید، بهبود بهره‌وری، توسعه منابع انسانی و گسترش فرصت‌های اشتغال طراحی شود و روند توسعه نیز نباید بنیان‌های محیطی را تخریب کند. با توجه به ماهیت چندبعدی فعالیت‌های توسعه روستایی و این باور که برنامه‌ریزی توسعه روستایی با تمرکز بر یک بعد تحقق نمی‌یابد، عبارت «توسعه همه جانبه» یا «یکپارچه» برای توجه به اهداف مختلف توسعه روستایی استفاده می‌شود.

توسعه روستایی

توسعه روستایی مفهوم مهمی در توسعه ملی است. روستاها به عنوان مجتمع‌های زیستی و بستر اصلی فعالیت‌های زراعی، تبلور حیات اقتصادی - اجتماعی کشورمان هستند که با چالش‌های متعددی از جمله کم سوادگی کشاورزان، درآمد پائین و بیکاری فصلی، ماشینی نبودن فعالیت‌ها و ... روبرو هستند. مفهوم رشد و توسعه غالباً به یک معنی به کار می‌رود در حالی که رشد مفهومی تک بعدی دارد و منظور از آن ازدیاد کمی ثروت در جامعه است و

معمولاً با شاخص‌هایی نظیر درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود. اما توسعه مفهومی چند بعدی است که علاوه بر ازدیاد کمی ثروت جامعه از تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز حکایت دارد (امینی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲).

میسرا معتقد است که توسعه باید حالت دوقطبی را تضعیف کند و مشکلات فقر را برطرف نماید، وی معتقد است که توسعه باید به وسیله مردم آغاز و مدیریت شود و رشد اقتصادی را به بار آورد. همچنین توسعه روستایی باید ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را در مسیر ریشه‌کنی فقر و ایجاد مساوات تغییر دهد و بایستی الگوی توسعه هر جامعه‌ای بر اساس میراث فرهنگی و منابع هر کشور باشد که نهایتاً به توسعه همه جانبه روستایی منجر شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). دکتر ازکیا توسعه روستایی را بهبود شرایط زندگی توده‌ها و قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آن‌ها می‌داند (ازکیا، ۱۳۹۱). همچنین توسعه روستایی را یک راهبرد برای اصلاح وضع اقتصادی و اجتماعی گروه‌های خاصی از مردم که قشرهای کم برخوردار جامعه بشمار می‌روند، تعریف کرده‌اند (شهبازی، ۱۳۹۵) از دیدگاه‌های دیگر توسعه روستایی، علاوه بر اینکه به منظور تأمین زندگی بهتر و بالا بردن فرآورده‌های روستاییان از طبیعت صورت می‌گیرد، باید حراست از پایه‌های بوم‌شناسی را در برابر فشار ناشی از افزایش جمعیت و توسعه فناوری بر عهده گیرد، اینجاست که بحث توسعه پایدار روستایی مطرح می‌شود. توسعه پایدار در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی مطرح می‌باشد. کاربرد توسعه پایدار برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۷۰، توسط باربارا وارد، مطرح شد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). به طور کلی توسعه روستایی، فرآیند توسعه دادن و مورد استفاده قرار دادن منابع طبیعی و انسانی، فناوری، نهادها و سازمان‌ها، سیاست‌های دولت و برنامه‌ها در مناطق روستایی جهت ایجاد شغل و بهبود کیفیت زندگی روستایی برای ادامه زندگی و حفظ منابع در دسترس برای نسل‌های آیندگان است. این جریان علاوه بر رشد اقتصادی، درگیر تغییرات در طرز تلقی و در بسیاری موارد حتی شامل تغییر در عادات و اعتقادات مردم می‌باشد، زیرا جریان توسعه روستایی در برگیرنده تمامی قدم‌های تغییر است که به وسیله آن یک سیستم اجتماعی روستایی از شرایط زندگی که غیرمطلوب به نظر می‌رسد، به طرف شرایط مطلوب مادی و روحی حرکت می‌کند. در یک کلام توسعه روستایی جریانی است که مردم روستایی را هدایت می‌کند تا خود را جهت کنترل بر محیط خویش بالا ببرند. این جریان با توزیع بیشتر منافع بین مردم که خود نتیجه چنان کنترلی بر محیط است همراه می‌شود.

رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی

گرچه کشورها عمدتاً از لحاظ اهداف، سیاستها و ایدئولوژیها در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر متفاوت‌اند، اما با این وجود دو شیوه کلی برنامه‌ریزی روستایی در کشورهای جهان سوم وجود دارد. اول شیوه «بهبود^۱» (راهبرد فن سالارانه و اصلاح‌گرا) است که هدف آن تشویق توسعه کشاورزی در درون نظام‌های تولید دهقانی موجود می‌باشد، دیگری راهبرد «دگرگون‌سازی^۲» (راهبرد ریشه‌ای) هست که کوششی است در جهت برقراری اشکال جدید کشاورزی و سازمان اجتماعی و اساساً به دگرگونی نظام‌های دهقانی موجود از لحاظ اندازه مزارع، شیوه‌های تولید و ساخت اجتماعی و حقوق می‌پردازد (جدول شماره ۱) (ازکیا، ۱۳۹۱). راهبرد بهبود بعد از جنگ جهانی دوم، با توجه به تجربه مدل غربی توسعه و با تأکید بر جنبه‌های فن سالارانه مدل رشد، بازار آزاد و انگاره شناسی سرمایه‌داری مطرح گردید و راهبرد دگرگون‌سازی یا رادیکال از دهه ۱۹۶۰ به دنبال انتقاد از راهبردهای قبلی ظاهر شد (شکوری، ۱۳۹۰).

جدول ۱-۱. انواع شیوه‌های توسعه روستایی

کشورهای نمونه	انگاره شناسی	وضع مالکیت اراضی	استفاده کنندگان عمده	اهداف	شیوه توسعه
فیلیپین و برزیل	سرمایه‌داری	مالکیت بزرگ خصوصی، شرکت‌های لاتیفوندا، نظام‌های اجاره‌ای	مالکین بزرگ	افزایش تولید	فن سالارانه
مصر و مکزیک	ملی‌گرا	بهره‌برداری خانوادگی، تعاونی‌ها	دهقانان متوسط، زارعان پیشرو	توزیع مجدد درآمد و ثروت، افزایش تولید	اصلاح‌گرا
چین، کوبا و الجزایر	جامعه‌گرا	مالکیت جمعی، کمون‌ها، مزارع دولتی	دهقانان خرده پا، کارگران کشاورزی بدون زمین	دگرگونی اجتماعی، توزیع مجدد قدرت سیاسی، ثروت و افزایش تولید	ریشه‌ای

منبع: (ازکیا، ۱۳۹۱)

- 1-Improvement
2-Transformation

بنابراین هر چند راهبردهای توسعه روستایی ممکن است با عنوان‌های خیلی کلی گروه‌بندی شوند، اما بیشتر کشورهای جهان سوم سیاست‌های برخوردار از عنصر فن‌سالارانه پذیرا شده‌اند. هدف عمده این سیاست‌ها افزایش بهره‌وری خصوصاً در بخش کشاورزی است که محور انقلاب سبز است. چنین شیوه‌ای (سیاست‌های فن‌سالارانه) جایگزین ساختارهایی می‌شود که از نابرابری درآمدها و دسترسی به منابع حمایت می‌کند. در نتیجه به ویژه در مراحل اولیه، چنین سیاست‌هایی به نفع زارعان ثروتمندتر تمام می‌شود. این راهبرد گاهی اوقات بر اساس دو علت توجیه می‌شود:

اول- به حداکثر رساندن رشد کشاورزی

دوم- تعدیل ثروت و منابع که پرهزینه و از لحاظ سیاسی غیر قابل قبول خواهد بود.

راهبرد بنیادی (ریشه‌ای) بر تغییرات عمده اجتماعی متکی بوده و ضمن نپذیرفتن شیوه سرمایه‌داری (کاپیتالیستی) در برقراری شکلی از اشکال جامعه‌گرا تلاش می‌کند. این شیوه انقلابی مبتنی بر پذیرش علل ساختاری فقر بوده است، بنابراین در اولین مرحله از بین بردن فقر، باید فرآیندهایی که باعث تداوم فقر بوده‌اند از میان برداشته شوند. در سال‌های اخیر بیشترین توجه این راهبرد معطوف به برنامه‌های توسعه روستایی کشورهای جامعه‌گرا مخصوصاً چین و کوبا بوده است. هدف اصلی این راهبرد، نیل به تغییر اجتماعی سریع و توزیع قدرت سیاسی بود و به اهداف اجتماعی نسبت به اهداف اقتصادی اولویت بیشتری می‌داد. ذینفعان اصلی این راهبرد دهقانان خرده پا و نیروی کار بی زمین بودند، اما به دلیل اولویت پایینی که به فناوری جدید داده می‌شد، رشد آن خیلی پایین بود (شکوری، ۱۳۹۰). شیوه‌های اصلاح‌گرا اساساً حد متوسطی از راهبردهای فن‌مدار و بنیادی برای ایجاد تحول هستند. چنین سیاست‌هایی اشکال متنوعی به خود می‌گیرد، اما در اصل همه آنها شامل تلاش‌هایی برای تعدیل قدرت، درآمد و دسترسی به منابع‌اند. ایدئولوژی حاکم بر این راهبرد غالباً ملی‌گرایانه و گاهی مردم‌گرایانه است. با این وجود، بروکراسی ابزار عمل اصلی است و در موارد خاص کوشش می‌شود مشارکت مردم در توسعه روستایی از طریق احزاب سیاسی دولت‌های محلی و تعاونی‌ها به دست آید. با این وجود ذینفعان این سیاست زمین‌داران بزرگ و متوسط بوده‌اند (شکوری، ۱۳۹۰)، بنابراین واضح است که کشورها و مناطق مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویت‌ها، رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند و قطعاً نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف

بر برخی برنامه‌های خاص در روستاها و بدون در نظر گرفتن راهبرد توسعه روستایی، توفیق چندانی که پایدار و ماندگار نیز باشد بدست آورد.

با بررسی تجارب و سوابق کشورهای گوناگون در برنامه‌ریزی توسعه روستایی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون می‌توان رویکردها و راهبردهای مورد استفاده در این زمینه را تفکیک و مشخص کرد. به طوری که رویکردهای به کار رفته را به چهار گروه طبقه بندی و متناسب هر رویکرد راهبردهای متعددی ذکر کرد (رضوانی، ۱۳۹۳). هرچند مدل‌های رایج برای توسعه روستایی، با توجه به اینکه از چه دیدگاهی ارائه شده باشد متفاوت‌اند و کشورها نمی‌توانند آزادانه سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی را که به اصطلاح در کشوری توفیق داشته به کار ببرند، اما با این وجود اقتباس سیاست‌های توسعه حداقل از کشورهایی که دارای ویژگی‌های مشابه‌اند، امکان‌پذیر می‌باشد. در این راستا، به منظور آشنایی بیشتر با رویکردهای توسعه روستایی در سطح دنیا از دهه ۱۹۵۰ تاکنون، به بررسی چهار رویکرد اصلی توسعه روستایی پرداخته شده است.

رویکردهای اقتصادی

– راهبرد توسعه کشاورزی (انقلاب سبز)

راهبرد توسعه کشاورزی از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ارائه شده و هدف آن افزایش تولید و بهره‌وری بدون تغییر بنیادی در نظام حقوقی و اجتماعی بوده است. در آن زمان با توجه به اینکه بیشتر مردم کشورهای جهان سوم در مناطق روستایی زندگی می‌کردند، اغلب آنها به کشاورزی مشغول و اکثریت آن‌ها کم برخوردار بوده‌اند، از این رو دادن اولویت به توسعه کشاورزی نیاز چندانی به استدلال نداشت (گریفین، ۱۳۹۷)، این راهبرد (انقلاب سبز) دارای دو معنای نسبتاً متفاوت است: یکی به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی، به طوری که این تحول باعث کاهش کمبود مواد غذایی در کشور و مشکلات کشاورزی شود، دیگری به معنی بهبود نباتات خاص (بویژه گسترش انواع بذر اصلاح شده و تولید زیاد آن‌ها) است (مطیعی لنگرودی و شمسایی، ۱۳۹۴).

بنابراین پدیده انقلاب سبز بر اثر رشد قابل ملاحظه تولید دانه‌های غذایی در نتیجه استفاده از بذر و نهاده‌های جدید تولید کشاورزی در بخشی از هند، پاکستان، تایلند، فیلیپین و برخی از نواحی آمریکای جنوبی به وقوع پیوست. اثر بکارگیری نهاده‌های جدید به حدی بود که کشور هند که در سال‌های میانی دهه‌ی ۱۹۶۰ با کمبود شدید مواد غذایی و قحطی روبرو

بود، در اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع به صادرات برنج به بازارهای دنیا کرد (جمعه پور، ۱۳۹۴)، اما با وجود این بر اساس مطالعات میسرا «انقلاب سبز» باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی نشده و بعضاً باعث بروز اختلافاتی مابین نواحی روستایی نیز شده است. بسیاری از کشورهای کم توسعه یافته راهبردی را برای توسعه روستایی انتخاب و از آن پیروی کرده‌اند که اصلی‌ترین هدف اقتصادی آن افزایش بازده کشاورزی بوده است. تأثیر اساسی اتخاذ جدی این راهبرد در چندین کشور در حال توسعه، بوجود آمدن به اصطلاح «انقلاب سبز» بود، ولی این راهبرد نتوانست شرایط زندگی فقرای روستایی را بهبود بخشد. البته نه به این خاطر که به طور سرشتی برنامه غلط و نامناسبی بود، بلکه به دلیل این واقعیت که دولت‌ها، سایر راهبردهای توسعه روستایی را با همان تعهد و جدیت دنبال نکردند و از برنامه‌های اصلاحات ارضی، صنعتی کردن روستا و سایر اصلاحات نهادی روستایی عقب ماندند. این وضع منجر به اثرات نامساعد در زندگی زارعین بی زمین و کوچک گردید.

– راهبرد اصلاحات ارضی

یکی دیگر از جنبه‌های حاصل از راهبردهای توسعه روستایی از رویکردهای اقتصادی، «اصلاحات ارضی» بود که تأثیر عمده‌ای در ساختار طبقات اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی به جای گذاشته است. این راهبرد که از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ارائه شده است، به هر نوع تغییری که در وضع زمین‌داری ایجاد شود و موجب بهره‌برداری بهینه از اراضی کشاورزی و توزیع مجدد زمین گردد، اطلاق می‌شد.

تصمیم درباره اجرای اصلاحات ارضی ناشی از مشکلات فزاینده جامعه کشاورزی، از جمله شکاف عمده در توزیع زمین میان اقشار مختلف اجتماعی و یا نگرانی‌های سیاسی حاصل از تهدید و یا تصرف اراضی بزرگ مالکان توسط جامعه دهقانی است (ازکیا، ۱۳۹۱)، بنابراین اکثر کشورهای جهان، بر اثر گذر از یک ساخت ارضی به ساختی دیگر، اصلاحات ارضی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی خود گنجانده‌اند. به عبارت دیگر، تجدید ساختار تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خویش قلمداد نموده‌اند. ایران نیز یکی از این کشورها بود که در اسفند ماه ۱۳۳۹ قانون اصلاحات ارضی را تصویب کرد و در سال ۱۳۴۱ شروع و در سه مرحله به اجرا گذاشته شد، الگوی مالکیت و نظام بهره‌برداری ارضی در سراسر کشور تحت تأثیر آن قرار گرفت (کلانتری، ۱۳۹۰). این قانون در سه مرحله به اجرا درآمد:

در مرحله نخست تعیین شد که هیچ مالکی بیش از یک ده شش‌دانگ یا شش‌دانگ زمین در چند ده مختلف نداشته باشد. دولت زمین‌های مازاد بزرگ مالکان را خریداری و بخش‌هایی که دارای زارعان صاحب نسق بودند را به صورت اقساطی به آنها فروخته و زمین‌های بلاکشت باقی‌مانده تحت عنوان اراضی دولتی در اختیار دولت قرار می‌گرفت. با فروش سهام کارخانجات دولتی ترتیب باز پرداخت بهای زمین‌ها به مالکان فراهم گردید.

در مرحله دوم در سال ۱۳۴۳ مالکینی که اراضی آنها در مرحله اول از قانون اصلاحات ارضی مستثنی شده بودند و یا تکلیف آنها تعیین نشده بود، مقرر شد که صاحبان زمین‌های استیجاری می‌باید یا به تقسیم درآمد حاصل از اجاره بپردازند یا بر اساس قراردادهای اجاره، زمین‌ها را به زارعان بفروشند. به عبارت دیگر مالکان مؤظف شدند که یا ملک کشاورزی خود را برای سی سال به کشاورزان اجاره نقدی دهند یا آن را با توافق بدان‌ها بفروشند. بدین ترتیب حداکثر مالکیت زمین‌ها در دست یک مالک بسیار محدود شد. املاک موقوفه عام نیز بر اساس درآمد آن زمین به اجاره دراز مدت ۹۹ ساله به کشاورزان واگذار گردید. در مورد موقوفات خاص متولیان مجبور به فروش آن‌ها به دولت و تقسیم آن بین کشاورزان شدند.

در مرحله سوم در سال ۱۳۴۷، مالکانی که ملک خود را اجاره داده بودند، بر اساس قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستأجر مصوب ۱۳۴۷ ملزم شدند یا زمین خود را به زارعان بفروشند؛ یا با رضایت مالک و زارع به نسبت بهره مالکانه یا عرف محل آن را با یکدیگر تقسیم کنند. اما علی‌رغم آن به دلیل اینکه توافق طرفین در مورد قیمت زمین ضرورت داشت، بنابراین عملاً مالکان اراضی خود را بسیار بالاتر از قیمتی که قانون تعیین کرده بود به فروش رساندند و یا در عمل اراضی مرغوب را برای خود نگه داشتند و اراضی پست را در اختیار زارعان قرار دادند (کلاتری، ۱۳۹۰).

به طور کلی اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۴۱ در ایران شروع و طی سه مرحله تا سال ۱۳۵۱ ادامه داشت، نظام ارباب رعیتی حاکم بر مناسبات ارضی را دچار تحول کرد. به طوریکه از یک طرف مالکیت ارباب - رعیتی همراه با نظام سهم‌بری به تدریج جای خود را به تصرف ملکی اراضی توسط زارعان و شیوه بهره‌برداری خرده مالکی داد و با تغییر الگوی مدیریت کشاورزی و روستایی سنتی، تشکل‌های جدید کشاورزی نظیر شرکت‌های سهامی زراعی، کشت و صنعت‌ها و تعاونی‌های تولید را به اجرا گذاشت.

– راهبرد توسعه صنعتی

از آنجا که کشاورزی فی نفسه دیگر نمی‌توانست به اندازه کافی از مناطق پر جمعیت روستایی حمایت کند و صرف زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و سودمندی را برای جمعیت روستایی فراهم کند، لذا نیاز به جایگزینی با عنوان توسعه صنعتی روستاها، لحاظ شد (نوروزی آورگانی، ۱۳۹۰) ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی و طرح آن به عنوان مکمل و پشتیبان کشاورزی و همچنین جانشینی نیرومند برای جذب نیروهای کار مازاد بر فعالیت‌های بخش کشاورزی در مناطق روستایی و بعلاوه تأمین بخش‌هایی از نیازهای صنایع بزرگ از هدف‌های اساسی ایجاد و توسعه صنایع روستایی است، بنابراین می‌توان گفت که صنایع کوچک و روستایی بی‌گمان تولید مقدار زیادی از کالاهای مصرفی و کالاهای تولید ساده را تسریع نموده، امکان اشتغال را افزایش داده و باعث رشد استعدادها و علاقه کاری می‌شوند و بکارگیری مؤثر آنها موجب گسترش فعالیت‌های صنعتی و ترقی روز افزون خواهد شد. در این زمینه، تجربیات توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان بیانگر آن است که مشکلات کمبود درآمد روستاییان و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از آن را نمی‌توان فقط با انتقال دانش فنی، فناوری و انتقال سرمایه‌های مادی به مناطق روستایی حل شده پنداشت. راهکار مهمتری که سیاستگذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی باید به آن توجه کنند، راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک روستایی و فراهم کردن بستری برای رشد و گسترش آن‌هاست (نجفی و صفا، ۱۳۹۳). کسب‌وکارهای کوچک روستایی و خانگی به طور مشخص بخشی تأثیرگذار از اقتصاد روستایی محسوب می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۸) که زمینه ایجاد اشتغال و ماندگاری در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی را فراهم می‌کند و موجب افزایش درآمد و بهبود کیفیت زندگی روستاییان می‌شود (گیبسون و اولیویا^۱، ۲۰۰۹). فعالیت در این عرصه علاوه بر اینکه موجب ایجاد اشتغال و کنترل بیکاری می‌شود، می‌تواند به افزایش اعتمادبه‌نفس، خوداتکایی و در نهایت توانمندسازی روستاییان منجر شود (سعدی و همکاران، ۱۳۹۳). در مجموع داشتن چنین مشخصه‌هایی سبب شده تا برخی متخصصان، ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای خرد مقیاس و خانگی را مهم‌ترین راهکار دستیابی به توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم در نظر گیرند. از دیدگاه تاریخی، مسأله توسعه کشاورزی، تبدیل بخش کشاورزی ایستا به یک کشاورزی پویای مدرن نیست، بلکه سرعت بخشیدن به

1- Gibosen & Olivia

افزایش بهره‌وری محصولات کشاورزی در جهت متناسب ساختن آن با رشد سایر بخش‌های یک اقتصاد در حال گذار است. بهتر است که صنایع روستایی در راستای تکمیل کردن زنجیره ارزش محصولات تولیدی در روستاها و با توجه به مزیت هر منطقه ایجاد شوند.

رویکردهای اجتماعی:

– راهبرد تأمین نیازهای اساسی^۱

این راهبرد از دهه ۱۹۷۰ با هدف رفع نیازهای اساسی کم برخوردارترین قشر جمعیت کشورهای در حال توسعه ارائه شده و تغذیه بهتر، آب آشامیدنی سالم، لباس و مسکن مناسب، آموزش و خدمات پزشکی را جزء نیازهای اساسی معرفی کرده است. با شکست در بهبود بخشیدن به وضع رفاهی مردم حتی در کشورهایی که دارای رشد اقتصادی سریعی بودند، تأکید بر تأمین نیازهای اساسی مردم کم برخوردار به عنوان هدف اولیه توسعه، معطوف گردید.

از آنجا که اکثریت مردم کم برخوردار در مناطق روستایی زندگی می‌کردند، مفهوم تأمین نیازهای اساسی، نهایت توسعه روستایی بود و پیشنهاد گردید که تصویر کلی توسعه بر چهار اصل اساسی قرار داده شود: اول اینکه مسئله مهم توسعه تحت عنوان یک مبارزه آگاهانه با بدترین شکل فقر، باید مجدداً تعریف گردد. ثانیاً، برنامه‌ریزی مصرف باید نقش محوری به خود گرفته و برنامه‌ریزی تولید به آن مرتبط گردد. ثالثاً لازم است به تولید بیشتر و توزیع بهتر در کنار یکدیگر توجه بیشتری مبذول گردد. رابعاً، لازم است اشتغال به عنوان یک هدف اولیه در توسعه روستایی مطرح گردد (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶).

با وجود بحث‌های گوناگون در مورد اینکه نیازهای اساسی چه چیزهایی را در بر می‌گیرد، دولت‌های اغلب کشورهای در حال توسعه، مجذوب مفهوم کلی این نظریه گردیدند و اهمیت زیادی برای آموزش ابتدایی، امکانات اولیه بهداشتی، آب آشامیدنی، راه‌های روستایی، مسکن روستایی، برق‌رسانی به روستاها و ... قائل شدند. با وجود این که راهبرد نیازهای اساسی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی تأثیر گذاشت، اما نتوانست علت اساسی فقر را از بین ببرد، بلکه مبارزه آن با آثار فقر بود که البته کم و بیش با موفقیت‌هایی نیز همراه بود (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶).

برای بررسی اثر نیازهای اساسی بر رشد و تولید اقتصادی، کوشش‌های بسیار شده است. گروهی آن را لازمه دستیابی به توسعه می‌دانند و معتقدند که بهبود نیازهای اساسی باعث بالا

1- Basic needs

رفتن کیفیت و کارایی نیروی انسانی می‌شود. گروهی دیگر آن را گام توسعه نیافتگی می‌دانند و معتقدند که باعث افزایش هزینه‌های مصرفی و کاهش سهم سرمایه‌گذاری در بخش تولید می‌گردد. تجربه‌ی چین به عنوان نمونه‌ای موفق و تجربه‌ی ایران به عنوان نمونه‌ی ناموفق در این زمینه مثال‌های خوبی است (جمعه پور، ۱۳۹۴).

– راهبرد مشارکت در توسعه روستایی

از دهه ۱۹۷۰ توجه و علاقه‌ی فزاینده‌ای به رویکردهای مشارکتی با هدف تکمیل سایر راهبردها بوجود آمد. از این دیدگاه، مردم هم وسیله و هم هدف توسعه هستند. طرح‌های توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به خاطر محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند. در این راهبرد باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد (نوروزی آوارگانی، ۱۳۹۰).

محورهای اصلی این راهبرد عبارتند از: تأکید بیشتر بر نیازهای مردم، تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی، بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک که مردم قادر به اجرای آن باشند، کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل، افزایش درآمدهای آنان، تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه (نوروزی آوارگانی، ۱۳۹۰).

این برنامه اهداف توسعه اقتصادی و سیاسی را همزمان شامل می‌شد و نوید می‌داد که علاوه بر اینکه پایه‌های نهادهای مردم سالارانه را بنا کند، بدون تحولات انقلابی در نظم سیاسی و اقتصادی موجود در تأمین رفاه مادی روستاییان نیز مشارکت نماید. بنابراین مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌ها با هدف اتخاذ تصمیم‌های جمعی، همیاری در توسعه و بهره‌مندی همگانی از ثمرات آن است که می‌تواند در تمامی مراحل مختلف تصمیم‌گیری، اجرا (عملیات، مدیریت و اطلاع رسانی)، تقسیم منافع و ارزیابی وجود داشته باشد.

– راهبرد توسعه اجتماعات محلی (توسعه جامعه‌ای)

این راهبرد در دهه اول پس از جنگ جهانی دوم و در خلال سال‌های ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ به‌عنوان مؤثرترین روش کاهش فقر، توجه سازمان‌های کمک‌کننده توسعه و حکومت‌های

ملی را به خود معطوف داشت، تا از طریق نهادهای محلی، اجتماعات روستایی به بسیج منافع موجود خود برای رشد و ارتقاء سطح زندگی اقدام کنند. این راهبرد راهکاری مؤثر در مقابل نفوذ جامعه‌گرا نوظهور در کشورهای توسعه نیافته تلقی می‌شد و دارای سه ویژگی عمده بود: ایجاد زمینه مشارکت مستقیم مردم در حل مشکلات اجتماع محلی، تأکید بر مردم سالارانه بودن فرآیند حل مشکل توسط مردم، فعال‌سازی مردم محلی و کمک به حل مشکلات آنان از طریق معرفی فناوری جدید. این راهبرد بر نهادهای محلی، بسیج امکانات و منابع محلی تأکید می‌کند (رضوانی، ۱۳۹۳).

– راهبرد رخنه به پایین

این راهبرد در طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با هدف کاهش فقر و مبتنی بر اثر قطره‌ای یا تراوش ارائه گردید. بر پایه این روش نیروی کار از بخش معیشتی روستایی به داخل بخش صنعتی شهری مدرن منتقل می‌گردد. همچنین سرمایه‌گذاری در مناطق خاص و توسعه منطقه‌ای با هدف اثرگذاری بر مناطق حاشیه‌ای از راه‌های دیگر راهبرد رخنه به پایین بود که اساساً در مناطق روستایی با شکست مواجه شد. این رهیافت عمدتاً موجب برخورداری مناطق ویژه و گروه‌های خاصی از روستاییان و افزایش فاصله بین طبقه‌های اجتماعی گردید (رضوانی، ۱۳۹۳).

رویکردهای کالبدی - فضایی

با پایان دهه‌ی ۱۹۶۰، در اکثر کشورهای جهان سوم، راهبردهای توسعه بر پایه یک جداسازی دقیق بخشی^۱ استوار بودند و در آغاز به اصطلاح بنیادگرایی صنعتی^۲ که به شدت از ایجاد یک بخش بزرگ مقیاس و نوین تولید صنعتی جانبداری می‌کرد، در همه جا چیره بود. بر اثر نتایج این رهیافت، بنیادگرایی کشاورزی^۳ رو به پیشرفت نهاد که تأکید بر افزایش بهره‌وری کشاورزی و تجاری کردن به عنوان پیش شرط رشد اقتصادی پایا^۴ می‌کرد. به علت ماهیت بخشی^۵ رهیافت‌های بکار رفته، بعد فضایی طرح‌ریزی توسعه، مورد توجه قرار گرفت،

1- Sectoral segregation

2-Industrial fundamentalism

3- Agricultural fundamentalism

4-Sustained economic growth

5- Sectoral nature

بنابراین می‌توان گفت رویکردهای کالبدی - فضایی به دنبال ایجاد نابرابری‌های فضایی - مکانی حاصل از راهبردهایی که تنها تأکید بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی داشتند، مطرح گردیدند و پس از مدتی آنچنان توجه صاحب نظران مباحث توسعه را به خود جلب کردند که به عنوان مسئله مهم در بحث برنامه‌ریزی توسعه مطرح شدند (رضوانی، ۱۳۹۳).

– راهبرد توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی

توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی (تسهیلات و خدمات بهداشتی، آموزشی و ...) به عنوان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی می‌توانند در بهبود کیفیت زندگی و افزایش توانایی مردم از یک طرف و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آن از طرف دیگر مؤثر باشند. به بیانی دیگر، اگر موفق شدیم در یک برنامه‌ریزی جامع و با اهداف خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی و با بسیج تمامی امکانات، سطح تولید را در مناطق روستایی به چنان سطحی برسانیم که توازن در درآمد خانوارهای ساکن در مناطق روستایی و شهری بوجود آید، ولی در ارائه خدمات رفاهی نتوانیم بین مناطق مذکور توازنی را بوجود بیاوریم، جاذبه‌های شهری، روستانشینان و به خصوص جوانان و تحصیل کرده‌های مناطق روستایی را به خود جذب خواهد کرد، لذا شاید بتوان گفت که لازمی توسعه روستایی ارائه تأسیسات و خدمات بگونه‌ای است که ضمن رسیدن به خودکفایی در کشاورزی، جاذبه‌های لازم را جهت سرمایه‌گذاری‌ها به همراه داشته باشد (رضوانی، ۱۳۹۳).

– راهبرد برنامه‌ریزی مراکز رشد روستایی

تأکید بر برنامه‌ریزی مراکز رشد روستایی، حاصل توجه مجدد به توسعه روستایی به عنوان بخشی از راهبرد نیازهای اساسی است که بر برابری بیشتر در توزیع منافع ناشی از تلاش برای توسعه ملی تأکید دارد. این راهبرد در جستجوی اتخاذ شیوه‌هایی است تا بر اساس آن نیازهای اساسی کم‌برخوردارترین بخش از جمعیت، به درآمد و خدمات را در طول یک نسل برطرف سازد. در این راهبرد سعی بر آن است تا از طریق برنامه‌ریزی فضایی، آشفتگی فضایی و عدم تعادل در سطوح سکونتگاه‌ها و سطح منطقه‌ای که مانع پیشرفت برنامه‌های توسعه ملی است، ساماندهی شده و از این طریق بهره‌وری از فضای سرزمین بهینه شود (جمعه پور، ۱۳۹۴). برخی از صاحب نظران همچون میسرا معتقد هستند که الگوی مراکز رشد مطلوب‌ترین راهبرد توسعه برای کشورهای جهان سوم و عقب ماندگی روستایی این دسته از کشورها است.

– راهبرد روستا – شهری^۱

مبنای این راهبرد که از مدل مرکز - پیرامون گرفته شده است، بر توسعه آگروپولیتن معروف است. در این الگو مجموعه‌ای از روستاها، مزارع و شهر کوچکی با اختیار بر منابع و قدرت خودگردان بوجود می‌آید که مرکز این منطقه، شهر کشاورزی است (رضوانی، ۱۳۹۳).

ناحیه روستا - شهر، مانند شهر سنتی خدمات و وسایل آسایشی در خور مقیاس خویش را دارد که بر وضع موجود سطح توسعه فرهنگی و اقتصادی آن انطباق یافته است. مقدار زیادی اشتغال غیر کشاورزی دارد و دارای اختیارات خودگردانی است. به این معنی، نواحی روستا - شهری را می‌توان به طور حقیقی، شهرهای کشاورزی (شهر واقع بر کشتزارها) نامید که از لحاظ جمعیت در حد متوسط قرار می‌گیرند. هرچند نواحی روستا - شهری ممکن است از یک مرکز شهری و جمعیت پراکنده روستایی تشکیل شده باشد. کلید موفقیت در توسعه روستا - شهری آن است که هر ناحیه، به صورت یک واحد یکپارچه‌ی منفرد تلقی شود، بنابراین می‌توان گفت این راهبرد از پایان دهه ۱۹۷۰، در واکنش به زوال الگوهای توسعه و پس از راهبرد «نیازهای پایه» توسط سازمان جهانی کار (۱۹۷۶) مطرح گردید و برای درک بهتر این راهبرد باید الگوی «مرکز پیرامون» و راهبرد نیازهای پایه را دانست. تحقیقات فریدمن^۲ در آمریکای جنوبی نشان داده است که می‌توان فضای زندگی را به دو بخش «مرکز» و «پیرامون» تقسیم نمود که رابطه بین این دو نظام، استعماری است و پیامد آن قطعی شدن در مرکز و حاشیه‌ای شدن در پیرامون است. راهبرد نیازهای پایه، چرخش آشکاری از راهبردهای متداول تولید محور، صنعت مدار و شهرگرا به سمت راهبردهای مردم محور، کشاورزی مدار و روستاگرا است. راهبرد روستا - شهری بر مبنای الگوی مرکز - پیرامون (تجمع سرمایه و منافع در نقاط شهری) و متأثر از راهبرد نیازهای پایه (رفع فقر، ایجاد اشتغال، خوداتکایی و تأمین ملزومات اصلی)، محورهای درون گرایی، حفاظت گرایی، خودگردانی (خودکفایی) و نهادینه سازی مشارکت را برای توسعه مناطق روستایی پیشنهاد می‌کنند (نوروزی آوارگانی، ۱۳۹۰).

به طور کلی روستا - شهر ناحیه‌ای است که در آن کشاورزی فعالیت اصلی است، به روش خودگردان و خود مختار اداره می‌شود و برنامه‌ریزی‌ها و انتخابات و سایر امور بوسیله خود مردم صورت می‌گیرد و ناحیه‌ای با تراکم حداقل ۲۰۰ نفر در کیلومتر مربع و شهری با ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر را شامل می‌شود (جمعه‌پور، ۱۳۸۷).

1- Agropolitian approach

2- Friedman

– راهبرد یوفرد

این راهبرد بر پایه نقش فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در توسعه روستایی (و منطقه‌ای) تعریف می‌شود که شامل؛ تجزیه و تحلیل منابع ناحیه‌ای، تدوین نقشه تحلیلی منطقه، تحلیل نظام سکونتگاهی، تحلیل ارتباطات فضایی و دسترسی‌ها، تحلیل شکاف عملکردی و تنظیم راهبردهای توسعه فضایی، تعیین نارسایی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، بازبینی و نهادینه‌سازی تحلیل‌های فضایی در برنامه‌ریزی روستایی و ناحیه‌ای می‌باشد. این راهبرد با ارایه اطلاعات فراوان و با ارزش به سیاستگذاران و برنامه‌ریزان، آنان را در توزیع سرمایه‌گذاری‌ها در راستای یک الگوی متعادل جغرافیایی (اقتصادی و فیزیکی) یاری می‌دهد. بر مبنای این راهبرد، وجود شهرک‌ها و مراکز کوچکی (به عنوان بازار محصولات کشاورزی) که خدمات اجتماعی اولیه و امکانات عمومی را نیز در اختیار روستاییان قرار می‌دهند، بخاطر پیوندهای مابین خود و مناطق روستایی، می‌توانند به گونه‌ای بهتر به شکل‌گیری اسکلت مورد نیاز توسعه روستایی یاری رسانند (نوروزی آوارگانی، ۱۳۹۰).

– تجدید اسکان و یا مجتمع نمودن سکونتگاه‌های کوچک روستایی

این راهبرد با این فرض که از نظر اقتصادی خودکفا بوده و مسائل اداری را به نحو خوبی برطرف خواهد کرد، شکل گرفته است، اما در عمل با مشکلات مالی و اداری فراوانی دست به گریبان شد. اغلب این طرح‌ها از طریق مداخله مستقیم دولت سازمان یافته و طرح‌هایی که در سطح محلی ابداع شده باشند محدود هستند، بنابراین در این طرح به دلایل فراهم کردن حداقل امکانات رفاهی و کشاورزی، به جای اینکه طرح‌های سازمان یافته‌ای باشند، نوعی مهاجرت اجباری بوده‌اند (ازکیا، ۱۳۹۱).

کشورهایی مانند برزیل، اندونزی و مالزی این سیاست را در مناطق حاشیه‌ای اتخاذ کرده‌اند تا از این طریق فشار جمعیت بر زمین را در مناطق پرجمعیت کاهش دهند. برای مثال اندونزی در اولین برنامه پنج ساله خود، در حدود ۲۵۰۰ خانواده را در ۲۹ منطقه، در جزایر کم جمعیت حاشیه‌ای تجدید اسکان نمود. همچنین مالزی، آژانس فدرال توسعه زمین^۱ را به منظور اجرای طرح کاشت و پرورش درخت‌های کائوچو و تولید نخل‌های روغنی و نیشکر تأسیس نمود. با اجرای این طرح ۴۱ هزار خانواده بر روی ۳۷۱۵۱۴۰ هکتار زمین تازه توسعه یافته، اسکان

1- FELDA

یافتند. گزارش‌های متعدد در خصوص این طرح، بر موفقیت آن اشاره دارند که نه تنها از جهت کند نمودن مهاجرت روستا - شهری، بلکه به طور کلی از نظر توسعه روستایی موفق بوده‌اند. بعلاوه پیشنهادهایی برای مجتمع نمودن سکونتگاه‌های کوچک روستایی شده است تا بتوان از این طریق به حیاتشان تداوم بخشیده و آنها را مستعد رشد و ترقی ساخت. اینگونه طرح‌های مجتمع سازی در دهه ۱۹۶۰، به طور ناموفق در ویتنام پیاده شد. تلاش‌هایی نیز در هند و چند کشور دیگر صورت گرفت، ولی این طرح از نظر مردمی که دخیل بودند چندان محبوبیتی کسب نکرد، چراکه از سکونتگاه روستایی، چه کوچک و چه بزرگ، عمیقاً در اکولوژی محلی و منطقه‌ای، طبیعی و اجتماعی ریشه دوانده است. مردم تمایل ندارند به سادگی تغییر مکان داده شوند، مگر اینکه از نظر آنها فواید جابجایی قابل توجه و چشمگیر باشد.

رویکردهای جامع:

این رویکرد از دهه ۱۹۷۰ در نتیجه عدم موفقیت و ناکامی راهبردهای قبل مطرح گردیده‌اند.

– راهبرد توسعه همه جانبه (یکپارچه) روستایی^۱

ناکامی و عدم موفقیت راهبردهای قبلی توسعه روستایی که به صورت بخشی و موضعی عمل می‌کردند و بر جنبه‌های خاص توسعه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی یا نهادی تأکید داشتند، به همراه گسترش فقر، محرومیت و تفاوت‌های طبقاتی در سطح جامعه‌ی شهری و روستایی به همراه پیچیدگی فرآیند توسعه، صاحب نظران مسائل برنامه‌ریزی و توسعه روستایی را به مطرح کردن راهبردی که همه جانبه باشد و بتواند مسائل روستا را به صورت نظام‌مند، جامع و با یک نگرش کلی بررسی کند، هدایت کرد. این راهبرد که تحت تأثیر بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف و نیز ظهور تفکر نظام‌مند بود (ازکیا، ۱۳۹۱) در واقع هم هدف و هم روش می‌باشد. هدف آن ممکن است بسیار گسترده (توسعه چندبخشی یا ناحیه‌ای) و یا بسیار محدود (توسعه گروه مورد نظر) باشد و می‌توان آن را به عنوان راهبردی مشخص برای توسعه روستایی انگاشت. همچنین به عنوان یک روش می‌کوشد که فعالیت‌های مرتبط با هم را یکپارچه کند، تا یکدیگر را تکمیل کنند. این راهبرد به عنوان روشی برای دستیابی به هدف، خواستار هماهنگی در مراحل برنامه‌ریزی و اجرا است. این روش جامع‌تر و دربردارنده همه‌ی جنبه‌ها است. در

1- Integrated rural development

حال حاضر متداول و در جستجوی افزایش بهره‌وری، ارتقاء کیفیت زندگی جوامع روستایی و پیشبرد و تقویت متکی بر خود می‌باشد. واترسون^۱ شش عنصر اصلی برای یک برنامه توسعه همه جانبه روستایی بادوام و ماندگار پیشنهاد کرده است که شامل؛ توسعه کشاورزی کاربر، کارهای عمومی کوچک و اشتغالزا، تأسیس صنایع سبک و کوچک کاربر در مزارع و حواشی آنها، خودیاری و مشارکت محلی در تصمیم‌گیری‌ها، توسعه یک نظام سلسله مراتب شهری برای پشتیبانی توسعه روستایی، امکانات نهادی مناسب و خوداتکاء برای هماهنگی پروژه‌های چندبخشی می‌باشد. سی امین کنفرانس منطقه‌ای فائو در آمریکای لاتین توسعه همه جانبه روستایی را مجموعه یکپارچه‌ای از کارهای هماهنگ و برنامه‌ریزی شده می‌داند که در سطوح مختلف توسط دولت، مؤسسات و خود مردم برای نیل به پیشرفت و توسعه پایدار در یک ناحیه روستایی دنبال می‌شود (موسی کاظمی و بدری، ۱۳۹۸)، با این وجود اهداف اصلی توسعه‌ی همه جانبه روستایی به عقیده کارشناسان شامل موارد زیر می‌باشد (از کیا و غفاری، ۱۳۹۶).

- بهبود در استانداردهای زندگی و تأمین نیازهای اساسی

- مولد ساختن مناطق روستایی و برقراری ارتباط اقتصادی بین بخشی در سطوح منطقه‌ای،

ملی و بین‌المللی.

- تقویت روحیه خوداتکایی و مشارکتی در روستائیان،

- تقویت استقلال محلی از طریق تمرکز زدایی و پالایش رسوم سنتی

— راهبرد توسعه پایدار^۲

گرچه اصطلاح توسعه پایدار در هنگام اعلامیه کوکویوک^۳ در خصوص محیط زیست و توسعه در اوایل دهه ۷۰ بکار برده شد و نیز ریشه آن به رویکرد توسعه بوم‌شناسی بر می‌گردد، لیکن توسعه پایدار با گزارش کمیسیون براتلند در ۱۹۸۷ عنوان گردید و با اجلاس ریو در ۱۹۹۲ رواج عام و جهانی یافت. رواج این تفکر نتیجه سه دسته از عوامل اصلی بود: نتایج بدکارکردی اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری که خود برای مقابله با بحران اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۸۰ تدوین شده بود، افزایش بی‌امان و وقفه ناپذیر فقر و گرسنگی و نابرابری در جهان، تخریب نگران‌کننده محیط زیست و منابع طبیعی در نتیجه کاربرد فناوری‌ها (زاهدی،

1-Waterston

2-Sustainable Development

3- Kokoyoc

۱۴۰۲). این راهبرد (توسعه پایدار) که امروزه موضوع اصلی محافل توسعه و برنامه‌ریزی است، خود برآیند انگاره‌های مختلف توسعه است، اما نکته مشترک تمامی انگاره‌ها پایداری و رسیدن به فرآیندی از توسعه است که بتواند پایا و بادوام باشد (جمعه پور، ۱۳۹۴). در واقع این راهبرد، مدل تکمیلی و نهایی شده راهبرد توسعه یکپارچه روستایی است که علاوه بر مباحث منطقه‌ای و فضایی بر محیط زیست، مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری بهینه و منطقی از آن نیز تأکید می‌کند.

– راهبرد توسعه روستایی بر مبنای جامعه اطلاعاتی

این راهبرد محور توسعه روستاها در آغاز هزاره سوم میلادی است و در آن، اطلاعات و اتصال به فناوری ارتباطات جهت کسب آگاهی در زمینه‌های مختلف به عنوان نقطه کانونی توسعه پایدار به طور عام و توسعه پایدار روستایی به طور خاص معرفی شده است. به نحوی که شاخص توسعه روستایی کشورها در قرن ۲۱ از طریق تعیین سهم برخورداری روستاییان از اطلاعات و انواع وسایل ارتباط جمعی نسبت به تولید ناخالص ملی مشخص می‌گردد (رضوانی، ۱۳۹۳). بنابراین همان طور که بیان شد به طور رویکردهای توسعه در چهار طبقه شامل، رویکرد اقتصادی، رویکرد اجتماعی، رویکرد کالبدی - فضایی و نهایتاً رویکرد جامع طبقه بندی شدند در ادامه به بررسی و تحلیل این رویکردها از نظر روند تاریخی و مقطع زمانی پرداخته شده است.

روند تاریخی شکل‌گیری نظریه‌های توسعه

به لحاظ روند تاریخی شکل‌گیری نظریه‌های توسعه، می‌توان سه مقطع زمانی به شرح زیر مطرح کرد که طی آن، دیدگاه‌های مرتبط با نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی اساساً تغییر کرده است:

– دوره رشد یا نوسازی اقتصادی

این مقطع دهه‌های ۱۹۴۰-۱۹۶۰ را شامل می‌شود. تئوری‌های ارائه شده در این دوره، توسعه را عمدتاً بر اساس رشد متوسط تولید سرانه تعریف می‌کردند. معمولاً اینچنین تصور می‌شد که تحقق رشد اقتصادی، مشکلات بیکاری، نابرابری و فقر را به طور خودکار حل خواهد کرد (ورمزیاری و بنی اسدی، ۱۳۹۳). در این مقطع زمانی، به ویژه دهه‌های ۴۰ و ۵۰، بخش

کشاورزی به طور جدی مورد توجه دیدگاه‌های رشد اقتصادی قرار نگرفت و به همین دلیل این بخش از اقتصاد که می‌توانست نقش عمده‌ای در اقتصاد کشورهای جهان سوم ایفا کند، به حاشیه رانده شد، اما در دهه ۶۰ ارتباط متقابل میان رشد کشاورزی و صنعت مورد توجه دیدگاه‌های توسعه اقتصادی قرار گرفت و سعی گردید درک واقع بینانه‌ای از فرآیند توسعه روستایی و کشاورزی ارائه شود. کلانتری و شعبانعلی فمی (۱۳۹۰) و نیز شکوری (۱۳۹۰) به نقل از لیتل^۱ می‌نویسند، متفکرین توسعه در این دوره در آثار خود غالباً توسعه را معادل دگرگون‌سازی ساخت اقتصادی تلقی می‌کردند و به انتقال عوامل تولید به ویژه نیروی کار به صنایع مستقر در شهرها و در نتیجه کاهش سهم نسبی بخش کشاورزی در تولید ملی تأکید داشتند. به باور آن‌ها، با انتقال عوامل تولید و به ویژه نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت، دگرگون‌سازی در اقتصاد تسهیل می‌گردد. نمود اجتماعی - فضایی تفکر توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی، توسعه نابرابر نواحی روستایی در مقابل نواحی شهری است که به بهره‌برداری نامناسب از منابع، امکانات و فضا منجر شده است و خود به عنوان مانعی عمده بر سر راه توسعه درآمده است. تأکید بر بخش صنعت و جامعه شهری به عنوان جامعه پیشرو و تلقی بخش کشاورزی به عنوان بخش سنتی و ناکارآمد، نه تنها مانع از شکل‌گیری مدل جامع توسعه شده است، بلکه نابرابری شدید بین شهر و روستا و عدم تعادل فضایی بین این نواحی را به ارمغان آورده است. این چالش، صاحب‌نظران را به تجدیدنظر در مدل‌های توسعه اقتصادی و ورود به دوره رشد توأم با برابری، وادار نمود.

– دوره رشد توأم با برابری

از دیدگاه نظری، دهه ۱۹۷۰ به دوره رشد توأم با برابری شهرت دارد که در آن، نظریات اقتصاد توسعه، عناصری چون توزیع درآمد، اشتغال، تغذیه و کاهش فقر و نابرابری را در بر می‌گرفت. در این دوره تغییرات چشمگیری در باب اقتصاد خرد به ویژه در زمینه‌های تولید، بازاریابی محصولات کشاورزی، روابط میان بخشی، مهاجرت، صنایع کوچک روستایی و تغییر سیاستگذاری در جهت برنامه‌های توسعه یکپارچه روستایی و نیازهای اساسی صورت گرفت و بر رشد توأم با برابری در توسعه روستایی و کشاورزی تأکید گردید. در دهه ۱۹۷۰ معلوم شد که در بسیاری از کشورها، صنایع مستقر در نواحی شهری نمی‌تواند زمینه اشتغال و جذب نیروی کار مازاد مناطق روستایی را فراهم سازد، بنابراین توجه برنامه‌ریزان توسعه به یافتن راه‌هایی

1- Litl

معطوف شد که بتواند روستاییان را در همان محل روستا نگهدارد (کلانتری و شعبانعلی فمی، ۱۳۹۰). ضرورت افزایش اشتغال در مناطق روستایی به ویژه از زمانی مورد توجه قرار گرفت که به طور روز افزون بر تعداد روستاییان فاقد زمین افزوده شد. در این دوره مشخص شد که اگر قرار باشد کشاورزی نقش برجسته‌ای در برنامه‌های توسعه ایفا کند، باید سیاستگذاران کشورهای در حال توسعه آگاهی عمیق‌تری از اقتصاد روستا به دست آورند. در پی این تحولات بود که در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، تحقیقات زیادی در زمینه نظام‌های زراعی، تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی در سطح خرد، نحوه تصمیم‌گیری زارعین، عملکرد بازار عوامل تولید در روستا و اشتغال در بخش غیر کشاورزی در مناطق روستایی انجام گرفت. بدین ترتیب توسعه صنایع مرتبط با بخش کشاورزی از جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های اقتصادی برخوردار گردید (کلانتری و شعبانعلی فمی، ۱۳۹۰)، به عبارتی به توسعه روستایی به چشم همه جانبه نگریسته شد. رشد صنایع گرچه درجه امیدی را برای شکوفایی اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی باز کرد، اما آلودگی‌های زیست‌محیطی را در این مناطق بر جای گذاشت که بخش اعظم آن از عدم توجه به پتانسیل‌های منطقه و مواد اولیه صنایع در منطقه بود. برهم زدن تعادل زیستی یک منطقه اگرچه از نظر اقتصادی برای صاحبان صنایع امری است که در برابر سود و افزایش تولید نادیده انگاشته می‌شد، اما در درازمدت باعث بروز مشکلات پیچیده‌ای گردید که ورود به مباحث توسعه پایدار را ضروری ساخت.

– دوره توسعه پایدار

تخریب منابع طبیعی به دلیل بهره‌برداری شتابان موجب گردید تا در اواخر دهه ۱۹۸۰، مسائل زیست‌محیطی جایگاه خود را در میان دیدگاه‌های توسعه اقتصادی باز یابد و انگاره توسعه پایدار به عنوان برآیند سایر انگاره‌های پیشین، جهت غلبه بر چالش‌های پیش روی توسعه در آستانه هزاره سوم، مورد توجه اقتصاددانان قرار گیرد (جمعه پور، ۱۳۹۴). البته منظور از توسعه پایدار تنها حفاظت از محیط زیست نیست، بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است. رشدی که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی مردم جهان و نه تعداد اندکی افراد برگزیده است. در فرآیند توسعه پایدار سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعتی و... به گونه‌ای طراحی می‌شود که توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تداوم بخشد. بر این اساس دیگر نمی‌توان برای تأمین مالی مصارف جاری، بدهی‌های اقتصادی که بازپرداخت آن بر عهده نسل‌های آینده است، ایجاد کرد. در نهایت توسعه پایدار به معنی

عدم تحمیل آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به نسل‌های آینده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶). از آغاز دهه ۱۹۹۰ با حاکمیت اندیشه سیستمی بر توسعه، پایداری به عنوان یک ضرورت برای تمامی مراحل آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. تردیدی نیست که در چارچوب روند تحول مفهوم توسعه به معنای عام آن، مفهوم توسعه کشاورزی نیز در گذر زمان دستخوش تغییر و تطور گردیده است. بر شالوده همه سو‌نگری و کل‌گرایی حاکم بر رویکرد پایداری، توسعه کشاورزی نیز می‌بایست ضمن افزایش رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها، آثار زیان بار بر طبیعت را به حداقل برساند. این مهم، از طریق بهره‌گیری از شیوه‌هایی دست‌یافتنی است که از نظر فنی مناسب، به لحاظ اقتصادی توجیه‌پذیر، از جنبه اجتماعی قابل قبول و از نظر محیطی مطلوب باشد. به واسطه تحولات شکل گرفته و حاکمیت الگوی توسعه پایدار در دهه‌های اخیر، نوع نگرش به روستا و اقتصاد روستایی نیز تا حدودی متحول شده است. به طوری که در قالب این الگو معیشت و امنیت اقتصادی نواحی روستایی از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. اشتغال، درآمد کافی و پایدار به‌منظور ایجاد شرایط مناسب زندگی و کار برای کسانی که در فرایند تولیدات کشاورزی مشغول فعالیت هستند، یکی از مهمترین ویژگی‌های توسعه کشاورزی در چارچوب پارادایم پایداری و از دل مشغولی‌های دیرین کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود (کلانتری و شعبانعلی فمی، ۱۳۹۰؛ مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰).

در این راستا، رویکردهای متعددی توسط صاحب‌نظران توصیه شده که متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی از رهگذر توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی از آن جمله است. بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که ارتباط مثبت میان صنعت و کشاورزی، نه تنها بهره‌وری تولید محصولات کشاورزی را افزایش می‌دهد، بلکه با فراهم نمودن امکانات زیستی و درآمدی، مانع از مهاجرت توده‌های عظیمی از جمعیت روستایی، به ویژه اقشار کم درآمد و محروم از عوامل تولید، خواهد شد^۱ و مهمتر از آن کاهش فشار بر زمین‌های کشاورزی را به بار خواهد آورد.

لذا امروزه در نظریه‌های اقتصادی در قالب کارآفرینی در مناطق روستایی توجه ویژه می‌شود. در همین زمینه، و رتتمن اشاره می‌کند که توسعه اقتصادی و کارآفرینی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی، راهکاری

۱- آمارهای موجود حاکی از آن است که نسبت جمعیت روستایی کشورمان از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۱/۵۴ درصد در سال ۸۵ و ۲۸/۵ درصد در سرشماری ۱۳۹۰ رسیده است (منافی آذر و شیخی کوهسار، ۱۳۹۱).

جدید در نظریه‌های توسعه و رسیدن به توسعه پایدار است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۸). تنوع بخشی به فعالیت‌های تولیدی در اقتصاد روستا، زمینه را برای استفاده بهینه از پتانسیل‌های انسانی و تولیدی این مناطق، به ویژه در صنایع کشاورزی فراهم می‌سازد. این راهبرد با تأکید ویژه‌ای که بر کاهش فشار بر منابع طبیعی در بخش کشاورزی و حرکت در مسیر توسعه پایدار دارد، زمینه مناسبی را برای حفظ و بهره‌برداری متوازن این منابع فراهم خواهد ساخت. صنایع تبدیلی در کنار فرآیندهای تولید کشاورزی موجب می‌شود، روستاها به عنوان بنگاه‌های تولیدی، جایگاه والایی در اقتصاد منطقه‌ای و ملی ایفا نمایند و زنجیره‌های تولیدی کامل و منسجمی در اقتصاد روستایی ایجاد گردد (کلانتری و شعبانعلی فمی، ۱۳۹۰؛ رضوانی، ۱۳۹۳).

با این تفسیر صنعت و کشاورزی مکمل هم خواهند بود، چراکه بخش کشاورزی جدای از بخش صنعت، قادر نخواهد بود مسائل پیچیده مناطق روستایی را حل نماید (آگهی و برزو، ۱۳۸۸). از این‌رو، رویکرد پایداری به تمامی بحث و جدل‌های نظریه‌های پیشین مبنی بر تقابل صنعت و کشاورزی، پایان داده و ارتباط صنعت و کشاورزی را به ارتباطی ارگانیک و منسجم مبدل ساخته است (شکوری، ۱۳۹۰)، لذا امروزه بیان می‌شود که با توجه به مشکل بیکاری و اشتغال در مناطق روستایی، کارآفرینی روستایی می‌تواند این مشکل را تا حدودی برطرف کند و به جای فشار بیشتر بر منابع و زمین‌های زراعی، از طریق تنوع درآمدی از مهاجرت‌های بی‌رویه جلوگیری شود و توسعه پایدار روستایی محقق گردد.

هر کدام از کشورهای دنیا از یک رویکرد برای توسعه روستایی استفاده کرده‌اند، در ایران نیز در قالب برنامه‌های مختلف توسعه‌ای از قبل انقلاب و در بعد از انقلاب با رویکردهای مختلف در راستای توسعه روستایی قدم برداشته‌اند، در ادامه به بررسی و تحلیل سابقه برنامه‌ریزی توسعه روستایی و رویکردهای آن در ایران پرداخته شده است.

سابقه برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران

اولین قدم‌ها برای برنامه‌ریزی روستایی، عمدتاً در زمینه تأمین آب برای فعالیت‌های کشاورزی بوده است. ایرانیان از نخستین اقوامی هستند که برای تأمین آب در نواحی روستایی به حفر قنات و سایر ابداعات اقدام کرده‌اند. همچنین ایرانیان از جمله اولین اقوامی می‌باشند که در هزاره ششم قبل از میلاد و حتی قبل از آن به فنون کشاورزی که از جمله اولین فعالیت‌های روستانشینان بوده است، آگاهی داشته و از آن سود برده‌اند. در این راستا، احداث

بسیاری از سدها و بندها را از جمله اقدام‌های ایرانیان برای رونق روستاها و کشاورزی می‌توان قلمداد کرد. در ایران قدیم اولین گام‌ها در زمینه پیدایش برنامه‌ریزی منطقه‌ای با ایجاد سیستم‌های صحیح و پیشرفته آبیاری جهت استفاده از آب‌های سطح الارضی برداشته شد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲)، اما در مجموع سابقه برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران را می‌توان به دو بخش قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم کرد.

سابقه برنامه‌ریزی روستایی در ایران پیش از انقلاب اسلامی

نقطه‌ای که می‌توان به عنوان مبدأ فعالیت‌های قانونمند برای انجام اقداماتی جهت توسعه کشور و به ویژه توسعه روستایی در نظر گرفت، همان آغاز نقطه مشروطه یعنی سال ۱۲۸۳ می‌باشد. در انقلاب مشروطه با وجود اینکه نیاز به تغییرات بنیادی در ساخت اجتماعی و اقتصادی احساس می‌شد، ولی انقلابیون متأسفانه بیشتر به ساخت سیاسی مملکت توجه داشتند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). در زمینه مسائل روستایی نیز هیچگونه تلاشی برای تغییر نظام روستایی و غیره صورت نگرفت. در این مقطع تنها دو فعالیت انجام گرفت که یکی تقسیم املاک وسیع بین رعایا توسط نهضت جنگلیان در شمال ایران طی سال‌های ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۰ ه. ش بوده است و دیگر اینکه مجلس دوره اول در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ ه. ق مطابق با سال ۱۲۸۴ ه. ش قانون تشکیل ایالات و ولایات و شیوه نامه حکام را به تصویب رسانید. بر طبق این قانون اداره امور ده به کدخدا واگذار شد، اما تحولاتی که در دوران مشروطه در خصوص تصویب قوانین و مقررات سازماندهی امور کشور به صورت ابتدایی و اولیه آغاز شده بود، به علت مسائل و مشکلات داخلی اجرا نشد. با روی کار آمدن رضاشاه در سال ۱۲۹۹ ه. ش توسعه روستایی قوانین و مقرراتی تصویب و در بعضی مناطق نیز اجرا شد، ولی در کل تحول ساختاری چندانی در امور روستا پدید نیاورد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲).

گرچه نخستین گام در زمینه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۳۱۶ با تأسیس شورای عالی اقتصاد برداشته شد، اما ایران در سال ۱۳۲۷، به طور رسمی دارای برنامه عمرانی و سازمان مسئول اجرای آن گردید (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). تا قبل از پیروزی انقلاب، شش برنامه تهیه و تنظیم شد که ۵ برنامه آن به صورت ۲ برنامه ۷ ساله و ۳ برنامه ۵ ساله اجرا گردید و برنامه ششم به دلیل تقارن با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ اجرا نشد.

– عمران روستایی در برنامه عمرانی هفت ساله اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴)

در مورد عمران روستایی در برنامه عمرانی هفت ساله اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴)، بخش معینی برای عمران روستایی وجود نداشت، اما برنامه‌هایی برای نواحی روستایی منظور شد که دیدگاه‌های اجرایی توسعه زراعی را در بر می‌گرفت و مظاهر عمده آن، نمایش ماشین آلات کشاورزی مثل تراکتور، موتورهای آبکش، بذر و کودهای شیمیایی و آموزش روش‌های بکارگیری آنها بود. در واقع در برنامه اول، تفکر عمران نواحی روستایی به صورت قرار دادن قطب کشاورزی در یکی از مناطق عشایری شمال غربی ایران (توسعه دشت مغان) مطرح گردید، اما در مجموع در برنامه اول با توجه به اتفاقات افتاده، به دلیل عدم ارتباط بین مروجان با زارعان، به هیچ وجه این طرح به اهداف تعیین شده در زمینه توسعه کشاورزی دست نیافت. این برنامه در شرایطی طرح و به کار بسته شد که دولت مرکزی به دلیل غلبه نظام ارباب - رعیتی در مناطق روستایی نفوذ کافی نداشت و در نتیجه تحقق اهداف توسعه‌ای آن، خاصه در زمینه‌های ارتقای درآمد و بهبود کیفیت زندگی در جامعه روستایی، محل تردید بوده است.

– عمران روستایی در برنامه عمرانی هفت ساله دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱)

در برنامه عمرانی هفت ساله دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱) توجه به عمران روستایی بیش از برنامه اول بود، زیرا یکی از بندهای فعالیت برنامه مزبور به «عمران دهات و اراضی بایر» اختصاص یافته بود و اعتباری جهت عمران روستاها منظور شده بود و مأموران چند پیشه به نام «دهیار» در برخی از روستاها در مقیاس محدودی مستقر شدند. این دهیاران تحت نظارت کارشناس‌هایی که در چند زمینه کشاورزی و روستایی تخصص داشتند، فعالیت می‌کردند. حوزه فعالیت کارشناسان که معمولاً ۸۰ روستا بود، یک حوزه عمرانی نامیده می‌شد و دهیار حدود ۱۰ روستا را زیر پوشش داشت. در برنامه دوم تعداد حوزه‌های عمرانی به ۴۸ و تعداد دهیاران به حدود ۱۹۱۹ نفر رسید، ولیکن موانع اصلی توسعه نظیر عوامل بوم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی همچنان پابرجا باقی ماند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲).

همچنین در سال ۱۳۳۵ قانون اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات در مجلس به تصویب رسید. فعالیت‌های عمرانی دهات با عواید پنج در صد از بهره مالکانه از طریق انجمن ده صورت می‌گرفت. در این قانون که تا سال ۱۳۴۱ تمدید شده بود تشکیل انجمن‌های ده، بخش و شهرستان، تشکیل شرکت‌های تعاونی، بنگاه اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات و نیز تشکیل

شورای عالی عمران پیش‌بینی شده بود. بر اساس ارزیابی‌های به عمل آمده، برنامه‌های اول و دوم به دلیل فقدان ساختار اجرایی مناسب که ریشه در ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه دارد، توفیق عملی بسیار پایینی داشته‌اند. از طریق دیگر، این برنامه‌ها متکی بر مطالعات و بررسی‌های مناسب نبوده‌اند، به خصوص در حوزه روستایی که حتی اطلاعات و آمارهای لازم و دقیق نیز در دست نبوده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶)، بنابراین این دو برنامه به توفیقات آنچنانی نرسیده بودند.

– عمران روستایی در برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱)

در برنامه سوم عمرانی کشور (۱۳۴۶-۱۳۴۱) که تدوین و اجرای آن با اجرای قانون اصلاحات ارضی و از هم گسیختگی نظام اقتصادی - اجتماعی دهات و تصویب قانون تشکیل انجمن‌های ده اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات تقارن داشت، به دلیل فقدان اهداف مشخص در عمران روستایی کار مهمی انجام نشد. خلاصه اقدامات برنامه سوم ایجاد قطب‌های کشاورزی و منطقه‌ای نمودن فعالیت‌های کشاورزی به همراه تأسیس سازمان‌های عمران ناحیه‌ای در مناطق جیرفت، گرگان، کهکلوپه و دشت قزوین بود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲).

توسعه روستایی در برنامه سوم عمدتاً در قالب اصلاحات ارضی و بخش کشاورزی صورت گرفت و منجر به دگرگونی‌های اساسی در جامعه روستایی شد. تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی، توجه به فعالیت‌های ترویجی و آموزشی (سپاه ترویج)، تأسیس انجمن ده و برخی فعالیت‌های دیگر از مهمترین برنامه‌ها در توسعه روستایی کشور در برنامه سوم بود. برنامه سوم و اصلاحات ارضی منجر به تغییر ساختاری در اجتماعات روستایی و تأثیرگذاری بر ساختار جوامع شهری شد (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶). این برنامه نیز مثل برنامه‌های قبل دارای ویژگی از بالا به پایین بود. به طور کلی می‌توان گفت که در این سه برنامه فصل خاصی از منابع عمرانی به روستاها اختصاص نیافت.

– عمران روستایی در برنامه چهارم عمرانی (۱۳۵۱-۱۳۴۷)

عمده‌ترین اقدام قبل از انقلاب در زمینه عمران روستایی در برنامه عمرانی چهارم و پنجم صورت گرفت. طی برنامه چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱) برنامه‌ریزی از یک مکانیزم و حالت کاملاً متمرکز خارج شد و جهت یک نظام غیر متمرکز به پیش رفت. برای اولین بار فصل خاصی با ۶/۵ میلیارد ریال اعتبار برای عمران و نوسازی روستاها در نظر گرفته شد. در این برنامه

به «تعمیم عدالت اجتماعی و توزیع ثمرات رشد و توسعه اقتصادی کشور بین روستاییان از طریق ایجاد تأسیسات همگانی، تأمین و تسهیل وسایل زندگی روستاییان و آماده کردن دهات برای همگامی با تحولات و پیشرفت‌های سریع اقتصادی، مورد تأکید بود. عملاً هدف و الگوی توسعه مورد نظر در برنامه چهارم با همه تأکیدی که به عمران روستاها داشت، صنعتی کردن کشور و در حاشیه قرار دادن کشاورزی بود (آسایش، ۱۴۰۱)، در این برنامه عمران و توسعه روستایی، محدود به بعد فیزیکی عمران دهات و یگانه به ایجاد پاره‌ای از تأسیسات شد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲).

بنابراین در برنامه عمرانی چهارم، عمران با توسعه روستایی به عنوان یک بخش، در برنامه‌ریزی و سیاست‌های بخشی، جایگاه خویش را می‌یابد. با ادامه اصلاحات ارضی در این برنامه جایگاه دولت در روستاها پایدار می‌شود و توسعه روستایی بر خلاف برنامه‌های قبلی صرفاً در گرو اقدامات دولتی قرار می‌گیرد و دولت جایگزین ارباب در دهات شد. در این برنامه توجه به ارتقای سطح کار و فعالیت روستائیان از طریق ایجاد و تنوع در اشتغال و گسترش صنایع دستی و توجه به فعالیت‌های تعاونی و خودیاری، اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد (از کیا و غفاوری، ۱۳۹۶). از برنامه چهارم به بعد، توسعه از منظر صنعتی شدن مورد توجه قرار می‌گیرد و با جدا شدن توسعه روستایی از بخش کشاورزی، این بخش‌ها حالت حاشیه‌ای در قیاس با صنعت و خدمات پیدا کرد.

– عمران روستایی در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶–۱۳۵۲)

در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶–۱۳۵۲) برنامه‌ریزی منطقه‌ای (استانی) جایگاه خاصی پیدا نمود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲) و به دنبال آن گسترش خدمات اجتماعی به روستاها به عنوان یکی از اهداف عمده در فصل امور اجتماعی تلقی شد. همچنین توزیع متعادل سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، خدمات و تسهیلات رفاهی به منظور کاهش فاصله بین شهر و روستا، پی‌ریزی شهرهای آینده کشور، تقلیل تعداد زیادی دهات از طریق ادغام یا جمع و بالاخره بهره‌مند ساختن جمعیت روستایی از خدمات و تسهیلات فوق، یکی از اهداف عمده این برنامه به شمار می‌رفت و بدین منظور نقاط روستایی کشور به سه دسته (شهرک‌ها، مرکز دهستان‌ها و دهات) طبقه‌بندی شد که برای هر یک از آنها پروژه‌های خاصی در نظر گرفته شد.

برنامه عمرانی پنجم نیز در راستای برنامه عمرانی چهارم که در آن صنعتی شدن به صورت غالب مطرح بوده حرکت می‌کند. در این برنامه نیز بخش عمران و نوسازی روستایی به صورت منفک شده از بخش کشاورزی مطرح است. در این برنامه ایجاد حوزه‌های عمران روستایی به عنوان سیاست اصلی مربوط به توسعه مناطق روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد که هر حوزه عمرانی شامل مجموعه‌ای از دهات در محدوده‌ای مشخص است. در قالب این مجموعه، یکی از دهات که از ویژگی‌هایی چون جمعیت، بالا بودن سطح تولید کشاورزی و دامی و وجود امکانات اداری و سرویس‌های خدماتی لازم برخوردار بود و نیز از لحاظ جغرافیایی در موقعیت مناسب‌تری قرار داشت به عنوان مرکز حوزه عمرانی تعیین می‌شد (از کیا و غفاری، ۱۳۹۶).

جمع‌بندی و نقد نظام برنامه‌ریزی عمران روستایی در قبل از انقلاب

برنامه اول با فکر و نگرش برنامه‌ریزی در کشور از طریق ایجاد سازمان برنامه و بودجه با شیوه انجام کار و ایجاد نظم در امور اقتصادی مطرح گردید. برنامه دوم با همان روش تهیه شد، ولی به عنوان اساس توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور شهرت یافت. گفتنی است که برنامه اول و دوم شامل تعداد مشخصی طرح و پروژه بود که با اعتبارات دولتی و توسط دولت اجرایی شد و مردم مشارکت و مداخله‌ای در این زمینه‌ها نداشتند. برنامه سوم، اولین برنامه نظام یافته جامع بود که تمامی بخش‌ها را در بر می‌گرفت و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در آن دیده می‌شد. در این برنامه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ایجاد سازمان عمران توجه خاصی مبذول گردید. در مجموع در برنامه‌های اول تا سوم قبل از انقلاب، گرچه به رشد بخش کشاورزی و نوسازی آن از طریق توسعه مکانیزاسیون توجه شد، اما اجرای طرح‌های بزرگ مقیاس تأمین آب با گرایش‌های صنعتی و شهری، مانع از تخصیص مناسب منابع در بخش کشاورزی و روستایی گردید. در برنامه چهارم نیز نظام برنامه‌ریزی از غنای بیشتری برخوردار شد و مشارکت دولت و بخش خصوصی در آن دیده شد و سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی پیشی گرفت. قطب‌های توسعه صنعتی، کشاورزی و جهانگردی مورد توجه قرار گرفت و تمرکز سرمایه‌گذاری در آنها انجام گرفت. با این وجود اجرای اصلاحات ارضی از برنامه سوم و پیگیری آن در برنامه‌های چهارم و پنجم موجبات خرد شدن اراضی و حذف نظام بزرگ مالکی و همچنین سبب بدبینی و عدم اطمینان در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را فراهم کرد. در برنامه چهارم به منظور جبران مشکلات ناشی از سیاست‌های مذکور تشکیل واحدهای بزرگ تولیدی مورد توجه قرار گرفت. با افزایش درآمدهای ناشی از صدور نفت و صنعتی کردن کشور

اعتبارات برنامه پنجم به شدت افزایش یافت و به فعالیت‌های کشاورزی در سه فصل کشاورزی و منابع طبیعی، آب و عمران روستایی توجه شد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲؛ شکوری، ۱۳۹۰). نظام برنامه‌ریزی در برنامه پنجم نسبت به برنامه‌های گذشته تکامل یافته‌تر شد. دفاتر برنامه و بودجه در استان‌ها ایجاد گردید. انجمن‌های استان و شهرستان بوجود آمدند و فعال شدند. بررسی تغییر مناسبات ارضی که در طی برنامه‌های سوم تا پنجم اجرا شد، نشان می‌دهد که اصلاحات با حداقل مشارکت روستائیان صورت گرفت. این اصلاحات که بر مبنای نسق صورت گرفت بر موقعیت ۵۰ درصد کم برخوردارترین خانوارهای روستایی تأثیر گذاشت و بنه‌ها که در نگهداری قنات نقش اساسی داشتند را از بین برد (ازکیا، ۱۳۹۱).

همچنین سیاست و عملکرد برنامه‌های این دوره مشخص کرد که در سه برنامه اول کاهش فقر و نابرابری به طور تلویحی در قالب قوانین و سیاست‌های مختلف مطرح شده است، ولی از برنامه چهارم به بعد توزیع عادلانه‌تر درآمدها و گسترش خدمات اجتماعی به علت نابرابری‌های ایجاد شده در آن زمان مورد توجه قرار گرفت، اما مجموعه سیاست‌های اعمال شده در این دوره نه تنها موجبات کاهش فقر و نابرابری نگردید، بلکه فقر و نابرابری روستایی را تشدید کرد. از آثار منفی این برنامه‌ها مهاجرت‌های روستایی بود. بازتاب این روند در کاهش سهم جمعیت روستایی، از ۷۰ درصد به ۵۳ درصد طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۵ بود (ازکیا، ۱۳۹۱).

در برنامه‌های قبل از انقلاب، نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران جامعیت لازم و متولی واحدی نداشته است و به صورت برنامه حشایه‌ای به آن نگریسته می‌شده است. به گونه‌ای که وزارتخانه‌ها و نهادهایی با اهداف سیاسی متفاوت در خصوص توسعه روستایی اقداماتی را انجام می‌دادند، البته از برنامه چهارم به بعد با تأسیس وزارت تعاون و نیز اصلاحات ارضی حرکتی صورت می‌گیرد، اما در عمل توفیق چندانی عاید نمی‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶). به نظر ازکیا برنامه‌های توسعه روستایی در دهه پنجاه با توجه به اجرای برنامه اصلاحات ارضی نتایج زیر را به همراه داشته‌اند: مرحله اول، مالکان غایب از ده، سرمایه‌داران ارضی و زارعان ثروتمند از اجرای قانون بهره‌مند گردیدند. این گروه از تسهیلات اعتباری بانک توسعه کشاورزی نیز سود فراوان بردند. مرحله دوم نیاز زارعان کوچک ابداً برآورده نشد و موقعیت این قبیل زارعان با انجام اصلاحات ارضی تغییر بنیادی پیدا نکرد. مرحله سوم با کاهش قدرت اقتصادی - اجتماعی مالکان در ده، دولت جای آنان را به عنوان ارباب تازه اشغال کرد و قدرت به زارعان منتقل نشد (ازکیا، ۱۳۹۱). با ورود دولت به روستاها، ساختار جدیدی در

جامعه روستایی شکل گرفت که به نوعی مانع مشارکت مردم و برنامه‌ریزی غیرمتمرکز گردید. در مجموع در برنامه‌های قبل از انقلاب، در نظام برنامه‌ریزی مربوط به برنامه‌های عمران و توسعه روستایی به این واقعیت که برنامه‌ریزی روستایی باید ویژگی غیرمتمرکز داشته باشد و نیاز به تصمیم‌گیری محلی دارد توجه نشده است. این واقعیت بسیار مهمی است که برنامه‌های توسعه روستایی مشارکتی از طریق نظام دیوان سالاری رسمی و با دستور و فرماندهی از بالا به پایین نمی‌توانند اجرا شوند. این نوع برنامه‌ها نیازمند مدیریتی هستند که ماهیت توسعه روستایی مشارکتی، یعنی حضور و حرکت مردم را در خود حفظ کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶) و برخواسته از نیازهای واقعی مردم باشد. شعار صنعت موتور توسعه اقتصادی است در برنامه‌ریزی‌های قبل از انقلاب مورد تأکید بوده است و به دنبال آن بیشتر بودجه و امکانات کشور را به سوی شهرها و صنعتی کردن کشور سوق داده است، لذا بودجه عمرانی نواحی روستایی در مقایسه با شهرها و توسعه صنعتی بسیار اندک بوده است.

پیروزی انقلاب اسلامی جامعه روستایی را از ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار داد. از آنجا که روستاهای ایران دهه‌های طولانی در وضعیت کم برخوردار قرار داشتند، بنابراین محرومیت زدایی از جامعه روستایی در صدر برنامه‌های دولت قرار گرفت (کلانتری، ۱۳۹۰) و برای تحقق این موضوع در قالب برنامه‌های مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقدام به برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تهیه و تنظیم شده است که تاکنون برنامه‌های توسعه‌ای اول تا ششم اجرا شدند که در ادامه هر یک از این برنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

سابقه برنامه‌ریزی روستایی در ایران بعد از انقلاب اسلامی:

شناخت دقیق مسایل مربوط به روستاهای ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، در مناطق روستایی قرار دارد (تودارو، ۲۰۰۵). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ گسترش عدالت اجتماعی و تقلیل نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب، محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی، توجه به مشارکت‌های مردمی و بهره‌گیری از نیروی انسانی بالقوه‌ای که در جوامع روستایی وجود داشت مورد توجه و اهتمام نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. با تشکیل نهادهایی چون هیات‌های هفت

نفره واگذاری زمین، مشاع‌های روستایی، مراکز خدمات روستایی و عشایری، جهاد سازندگی، شوراهای اسلامی، خانه همیار، طرح شهید رجایی و ورود کمیته امداد امام خمینی (ره) به روستاها تلاش گردید که به بهزیستی و بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی روستاییان کمک شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶).

حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده نظام، از نظر سکونت و فعالیت ملی، نقش مهمی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چراکه توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیرنظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد. حال اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه‌ای ایجاد شود، به گونه‌ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده خویش در نظام ملی و سرزمینی نباشد، در آن صورت آثار و پیامدهای مسایل روستایی در حوزه‌های شهری و در نهایت، در همه سرزمین گسترش می‌یابد. بنابراین مهم است بدانیم قوانین برنامه‌های توسعه پنج ساله پس از انقلاب اسلامی تا چه اندازه توجه خود را بر ابعاد مختلف توسعه روستایی معطوف کرده است و تا چه اندازه، در نیل به اهداف پیش بینی شده موفق بوده‌اند. برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب با نگرش‌ها، اهداف و رویکردهای مختلفی طراحی شده‌اند و این موضوع حاکی از این است که نیازمندی‌های روز جامعه متفاوت است. به عبارت دیگر برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب به فراخور شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ساختاری و کالبدی جامعه به طریق متفاوتی تدوین شده‌اند (فتح الهی گلام بحری و همکاران، ۱۳۹۶). در ادامه به تشریح و پیامد برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی پرداخته شده است.

نخستین تلاش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (سازمان برنامه و بودجه سابق) در تهیه برنامه توسعه به سال ۱۳۶۱ باز می‌گردد که طی آن، برنامه توسعه پنج ساله‌ای تهیه شد و در تیر ماه ۱۳۶۲ پس از تصویب هیأت دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید. برای برنامه پنج ساله (۱۳۶۲-۱۳۶۶) به تصویب هیئت دولت وقت رسید و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد، اما این برنامه به دلایلی همچون درگیری کشور در جنگ تحمیلی و شرایط ویژه کشور مورد تصویب مجلس قرار نگرفت و سرانجام با تجدیدنظر به عنوان اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۶۸ از طرف دولت و مجلس ارائه شد و مورد تصویب قرار گرفت.

– برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

در برنامه اول توسعه گرچه سند برنامه فاقد جایگاه مستقلی برای عمران روستایی بود، اما بخش قابل توجهی از برنامه‌های اجرایی بخش‌ها به عمران روستاها اختصاص داشت و بسیاری از تبصره‌های قانونی این برنامه نیز دولت را به تخصیص اعتبارات ویژه به مناطق روستایی عهده‌دار می‌کرد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). در قانون برنامه اول، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی برابر ۸/۱ درصد در سال پیش بینی شده بود که رشد بخش کشاورزی در این برنامه معادل ۶/۱ درصد در سال پیش بینی شد. در این برنامه دولت در قالب برنامه‌های اجرایی بخشی و تبصره‌های قانونی به تخصیص اعتبار برای مناطق روستایی پرداخته و بر دو الگوی بنیادی زیر در توسعه روستایی تأکید کرده است:

- ۱- تأکید بر راهبردهایی که موجب تغییرات مطلوب در ساختار تولیدی اجتماعات روستایی می‌شوند؛
- ۲- افزایش تولید کشاورزی و بهبود معیارهای زندگی کشاورز و خانواده‌اش (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶).

الگوی اول از طریق بهبود وضعیت مالکیت زمین، اصلاحات ارضی، بهره‌وری از منابع طبیعی بالقوه و سایر فعالیت‌هایی که باید موجب ارتقای وضعیت اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی شوند، پیگیری می‌شود و الگوی دوم مبتنی بر گسترش برنامه‌های نوین کشاورزی و به کارگیری فناوری مناسب است (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶).

در قالب این برنامه، توسعه در زمینه کشاورزی بر عهده وزارت کشاورزی بود که در سال ۱۳۵۶ از ادغام دو وزارتخانه «کشاورزی و منابع طبیعی» و «تعاون و امور روستاها» تحت عنوان «وزارت کشاورزی و عمران روستایی» تشکیل شده بود و سپس در سال ۱۳۶۲ با تشکیل وزارت جهاد سازندگی بخش عمران روستایی از وزارت کشاورزی منفک و به عهده جهاد سازندگی گذاشته شد (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۶).

با بررسی نتایج برنامه اول، می‌توان اذعان داشت که این برنامه تا حد قابل توجهی در پیش‌بینی‌های ذکر شده موفق بوده است. در واقع می‌توان گفت مثبت‌ترین وجوه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، گرایش بخش کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و سودآور بود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). منتهی قابل ذکر است که در این

برنامه، شهر پیشتازی می‌کند و یا اهرم‌های قدرت همیشه در دست شهرنشینان بوده و اکنون نیز کم و بیش به همانگونه است و نقشی که در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد، سرنوشت بشر را رقم می‌زند و در توزیع اعتبارات عمران شهری و روستایی از کل اعتبارات عمرانی پیشتازی شهر بر روستا خود را نشان داد و این در حالی است که روستاهای کشور علاوه بر خود مصرف بودن، نیازهای شهرها را نیز تأمین می‌کنند.

با این وجود در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران، اعتبارات بخش کشاورزی در مقایسه با بخش صنعت و معدن وضعیت بهتری نسبت به برنامه‌های چهارم و پنجم عمرانی (پیش از انقلاب) برخوردار شد، اما از نظر تخصیص ارز، بخش صنعت در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور توسعه کشور مورد توجه بیشتر نسبت به بخش کشاورزی قرار داشت.

– برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

برنامه پنج ساله دوم در ادامه برنامه اول و با هدف اصلی توسعه اقتصادی با نرخ رشد ۵/۱ درصد در سال، در آذر ماه ۱۳۷۳ به تصویب رسید. در برنامه پنج ساله دوم برای نخستین بار بخش عمران روستایی به عنوان یک سرفصل مستقل در اسناد برنامه جای گرفت و تأکید بر توسعه صنعت در فضاهای روستایی، مطالعه و طراحی ساختار فضایی مطلوب و تجهیز سلسله مراتبی مراکز روستایی، مهمترین سیاست‌های توسعه روستایی بوده است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). در این برنامه هدف‌هایی در راستای عمران روستایی مدنظر است که شامل؛ توسعه یکپارچه فضاهای دارای ظرفیت بالقوه رشد روستایی، بهبود کیفیت زیست، اصلاح ساختار کالبدی و بهبود کیفیت سکونتگاه‌های روستایی (بهسازی و نوسازی روستاها)، ارتقای نقش روستاییان در اداره امور روستاها، انجام طرح‌های عمرانی در زمینه راه مناسب روستایی و برق رسانی، گازرسانی، بهداشت و آبرسانی، فضاهای آموزشی، ارتقای ظرفیت اشتغالزایی صنایع کوچک روستایی و اتمام طرح‌های نیمه تمام اشتغالزایی باشد. همچنین برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی، اصلاح الگوی برپایی جمعیت در نواحی روستایی، حمایت از ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و دستی، رشد و توسعه پایدار اقتصادی با محوریت بخش کشاورزی، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشاورزی و فراهم کردن امکانات و تسهیلات مناسب

صادرات تولیدات کشاورزی و تشکیل شورای عالی کشاورزی که در آن تکمیل و راهاندازی ۳۳ ناحیه روستایی نیمه تمام و ارتقای مهارت فنی صنعتگران روستایی به میزان ۳۴۰ هزار نفر در روز در این برنامه مدنظر بود.

در برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، به دلیل بازپرداخت بدهی‌هایی که در طی برنامه اول صورت گرفته بود و همچنین کاهش قیمت جهانی نفت، کلیه بخش‌های اقتصادی از جمله بخش صنعت با محدودیت جدی منابع ارزی مواجه گشته و گشایشی که برای صنعت در طول برنامه اول صورت گرفت، امکان‌پذیر نبود. بنابراین با توجه به عملکرد ضعیف بخش صنعت در طی برنامه اول توسعه، بخش کشاورزی به عنوان محور توسعه قلمداد گردید و عمران روستایی به عنوان بخش جداگانه در برنامه دوم مورد توجه قرار گرفت. لذا الگوی توسعه در این هدف، ایجاد وضعیتی جدید با تکیه بر سازوکارهای بازار و مشارکت بخش خصوصی، استفاده از ظرفیت‌های بلااستفاده، توجه به بخش کشاورزی و تأکید عمده بر توسعه صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای از طریق تقویت بنیه‌های تولید داخلی، استفاده حداکثر از ظرفیت‌های معدنی کشور در جهت توسعه صادرات غیر نفتی است، همچنین ایجاد ارتباط منطقی با فعالیت‌های بخش صنعت، انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم جهت افزایش امکان صدور نفت و افزایش تولید فرآورده‌های نفتی، بازسازی واحدهای مسکونی خسارت دیده طی سال‌های جنگ تحمیلی، در چارچوب سیاست‌های بازسازی کشور و بهبود روند ساخت مسکن جهت پاسخگویی به نیاز جامعه از دیگر اهداف مدنظر این برنامه می‌باشد.

– برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹–۱۳۸۳)

یکی از مهمترین جهت‌گیری‌های برنامه سوم، اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی برای افزایش کارایی دولت، بالا بردن بهره‌وری منابع ملی و تقویت بخش غیر دولتی است. در این زمینه چهار موضوع مهم نظام اداری، شرکت‌های دولتی، انحصارات و تمرکززدایی در برنامه سوم مورد تأیید قرار گرفته است، اما در زمینه عمران و توسعه روستایی در این برنامه و توجه ویژه به بهبود معیشت روستاییان، راهکارهای اجرایی زیر ارائه شده است:

۱- به منظور فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال و درآمد بیشتر روستاییان، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و مردمی و توسعه فعالیت‌های اشتغالزا، به ویژه در زمینه‌های

کشاورزی و صنایع تبدیلی، وزارت جهاد سازندگی مؤظف است با همکاری دستگاه‌های ذیربط در طول برنامه اقداماتی همچون؛ افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی با هدف تأمین امنیت غذایی و توسعه صادرات با اولویت دانه‌های روغنی، تجهیز منابع آب و خاک و اولویت‌گذاری اراضی مستعد کشاورزی به روستاییان، سرمایه‌گذاری و تسریع در اجرای طرح‌های تأمین آب و خاک کشاورزی، ادوات و ماشین‌آلات مورد نیاز، شبکه‌های اصلی و فرعی آبیاری و زهکشی طرح‌های کوچک آبی، احیاء قنوات و چشمه‌سارها، توسعه دام و طیور و شیلات، نوغانداری، زراعت و باغداری، شناسایی مزیت‌های نسبی و امکان‌سنجی استقرار صنایع روستایی، ساماندهی و تجهیز نواحی صنعتی ایجاد شده انجام دهد. علاوه بر این، ساخت سدهای کوچک و بزرگ، مدیریت دام و مرتع و ساماندهی عشایر، تولید علوفه، ترویج و حمایت از ایجاد و گسترش تعاونی‌های تولید روستایی و توسعه رشته‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای در روستاها، ساماندهی صنایع دستی و فرش روستایی و نهایتاً شناسایی مناطق توسعه نیافته، تدوین و اجرای برنامه‌های ساماندهی و توسعه‌ای در آن‌ها از دیگر اهداف این برنامه بود. همچنین دولت از ایجاد صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی با سرمایه دولت و مردم در مناطق روستایی به منظور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی حمایت می‌کند. در این راستا به منظور استفاده از نیروهای متخصص و کارآفرینان بخش آب و کشاورزی با اولویت ساکنین روستاها، دولت مجاز است اراضی بزرگ با مقیاس اقتصادی را در عرصه‌های منابع طبیعی که قابل احیاء و بهره‌برداری کشاورزی می‌باشند، با شرایط مناسب در اختیار آنان قرار دهد.

۲- وزارت مسکن و شهرسازی مؤظف است به منظور ساماندهی و بهسازی کالبدی روستاهای کشور موارد زیر را انجام دهد:

- تهیه و اجرای طرح‌های هادی و ساماندهی روستاها در چارچوب طرح‌های توسعه و عمران منطقه‌ای مصوب.

- اعمال نظارت بر ساخت و ساز در سکونتگاه‌های روستایی و کنترل رعایت ضوابط فنی در ساخت ابنیه با ویژگی‌های فرهنگ معماری ایرانی - اسلامی (بومی).

- حفاظت، مرمت، احیا و بهسازی ابنیه و بافت‌های با ارزش روستایی با هماهنگی دستگاه‌های ذیربط.

- برخوردار کردن کلیه روستاهای بالای ۲۰ خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن.

- ترسیم نقشه تفکیکی وضع موجود روستاهای بالای ۲۰۰ خانوار و مرکز دهستان‌ها توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را تهیه و به اداره ثبت اسناد و املاک جهت صدور سند مالکیت ارسال گردد.

۳- واگذاری بخشی از فعالیتهای اجرایی دستگاههای دولتی به شوراهای اسلامی و دستگاههای محلی و مؤسسات و شرکتهای غیردولتی (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). از زمره اهداف برنامه سوم (۱۳۷۹ - ۱۳۸۳) که گروههای آسیب پذیر به ویژه روستائی را در بر می‌گیرد تلاش برای حفظ قدرت خرید گروههای کم درآمد، فراهم آوردن زمینههای اشتغال و تشویق سرمایه‌گذاری و کارآفرینی، اهتمام به توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به معیشت روستائیان، تأمین امنیت غذایی و خودکفایی در کالاهای اساسی با افزایش تولید داخلی بویژه کشاورزی، گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و رفع محرومیتها به خصوص در مناطق روستایی کشور است. بنابراین در برنامه سوم، بیشتر سعی بر این بوده است که ادامه‌دهنده برنامه‌های توسعه دوم باشد، در این زمینه با توجه به نقش و عملکرد اقتصاد روستا از طریق تحول ساختاری در نظام تولید در جهت بهره‌برداری مناسب از منابع و عوامل تولیدی موجود و استفاده از فناوری مناسب، حمایت از مؤسسات غیردولتی تأمین کننده اعتبارات خرد به منظور ارائه تسهیلات به روستائیان و تجهیز منابع جدید، ایجاد هماهنگیهای لازم جهت تمرکززدایی و جامع‌نگری، جلوگیری از فعالیتهای موازی و مشابه، شفاف کردن وظایف و نقش‌ها با کاهش حیطه‌های تصدی و توفیق فعالیتهای اجرایی، تجهیز فضاهای روستایی کشور بر طبق استانداردها و ضوابط خدمات‌رسانی و نتایج طرح‌های مصوب توسعه و عمران منطقه‌ای سعی بر تحول در رشد کشاورزی و توسعه روستایی شده است. در این برنامه همانند برنامه‌های اول و دوم، بیشتر سعی بر توسعه فیزیکی و اقتصادی روستا شده است و عمده فعالیتهای زیرساختی و عمرانی بوده‌اند.

– برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران (۱۳۸۹-۱۳۸۴)

در برنامه چهارم نسبت به برنامه‌های گذشته، توجه ویژه‌تری به توسعه و عمران روستایی مبذول شد. ارتقای سطح درآمد و زندگی روستائیان و کشاورزان و رفع فقر از طریق تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید، تنوع بخشی و گسترش فعالیتهای مکمل به ویژه صنایع تبدیلی

و کوچک و خدمات نوین با تأکید بر اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات از سیاست‌های اصلی توسعه و عمران روستایی در برنامه چهارم بود.

قوانین برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی کشور از طریق توسعه منابع انسانی، تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، ساماندهی نظام ارائه خدمات سطح‌بندی شده و اصلاح نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی با تأکید بر افزایش هماهنگی و محلی نمودن فرآیند آن مقدمات توسعه روستایی را در قالب بخش‌های مختلف به شرح زیر مقدر می‌سازد.

قوانین مربوط به رشد و توسعه اقتصادی و کشاورزی:

اصلاح ساختار مصرف آب و استقرار نظام بهره‌برداری مناسب، برنامه‌های اجرایی مدیریت خشکسالی را تهیه و تدوین نماید، سرمایه‌گذاری لازم به منظور اجرای عملیات زیربنایی آب و خاک، پوشش حداقل ۵۰ درصدی بیمه محصولات، جلوگیری از افزایش بی‌رویه مصرف سموم دفع آفات نباتی و کودهای شیمیایی و حمایت از گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی از جمله موارد مربوط به قوانین رشد اقتصادی و کشاورزی است. همچنین طراحی روش‌های لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستائیان و عشایر ایجاد فرصت‌های اشتغال به ویژه در دوره‌های زمانی خارج از فصول کاشت و برداشت با رویکرد مشارکت روستائیان و عشایر، با حمایت از صندوق‌های قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال نیازمندان انجام می‌شود. در این راستا، ایجاد صندوق تثبیت درآمد کشاورزان با مشارکت درآمدی دولت و کشاورزان، صدور سند مالکیت اراضی کشاورزی و مسکونی، نوسازی باغ‌های موجود و توسعه باغ‌های با اولویت در اراضی شیب‌دار و مستعد، گسترش مشارکت مردم محلی در حفاظت مراتع و ایجاد زمینه مشارکت تشکل‌های قانونی غیردولتی صنفی تخصصی از دیگر عوامل مربوط به رشد اقتصادی و کشاورزی است.

قوانین مرتبط با اقدامات کالبدی:

تکمیل شبکه راه‌های روستایی، بهسازی مسکن روستایی، پلکانی کردن بازپرداخت اقساط تسهیلات بانکی، دادن کمک‌های اعتباری و فنی برای بهسازی و نوسازی مسکن روستایی و حمایت از ایجاد کارگاه‌های تولیدی از عوامل اقدامات کالبدی می‌باشد. در این راستا ترویج و فرهنگ بهسازی، شناسائی اصول و ضوابط شکل‌گیری معماری اسلامی - ایرانی در روستاهای

کشور، اقدام به منظور صدور سند مالکیت بافت‌های مسکونی روستایی، صدور سند مالکیت اراضی کشاورزی از دیگر عوامل مربوط به قوانین مرتبط با اقدامات کالبدی می‌باشد.

- پیش‌بینی تسهیلات و امکانات لازم برای نوسازی، مقاوم‌سازی و استاندارد و متناسب نمودن فضاهای آموزشی، فراهم کردن امکانات مناسب برای رفع محرومیت آموزشی و ورزشی از طریق گسترش مدارس شبانه‌روزی از دیگر اقدامات کالبدی است.

قوانین ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی:

توزیع عادلانه درآمد و هدفمند کردن منابع تأمین اجتماعی و پرداخت یارانه، اعمال سیاست‌های مالیاتی با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها، توانمندسازی، جلب مشارکت‌های اجتماعی از عوامل مربوط به امنیت انسانی و عدالت اجتماعی است. همچنین طراحی روش‌های لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستاییان، افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی با توجه خاص به روستائیان و عشایر، با مشارکت دولت، روستائیان و عشایر، سالم‌سازی آب شرب از دیگر عوامل امنیت انسانی و عدالت اجتماعی می‌باشد.

حفظ، احیاء، اصلاح، توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی:

خروج دام از جنگل و ساماندهی جنگل تا پایان برنامه چهارم، کاهش ۵۰ درصد دام مازاد از مراتع جهت تعادل بین دام و مرتع، اجرای عملیات آبخیزداری، توسعه زراعت چوب، توسعه فضای سبز و جنگل‌های در دست کاشت، گسترش مشارکت شوراهای روستایی و بسیج محلی در حفاظت از جنگل‌ها و مراتع از عوامل مربوط به حفظ و احیاء منابع طبیعی است (برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴؛ عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۱).

بخش عمده‌ای از سیاست‌های کلی برنامه چهارم در قالب سیاست‌های کلی برنامه‌های قبلی عیناً وجود داشته است و برخی نیز با مضمون و یا مشابه سیاست‌های کلی قبلی بوده است. بعضی از سیاست‌ها نیز تفصیل سیاست‌های کلی برنامه‌های قبل یا خلاصه شده آنها است. در این برنامه نیز تأکید و توجه زیادی بر زیرساخت‌های روستایی و رشد کشاورزی شده است، تفاوت این برنامه با برنامه‌های گذشته توجه به منابع انسانی روستاها و تأکید بر توانمندسازی آنها به همراه جلب مشارکت روستاییان است.

– برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹–۱۳۹۳)

برنامه پنج ساله پنجم دولت را مکلف کرد تا به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، اقداماتی را به عمل آورد تا شکاف بین مناطق روستایی و شهری به حداقل برسد.

پنجمین برنامه توسعه، دومین برنامه از سند چشم‌انداز بیست ساله کشور است و رویکرد مبنایی آن پیشرفت، عدالت و توجه به تمامی ابعاد تحولات داخلی و خارجی است. همچنین در این برنامه به جایگاه ترسیم شده برای کشور در سند چشم‌انداز بیست ساله در منطقه، تحقق کامل سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ابعاد مختلف و دفاع از حقوق و کرامت انسانی و جلب گسترش مشارکت مردم و مردمی کردن حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی توجه جدی شده است.

در زمینه توسعه روستایی در برنامه پنجم توسعه بیان شده است که دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را از اقدامات زیر به عمل آورد:

- ارتقاء شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی.

- حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی - کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهاده‌ها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی با اولویت مراکز دهستان‌های دارای قابلیت توسعه از دیگر اقدامات مدنظر این برنامه است.

- تعیین الگوی مدیریت در آبادی‌های فاقد شورای اسلامی.

- تدوین سیاست‌های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس «از شهر به روستا» و برقرار کردن نسبی جمعیت روستایی تا آخر سال اول برنامه.
- بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی مبتنی بر الگوی معماری اسلامی - ایرانی با مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی.
- آموزش فنی و حرفه‌ای مستمر روستاییان با هدف توانمندسازی برای ارائه و استفاده از خدمات نوین و مشارکت در فعالیت‌های صنعتی و بهبود کیفیت تولیدات.
- ساماندهی و استقرار فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغالزای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی در مناطق روستایی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری
- ساماندهی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی به منظور خدمات‌رسانی بهتر و مؤثرتر.
- احداث، ترمیم و نگهداری و ایمن‌سازی شبکه راه‌های روستایی.
- ارتقاء شاخص‌های توسعه عشایر از طریق اسکان و ساماندهی خانوارها.
- حمایت مالی از طریق اعطاء تسهیلات، وجوه اداره شده، یارانه سود و کارمزد جهت توسعه اشتغال خانوارهای روستایی و عشایری با اولویت روش‌های محلی و بومی.
- اقدام قانونی در جهت ایجاد شرکت شهرک‌های کشاورزی با اصلاح اساسنامه یکی از شرکت‌های مادر تخصصی موجود در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
- سرمایه‌گذاری مشترک با بخش‌های غیردولتی تا سقف ۴۹ درصد در چهارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
- توسعه و هدفمندسازی پژوهش، آموزش، تولید، تبلیغات و همچنین توسعه تجارت الکترونیک فرش و ایجاد خانه فرش در بازارهای هدف و مورد نظر برای هویت بخشی، ارتقاء کیفیت تولید و سفارش‌پذیری.
- تعمیم و گسترش بیمه روستایی و پوشش ۱۰۰ درصد آن از طریق تقویت صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر.
- پیش بینی مکان‌های ورزشی برای جامعه روستایی.
- تهیه طرح‌های هادی روستایی و تعیین محدوده روستاها در سراسر کشور با پیشنهاد کارشناسان فنی، زیر نظر بنیاد مسکن و تأیید بخش‌داری هر بخش و با اطلاع دهیاران و رؤسای شورای اسلامی روستاها (برنامه پنجم، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

بنابراین به وضوح می‌توان مشاهده کرد که مانند برنامه چهارم، تمرکز بیشتر برنامه پنجم توسعه در حوزه توسعه روستایی، بر مبنای عمرانی و اقتصادی است. احداث راه‌ها، ساخت ساختمان‌ها، افزایش تولید بخش کشاورزی از طریق (افزایش بهره‌وری، تکمیل کردن زنجیره‌های تولید و خوشه‌ای کردن کسب و کارها)، افزایش میزان درآمد جمعیت روستایی و سایر سیاست‌های اقتصادی مهم موضوعات طرح شده هستند و کمتر به مسائل اجتماعی توجه شده است.

نکته مشهود دیگر اینکه هیچ دستگاه یگانه و مشخصی، مسؤل بررسی تکالیف مطروحه نیست. هر کدام از این تکالیف، بر عهده یک نهاد دولتی خاص گذاشته شده است. این در حالی است که در صورت عدم اجرای تعهدات یک نهاد، عملاً اجرای تعهدات برای سایر سازمان‌ها غیر ممکن یا دشوار می‌شود.

– برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)

کشور ما اکنون تجربه پنج برنامه اجرا شده پیش از انقلاب و پنج برنامه اجرا شده بعد از انقلاب را دارد، بنابراین انتظار می‌رود که با توجه به تجربیات گذشته، برنامه ششم توسعه با قوت بیشتری تدوین و اجرا گردد.

توازن منطقه‌ای، توسعه روستایی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر به عنوان بخش جداگانه‌ای در برنامه ششم توسعه ارائه شده است. در این راستا در برنامه ششم مقرر شد که به منظور رقابت‌پذیر کردن عدالت بین منطقه‌ای و سرزمینی و تقویت خودتکایی و به منظور تحقق سیاست‌های کلی برنامه و اقتصاد مقاومتی، شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در نواحی روستایی و ارتقای منزلت اجتماعی روستاییان و جایگاه روستاها در اقتصاد ملی اقدامات زیر را مطابق قانون اجرا کند:

– اقدامات اقتصادی و بخشی:

۱- دولت مکلف است در راستای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تقویت اقتصاد روستایی و توسعه اقتصاد صادرات محور در طول اجرای قانون برنامه هر سال، در پنج هزار روستا با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بومی و محیطی و قابلیت محلی - اقتصادی آن منطقه، با مشارکت نیروهای محلی و با بهره‌گیری از تسهیلات بانکی، حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی آن روستاها را تهیه کند و به تصویب شورای

توسعه و برنامه‌ریزی استان مربوطه برساند.

۲- تنظیم و ارائه هدفمند و شفاف اعتبارات مربوط به عمران و توسعه روستایی و عشایری در بودجه سنواتی، تحت پیوستی با عنوان «عمران و توسعه روستایی» و اختصاص بودجه عمرانی مربوط به این فصل انجام پذیرد.

۳- کاهش مدت زمان پاسخ به استعلام‌ها و صدور پروانه ساخت بنگاه‌های اقتصادی روستایی و عشایری از هر کدام از دستگاه‌های ذیربط، به حداکثر پانزده روز.

۴- توسعه حداقل پنجاه و چهار خوشه کسب و کار روستایی، بهره‌برداری و ساخت نود و هشت ناحیه صنعتی روستایی و ایجاد یک میلیون و نهصد و چهارده هزار فرصت شغلی در روستاها و مناطق عشایری از طریق احداث و توسعه بنگاه‌های اقتصادی رقابت‌پذیر و صادرات‌گرا از طریق بخش‌های خصوصی و تعاونی.

۵- تأمین منابع مورد نیاز برای رشد سالانه حداقل پنج درصد شاخص‌های برخورداری تعیین شده در ساماندهی عشایر.

۶- تهیه طرح هادی و طرح‌های توسعه و بازنگری آنها برای همه روستاها و آبادی‌های بالای بیست خانوار و مناطق عشایری در طول اجرای قانون برنامه با اولویت مناطق کمتر برخوردار.

۷- آموزش صد هزار نفر از روستاییان و عشایر به عنوان عناصر پیشرو و تسهیلتگر در زمینه برنامه‌ریزی محلی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی و برنامه‌های فرهنگی، بهبود خدمات‌رسانی، جلب مشارکت‌های مردمی و نظارت بر اثربخشی طرح‌های دستگاه‌های اجرایی.

۸- شناسایی روستاهای در معرض خطر سوانح طبیعی جهت اجرای طرح‌های ایمن‌سازی این سکونت‌گاه‌ها با همکاری دستگاه‌های مسئول و مشارکت مردم و نهادهای محلی، به نوعی که حداقل ۳۰ درصد روستاهای در معرض خطر تا پایان اجرای قانون برنامه ایمن‌سازی شوند.

۹- تعیین شاخص‌های بافت‌های فرسوده و نابسامان روستایی و تهیه و اجرای طرح‌های بهسازی بافت‌های فرسوده در روستاهای اداری اولویت.

۱۰- بخشودگی سود و جرائم تسهیلات پرداخت شده به افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی جهت بازسازی اماکن مسکونی مناطق روستایی آسیب‌دیده از حوادث طبیعی و غیر مترقبه که قادر به بازپرداخت اقساط خود نمی‌باشند.

- اقدامات عمرانی زیربنایی:

۱- امکان سنجی، طراحی و ایجاد سامانه‌های دفع بهداشتی زباله‌های روستایی محدوده‌های روستا و جمع‌آوری و دفع آنها در خارج از محدوده روستاها و شهرها و تعیین مسؤلیت دستگاه‌های ذیربط.

۲- طراحی و اجرای طرح‌های دفع بهداشتی فاضلاب در روستاها با اولویت روستاهای واقع در حریم رودخانه‌ها، تالاب‌ها، سدها و روستاهایی که به دلیل نفوذپذیری کم اراضی دفع فاضلاب در آنها دچار مشکل می‌باشد از طریق بخش خصوصی.

۳- یکپارچه‌سازی حداکثری فعالیت‌ها و برنامه‌های عمران و توسعه روستایی، عشایری و کشاورزی کشور و مدیریت آنها با رویکرد جهادی و نظارت‌پذیر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه ششم.

۴- تأمین و تخصیص اعتبار مورد نیاز جهت احداث، بهسازی، آسفالت و نگهداری راه‌های روستایی روستاهای بالای ۲۰ خانوار و مناطق عشایری تا پایان اجرای قانون برنامه ششم (هر سال بیست درصد).

۵- تهیه و اجرای طرح‌های ساماندهی و بهسازی حداقل ۲۰ درصد روستاهای مرزی با رویکرد پدافند غیر عامل جهت توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم.

- توسعه کشاورزی و منابع طبیعی

همچنین دولت مکلف است در اجرای بندهای سوم و ششم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و به منظور متنوع سازی ابزارهای حمایت از بخش کشاورزی، تأمین و تجهیز منابع، توسعه و امنیت سرمایه گذاری، افزایش صادرات محصولات کشاورزی و ارزش افزایی و تکمیل زنجیره ارزش محصولات کشاورزی و حفاظت از منابع طبیعی اقدامات ذیل را به انجام برساند:

۱- ایجاد زمینه گسترش و تکمیل زنجیره‌های ارزش، صنایع تبدیلی، تکمیلی و نگهداری محصولات اساسی کشاورزی در قطب‌های تولیدی، سردخانه و انبارهای فنی چندمنظوره.

ب- تخصیص حداقل ۲۰ درصد منابع صندوق‌های حمایت از بخش کشاورزی جهت تسهیلات برای صادرات این بخش.

۲- ایجاد خوشه‌های صادراتی، نشان‌های تجاری و اختصاص مشوق‌های صادراتی به صادرات محصولات کشاورزی.

۳- کاهش حداقل ۱۰ درصدی شکاف قیمت دریافتی تولیدکنندگان و قیمت پرداختی مصرف کنندگان نهایی این محصولات در طول اجرای قانون برنامه ششم.

۴- پوشش بیمه اجباری کلیه دام‌ها در مقابل بیماری‌های مشترک و واگیر، پرداخت حداقل

۵۰ درصد سهم بیمه گر توسط دولت و اجرای برنامه حذف دام در کانون‌های آلوده.

۵- افزایش سرمایه صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی به ۷ درصد از ارزش

سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و افزایش سرمایه بانک کشاورزی مطابق با استانداردهای بین‌المللی از محل فروش املاک مازاد وزارت جهاد کشاورزی و بازپرداخت تسهیلات پرداخت شده از محل حساب ذخیره ارزی و سهم دولت در قالب بودجه سنواتی.

۶- افزایش سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در کل سرمایه‌گذاری‌ها به میزان سالانه حداقل ۲ درصد.

۷- ارتقای سطح کلی حمایت از کشاورزی، سالانه تا ۲ درصد.

۸- بخشودگی سود و کارمزد و جریمه تسهیلات دریافتی کشاورزان خسارت دیده از حوادث غیرمترقبه و امهال اصل تسهیلات آنان به مدت ۳ سال.

۹- تولید و پخش برنامه‌های آموزشی، ترویجی، مدیریت مصرف آب، بهبود کمی و کیفی محصولات کشاورزی و فرآوری تولیدات، حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی کشور، بهره‌وری و انتقال یافته‌های علمی به بهره‌برداران، به سفارش و تأمین مالی وزارت جهاد کشاورزی توسط سازمان صدا و سیما.

۱۰- اصلاح و بهبود خاک کشاورزی و افزایش کربن (ماده آلی) خاک به میزان سالانه پانصد هزار هکتار.

۱۱- ارائه کمک‌های فنی و اعتباری برای نوسازی باغ‌های فرسوده کشور.

۱۲- پرداخت تسهیلات از صندوق توسعه ملی به متقاضیان غیردولتی سرمایه‌گذار بخش کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی این بخش، محیط زیست مرتبط با بخش کشاورزی و منابع طبیعی و احداث بندهای انحرافی و سدهای کوچک مطابق سیاست‌های کلی برنامه ششم و در چهارچوب اساسنامه صندوق توسعه ملی.

۱۳- احیای رویشگاه‌های مرتعی، توسعه گیاهان دارویی، جنگل‌کاری و احیای جنگل‌ها، توسعه زراعت چوب، حدنگاری (کاداستر)^۱ منابع طبیعی، اجرای عملیات آبخیزداری، تثبیت شن‌های روان و مهار کانون‌های بحرانی فرسایش بادی.

۱۴- افزایش عملکرد در واحد سطح و افزایش بهره‌وری در تولید محصولات کشاورزی با اولویت محصولات دارای مزیت نسبی با ارزش صادراتی بالا، ارقام با نیاز آبی کمتر و سازگار با شوری، مقاوم به خشکی و رعایت الگوی کشت مناسب با منطقه.

۱- کاداستر عبارت است از یک سری اطلاعات نظام یافته در مورد املاک و دارایی‌های غیر منقول مربوط به املاک که این اطلاعات به دو دسته اطلاعات توصیفی و هندسی تقسیم می‌شوند (حیدری و احمدی، ۱۳۹۹).

- ۱۵- توسعه روش‌های آبیاری نوین (کمک رایگان)، اجرای عملیات آب و خاک، توسعه آب بندها و سیستم‌های سطوح آبرگیر.
- ۱۶- حمایت از توسعه گلخانه‌ها و انتقال کشت از فضای باز به فضای کنترل شده و مدیریت آب.
- ۱۷- طراحی و اجرای الگوی کشت با تأکید بر محصولات راهبردی و ارتقای بهره‌وری آب در چهارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و تأمین منابع الزامات مورد نیاز در قالب بودجه سالانه و اعمال حمایت و مشوق‌های مناسب فقط در چهارچوب الگوی کشت.
- ۱۸- احیاء، مرمت و لایروبی قنوت با تأکید بر فعالیت‌های آبخیزداری و آبخوانداری برای احیای قنوت و برق‌دار کردن چاه‌های کشاورزی دارای پروانه بهره‌برداری و نصب کنتور هوشمند بر روی آنها.
- ۱۹- ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز جهت پرورش ماهی در قفس.
- ۲۰- تأمین حبابه کشاورزان از رودخانه‌ها، چشمه‌ها و قنات‌ها از آب سدهای احداثی بر روی این رودخانه‌ها، قنات‌ها و چشمه‌ها (برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶).
- برنامه ششم توسعه علاوه بر اینکه در زمینه عمران روستایی ادامه دهنده برنامه‌های گذشته بوده است، بیشتر تمرکزش بر عدالت اجتماعی، توسعه کشاورزی، ایجاد کسب و کارهای جدید در روستاها، شبکه‌سازی و خوشه‌ای کردن کسب و کارها، نهادسازی و توانمندسازی جوامع محلی است، بلکه بتواند با این برنامه‌ها فاصله طبقاتی را بین روستاییان با شهرنشینان را کاهش داده و از فقر روستاها بکاهد.
- با بررسی‌های صورت گرفته متأسفانه هیچکدام از برنامه‌های توسعه اول تا ششم به همه اقدام خود نائل نیامدند، به طور میانگین از برنامه اول تا ششم، میانگین تحقق برنامه‌ها حدود ۳۵ درصد است. با توجه به آماده نشدن برنامه هفتم توسعه و از طرفی پایان نیافتن برنامه ششم توسعه، این برنامه بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۱ برای یک سال دیگر تمدید شد و این یعنی فرایند تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه و سیاست‌های کلی ناظر بر آن عقب خواهد افتاد.

اثرات برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران

برنامه‌های توسعه در ایران نشان دهنده این امر است که عمران روستایی از مدت‌ها قبل در اذهان متخصصان و برنامه‌ریزان وجود داشته است و در هر دوره قوانین و سیاست‌هایی برای عمران و توسعه روستایی به اجرا گذاشته شده است که هر یک از این برنامه‌ها، بر جنبه‌های مختلف عمران روستایی از جمله، بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تأکید داشته‌اند. توجه به ابعاد مختلف در قوانین برنامه‌های عمران روستایی فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده است (فتح الهی گلام بحری و همکاران، ۱۳۹۶).

از نظر توسعه روستایی برنامه‌های جامع اول تا پنجم بر اساس رویکردهای متفاوتی شکل گرفته‌اند. به طوری که رویکرد غالب در برنامه اول، دوم و سوم اقتصادی و زیربنایی بوده است. این روند در برنامه چهارم تغییر کرده و علاوه بر ابعاد اقتصادی عمرانی، تا حدودی ابعاد اجتماعی نیز مدنظر قرار گرفته است. در نهایت، برنامه پنجم با رویکرد اقتصادی - اجتماعی و کالبدی تدوین شده است. در برنامه ششم توسعه نیز علاوه بر ابعاد اقتصادی و زیربنایی به ابعاد اجتماعی و توانمندسازی جوامع روستایی توجه بیشتری شده است.

جهت پی بردن به اثرات واقعی فعالیت‌های توسعه روستایی، برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران، به مقایسه وضعیت فقر و اختلاف درآمد خانوارهای شهری و روستایی و نیز بررسی روند تعداد روستاهای دارای سکنه و رشد سالانه جمعیت روستایی توجه می‌شود.

فقر اقتصادی و اختلاف درآمد خانوارهای شهری و روستایی

طی سال‌های اخیر مطالعاتی در مورد فقر از جمله فقر روستایی انجام شده است و با توجه به نسبی بودن مفهوم فقر معیارهای مختلفی را برای خط فقر می‌توان معرفی کرد. به همین دلیل تخمین‌های متفاوتی از فقر وجود دارد. خوشبینانه‌ترین برآورد که توسط سازمان برنامه و بودجه صورت گرفته است، هنوز گروه زیادی از روستاییان در فقر بسر می‌برند. نابرابری‌های درآمدی بین دو بخش شهری و روستایی کشور مهمترین نقش را در تعمیق شکاف بین شهر و روستا بازی می‌کنند، زیرا اینگونه نابرابری‌ها می‌توانند موجب پیدایش و یا افزایش نابرابری‌های دیگر از قبیل سطح تحصیلات، سطح مهارت، فرصت‌های اشتغال و غیره شوند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲).

در این راستا در ابتدای برنامه اول توسعه (۱۳۶۸) درآمد خانوارهای شهری حدود ۱/۴ برابر درآمد خانوارهای روستایی بوده است، این روند تا پایان برنامه دوم یعنی تا سال ۱۳۷۸ به ۱/۶ رسیده است، اما از برنامه سوم تا پایان برنامه پنجم توزیع درآمد طی این سالها دچار نوساناتی شده است. به طوریکه تا پایان برنامه چهارم به ۱/۷۸ و تا پایان برنامه پنجم این عدد به ۱/۷۳ رسیده است، این روند متأسفانه تا ابتدای برنامه ششم (سال ۱۳۹۶) افزایشی بوده و به ۱/۸۱ رسیده است، بنابراین اختلاف درآمد بین روستا و شهر همچنان افزایش می‌یابد، ضمن اینکه هزینه خانوارهای روستایی بیش از درآمد آنها بوده و این اختلاف در هزینه و درآمد و کسری در بودجه خانوار به ویژه به دلیل فقدان فرصت‌های جایگزین به صورت فقر و نهایتاً مهاجرت به سوی شهرها خود را نمایان می‌سازد و پیامدهای آن می‌تواند حاشیه نشینی در اطراف شهرها و مشکلات دیگری را برای جامعه به بار آورد.

جدول ۱-۲. مقایسه درآمد شهر نسبت به روستا

سال	درآمد	۱۳۶۸	۱۳۷۲	۱۳۷۸	۱۳۸۳	۱۳۸۹	۱۳۹۳	۱۳۹۶
		شهری	۱۴۶۷	۴۴۲۶	۱۸۵۶۵	۴۷۲۶۸	۱۰۶۱۵۶	۲۴۱۳۱۸
روستایی	۱۰۱۲	۲۲۸۰	۱۱۵۶۲	۲۷۸۸۴	۵۹۳۳۷	۱۳۹۰۵۱	۲۰۱۸۴۲	
درآمد شهر نسبت به روستا	۱/۴۴	۱/۹۴	۱/۶۰	۱/۶۹	۱/۷۸	۱/۷۳	۱/۸۱	

روند تخلیه روستاها

روستاهای کوچک و بسیار کوچک پراکنده در سرتاسر ایران، هنوز هم سهم قابل توجهی از مجموع روستاها را تشکیل می‌دهند. به طوریکه بر اساس آخرین سرشماری در سال ۹۵ حدود ۵۱/۷ درصد آبادی‌ها کمتر از ۱۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌اند.

جدول ۱-۳. آمار آبادی‌های دارای سکنه در طی سال‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۵

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
آبادی‌های دارای سکنه	۶۵۳۴۹	۶۸۱۲۲	۶۳۹۰۴	۶۲۲۸۴

(سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵)

با توجه به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد آبادی‌های دارای سکنه در سال ۱۳۶۵ برابر با ۶۵۳۴۹ بوده است، این آمار در سال ۱۳۷۵ روندی صعودی داشته است و به ۶۸۱۲۵ آبادی رسیده است، اما در ادامه روند تعداد آبادی‌های دارای سکنه کاهشی بوده است. به طوری که در سال ۱۳۸۵ تعداد آبادی‌های دارای سکنه به ۶۳۹۰۴ رسیده و در سال ۱۳۹۵ نیز برابر با ۶۲۲۸۴ آبادی شده است. این روند در مجموع نشان‌دهنده کاهش آبادی‌های دارای سکنه است.

در سرشماری سال ۹۵ تعداد ۲۴۱۹۶۰۳۵ میلیون خانوار در کشور وجود داشته است که از این تعداد حدود ۱۸۱۲۵۴۸۸ خانوار در نقاط شهری و ۶۰۵۴۹۳۹ خانوار در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵).

جدول ۱-۴. متوسط رشد سالانه جمعیت روستایی کشور طی سال‌های ۹۵ - ۱۳۶۵

نام استان	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۹۰-۹۵
نقاط روستایی	۰/۳۰	-۰/۴۰	-۰/۶۳	-۰/۶۸

(سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵)

با توجه به جدول بالا و آمارهای موجود، رشد سالانه جمعیت نقاط روستایی در ایران روندی نزولی داشته است، به طوری که رشد جمعیت ۰/۳۰ دهه ۷۵-۱۳۶۵ به ۰/۴۰- در دهه ۸۵-۱۳۷۵ تبدیل شده است. این روند طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ به ۰/۶۸- رسیده است. بنابراین این آمارها نشان‌دهنده کمتر شدن جمعیت روستایی نسبت به جمعیت شهری است.

در واقع بی‌توجهی به روستاهای کوچک در برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای، در برنامه‌های توسعه‌ای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در کنار سایر عوامل به روند فروپاشی روستاهای کوچک دامن زده است و منجر به روی آوردن خیل روستاییان به سوی مراکز شهری به منظور دستیابی به امکانات و تسهیلات گوناگون و حاشیه نشینی در شهرها شده است.

با بررسی مجموعه فعالیت‌های عمران و توسعه روستایی بعد از انقلاب ملاحظه می‌گردد که مناطق روستایی به لحاظ برخورداری از فعالیت‌های عمرانی و خدماتی در وضعیت مناسب‌تری قرار گرفته‌اند. همچنین سهم سرمایه‌گذاری عمرانی در مناطق روستایی افزایش یافته است. به طوری که در حال حاضر نسبت به گذشته، روستاهای بیشتری از کشور از شبکه آب آشامیدنی، برق و گاز روستایی برخوردار هستند و این روند در حال افزایش است و یکی از اهداف همه

برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب بوده است. در این راستا امکانات زیرساختی و خدماتی دیگری نیز همانند، راه روستایی، آب و فاضلاب روستایی، احداث مدرسه فراهم کردن خدمات آموزشی و... یا اجرا و انجام شده یا در حال اجرا است و از این حیث روستاهای ایران خوشبختانه وضعیت رو به رشدی داشته‌اند. ولی وقتی آمارهای مربوط به میزان روستاهای خالی از سکنه و دارای سکنه کمتر از ۱۰۰۰ نفر طی سال‌های ۶۵ تا ۹۵ را مورد توجه قرار می‌دهیم به نوعی متوجه روند نامطلوب توسعه روستایی می‌شویم.

افزایش روستاهای خالی از سکنه و افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها علی‌رغم هزینه سنگینی که خدمات رسانی و تأمین نیازهای اساسی بخش روستایی بر دوش جامعه گذاشته، به این معناست که الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی و تأمین نیازهای اساسی به کار گرفته شده در برنامه‌های توسعه، نتوانسته منجر به توسعه روستایی مناسب شود. زیرا در این الگو ابتدا به ابعاد فیزیکی و مادی توسعه و توزیع مجدد اثرات رشد اقتصادی توجه گردیده تا فرصت‌های توسعه، بعد به افزایش درآمد خانوارهای روستایی نیز توجه کافی نشده است (از کیا و غفاری، ۱۳۹۶).

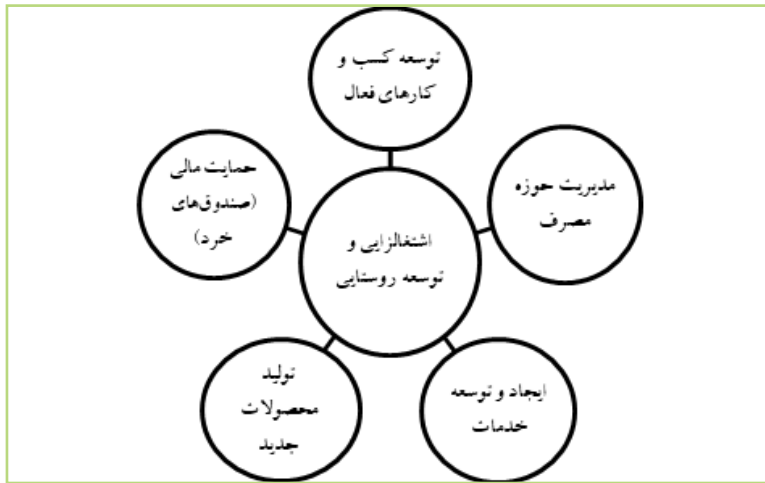
بطور کلی سیاست توسعه روستایی بویژه کشاورزی بعد از انقلاب در افزایش تولید محصول در مقایسه با قبل از انقلاب موفق بود، اما این افزایش با تقاضای جمعیت رو به رشد مطابقت نکرد. رشد محصول بیشتر با حرکت‌های مردمی در قالب جهاد سازندگی و امثال آن صورت گرفت که به نسبت موفق عمل کرد. بعلاوه علی‌رغم فعالیت‌های عمرانی و زیربنایی قابل توجه در روستاها، در ماهیت، برنامه‌های اول، دوم و سوم به ندرت در کاهش فاصله طبقاتی بین گروه‌ها و قشرها، افزایش درآمد، کاهش فقر و کاهش شکاف بین شهر و روستا مؤثر بوده‌اند (شکوری، ۱۳۹۰). نباید از نظر دور داشت که یکی از مشکلات اساسی در برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب، عدم رسیدن به اهداف در زمان تعیین شده است. برای رسیدن به اهداف برنامه‌ها، باید مراحل برنامه‌ریزی بدون آرمان‌گرایی تدوین و با مدیریت، نظارت و ارزیابی شایسته اجرا شود. چنانچه حتی اگر یکی از مراحل برنامه‌ریزی با توجه به واقعیت‌های موجود، تدوین و یا اجرا نگردد و یا در مراحل اجرا دارای ضعف مدیریتی باشد، رسیدن به اهداف برنامه با مشکل مواجه می‌شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). این حالت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود. به طوری که ۶۰ - ۷۰ درصد برنامه‌ها، به پایان نمی‌رسند، بنابراین توجه به واقعیت‌گرایی و استفاده از مدیریت متکی بر شایسته‌سالاری، برای تدوین و اجرای برنامه‌ها از اهمیت بسیار برخوردار است.

معهدا می‌توان بیان داشت که در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه پس از انقلاب، بیشتر به رشد اقتصادی و توسعه فعالیت‌های عمرانی و زیربنایی توجه شده است، اما برخلاف این فعالیت‌ها، هنوز مهاجرت از روستاها به شهرها و خالی شدن روستاها روند صعودی دارد، بنابراین در برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم علاوه بر تأیید و ادامه برنامه‌های گذشته، بحث آموزش، توانمندسازی و تکمیل کردن زنجیره ارزش کسب و کارها و خوشه‌ای کردن کسب و کارهای روستایی به منظور افزایش درآمد روستاییان و کاهش فاصله طبقاتی بین گروه‌ها و قشر روستایی با شهری تأکید شده است، در برنامه ششم نیز افزایش بهره‌وری، توسعه پایدار، ایجاد و توسعه صنایع روستایی، رونق و شتابدهی کسب و کارهای روستایی در قالب تکمیل کردن زنجیره‌های ارزش (صنایع تبدیلی و تکمیلی) و ایجاد خوشه‌های کسب و کار و توانمندسازی روستاییان مورد تأکید قرار گرفته است، اما چگونگی اجرای این فعالیت‌ها در هیچ‌کدام از برنامه‌ها اشاره نشده است و بیشتر این برنامه‌ها به سرانجام نرسیدند. در زمینه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی که در برنامه‌های مختلف توسعه‌ای نیز به آنها تأکید شده است، در مناطق روستایی اجرا نشده است و سازمان خاصی نپذیرفته که همانند خوشه‌های صنعتی که شرکت شهرک‌های صنعتی به عنوان کارگزار آن می‌باشد، در زمینه روستاها خوشه‌های کسب و کارهای کشاورزی و روستایی را سامان دهد. در این زمینه به نظر می‌رسد که سازمان جهاد کشاورزی می‌تواند به‌عنوان متولی امر کسب و کارهای روستایی در زمینه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و زنجیره‌های ارزش این کسب و کارها از طریق متخصصان امر اقدامات لازم را انجام دهد، که ضمن پایدارسازی اشتغال روستاییان بتواند اشتغالزایی جدید از طریق تکمیل کردن زنجیره‌های ارزش کسب و کارهای روستایی و توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی ایجاد کند. شاید نبود مدل اجرایی و نقشه راه و پراکنده کاری، یکی از دلایل عدم اجرای برنامه‌های مرتبط با توسعه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی باشد.

اجرای برنامه‌های توسعه روستایی و تدوین الگو اشتغال روستایی

به منظور اشتغالزایی و افزایش درآمد در کشور و بخصوص مناطق روستایی، سازمان‌ها و ارگان‌های مختلفی سمت و سو به توسعه کسب و کارهای روستایی، ایجاد اشتغال و کارآفرینی در مناطق روستایی در قالب برنامه ششم توسعه و چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، پیدا کرده‌اند و هر کدام از آنها راه و روش خاص خود را دارند و بخشی از رویکرد و راهبردهای توسعه را با تأکید و توجه بیشتری انجام می‌دهند و از یک الگوی منسجم و خاصی بهره‌گیری نمی‌شود. همچنین

فعالیت برخی از آنها با همدیگر دارای همپوشانی و موازی کاری می‌باشد. در صورتی که بتوان یک الگو و نقشه راه منسجم و علمی را در زمینه توسعه کسب و کارها در اختیار سازمان‌ها و ارگان‌های اجرایی مرتبط گذاشت، می‌توان در توسعه روستایی پیشرفت کرد و شاهد اجرای کامل اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی بود و اشتغالزایی پایدار روستایی را ایجاد کرد. در این زمینه به نظر می‌رسد با توانمند کردن روستاییان به جای توزیع تسهیلات، میان آنها بتوان اقتصاد روستا را بهبود بخشید و توسعه پایدار روستایی را به نمایش گذاشت، اما توانمند کردن روستاییان چند مرحله اساسی دارد که اگر این موارد رعایت شود، می‌توان افزایش بهره‌وری و توسعه روستایی را به ارمغان آورد (شکل ۱-۱).



شکل ۱-۱. عوامل مؤثر بر اشتغالزایی و افزایش درآمد در روستاها

در مرحله اول با توسعه کسب و کارهای فعال در روستا که روستاییان از طریق آن امرار معاش می‌کنند و با ارائه دانش روز و نکات فنی لازم به آنها و علمی کردن تولید در رسته شغلی مورد نظر و ترکیب آن با دانش بومی روستاییان، می‌توان بهره‌وری و عملکرد محصولات تولیدی را بالا برد و از این طریق افزایش درآمد برای روستاییان به بار آورد.

در مرحله دوم با مدیریت در حوزه مصرف و تولید بخش زیادی از موارد مصرفی مورد نیاز خانوار، همانند (تولید نان، گوشت، انواع لبنیات، حبوبات و ...) می‌توان از خروج پول از روستا جلوگیری کرد و هزینه‌های مصرفی خانوار را کاهش داد. بنابراین با تولید موارد مصرفی خانوار

توسط اعضای خانوار، وابستگی آنها به خرید از مراکز شهری کمتر می‌شود و به افزایش درآمد خانوار کمک می‌شود.

در مرحله سوم ایجاد و توسعه خدمات (فروشگاه، آرایشگاه، تعمیرگاه، پست بانک، مدرسه، آب آشامیدنی و ...) به منظور افزایش دسترسی روستاییان می‌باشد. خدمات مربوطه بایستی بر اساس نیازهای روستا باشد که با افزایش خدمات اجتماعی و دسترسی مردم به آن بتوان ضمن اشتغالزایی، دسترسی روستاییان به خدمات مورد نیاز را بالا برد و در ماندگاری و یا مهاجرت معکوس روستاییان نقش مهمی ایفا کرد.

مرحله چهارم بر مبنای نیاز بازار و ظرفیت‌های موجود در منطقه، می‌توان امکان کاشت و یا تولید محصولات جدید در روستا را با ارائه آموزش و در نظر گرفتن بازار محصول، به منظور درآمدزایی بیشتر ایجاد و توسعه داد.

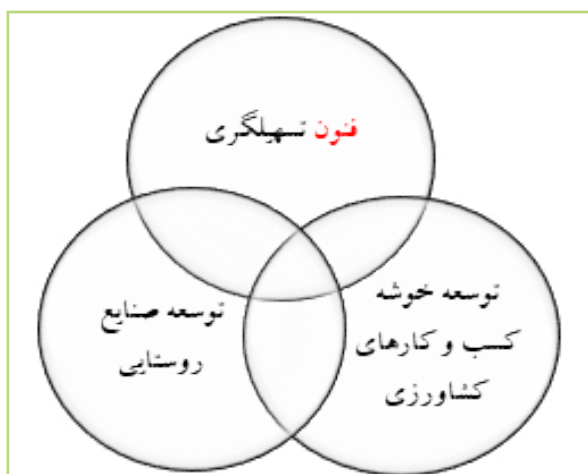
مرحله پنجم حمایت مالی از کسب و کارها در صورت نیاز می‌باشد. حتی المقدور حمایت‌های مالی دولت نباید از طریق توزیع پول نقد باشد. یکی از راهکارهای حمایت مالی به کسب و کارها از طریق ایجاد و تقویت صندوق‌های خرد روستایی می‌باشد که عاملی مهم در زمینه تولید اشتغال روستایی است. در جوامع محلی یکی از مبانی مهم «جهش تولید» مفهوم «توان و ظرفیت تولید» آن جامعه است که بر اساس میزان منابع تولید آن جامعه مانند نیروی کار، منابع طبیعی، منابع مالی، دانش فنی و نحوه به کارگیری آنها مشخص می‌شود. با توجه به اینکه امکان اخذ تسهیلات برای جامعه روستایی بسیار مشکل می‌باشد و توان فراهم کردن ضمانت برای دریافت تسهیلات را ندارند، در این راستا راه‌اندازی صندوق‌های خرد روستایی و حمایت از این صندوق‌ها توسط سازمان‌ها و نهادهای فعال در توسعه روستایی، امری مهم جهت تولید و انجام فعالیت‌های کارآفرینانه در روستاها می‌باشد. اهمیت صندوق‌های خرد به گونه‌ای بوده که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال «اعتبارات خرد» نامگذاری و کشورهای در حال توسعه را در به کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده تا در جهت تسریع فرایند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیاد مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق ارتقای بهره‌وری، اثرات سازنده‌ای داشته باشد. هرچند در برخی موارد تأمین مالی خرد روستایی در برطرف کردن نیازهای مصرفی خانوارها به کار می‌رود، اما کارکرد غالب آن در تأمین نیازهای کارآفرینانه و رونق فعالیت‌های اقتصادی کوچک مقیاس پررنگ‌تر است، همچنین می‌توان از صندوق‌های خرد روستایی تخصصی استفاده کرد. به این

معنا که با تشکیل دادن صندوق‌های خرد تخصصی بر اساس مزیت‌های کسب و کاری روستاها و حمایت مالی از این صندوق‌ها، می‌توان فعالیت کارآفرینانه و تخصصی اشتغالزای را در رسته فعالیت مشخص انجام داد. در واقع با حمایت از تأمین مالی خرد در جهت تولید در سطح جوامع محلی می‌توان تغییری محسوس در زندگی مردم به وجود آورد، چراکه همکاری جوامع محلی در انباشت پس اندازهای خرد می‌تواند موجب افزایش قدرت وامدهی و بهبود کسب و کار شود. صندوق‌های خرد روستایی، با جلب مشارکت خودجوش و تقویت اعتماد و مسئولیت‌پذیری عمومی قادرند منابع مالی خرد و پراکنده را در انسجامی همدلانه به سوی رفع نیازهای تولیدی هدایت کنند، ضمن اینکه مهارت‌های ارتباطی، حسابداری، کارآفرینی و ... اعضای صندوق‌های خرد در فرایندی مشارکتی تقویت می‌شود. در این میان آسان‌سازی بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوشناخته در فضای روستا برای ایجاد کسب و کار جدید و جذاب برای نسل جوان، شناسایی و جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به منظور ایجاد کارگاه‌های تولیدی و فرآوری محصولات، گسترش کسب و کارهای خرد خانگی با تأکید بر صنایع بسته‌بندی محصولات تولیدی روستا، توسعه نظام برندینگ در اقتصاد محلی و گسترش آموزش‌های مهارتی خلاقانه در حوزه رسته‌های شغلی پرطرفدار می‌تواند در توانمندسازی جوامع محلی با حمایت و پشتیبانی نهادهای محرومیت‌زدا از صندوق‌های مالی خرد، اثرات ارزنده‌ای در تحقق اهداف معیشت پایدار روستایی داشته باشد.

از جمله راه‌های دیگر ارائه تسهیلات به متقاضیان، توزیع کالای مدنظر میان آنها به جای توزیع پول می‌باشد. به عنوان مثال به جای پول نقد به درخواست‌کننده‌های دریافت تسهیلات جهت راه اندازی یا توسعه دامداری، از طریق نهادهای مختلف تخصصی خصوصی (پشتیبان)، دام به دامدارهای متقاضی در قالب سازوکارهای مشخص از جمله عقد قرارداد با متقاضی و نهادهای تخصصی اقدام کرد که علاوه بر حمایت از تولیدکننده، آموزش‌های مورد نیاز نیز به متقاضیان ارائه شود.

با این پنج محور کلی می‌توان هزینه‌های روستاییان را کاهش داده، بهره‌وری آنها را افزایش داد و اشتغالزایی روستایی را محقق ساخت، اما عواملی که می‌تواند به این شش مورد کمک کند که در بستر مناسبی اتفاق بیافتد و نتیجه مناسب به دست آید، ایجاد و توسعه صنایع روستایی، توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی از طریق تحلیل زنجیره ارزش کسب و کارها

و استفاده از روش‌های مشارکتی می‌باشد.



شکل ۱-۲. شرایط لازم جهت توسعه کسب و کارهای روستایی

با توجه به اینکه عموماً در روستاها بیکاری مطلق وجود ندارد و بیشتر بیکاری فصلی وجود دارد، با توانمندسازی جوامع روستایی و محلی می‌توان مشکل بیکاری فصلی و افزایش درآمد روستاییان را محقق ساخت. سه محور اصلی که زمینه‌ی فراهم کردن اشتغال‌زایی و توسعه روستایی را فراهم می‌کنند؛ شامل؛ توسعه صنایع روستایی، ایجاد و توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی و استفاده از فنون تسهیگری می‌باشد. با استفاده از فنون تسهیگری، می‌توان ظرفیت‌های بالقوه موجود در روستا را که تاکنون مغفول مانده‌اند شناسایی کرده و برای بالفعل رساندن آنها برنامه‌ریزی کرد. در این راستا با کمک فنون تسهیگری (روش‌های مشارکتی) می‌توان اقدام به مدیریت حوزه مصرف کرد و عواملی که منجر به کاهش هزینه‌ها می‌شود را شناسایی و اقدام به برطرف کردن آنها کرد. در این راستا، با کمک این روش‌ها می‌توان امکان تولید محصولات جدید و دارای مزیت در روستا را بررسی کرد. همچنین با این فنون، با توجه به شرایط موجود روستا، امکان ایجاد یا توسعه خدمات مربوط به روستا را می‌توان بررسی کرد. با استفاده از این فنون می‌توان کسب و کارهای اولویت دار روستا را شناسایی کرد و زنجیره ارزش هر کدام از این کسب و کارها را با مشارکت مردم استخراج و اولویت‌بندی کرد و به منظور برطرف کردن مشکلات آن به استخراج راه حل‌های محلی با

همکاری متخصصین امر اقدام کرد که بتوان در قالب برنامه توسعه خوشه‌ای اقدام کرد. در فصل‌های آینده به بررسی و تشریح این موارد پرداخته شده است.

متأسفانه در اکثر سازمان‌هایی که اقدام به توسعه روستایی در بخش اشتغال روستایی می‌کنند، به برخی از این عوامل توجه چندانی نشده است، برخی از این سازمان‌ها بدون توجه به اجرای فنون مشارکتی و نیازسنجی واقعی در روستاها اقدام به فعالیت در میان جامعه روستایی می‌کنند که بعضاً به هدر رفت بیت‌المال می‌انجامد، برخی فقط به اجرای فنون مشارکتی بسنده می‌کنند و ادامه کار را به طور کامل اجرا نمی‌کنند، تعدادی به نهادسازی و زنده کردن فعالیت‌های جمعی که در گذشته در روستاها وجود داشته توجه نمی‌کنند. برخی به تکمیل کردن زنجیره کسب و کار و شناسایی نقطه فشار زنجیره مورد نظر توجه ندارند و تعدادی به آموزش در راستای نیازهای جامعه محلی توجه نمی‌کنند، بنابراین به این الگوی ارائه شده باید به صورت یک کل نگر بسته شود و همه اجزای آن را مدنظر قرار داد که بتوان حرکت مثبتی را در زمینه افزایش بهره‌وری و اشتغال روستایی ایجاد کرد.

فصل دوم

صنایع روستایی و توسعه روستایی

مقدمه

به منظور تنوع بخشی به درآمد روستاییان، بهره‌گیری از صنایع روستایی مرتبط به کسب و کارهای موجود در روستا، می‌تواند منجر به اشتغال روستایی و تنوع درآمدی روستاییان گردد. بنابراین با تحلیل خوشه کسب و کارهای روستایی و تکمیل کردن حلقه مفقوده کسب و کارهای موجود در روستا می‌تواند این مهم را انجام داد. عمده صنایع روستایی که منجر به تکمیل کردن زنجیره کسب و کارهای موجود در روستا می‌شود شامل؛ صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی و صنایع دستی مرتبط با بوم منطقه می‌باشد. با ارتباط کشاورزان با صنایع مرتبط، از طریق عقد قرارداد بین کشاورز و صنعت (کشاورزی قراردادی) برقرار کرد. در این راستا با نهادسازی روستایی (عاملی که در گذشته در میان جوامع روستایی بسیار موجود بوده، همانند انجام فعالیت‌های جمعی بنه، صحرا، حراثه، شیرواره، نظام حقابه و لایروبی نهرها و شیوه‌های جمعی گلهداری را مشاهده کرد که به صورت سنتی بین روستاییان معمول بوده است) همچون تشکیل شبکه‌های مختلف همانند (شبکه فروش محصول، شبکه خرید مواد اولیه، شبکه فراوری محصولات و ...) در خوشه‌های کشاورزی شکل گرفته، می‌توان به منظور توسعه کسب و کارهای فعال در روستا آموزش‌های مورد نیاز را به اعضای شبکه‌های شکل گرفته ارائه نمود و در زمینه بازاریابی محصولات تولیدی، فراوری محصولات، خرید مواد اولیه مورد نیاز اعضای شبکه با هزینه پایین‌تر، جذب سرمایه‌گذار، برندسازی و توسعه خوشه شکل گرفته اقدام کرد. در ادامه این فصل به بررسی انواع صنایع روستایی و کسب و کارهای کشاورزی و نقش آنها در اشتغال روستاییان پرداخته شده است.

تعریف صنایع روستایی^۱ و ویژگی‌های آن

در ادبیات توسعه روستایی تعاریف متعددی از صنایع روستایی ارائه شده است که گرچه برخی از آنها دارای مبانی و زمینه‌های مشترکی می‌باشند، اما تعریف واحد و جامعی که مورد پذیرش همگان باشد، وجود ندارد (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰). این تعاریف بیشتر بر مبنای خصوصیات عینی و اندازه واحدهای تولیدی مانند تعداد شاغلان، میزان فروش، سودآوری، سرمایه و دارایی شکل گرفته‌اند (ساندر و سرینیواسان، ۲۰۰۹). برخی از تعاریف ارائه

1- Rural industries

2- Sundar & SrInIvasan

شده با توجه به خصوصیات مکانی و جغرافیایی، نوع تولیدات، مواد اولیه مورد استفاده، فناوری و مهارت نیروی کار صورت گرفته است. به عبارت دیگر بر مبنای خصوصیات جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی، حجم و اندازه واحدهای صنعتی، سطح فناوری، سازمان تولید، پیوندهای بازاریابی و عرضه فصلی نیروی کار هر کشور، تعاریف متفاوت و در عین حال متناسب با خصوصیات آن کشور مطرح شده است. ساده‌ترین تعریفی که می‌توان به آن اشاره کرد، تعریف فرهنگ لغت بریتانیا است. در این فرهنگ، صنایعی که مهارت، ذوق و بینش انسان در تولید آن نقش اساسی دارد، صنعت روستایی تعریف شده است. کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای آسیا و خاور دور^۱، صنعت روستایی را صنعتی تعریف کرده که تولید فرآورده‌های آن به مهارت نیاز داشته و حرفه‌ای است که تماماً یا عمدتاً به کمک اعضای خانواده جریان می‌یابد و تمام یا قسمتی از وقت آنها را می‌گیرد و از طریق امکانات و داده‌های محلی روستاییان انجام می‌شود. به عبارتی، صنایع روستایی با کاربرست فناوری مناسب، بستر ساز توسعه درون‌زا بر مبنای مقتضیات و نیازهای روستا بوده و می‌تواند نقش بسزایی در باروری اقتصادی و امکانات تولیدی داشته باشد؛ از این رو، برخی صاحب‌نظران، صنایع روستایی را معادل صنایع تبدیلی دانسته‌اند که قادر است تولیدات کشاورزان را تغییر شکل داده و به صورت کالای صنعتی عرضه نماید. با توجه به این تعریف، صنایع روستایی باید صنایع تبدیلی باشد که تکمیل‌کننده زنجیره تولیدات کشاورزی بوده و این محصولات را پس از تبدیل به کالای صنعتی، به عنوان محصول نهایی یا واسطه‌ای با ارزش افزوده بیشتر به بازار عرضه نماید. بازار چنین کالاهایی، نزدیک‌ترین فاصله از محیط زندگی کشاورزان است و نیازهایی را پاسخ می‌دهد که با توجه به مرغوبیت کمی و کیفی فرآورده‌ها ایجاد شده است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲).

در این راستا، در برخی کشورهای در حال توسعه تفکیک مقبولی از مفاهیم صنایع دستی، صنایع روستایی و صنایع کوچک صورت نگرفته است، به طوری که در کشورهایی نظیر پاکستان، میانمار، اندونزی و فیلیپین حد مشخصی برای تفکیک صنایع روستایی مشاهده نمی‌شود. در کشوری مثل هندوستان، صنایع روستایی عبارت‌اند از صنایعی که در آن یک کارگر ماهر با مسئولیت و ابزار خود به یک سری اقدامات تولیدی و اقتصادی می‌پردازد. در این قبیل فعالیت‌ها، کارگران اغلب فعالیت‌های خود را با دست و مهارت شخصی به انجام می‌رسانند، نیروی ماشینی در تولید نقشی ندارد، یا نقش آن بسیار محدود است و بازار عرضه کالاهای تولیدی این واحدها، محلی است. سازمان جهانی کار، صنایع روستایی را واحدهای

صنعتی می‌داند که در نواحی روستایی مستقرند و عمدتاً از نیروی کار روستایی بهره می‌گیرند. از این‌رو، پیوندهای بازاری آنها به لحاظ جغرافیایی محدود است، اما در صورت افزایش کیفیت ممکن است به بازارهای ملی و بین‌المللی نیز راه یابند. مرکز توسعه‌ای منطقه‌ای ملل متحد، صنایع روستایی را صناعی تعریف کرده که می‌توانند در مراکز روستایی توسعه یابند، به شرط آنکه صنعتی شدن مراکز روستایی را به دنبال داشته باشند (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۶). همچنین محیط روستا، زمینه‌های لازم جهت رشد صنایع دستی را دارا می‌باشد، زیرا در نواحی روستایی، فعالیت‌های کشاورزی و دامداری درصد بسیاری از مواد اولیه را فراهم می‌کند که برای ساختن انواع مصنوعات دستی مناسب است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲).

به طور کلی با عنایت به مطالب ذکر شده می‌توان برای صنایع روستایی ویژگی‌های ذیل را بر شمرد:

- تا حد امکان تکمیل کننده زنجیره ارزش بخش کشاورزی و منابع طبیعی باشد؛
 - متناسب با احتیاجات روستایان باشد و زمینه ساز خودکفایی اقتصادی روستا و منطقه و کشور را فراهم کند.
 - به لحاظ فناوری به گونه‌ای باشد که در روستا قابل استقرار و بهره‌وری بوده، ضمن ارتقاء دانش فنی روستاییان، از قابلیت اشتغالزایی بالایی برخوردار باشد؛
 - سرویس، نگهداری و تعمیر آن در محل انجام گیرد؛
 - مواد اولیه و ابزارآلات آن در منطقه و در داخل کشور فراهم باشد؛
 - با سایر بخش‌های اقتصاد روستا، به ویژه بخش کشاورزی ارتباط و پیوند داشته باشد.
- تعاریف و ویژگی‌هایی که برای صنایع روستایی بر شمرده شد این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که امکان تأسیس صنایع در مقیاس بزرگ در مناطق روستایی، وجود ندارد و بیشتر صنایع بزرگ و متوسط از جمله صنایع فراوری محصولات در حومه شهرها می‌باشند و صنایع روستایی بیشتر به صورت صنایع خرد و کوچک، کارگاهی و خانگی هستند. در مجموع در خصوص صنعتی کردن روستاها دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در ادامه به تشریح آن پرداخته شده است.

دیدگاه‌های مختلف صنعتی کردن روستاها

صنعت، فرآیندی است که طی آن با انجام یک سلسله تغییرات بر روی مواد خام، آنها را با ارزش و قابل استفاده می‌سازد. اگرچه فعالیت‌های صنعتی در مقایسه با دیگر فعالیت‌ها،

سطح کوچکی را اشغال می‌کنند، اما نیاز میلیاردها انسان را از لحاظ خوراک، پوشاک، مسکن و دیگر لوازم ضروری زندگی برطرف می‌کند. کشورهای صنعتی کنونی پس از انقلاب صنعتی به سرعت در جهت صنعتی شدن گام برداشتند. پس از آن کشورهای جهان سوم نیز به تدریج به این جریان وارد شدند (حیدری، ۱۳۹۸).

بیشتر کشورهای در حال رشد به منظور استقرار صنعت در مناطق روستایی سه نوع برنامه تدوین کرده‌اند که به شرح زیر است (رضوانی، ۱۳۹۳).

- احداث کارخانه‌های بزرگ در نزدیکی روستاها که مواد مورد نیاز خود را از محصولات کشاورزی روستایی در منطقه تأمین می‌کنند و زنجیره تأمین محصولات روستایی را تکمیل کرده و به صورت کشاورزی قراردادی از کشاورزان محصولات مورد نیاز خود را خریداری کرده و آموزش‌های لازم در مورد افزایش کیفیت و کمیت محصولات به کشاورزان ارائه دهند.

- حفاظت و تشویق صنایع دستی و محصولات صنعتگران محلی.

- تشویق به ایجاد واحدهای کوچکی که محصولات کشاورزی را فرآوری نموده و یا برخی از ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی را تعمیر و یا تولید می‌کنند (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰).

بدون شک یکی از راهبردهای موفقیت‌آمیز صنعتی کردن روستاها در گرو برنامه‌ریزی دقیق علمی در حیطه استقرار و برطرف کردن مشکلات صنایع تبدیلی - کارگاهی روستایی به صورت غیر متمرکز خواهد بود. در صنعتی کردن روستاها، همواره صنایع کوچک و کارگاهی مورد تأکید بوده‌اند. صاحب‌نظران در تبیین جایگاه صنایع کوچک و کارگاهی در صنعتی کردن روستا، دلایل زیر را برشمردند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۶):

- ایجاد اشتغال و هدایت قشر عظیم جوانان روستایی به منظور کاهش بیکاری و جلوگیری از مهاجرت.

- تأمین و تولید اکثر قطعات و کالاهای نیمه ساخته مورد نیاز صنایع بزرگ داخلی و خارجی.

- جذب سرمایه‌های محدود و پراکنده موجود در جامعه و هدایت آن در فعالیتهای تولیدی و صنعتی.

- تحقیقات و نوآوری‌های صنعتی بیشتر.

- سهم بیشتر در محرومیت‌زدایی و ایجاد اشتغال مولد در مناطق کم برخوردار کشورهای در حال توسعه.

- بستری مناسب برای تعلیم نیروهای لازم و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های روستاییان.
- جذب محصولات کشاورزی، دامی و مواد معدنی مناطق روستایی و فراوری آنها.
- توزیع عادلانه درآمد

بدیهی است دستیابی به اهداف فوق‌الذکر هنگامی امکان‌پذیر خواهد بود که صنایع روستایی با بخش کشاورزی (اعم از زراعت، باغداری، دامداری و ...) پیوند یابد و زمینه تولید این محصولات را فراهم سازد، به طوری که افزایش بهره‌وری، تولید، مهارت و اشتغال در بخش کشاورزی را به ارمغان آورد (یونیدو، ۲۰۰۸).

یکی از راه‌های افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی، تکمیل زنجیره تولید در درون مناطق روستایی است که از طریق صنایع تبدیلی در مناطق روستایی، تحقق می‌یابد. کاهش هزینه‌های حمل و نقل، حذف واسطه‌ها، افزایش ماندگاری محصول تولیدی، کاهش ضایعات، تقسیم درآمد بین کشاورزان به‌جای تسهیم آن بین شهر و روستا و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی، از دیگر فواید صنایع تبدیلی در این مناطق است. با توجه به مباحث گفته شده، می‌توان نتیجه گرفت صناعی که مواد اولیه آنها وابسته به تولیدات کشاورزی است، نسبت به صنایع دیگر که فاقد چنین خصوصیتی هستند، در مناطق روستایی سودآورتر هستند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۶). در این صورت می‌توان گفت روستا به مکانی برای زندگی تبدیل خواهد شد که اهالی آن، نه از روی ناچار، بلکه به صورت آگاهانه آنجا را برای زندگی برگزیده‌اند. در تأیید این ادعا می‌توان به نظر مایکل تودارو و میسرا استناد نمود؛ به‌زعم تودارو، تحقق توسعه ملی در کشورهای جهان سوم در گرو ایجاد تعادل میان توسعه روستایی و شهری است. میسرا نیز یکی از مشهورترین نظریه‌پردازان توسعه روستایی است که در دهه ۱۹۸۰ نظریات خود را در خصوص توسعه جهان سوم مطرح نمود. او نیز ضمن تأکید بر حذف توسعه دو قطبی (شهری و روستایی) در این کشورها، صنعتی کردن روستاها را گامی در چارچوب الگوی توسعه درون‌زا می‌داند. برخی نظریه‌پردازان، تأسیس صنایع سبک و کاربر در روستاها را در زمره اساسی‌ترین عناصر توسعه یکپارچه روستایی پایدار به‌شمار آورده‌اند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲) که در کاهش آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی از جایگاه قابل تأملی برخوردارند و سپری در مقابل انواع آسیب‌ها و شوک‌های فراروی خانوارهای روستایی و گامی مؤثر در تأمین معیشت پایدار آنان محسوب می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴). این دیدگاه به صنعتی شدن مناطق روستایی

به عنوان وسیله‌ای برای نیل به توسعه اقتصادی - اجتماعی در این مناطق توجه داشته و صنایع روستایی را ابزاری برای تأمین نیازهای جامعه در نظر می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۹۳).

هیویت و همکاران اساس صنعتی شدن را از طریق دو دیدگاه نظری که در طول سه دهه گذشته بر مطالعات توسعه مسلط بوده‌اند بررسی می‌کند:

- اختارگرایی که با سیاست‌های حمایت‌گرایانه‌تر برای به بار آوردن رشد صنعتی پیوند خورده است.

- آزادگرایی جدید که با سیاست‌هایی که بیشتر به طرف بازار جهت داده شده‌اند پیوند خورده است.

اصطلاح ساختارگرا یا ساختارگرایی اولین بار در نظریه‌های توسعه توسط گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی در کمیسیون اقتصادی ملل برای آمریکای لاتین مورد استفاده قرار گرفت. دادلی سیرز^۱ را باید مهمترین طرفدار مکتب ساختارگرا قلمداد نمود که معتقد بود اقتصاد مسلط یا راست‌آئین فقط می‌تواند به عنوان یک نظریه خاص و به گروه کوچکی از کشورهای صنعتی پیشرفته مربوط شود. ساختارگرایان معتقدند که دولت باید در تعیین ساختار بخش صنعت نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. این دیدگاه در مجموع این اصول کلی را تبیین می‌کند:

- عدم موفقیت عامل نیروی بازار در ایجاد توسعه اقتصادی

- توسعه اقتصادی و صنعتی با وجه غالب کشاورزی

- افزایش سرمایه‌گذاری به منظور رشد اقتصادی (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰).

آزادگرایی جدید^۲، با سیاست‌هایی که بیشتر به طرف بازار جهت داده شده‌اند پیوند خورده است. طرفداران این مکتب معتقد هستند که اگر بازار را کنترل نکنیم و به حال خود بگذاریم، حصول به توسعه اقتصادی سریع‌تر محیا می‌شود، لذا آنان به ادغام در بازارهای جهانی از طریق اتخاذ سیاست‌های صادرات تأکید دارند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

هاگ^۳، در تحلیل فرآیند توسعه روستایی، بر این باور است که به موازات دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، باید صنعت را به مثابه مهمترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفت. ماهیت و الگوی صنعتی شدن، چه در صنایع کوچک‌مقیاس و یا صنایع دستی و چه در

1- Dadli Sierz

2- neoliberalism

3- Hag

صنایع بزرگ‌مقیاس، تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه‌ای است. هاگ تصریح می‌کند که صنعتی‌سازی با ایجاد مهارت‌های جدید و ایجاد هماهنگی به شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی می‌انجامد. در این راستا نایاک^۱، در تحلیلی بر روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه، معتقد است که ارائه طرح‌های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها با شکست روبه‌رو شده است. به باور او، تنها راه‌حل مشکل فقر و بیکاری در مناطق روستایی ایجاد فرصت‌های شغلی است و با برنامه‌ریزی در راستای استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق ساخت. دیوید راجرز^۲، با بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک‌ها و مناطق روستایی ایالت آیووا، نشان می‌دهد که صنعتی‌سازی روستایی برای اجتماعات مورد مطالعه با منافع گسترده همراه بوده است، به طوری که بر یکپارچگی خانوارها، درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها افزوده است. آبراهام^۳ نیز با الگوی صنعتی‌سازی روستایی هند، معتقد است که استقرار صنعت در مناطق روستایی نقشی بسیار مهم در ایجاد اشتغال و درآمد داشته است. بر این اساس باید اذعان داشت که امروزه صنعت مانند اصلی‌ترین ابزار در توسعه و به ویژه توسعه عقب مانده دارای نقشی محوری است، نقشی احتمالاً برخاسته از این واقعیت که قابلیت جابه‌جایی و انعطاف‌پذیری عوامل تولید بر حسب شرایط و اوضاع محیطی - منطقه‌ای و ملی در بخش صنعت بیش از کشاورزی است و چه بسا به همین دلیل، قطب‌های توسعه به خصوص در کشورهای جهان سوم و به ویژه در مناطق فاقد توان مناسب برای توسعه کشاورزی بر پایه صنعت استوار می‌شوند (اسمیت^۴، ۲۰۰۸). با این همه، به رغم نقش و اهمیت این بخش در توسعه مناطق عقب مانده، به دلیل تمرکز در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در کشورهای جهان سوم، بسیاری از دولت‌ها به رشد ملی بیش از توسعه یکپارچه منطقه‌ای توجه دارند و به همین دلیل، در برنامه‌های پنج‌ساله آنها، همواره تنظیم و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها با تأکید بر میزان نرخ رشد و در راستای دستیابی بدان صورت می‌گیرد. بررسی وضعیت صنعتی در این کشورها نمایانگر آن است که صنایع آنها بیشتر در چند قطب توسعه متمرکز هستند و در واقع، سایر مناطق با همان عقب ماندگی صنعتی رها شده‌اند. این روند سرانجام به توسعه

1- Nayac

2- David Ragerz

3- Abraham

4- Smith

بیشتر مناطق توسعه یافته و عقب ماندگی بیشتر مناطق عقب مانده می‌انجامد و بر شکاف بین این‌گونه مناطق می‌افزاید. از این رو، برای جلوگیری از رشد ناموزون مناطق گوناگون، باید به صنعت بیش از پیش توجه شود و به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت جابه‌جایی عوامل تولیدی در صنعت، می‌توان از آن به صورت اهرمی برای توسعه مناطق عقب مانده استفاده کرد (نجفی کانی، ۱۳۸۵).

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه، باید برای تقویت ساختار خود به توسعه صنایع روستایی بپردازد، زیرا این دسته از صنایع در توسعه و رشد مناطق روستایی و تعادل بین شهر و روستا از اهمیت زیادی برخوردار هستند. صنایع روستایی باعث رشد و توسعه بخش کشاورزی، افزایش درآمد و سطح رفاه روستاییان، کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر و استفاده بهینه از منابع موجود در منطقه را به ارمغان خواهد آورد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی و معرفی آن در قالب یک جریان تولیدی وسیع، همه‌جانبه و در جایگاه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و نیز جانشینی نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی، از اهداف اصلی ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی روستایی کشور به شمار می‌روند. همان‌طور که بیان شد، در حوزه صنعتی کردن روستاها، تحلیل‌ها و نظریه‌های چندی از سوی صاحب‌نظران حوزه توسعه روستایی، مطرح شده است و غالباً در میان آنها، اختلاف‌نظر وجود دارد. بخشی از این اختلاف‌نظرها که برخاسته از جهت‌گیری‌های انگاره‌شناسی است، ممکن است غیر قابل رفع باشد. در حالی که چنانچه اختلاف‌های عمیق منطقه‌ای در خصوص شرایط ساختاری، نظام‌های اقتصادی، تاریخ و راهبردهای ارائه شده باشد، می‌توان به نتایج قابل توجهی دست یافت.

بر مبنای ویژگی‌ها و دیدگاه‌هایی که برای صنایع روستایی ذکر گردید، طبقه‌بندی‌های متفاوتی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته شده است.

طبقه‌بندی صنایع روستایی

از آنجا که تعریف کشورها از صنایع روستایی متفاوت است، طبقه‌بندی این صنایع نیز از الگوی مشابهی برخوردار نیست. به طور کلی، این طبقه‌بندی بر اساس ملاک‌های ذیل صورت می‌گیرد:

- بر اساس مقدار تولید و نوع آن

- بر اساس نیروی کار
 - میزان سرمایه
 - نظام سازمان‌دهی (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲).
- معیارهای طبقه‌بندی بر اساس نوع و مقدار تولید، نیروی کار و سرمایه، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در ذیل به سه روش اصلی طبقه‌بندی بر اساس نوع محصول تولیدی، طبقه‌بندی بر اساس نظام سازمان‌دهی و طبقه‌بندی بر اساس معیارهای ترکیبی اشاره شده است.

– طبقه‌بندی بر اساس نوع محصول تولیدی

طبقه‌بندی نوع محصول تولیدی توسط سازمان ملل متحد وضع شده است و با علامت اختصاری ISIC^۱ نشان داده می‌شود. این روش مهمترین شکل استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های صنعتی است که در سال ۱۹۴۸ توسط کمیسیون آمار سازمان ملل متحد^۲ مورد پذیرش قرار گرفت. این شیوه که با کدهای چهار رقمی نمایش داده می‌شود، برای کلیه فعالیت‌های صنعتی سبک، سنگین، کوچک و سنتی قابل تعمیم است. از بارزترین ویژگی این روش، طبقه‌بندی بر اساس نوع محصول و نوع کاربرد آن است که مورد قبول کشورهای مختلف نیز واقع شده است. بر این اساس، ۱۲۸ نوع فعالیت صنعتی در قالب ۸ گروه ذیل طبقه‌بندی شده‌اند:

- صنایع غذایی و محصولات وابسته
 - صنایع نساجی، پوشاک و چرم
 - چوب، محصولات کاغذی، چاپ و نشر
 - محصولات شیمیایی و پتروشیمی، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک
 - محصولات کانی غیرفلزی به‌استثنای نفت و زغال سنگ
 - صنایع فلزی اصلی
 - محصولات فلزی ساخته شده، ماشین آلات و تجهیزات
 - سایر صنایع تولیدی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).
- گفتنی است در ایران، وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی برای طبقه‌بندی صنایع تحت پوشش خود، از روش طبقه‌بندی بر اساس نوع محصول تولیدی تبعیت می‌کنند.

1- International Standard Industrial Classification

2- United Nations Statistics Division

اگر بخواهیم این تقسیم‌بندی را برای ایران در نظر بگیریم، صنایع روستایی به ۵ بخش تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: صنایع غذایی، صنایع کانی، صنایع نساجی، صنایع شیمیایی و سلولزی، صنایع فلزی. لازم به ذکر است که صنایع تبدیلی (فراوری) یکی از زیربخش‌های گروه صنایع غذایی است و به صناعی گفته می‌شود که مواد اولیه مورد نیاز خود را از طریق بخش کشاورزی و زیربخش‌های زراعت، باغبانی، جنگل، مرتع و دامپروری تأمین می‌کنند. صنایعی نظیر قند و شکر، روغن‌کشی، رب گوجه‌فرنگی، کمپوت‌سازی، پنیرسازی، چرم‌سازی، صنایع چوب، نساجی و صنایع لبنی محصولاتی چون سوسیس، کالباس و ... جزء این صنایع هستند (مرادی، ۱۳۹۴).

– طبقه‌بندی بر اساس نظام سازماندهی

این شیوه طبقه‌بندی در سال ۱۹۶۵ توسط دو کارشناس به نام‌های استالی و مورس^۱ ارائه شد. بر این اساس، چهار نوع نظام سازمانی که عبارت‌اند از استفاده از خانواده، نظام صنعتگری، نظام کارخانه‌ای پراکنده و نظام کارخانه‌ای قابل تمیز است. این چهار گروه خود به هشت زیر گروه طبقه‌بندی می‌شوند که اطلاعات تفصیلی مربوط به آن‌ها در جدول ۱-۲ آمده است:

جدول ۱-۲. طبقه‌بندی صنایع بر مبنای نظام سازمانی

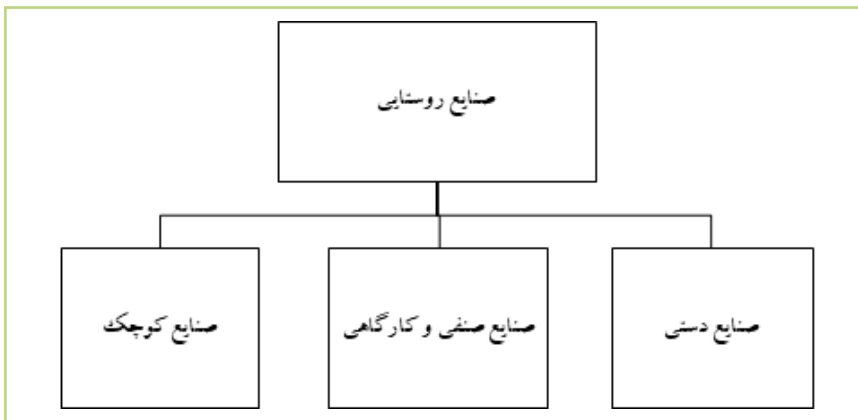
نظام سازمانی	مصادقاتها
نظام استفاده از خانواده	۱- تولید تحت مالکیت خانواده
نظام صنعتگری	۱- صنعتگری که در خانه کار می‌کند
	۲- صنعتگری که در کارگاه کار می‌کند
نظام کارخانه‌ای پراکنده	۱- کار صنعتی (با پرداخت مزد) در خانه
	۲- کارگاه‌های کوچک وابسته‌ی نیمه متصل
نظام کارخانه‌ای	۱- کارخانه کوچک مقیاس
	۲- کارخانه میان مقیاس
	۳- کارخانه بزرگ مقیاس

منبع: (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)

این طبقه‌بندی بین صنایع کارخانه‌ای و غیر کارخانه‌ای تمایز قائل می‌شود، به طوری که فعالیت‌های نظام استفاده از خانواده، نظام صنعتگری و نظام کارخانه‌ای پراکنده را در گروه صنایع غیر کارخانه‌ای و فعالیت نظام کارخانه‌ای را در گروه صنایع کارخانه‌ای قرار داده است. همچنین با کمک این جدول می‌توان مفهوم صنایع کوچک، کارگاهی و صنایع خانگی و دستی را نیز تعریف نمود که در بخش بعدی به آن پرداخته شده است.

– طبقه‌بندی بر اساس معیارهای ترکیبی

در این روش، صنایع با توجه به چند ملاک از جمله نوع نظام سازمانی، تجهیزات و فناوری مورد استفاده، اندازه و نوع محصولات تولیدی طبقه‌بندی می‌شوند. این شیوه نیز در دنیا بسیار رایج بوده و مقبولیت همگانی دارد. بر این اساس، صنایع روستایی به سه گروه صنایع دستی، صنایع صنفی و کارگاهی و صنایع کارخانه‌ای کوچک (صنایع کوچک مقیاس) طبقه‌بندی می‌شوند (شکل ۱-۲).



شکل ۱-۲. طبقه‌بندی صنایع روستایی بر اساس معیارهای ترکیبی (مرادی، ۱۳۹۴)

صنایع دستی

صنایع دستی، به صناعی گفته می‌شود که تمام یا بخشی از مراحل ساخت فرآورده‌های آن با دست یا ابزار دستی صورت می‌گیرد و در چارچوب و بینش فلسفی و ذوق هنری ساکنین هر منطقه با توجه به میراث قومی آن‌ها، ساخته و پرداخته می‌شود. در این گروه از صنایع،

خلاقیت انسانی نقش عمده‌ای دارد، بخش اعظم مواد اولیه مورد نیاز در محل وجود دارد و فناوری آن متکی به تخصص‌های بومی و سنتی است. تولید در این گروه از صنایع اتکای زیادی به مهارت‌های نیروی کار دارد و نقش ماشین در تولید آن بسیار ناچیز است. تعداد کارکنان این گروه از صنایع روستایی معمولاً کم است، اما می‌توانند در کارگاه‌های بزرگ نیز متمرکز گردند. صنایع دستی، تبلور بخشی از فرهنگ و تاریخ یک کشور محسوب می‌شوند و در هفت گروه شامل؛ بافته‌های بر روی دار، دستبافی (نساجی سنتی)، بافتنی، روکاری، چاپ‌های سنتی، نمدمالی، سفالگری، سرامیک‌سازی قابل طبقه‌بندی هستند (مرادی، ۱۳۹۴).

صنایع کارگاهی

صنایع کارگاهی با توجه به خصوصیات عمومی، تعریف و توصیف شده‌اند. از مهمترین ویژگی‌های صنایع کارگاهی که آن را از صنایع دستی متمایز می‌سازد، عدم وجود خط تولید پیوسته، تولید بر مبنای نیاز و سفارش مشتری‌های محلی و نیازهای خاص متقاضی است. شیوه تولید در این گروه از صنایع روستایی، بر پایه تجارب گذشته است و از فناوری‌های ساده در آنها بهره گرفته می‌شود. صنایع کارگاهی در ایران تاکنون سازماندهی خاصی نداشته‌اند و طی سال‌های اخیر، از طریق صدور کارت‌های شناسایی به کارگاه‌های فعال، اقداماتی از سوی وزارت جهاد کشاورزی صورت گرفته است. کارگاه‌های تولیدی به شش گروه عمده صنایع غذایی، سلولزی، فلزی، شیمیایی، کانی غیرفلزی و نساجی طبقه‌بندی شده‌اند. لازم به ذکر است که از میان سایر اشکال صنایع کارگاهی، صنایع غذایی از ارزش افزوده بالاتری برخوردارند تا جایی که بر اساس سایر گزارش‌های موجود، ارزش افزوده صنایع غذایی کشور، ۳۸ برابر صنایع دباغی و فراوری چرم، کیف و چمدان، تولید کفش و زین و یراق، ۳۱ برابر صنایع رادیو و تلویزیون و سایر وسایل ارتباطی و ۱۴ برابر صنایع تولید کاغذ بوده است (مرادی، ۱۳۹۴). آمار موجود اهمیت صنایع غذایی کارگاهی، خرد و کوچک را در میان سایر اشکال این گروه نشان می‌دهد.

صنایع کوچک و متوسط

در گروه سوم طبقه‌بندی صنایع روستایی بر مبنای معیارهای ترکیبی، صنایع کوچک^۱ قرار گرفته‌اند که به عنوان «بنگاه‌های کوچک و متوسط^۲» از آنها نام برده شده است. عبادی (۱۳۹۰)

1- Small industries or small scale industries (SSIs)

2- Small and medium size enterprises (SMEs)

بیان می‌کند، کسب و کارهای خرد و کوچک مقیاس از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار هستند و کارآفرینی، خلاقیت بیشتری در آن‌ها صورت می‌پذیرد. این شرکت‌ها راحت‌تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی تطابق داده و نسبت به مؤلفه‌های محیطی همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی، فناوری، سیاسی و قانونی سریع‌تر واکنش نشان دهند؛ بنگاه‌های کوچک عامل جذب و اشتغال بخش بزرگی از جمعیت کشورها، آموزش و تربیت نیروی کار ماهر هستند. گستردگی متون مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط موجب ارائه تعاریف گوناگون از این نوع واحدها بر اساس ساختار سنی، جمعیتی، فرهنگی و میزان توسعه‌یافتگی کشورها شده است. بررسی مقایسه‌ای این نوع از بنگاه‌ها در کشورهای گوناگون شباهت‌های بسیار زیاد ساختاری آن‌ها را نشان می‌دهد. با این وجود، نمی‌توان تعریف واحد و یکسانی را ارائه کرد. برخی از مهمترین شاخص‌هایی که معمولاً در تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط به کار می‌روند عبارت‌اند از: تعداد کارکنان، سرمایه، دارایی، حجم فروش و ظرفیت‌های تولیدی.

در جدول (۲-۲) معیارهای طبقه‌بندی صنایع خرد، کوچک و متوسط در کشورهای مختلف

بیان شده است:

جدول ۲-۲. تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای منتخب

کشور	تعریف صنایع کوچک و متوسط	تعداد جمعیت	معیار طبقه‌بندی
استرالیا	صنایع کوچک صنایع متوسط	کمتر از ۱۰۰ نفر کارمند بین ۱۰۰ تا ۴۹۹ نفر کارمند	تعداد کارکنان
کانادا	صنایع کوچک صنایع متوسط	کمتر از ۱۰۰ نفر کارمند و با فروش کمتر از ۵ میلیون دلار کانادا بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ نفر کارمند و با فروش بین ۵ تا ۲۰ میلیون دلار کانادا	تعداد کارکنان و میزان فروش
چین	صنایع کوچک صنایع متوسط	بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر کارمند بین ۱۰۱ تا ۵۰۰ نفر کارمند	تعداد کارکنان
اندونزی	صنایع کوچک و صنایع متوسط	کمتر از ۱۰۰ نفر کارمند	تعداد کارکنان
ژاپن	صنایع کوچک صنایع متوسط	کمتر از ۲۰ نفر کارمند بین ۲۰ تا ۳۰۰ نفر کارمند با کمتر از ۱۰۰ میلیون ین سرمایه	تعداد کارکنان و دارایی

ادامه جدول ۲-۲. تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای منتخب

کشور	تعریف صنایع کوچک و متوسط	تعداد جمعیت	معیار طبقه‌بندی
کره جنوبی	صنایع کوچک و متوسط	کمتر از ۳۰۰ نفر کارمند و سرمایه بین ۲۰ تا ۸۰ میلیارد تاؤن کره	تعداد کارکنان و دارایی
مالزی	صنایع کوچک و متوسط	کمتر از ۱۵۰ نفر کارمند و گردش فروش سالانه کمتر از ۲۵ میلیون رینگیت (واحد پول مالزی)	تعداد کارکنان و میزان فروش
زلاتندو	صنایع کوچک و متوسط	تا ۵۰۰ نفر کارمند	تعداد کارکنان
آمریکا	صنایع کوچک و متوسط	کمتر از ۵۰۰ نفر	تعداد کارکنان
کمیسیون اروپا	صنایع خرد صنایع کوچک صنایع متوسط	کمتر از ۱۰ نفر کمتر از ۵۰ نفر کمتر از ۲۵۰ نفر	درآمد و تراز مالی کمتر یا مساوی ۲ میلیون پوند درآمد و تراز مالی کمتر یا مساوی ۱۰ میلیون پوند درآمد و تراز مالی کمتر یا مساوی ۵۰ و ۴۳ میلیون پوند

(قاسمی و علمی مقدم، ۱۳۸۸)

تعاریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران به دلیل تعدد مراکز تصمیم‌گیری از تنوع بسیاری برخوردار است. بر مبنای تعریف وزارت صنایع و معادن و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند. وزارت تعاون نیز تعاریف وزارت صنایع و معادن و مرکز آمار ایران را در مورد این صنایع بکار می‌برد (قاسمی و علمی مقدم، ۱۳۸۸؛ عبادی، ۱۳۹۱). مرکز آمار ایران، کسب‌وکارها را به چهار گروه طبقه‌بندی کرده است که عبارت‌اند از: کسب‌وکارهای دارای ۱ تا ۹ نفر کارگر، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارگر، ۵۰ تا ۹۹ نفر کارگر و بیش از ۱۰۰ نفر کارگر. به رغم اینکه این طبقه‌بندی ظاهراً شباهتی با تعریف اتحادیه اروپا دارد، اما مرکز آمار ایران فقط کسب‌وکارهای کمتر از ۱۰ نفر نیروی کار را کسب و کارهای کوچک و متوسط^۱ محسوب

1- small and medium (SME)

می‌کند و سایر کسب و کارها را کارخانه‌های صنعتی بزرگ تلقی می‌کند. بانک مرکزی ایران نیز کسب و کارهای کمتر از صد نفر نیروی کار را به عنوان کسب و کار کوچک و متوسط تلقی می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). در این زمینه، فقدان تعریف مشترک از این نوع بنگاه‌ها منجر به دوگانگی در نوع قوانین، نوع سازمان و نوع حمایت می‌شود. در ادامه مقایسه تطبیقی صناعی که ذکر آن آمد، در جدول ۲-۳ ارائه شده است.

جدول ۲-۳. مقایسه تطبیقی صنایع دستی، صنایع کارگاهی و صنایع کوچک روستایی

ویژگی صنعتی	صنایع دستی	صنایع کارگاهی	صنایع کوچک
مدیریت	عمدتاً شخصی	شخصی و خانوادگی	شخصی و حقوقی
فناوری	کاربر	کاربر	سرمایه‌بر، دانش بر
خط تولید	انعطاف‌پذیری	انعطاف‌پذیری	کاملاً انعطاف‌پذیری
نوع تولید	تولید انبوه	مبنی بر سفارش	تولید سفارشی و انبوه
آموزش نیروی کار	سنتی	کاملاً سنتی	تقریباً علمی و رسمی
انرژی مورد استفاده	انسانی، ساده	طبیعی	مصنوعی و انرژی فکری انسانی
روش تولید	مبنی بر فرهنگ	مبنی بر تجارب گذشته	مبنی بر تفکر و خلاقیت
بازار فروش	محلی، ملی و بین‌المللی	محلی	محلی، ملی و بین‌المللی

(حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)

گفتنی است، در سال‌های اخیر در راستای ساماندهی و حمایت از ایجاد و توسعه اشتغال از طریق کسب و کارهای خانگی مستقر در اماکن مسکونی شهر و روستا، بحث مشاغل خانگی نیز در کشور مطرح شده است که شباهت زیادی به صنایع کارگاهی دارد، با این تفاوت که این دو به لحاظ فرآیند صدور مجوزها با هم متفاوت‌اند؛ سایر صنایع کارگاهی نظیر صنایع سلولزی که در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند، می‌بایست جواز کسب خود را از مجمع امور صنفی مربوطه دریافت کنند، اما مشاغل خانگی و صنایع کارگاهی وابسته به بخش کشاورزی، مجوزهای لازم را از اداره صدور مجوزهای صنایع کشاورزی سازمان جهاد کشاورزی دریافت می‌کنند. شناسه بهداشتی بر اساس یک چک‌لیست مشابه به این واحدها اختصاص می‌یابد و تفاوتی میان صنایع کارگاهی و مشاغل خانگی از نظر معیارهای الزامی وجود ندارد. از طرفی، تفاوت صنایع کارخانه‌ای، کارگاهی و مشاغل خانگی آن است که در کارخانه‌ها وجود آزمایشگاه

کنترل کیفی و مسئول فنی الزامی است که رشته تحصیلی و گواهی وی بر اساس چارت ویژه توسط معاونت غذا و داروی دانشگاه‌های علوم پزشکی تعیین و تأیید می‌شود. این در حالی است که در صنایع کارگاهی و مشاغل خانگی نیازی به هزینه بالای احداث آزمایشگاه و تجهیزات مربوطه نیست و فعالان این عرصه می‌بایست جهت کنترل کیفی تولیدات خود، با آزمایشگاه‌های معتبر زیر نظر معاونت مذکور، قرارداد منعقد نمایند. نحوه حضور مسئول فنی در این واحدها نیز در کمیته تخصصی معاونت غذا و داروی دانشگاه‌های علوم پزشکی تعیین می‌شود (مرادی، ۱۳۹۴). بر اساس تحقیقاتی که توسط سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۰۲ میلادی با در نظر گرفتن ۳۷ کشور جهان صورت گرفته، توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط منجر به کاهش نرخ بیکاری به طور معناداری می‌شود. به طور متوسط سهم کسب‌وکارهای خانگی در بین کسب‌وکارها ۳۰ درصد است. مشاغل خانگی هزینه بالایی را به خانواده‌ها تحمیل نمی‌کند و در عین حال می‌تواند سبب افزایش درآمد و در نهایت تولید ثروت در کشور شود. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد، مشاغل خانگی راهکاری مناسب برای کاهش نرخ بیکاری و فراهم ساختن زمینه اشتغال روستاییان است (گل محمدی و کرباسچی، ۱۳۹۳؛ تقی‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۳)، لذا ضرورت توسعه کسب‌وکارهای خانگی از جمله راهکارهای مناسبی است برای توسعه اشتغال‌های خرد و متوسط به ویژه برای جمعیت وسیعی از زنان که دارای مهارت کافی در انجام برخی از کارها هستند، اما به دلیل بازار نامناسب اشتغال نمی‌توانند جذب بازار شوند (گل محمدی و کرباسچی، ۱۳۹۳).

به طور کلی مشاغل خانگی به نوعی از کسب‌وکار گفته می‌شود که ممکن است لزوماً مشارکت همه اعضای خانواده را در بر نداشته و صرفاً یک یا چند نفر از اعضای خانواده در فعالیت اقتصادی مشغول باشند. از نظر سازمان بین‌المللی کار^۱ موقعیت مکانی یعنی وجود کسب‌وکار در منزل، معیار تلقی نمودن آن به عنوان مشاغل خانگی است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱). کسب‌وکارهای خانگی بزرگترین گروه کسب‌وکار در استرالیا بوده، به گونه‌ای که ۶۷ درصد کسب‌وکارهای کوچک و ۵۸ درصد کل کسب‌وکارها در این کشور را شامل می‌شود. همچنین، این گروه حدود نیمی از کسب‌وکارهای کوچک در انگلیس و ۵۲ درصد فعالیت بخش خصوصی آمریکا را به خود اختصاص داده است و بخشی مهم از اقتصاد این کشورها را کنترل می‌کنند (والکر و همکاران^۲، ۲۰۰۸)، اما در کشورهای جهان سوم درصد کمی از افراد در این

1- International Labour Organization (ILO)

2- Walker et al

زمینه مشغول به کار می‌باشند و متأسفانه کار خانگی این عده نیز در قالب نهاد یا مؤسسه خاصی تعریف نشده است.

در ایران نیز از سال‌ها قبل، روستاییان در منازل خود مشغول به انجام فعالیت بوده‌اند، اما این مشاغل با مشکلات زیادی از قبیل ناپایداری روبه‌رو بوده و علی‌رغم وجود ظرفیت‌های زیاد، این کسب‌وکارها به ندرت توانسته‌اند موفق عمل نمایند. نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه مشاغل خانگی، نشان می‌دهد که عمده‌ترین مشکلات کسب‌وکارهای کوچک (مشاغل خانگی) نبود بازار، عدم دسترسی به اطلاعات مناسب، عدم تأمین منابع مالی، موانع قانونی است (نجفی و صفا، ۱۳۹۳).

وضعیت صنایع روستایی در ایران

بسیاری از کشورها به اهمیت و جایگاه صنایع خرد و کوچک پی برده و هر یک رویکردی اقتضایی برای توسعه آن برگزیده‌اند. در ایران نیز سابقه طرح موضوع توسعه صنعت در نواحی روستایی به برنامه عمرانی اول توسعه (۱۳۳۴-۱۳۲۷) بر می‌گردد. در این برنامه یکی از اهداف شانزده‌گانه فصل «کشاورزی و آبیاری»، «تشویق و توسعه صنایع روستایی» بود. در برنامه‌های دوم و سوم و حتی در برنامه‌های چهارم و پنجم که عمران روستایی فصل مستقلی از نظام برنامه‌ها به خود اختصاص داد، برای توسعه صنعت در مناطق روستایی اقدامی جدی صورت نگرفت. در برنامه ششم عمرانی (۱۳۶۱-۱۳۵۷)، یکی از اهداف پنج‌گانه عمران روستایی، «متنوع ساختن فعالیت‌ها در جامعه روستایی از طریق ایجاد اشتغال در بخش‌های صنعت و خدمات» بود. از جمله خط‌مشی‌های بخش عمران روستایی این برنامه در راستای تحقق هدف مذکور، «افزایش مهارت، بالا بردن سطح اشتغال و متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی بر مبنای توان منطقه و با استقرار فعالیت‌های وابسته به بخش کشاورزی و توسعه فعالیت‌های صنعتی و خدماتی از جمله گردشگری در محیط روستایی با اولویت خاص برای ایجاد صنایع روستایی، تبدیلی، دستی و ساختمانی» بود. بر این اساس یکی از تأسیسات زیربنایی که برای مرکز دهستان در این برنامه ارائه شد، «تدارکات زمین و خدمات لازم برای استقرار صنایع تبدیلی روستایی و کارگاه‌های صنایع کوچک و دستی» بود که به علت شرایط خاص سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، در زمینه توسعه صنایع روستایی، در عمل اقدامی صورت نپذیرفت (رضوانی، ۱۳۹۳). با پیروزی انقلاب و تشکیل جهاد سازندگی، توسعه صنایع روستایی مورد توجه جدی قرار گرفت، به طوری که طی برنامه اول توسعه، اقدامات زیربنایی

لازم برای احداث ۳۳ ناحیه صنعتی^۱ در کشور صورت گرفت (لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰). در برنامه پنج‌ساله دوم، تکمیل و راه‌اندازی ۳۳ ناحیه صنعتی مذکور و ارتقاء مهارت فنی صنعتگران روستایی به میزان ۳۴۰ هزار نفر در روز به عنوان یک هدف کمی در توسعه صنایع روستایی، پیش‌بینی گردید. در میانه سال‌های اجرای برنامه دوم، ۹۳۶۵ میلیون ریال اعتبار برای ایجاد نواحی صنعتی روستایی جدید و افزایش تعداد آن‌ها به ۱۷۷ ناحیه تخصیص یافت. در برنامه سوم، وزارت جهاد سازندگی مؤظف شد به منظور فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال روستاییان و حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری در توسعه فعالیت‌های اشتغال‌زا به ویژه در زمینه‌های کشاورزی و صنایع تبدیلی، نسبت به شناسایی مزیت‌های نسبی و امکان‌سنجی ایجاد صنایع تبدیلی و دستی، ساماندهی و تجهیز نواحی صنعتی موجود، اقدام کند (رضوانی، ۱۳۹۳). همچنین در ماده ۱۳۷ برنامه سوم توسعه، توسعه هماهنگ و موزون فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی، از طریق توزیع مناسب جمعیت و استقرار بهینه خدمات در محیط‌های روستایی مورد تأکید قرار گرفته است. در این راستا در برنامه چهارم و پنجم نیز به این موضوع پرداخته شده است. در ماده ۱۹۴ برنامه پنجم توسعه بر حمایت از گسترش صنعتی و صنایع روستایی با اولویت، توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی - کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهاده‌ها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و صنایع دستی و خدمات گردشگری تأکید شده است، همچنین بر ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری برای استقرار فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زای کوچک و متوسط تأکید شده است (برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران). در مجموع می‌توان گفت، راهبرد صنعتی‌سازی روستاها به نوعی در چند برنامه گذشته کشور مورد توجه بوده و همواره در این سال‌ها، راه‌اندازی نواحی صنعتی مورد نظر بوده است، به گونه‌ای که تا سال ۱۳۸۰، تعداد این نواحی به ۱۸۰ ناحیه افزایش یافت. از این رو تا قبل از دهه ۸۰، کسب‌وکارهای کوچک روستایی به فراموشی سپرده شده بود. این جنبه از مکان‌یابی موجب شد که تولید این کسب‌وکارها نیز در جهت مصارف شهری سوق یابد و به شهرها انتقال یابد. به بیان دیگر، این واحدها به جای استفاده از مواد خام و فرآورده‌های محلی، به مواد غیر بومی وابسته بودند که هزینه انتقال آن‌ها به محل با عدم تناسب بازار مصرف در هم آمیخت و تعطیلی این مراکز را موجب شد. نحوه سرمایه‌گذاری واحدهای صنایع روستایی نیز به گونه‌ای بود که از قشر مرفه و سرمایه‌دار شهری حمایت نمود که برای سودجویی از فرصت به وجود آمده، پیشگام شدند. بر اساس آمار، بیش از ۳۶ درصد صنایع خرد و

کوچک روستایی در گروه صنایع غذایی فعالیت می‌کنند که رکورددار تنوع تولید و اشتغال‌زایی نیز است. با استناد به آمار موجود، بیشترین تعداد صنایع خرد و کوچک در استان خراسان (۳۳۵۴ کارگاه) و کمترین آن در استان هرمزگان (۸۴ کارگاه) مشغول فعالیت‌اند. کارگاه‌های میوه خشک‌کنی، شیرگیری، بسته‌بندی خرما و تولید مربا نمونه‌هایی از کارگاه‌های فرآوری میوه هستند. کارگاه‌های آردسازی با ۱۰۲۰۴ و شالی‌کوبی با ۸۶۶ کارگاه بیشترین تعداد کارگاه‌های صنایع غذایی را در کشور به خود اختصاص داده‌اند که بخش اعظم این کارگاه‌ها در نواحی صنعتی روستایی و به دور از مراکز تولید استقرار یافته‌اند. ناحیه صنعتی روستایی، قطعه زمینی غیر زراعی با وسعت کمتر از ۹۰ هکتار است که همانند شهرک صنعتی، جهت احداث صنایع روستایی، جانمایی می‌شود و دارای امکانات خدماتی، تأسیساتی و زیربنایی معین است. در این رابطه، بهتر است در کنار نواحی صنعتی، توسعه صنایع روستایی و کسب و کارهای کشاورزی همانند صنایع تبدیلی و تکمیلی را در خود روستاها و در خانوارهای روستایی نیز مدنظر داشت که سود اصلی آن به جای اینکه به جیب سرمایه‌گذار برود به جیب خانوارهای روستایی برود و اشتغال جوانان روستایی رقم بخورد.

کسب و کارهای کشاورزی و نقش آن در اشتغال و توسعه روستایی

اگرچه فقر مشکل جهانی است، اما بیشترین نماد آن در بخش روستایی باعث شده است که به عنوان مهمترین مشکل نواحی روستایی مطرح باشد که ناشی از ناکارآمدی اقتصاد روستایی به ویژه کشاورزی در تأمین فرصت‌های اشتغال، درآمد و ارتقای سطح زندگی است (مرادی، ۱۳۸۴). ایجاد اشتغال، توزیع درآمد، متنوع نمودن اقتصاد روستایی و کاهش نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی به طور سنتی از اهداف اولیه صنعتی شدن روستایی محسوب می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷). توسعه اقتصادی در روستاها، وابسته به کارایی، تلفیق و ترکیب بهینه بخش‌های کشاورزی مختلف اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) است، زیرا اتکا به یک بخش اقتصادی برای شکوفایی و پیشرفت، کاری عبث و بیهوده خواهد بود. کشاورزی رونق نخواهد یافت، مگر آنکه صنعت و خدمات، امکانات لازم جهت رشد کشاورزی را فراهم آورند. برای پیشرفت کشاورزی نیاز به پیشرفت صنعت است، زیرا برای گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزی پیشرفته که قادر به تأمین نیازهای مصرفی جمعیت بوده و علاوه بر تأمین درصدی از ارز مورد نیاز، از قدرت صادراتی کافی برخوردار باشد، به‌کارگیری نهاده‌ها اجتناب‌ناپذیر است. در حالی که این امکانات در اختیار بخش کشاورزی قرار می‌گیرد که سرزمین به رشد کافی در

زمینه صنعت رسیده باشد. کشاورزی زمانی رونق می‌گیرد و بهره‌وری آن افزایش می‌یابد که بتوان کشاورزی سنتی را به سمت کشاورزی علمی پیش برد و روستاییان بخصوص جوانان را متقاعد کرد که از علم روز در زمینه دامداری، زراعت، شیلات و... نهایت استفاده را ببرند و کشاورزی را دانش بنیان کرد.

لذا با فعال شدن کسب و کارهای جدید و مرتبط با کشاورزی بخصوص در بخش خصوصی همانند شرکت‌های دانش بنیان، می‌توان توسعه کشاورزی را تسریع نمود. کسب و کارهای جدید کشاورزی آن دسته از واحدهای تجاری کشاورزی هستند که حلقه‌های متعدد زنجیره‌های کشاورزی، شامل تولید، فرآوری، بسته‌بندی، توزیع و بازاریابی را به هم پیوند داده و نسبت به نظام‌های بهره‌برداری متعارف کشاورزی، رویکردی تجاری، ارزش افزا، بازاری و سودگرا دارند و مدیریت آنها نیازمند دانش و مهارت تخصصی و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید برای کسب ارزش افزوده و بهبود بهره‌وری و کیفیت محصولات و خدمات عرضه شده به بازار است. کسب و کارهای جدید کشاورزی به دلیل مزیت‌هایی که در زمینه بهره‌برداری از منابع، ساختار مالکیت و مدیریت، پیوند با بازار، قدرت جذب دانش و فناوری پیشرفته، نوآوری و توسعه‌ی زنجیره‌های کشاورزی برای رسیدن به ارزش افزوده‌ی بالا دارا هستند، زمینه‌ای مساعد برای توسعه کارآفرینی و کشاورزی به شمار می‌آورند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی عاملی مهم در افزایش رفاه، تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده‌های کم برخوردار روستایی است. تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی، ضمن اقتصادی فعال، می‌تواند دارای آثار زیادی باشد؛ به طوری که تجربه نشان می‌دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد کرده، بلکه منجر به اقتصادی خود ارزشی می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

از پارامترهای اصلی تعیین صنایع روستایی، به کارگیری آن در ارتباط با امکانات محلی است که فرد روستایی قادر به درک و استفاده مؤثر از آن باشد. در واقع ایجاد یک توسعه درون‌زا در روستا بر حسب مقتضیات و نیازهای روستا و کاربرد فناوری مناسب می‌تواند نقش بسزایی در باروری اقتصادی و امکانات تولیدی داشته باشند؛ یعنی صنایع تبدیلی که قادر باشند تولیدات کشاورزی روستاییان را تغییر شکل دهند و به صورت کالاهای صنعتی عرضه کنند. با توجه به این تعریف، کسب و کارهای جدید کشاورزی در روستاها باید در راستای فعالیت‌های کشاورزی، مکمل تولیدات کشاورزی بوده و این محصولات را به کالاهای صنعتی تبدیل کرده

و به عنوان محصول نهایی یا واسطه‌ای عرضه کنند. البته لازمه این صنایع، وجود مواد اولیه فرآورده‌های دامی و کشاورزی در منطقه است که با توجه به آن‌ها، می‌توان برنامه‌ریزی هماهنگی را در ارتباط با صنعت تبدیلی و مواد اولیه آن ارائه کرد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲). بنابراین کار و فعالیت کشاورزی با تولید محصولات کشاورزی به پایان نمی‌رسد، بلکه در فراسوی آن باید با ایجاد ارزش افزوده محصولات در قالب کسب و کارهای خرد و کوچک (همانند فراوری و بسته‌بندی)، روند جدیدی برای کارایی تولید در روستاها گشوده شود. در این راستا، مهمترین راه توسعه کشاورزی و در نهایت توسعه ملی، توسعه متوازن و هماهنگ سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات است. چنانچه این سه بخش در یک ارتباط تعاملی با یکدیگر قرار گیرند، می‌توان به توسعه اقتصادی امیدوار بود. توسعه کشاورزی می‌تواند شتاب‌دهنده توسعه صنعتی و برعکس باشد.

راهبردهای توسعه کشاورزی از رهگذر توجه به فعالیتهای غیرکشاورزی در مناطق روستایی تا آن اندازه حائز اهمیت است که برخی صاحب‌نظران اقتصاد توسعه آن را معادل راهبرد صنعتی شدن کشورهای توسعه یافته دانسته‌اند. ایجاد اشتغال پویا، افزایش درآمد، کاهش مهاجرت‌های روستایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، افزایش رفاه روستاییان و توسعه صادرات غیرنفتی از آثار بی‌بدیل کسب و کارهای جدید کشاورزی در قالب کسب و کارهای خرد و کوچک در مناطق روستایی است که از سوی بسیاری از محققان مورد تأکید قرار گرفته است (ملاشاهی و همکاران، ۱۳۹۱). تضمین امنیت غذایی جامعه از طریق افزایش مدت زمان نگهداری محصولات کشاورزی و کاهش ضایعات، افزایش درآمد اقتصادی در زنجیره عرضه غذا، کاهش واردات و جلوگیری از خروج ارز و افزایش کیفیت و امکان غنی‌سازی فرآورده‌ها از دیگر مزایای کسب و کارهای جدید کشاورزی است که مورد تأکید قرار گرفته است. ضمن اینکه، این کسب و کارها نسبت به صنایع بزرگ و متمرکز در شهرها، دی‌اکسید کربن و فلزات سنگین کمتری به محیط زیست وارد می‌کنند و از این نظر، بر سایر اشکال صنایع برتری دارند.

با توسعه زنجیره ارزش محصولات تولیدی در روستاها، در قالب صنایع تبدیلی، بسته‌بندی، توزیع و بازاریابی بهتر محصولات می‌توان کارآفرینی و اشتغالزایی در مناطق روستایی ایجاد کرد که به طور مستقیم و غیرمستقیم در رشد اقتصادی و به دنبال آن توسعه روستایی مؤثر خواهد بود. این کسب و کارها در مناطق روستایی از یک‌سو موجب بهبود و حفظ کیفیت تولیدات (طعم، رنگ، بافت، ویتامین‌ها و سایر عناصر مغذی) می‌شوند و از سوی دیگر، منافع حاصل از

آن، بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی روستاییان را به دنبال دارد که از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری می‌کند.

کشاورزی قراردادی

به منظور توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی با ارتقاء زنجیره ارزش و تولید محصولات کشاورزی تولیدی در مناطق روستاها و فراوری محصولات، دو رویکرد اصلی وجود دارد. رویکرد اول محصولات تولیدی که مزیت منطقه می‌باشند را می‌توان با اتصال به کارخانه‌های بزرگ فراوری محصولات کشاورزی از طریق مدل کشاورزی قراردادی با کشاورزان قرارداد منعقد کرد. کشاورزی قراردادی یک توافق دوطرفه بین کشاورزان و شرکت‌های فراوری کننده یا شرکت‌های بازاریابی جهت تولید و عرضه محصولات کشاورزی قراردادی تحت یک توافق قبلی و اغلب با قیمت‌های از پیش تعیین شده می‌باشد که اساس چنین توافقاتی تعهد دو طرفه است. یک طرف قرارداد شرکت خریدار است که ملزم به ارائه برخی حمایت‌ها برای تولید، مثل عرضه نهاده‌ها و مشاوره‌های فنی است؛ طرف دیگر قرارداد کشاورز است که متعهد به عرضه یک کالای مشخص در مقدار مشخص و با استانداردهای کیفی تعیین شده از جانب خریدار می‌باشد، شرکت خریدار نیز متعهد به حمایت از تولید محصول کشاورز و خرید تضمینی آن می‌باشد (فائو^۱، ۲۰۱۳). به بیان دیگر، کشاورزی قراردادی یکی از راهبردهای ترویج بازار محور است. در میان نظام‌های کشاورزی، نظام کشاورزی قراردادی به عنوان مناسب‌ترین نظام برای بهبود استاندارد زندگی خرده مالکان مطرح شده است. به طور کلی در دنیای پست مدرن، نظام کشاورزی قراردادی ممکن است موجب کیفیت زندگی روستاییان شود (درکه و همکاران، ۱۳۹۷).

نمونه‌های اجرای کشاورزی قراردادی در حال حاضر در برخی استانها، از جمله استان کرمانشاه و مشهد کارخانه رب روژین تاک استان کرمانشاه (درکه و همکاران، ۱۳۹۷)، شرکت نوین زعفران مشهد و چند شرکت و کارخانه دیگر در محصولات مختلف در حال اجرا است و کشاورزهای زیادی با آنها در ارتباط هستند و طرف قرارداد این کارخانه‌ها می‌باشند. در صورتی که بتوان این مدل را به درستی و با نظارت انجام داد که در قراردادهای منعقد شده، ظلمی در حق کشاورزان در زمینه قیمت خرید تضمینی و نحوه واگذاری نهاده‌ها نشود، این مدل یکی از مناسب‌ترین مدل‌ها در زمینه توسعه کشاورزی است. رویکرد دوم ایجاد کارگاه‌های خرد و

کوچک در مناطق روستایی می‌باشد که بتواند زنجیره ارزش محصولات تولیدی در مناطق روستایی را توسعه داد و ارزش افزوده بیشتری برای کشاورزان داشته باشد و از خام فروشی و فاسد شدن محصولات در زمان برداشت محصول جلوگیری کرد. در ادامه در فصل بعد به بررسی ایجاد و توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی و چگونگی انجام آن پرداخته شده است.

فصل سوم

خوشه کسب و کارهای کشاورزی و توسعه روستایی

مقدمه

همان طور که در فصل قبل بیان شد، کسب و کارهای کشاورزی در مناطق روستایی، عموماً به صورت کوچک و خرد هستند. این کسب و کارها توان رقابت با کسب و کارهای بزرگ را ندارند، همچنین دارای قدرت چانه‌زنی و بازاریابی پایینی برای محصولات خود هستند و دسترسی به بازارهای جهانی، خلاقیت و نوآوری، دانش روز و فناوری لازم برای این کسب و کارها مشکل است. در این راستا هزینه‌های تولید آنها بالا است. بنابراین این کسب و کارها بایستی به سمت شبکه‌ای شدن و نهادسازی پیش بروند و در قالب خوشه‌های کسب و کار فعالیت کنند. در این بخش به بررسی مفهوم خوشه‌های کسب و کار، انواع آنها، ساختار و الگوهای شناسایی و توسعه خوشه‌ها پرداخته شده است.

مفهوم خوشه‌های کسب و کار و انواع آن

تئوری‌های متفاوتی نظیر اقتصاد جغرافیایی، اقتصاد منطقه‌ای، نظام ملی و نوآوری، سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در بحث خوشه همواره مطرح شده است. برخی چنین گستره وسیعی برای تئوری خوشه‌های صنعتی را نمی‌پذیرند و تنها آن را مبتنی بر اصل جغرافیای اقتصادی می‌دانند که توسط «پورتر»^۱ در تئوری الماس مزیت^۲ مطرح کرده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). سابقه بحث و بررسی علمی در زمینه خوشه‌ها به حدود سال ۱۹۲۰ میلادی باز می‌گردد که آلفرد مارشال^۳ در کتاب اصول علم اقتصاد^۴ نشان داده است که یکی از دلایل اصلی ظهور خوشه‌ها، تمرکز فعالیت‌های تخصصی در مناطق صنعتی است که باعث افزایش صرفه‌های بیرونی^۵ شرکت‌ها می‌شود^۶ (لانگ و ژانگ^۷، ۲۰۱۱). پورتر در مورد خوشه‌ها بیان داشت که «خوشه‌ها شرکت‌ها و یا مؤسساتی هستند که در یک زمینه خاص در مکان

1- Porter

۲- تئوری الماس: مایکل پورتر چهار عامل را در رقابت‌پذیری تعیین کننده می‌داند که عبارتند از: شرایط نهاده‌های تولید، شرایط تقاضا، صنایع وابسته، پشتیبان و راهبر، ساختار و رقابت. پورتر این مجموعه عوامل را در قالب رئوس یک لوزی ارائه کرده، آن را الماس مزیت نامگذاری نموده است.

3-Alfred Marshall

4-principles of economics

5- external economies

۶- در علم اقتصاد، صرفه‌های بیرونی یا سرریز یک تعامل اقتصادی، عبارت است از اثر این تعامل بر طرفی که مستقیماً درگیر آن نیست.

7- Long & Zhang

جغرافیایی مشخصی فعالیت می‌کنند» (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷). تیفون و اخیان^۱ (۲۰۱۵)، خوشه را به عنوان مجموعه‌ای از سازمان‌های وابسته به همدیگر تعریف نموده‌اند که در یک بخش اقتصادی یا یک صنعت در زمینه تحقق نوآوری به مشارکت می‌پردازند. خوشه‌های کسب و کار یکی از الگوهای موفق سازمان‌دهی صنایع کوچک و متوسط هستند که کاستی‌های صنایع بزرگ را رفع و مزیت‌های مختلف صنایع کوچک، چون انعطاف‌پذیری و تنوع را تقویت می‌کند (اسکندرزاده و بهلولی، ۱۴۰۱). در عین حال خوشه‌های کسب و کار به نوعی تبدیل به کارآفرینان جمعی می‌شوند، که در اقدامات نوآورانه مؤثر است. علاوه بر این شرکت‌های کوچک که در خوشه‌ها قرار دارند، استقلال خود را حفظ کرده و به صورت آزاد می‌توانند با ابتکار خود در بالاترین پتانسیل نوآوری عمل کنند و به وسیله قوانین سخت سازمانی محدود نشوند (روخا^۲، ۲۰۱۳).

رابلوتی، مفهوم خوشه‌های کسب و کار را با نظریه ناحیه صنعتی مارشال با طرح ویژگی‌های اجتماعی مشتمل بر وجود سیستمی از ارزش‌های مشترک نظیر (اصول اخلاقی کار، ریسک‌پذیری و گرایش‌های صرفه‌جویانه، جامعه‌پذیری و وجود شبکه‌های نهادی برای انتقال ارزش‌ها) و ساختار اقتصادی نظیر (مجاورت مکانی شرکت‌ها، تخصص یافتگی، تقسیم چرخه تولید، تفکیک نمودن محصولات و مشتری محور بودن آن‌ها) مرتبط می‌کند که به شرح زیر خلاصه می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

۱. مجموعه‌ای از شرکت‌های خرد و کوچک به لحاظ مکانی تمرکز یافته و از حیث کاری تخصص یافته است.

۲. زمینه اجتماعی و فرهنگی - قومی نسبتاً همگون که عوامل اقتصادی را به هم مرتبط می‌سازد و باعث ایجاد ضوابط رفتاری مشترک و ... می‌شود.

۳. مجموعه‌ای از پیوندهای افقی رو به جلو و رو به عقب که بر دادوستدهای بازاری و غیربازاری، کالاها، خدمات، اطلاعات و نیروی انسانی استوار است.

۴. شبکه‌ای از نهادهای عمومی و خصوصی که از فعالیت اقتصادی در خوشه‌ها پشتیبانی می‌کند. در خوشه تمایل بنگاه‌ها به همجواری در یک نوع کسب‌وکار مشابه است. خوشه به تمرکز بنگاه‌هایی گفته می‌شود که به وسیله همجواری جغرافیایی و وابستگی متقابل و حجم بالای اشتغال، قادر به هم‌افزایی هستند (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹)، بنابراین خوشه بخشی نیست

1- Tayfun & ykanat

2- Rocha

که در کل یک کشور یا استان پخش و گسترده شده باشد، یا یک پارک صنعتی یا ناحیه صنعتی که محصولات مختلفی در آن تولید می‌شود، خوشه نیست. یک گروه کوچک از بنگاه‌ها که مجموعاً درگیر چند کسب‌وکار هستند خوشه نمی‌باشند، یک تعاونی که همکاری میان چندین واحد و بنگاه‌ها را بر اساس یک قاعده، قانون یا طرح مورد قبول عموم هدایت می‌کند، یک خوشه نیست. یک گروه از روستاها، شهرها یا شهرستان‌هایی که در آن‌ها تعدادی بنگاه وجود دارد که انواع مختلفی از محصولات را تولید می‌کنند، خوشه به شمار نمی‌آید. پژوهشگران، خوشه را از شبکه متفاوت می‌دانند و در بیان این تفاوت جدول (۳-۱) ارائه می‌شود (رادفر، ۱۳۹۲).

جدول ۳-۱. تفاوت بین خوشه و شبکه کسب و کار

شبکه‌ها	خوشه‌ها
مقیاس کوچک، بین شرکتی با همکاری با بنگاه‌های بزرگ	مقیاس بزرگ و همکاری بین بنگاه‌های کوچک
عدم وجود هم‌مکانی	وجود هم‌مکانی
عضویت محدود	عضویت آزاد
تعامل رسمی	برهم‌کنش (تعامل) غیررسمی
همبستگی داخلی	ارتباطات داده و ستانده
اهداف مورد توافق	عمدتاً روابط مبادله‌ای

(حیدری و همکاران، ۳۹۸)

از جدول بالا در می‌یابیم که مفهوم خوشه متفاوت از مفهوم شبکه است. در واقع تشکیل شبکه یکی از عناصر اساسی ایجاد خوشه به شمار می‌رود. شبکه می‌تواند بر اساس ملاحظات کلان و اولیه اعضای خوشه که به عنوان نقاط محرک یاد می‌شوند تشکیل شود. به عنوان مثال اگر نقطه محرک یک خوشه که باعث توسعه خوشه و رقابت پذیر شدن آن می‌شود، از جنس فعالیت‌های بازاریابی باشد، در این صورت شبکه در آغاز تشکیل، اهدافی از قبیل همکاری مشترک در برگزاری نمایشگاه، تأمین دفتر ثبت سفارش‌ها و استقرار مراکز فروش را مدنظر قرار می‌دهد. به دلیل اینکه نقطه تمرکز اهداف شبکه، همان اهداف کسب‌وکار بنگاه‌ها است، می‌تواند حمایت کارآفرینان را نیز کسب نماید. به همین دلیل شبکه را می‌توان بهترین وسیله برای تقویت روابط و همکاری‌های تجاری و ایجاد اطمینان متقابل میان بنگاه‌های درون خوشه و سهامداران در نظر گرفت؛ به عبارت دیگر چون شبکه نقش مهمی در تشکیل سرمایه

اجتماعی درون یک خوشه دارد، تشکیل آن را باید بخشی از هسته توسعه خوشه به شمار آورد (یونیدو^۱، ۲۰۰۸). همچنین تفاوت دیگر خوشه و شبکه این است که در خوشه‌ها، هم‌مکانی جغرافیایی عامل کلیدی و مهمی است در حالی که در شبکه، اصولاً هم‌مکانی جغرافیایی مطرح نیست و همکاری طرفین محور اصلی است. تفاوت دیگر به ماهیت طرفین بر می‌گردد. در خوشه معمولاً طرف‌های همکاری، بنگاه‌های کوچکی هستند که در زمینه مشترکی فعالیت می‌کنند، اما در شبکه، یک‌طرف بنگاهی بزرگ است و طرف‌های دیگر بنگاه‌های کوچک و متوسط داخلی هستند که از نظر موقعیت در زنجیره ارزش، با یکدیگر رابطه عمودی برقرار می‌کنند.

در ادامه پس از تعریف خوشه و تفاوت آن با شبکه، به بررسی تفاوت بین خوشه طبیعی با خوشه ایجاد شده پرداخته شده است. یک خوشه طبیعی به دلیل دسترسی به مواد اولیه، حضور نیروی کار فعال و یا وجود تقاضا در بازار، در گذر زمان، شکل گرفته است. این نوع از خوشه‌ها می‌توانند سابقه تاریخی چند ده ساله داشته باشند. از سوی دیگر، واحدهای اقتصادی مشابهی هم می‌توانند به دلیل سیاست‌های سرمایه‌گذاری خاص و یا حمایت‌های زیرساختی دولتی و ... در یک منطقه مستقر و توسعه یابند. این واحدها می‌توانند به تدریج منجر به ایجاد یک خوشه شوند که در این حالت می‌توان از آن‌ها به عنوان خوشه ایجاد شده یاد کرد (رادفر، ۱۳۹۲). لذا با اتخاذ سیاست‌های حمایتی فعال می‌توان یک خوشه را ایجاد کرد، اما به دلیل پیچیدگی حاکم بر میزان و انواع بهره‌برداران و ذی‌نفعان خوشه، ایجاد خوشه‌های جدیدی معمولاً بسیار زمان‌بر بوده و نیاز به منابع گسترده‌ای دارد (رادفر، ۱۳۹۲). خوشه‌های ایجاد شده بیشتر برای خوشه‌های با فناوری بالا انجام می‌شود.

در خصوص خوشه‌ها، تقسیم‌بندی‌های مختلفی وجود دارد. از جمله، خوشه‌ها می‌توان بر اساس نوع تولیدات یا خدماتی که ارائه می‌دهند، دسته‌بندی نمود. به عنوان مثال، خوشه‌هایی با فعالیت در زمینه تولید صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات، صنایع نساجی پوشاک و چرم، صنایع چوب و محصولات چوبی، صنایع شیمیایی، صنایع محصولات کانی و غیرفلزی، صنایع تولید فلزات اساسی، صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار، صنایع متفرقه و طبقه بندی نشده و ... وجود دارند (سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، ۱۴۰۲). در یک تقسیم‌بندی دیگر، خوشه‌ها را بر اساس پویایی، استقرار و پوشش جغرافیایی، به خوشه‌های

«صنایع محلی^۱» که فقط بازارهای محلی را پوشش می‌دهند؛ خوشه‌های «وابسته به منابع طبیعی محلی^۲» که فعالیتشان به منابع و نهادهای مناطق محل استقرار وابسته است و خوشه‌های «تجاری شده^۳» که اساساً وابسته به محل استقرار خود، از نظر محیط کسب و کار نیستند، تقسیم‌بندی می‌شوند. در یک دسته‌بندی دیگر، خوشه‌ها را می‌توان از نظر میزان توسعه‌یافتگی در منحنی عمرشان به خوشه‌های جنینی، تازه شکل‌یافته، در مرحله توسعه و توسعه‌یافته تقسیم نمود. دسته‌بندی دیگری نیز با توجه به سطح و نوع تکنولوژی خوشه‌ها وجود دارد که بر اساس آن، خوشه‌ها به فناوری سطح پایین^۴، فناوری سطح متوسط^۵ و فناوری سطح بالا^۶، سنتی و هنری تقسیم می‌شوند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

با توجه به دسته‌بندی ذکر شده، خوشه کسب و کارهای کشاورزی که در سطح محلی فعالیت می‌کنند، احتمالاً از نوع خوشه‌های با سطح فناوری پایین و منابع محلی می‌باشند. با عنایت به موارد فوق در مورد خوشه، مفهوم آن پیرامون محورهای زیر خلاصه می‌شوند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

- **تمرکز جغرافیایی:** به این معنی که کسب‌وکارهای موجود در خوشه‌ها در منطقه جغرافیایی مشخصی باید باشد. این منطقه جغرافیایی از یک روستا و دهستان تا یک کشور و حتی فراتر از کشور نیز می‌تواند در بر گیرد.

- **تمرکز در فعالیتی خاص:** کسب‌وکارهای موجود در خوشه در یک زمینه بخصوصی فعالیت می‌کنند. به عنوان مثال خوشه کسب و کار فراوری انگور.

- **شرکت‌های خرد و کوچک:** شرکت یا بنگاه‌های موجود در خوشه بیشتر به صورت خرد و کوچک می‌باشند که در کنار همدیگر محصول مشترکی را تولید می‌کنند.

- **تخصص یافتگی:** تخصص یافتگی به این منظور است که هر کدام از کسب‌وکارهای موجود در خوشه فعالیت تخصصی خود را انجام دهد، با خوشه‌ای شدن کسب‌وکارها در زمینه‌های مختلف تخصص‌گرایی کسب‌وکارها بیشتر می‌شود و هر کدام از کسب‌وکارهای مرتبط، ترغیب می‌شوند تا بخشی از فرآیند کار را که تخصص دارند انجام دهند.

1- Local

2- Natural Resource-Depended Industries

3- Traded Industries

4- Low Tech

5- Medium Tech

6-High Tech

- سرمایه اجتماعی (نهادهای عمومی و خصوصی): برای همکاری بین کسب و کارهای موجود در خوشه باید سرمایه اجتماعی لازم و وجود اعتماد بالا در خوشه ایجاد شود تا کسب و کارها بتوانند به همدیگر اعتماد کنند و با یکدیگر فعالیت کنند، لذا وجود اعتماد که عامل مهمی در سرمایه اجتماعی است در خوشه‌ای کردن کسب و کارها لازم است.

- مجموعه‌هایی از پیوندهای عمودی و افقی: درون هر خوشه‌ای معمولاً پیوند به صورت عمودی و افقی بین کسب و کارها وجود دارد.

پیوند عمودی: این نوع همکاری به مراحل مختلف فرآیند تولید ارتباط دارد. وقتی بنگاه‌ها محصول همگنی را تولید می‌کنند، یقیناً مشابهت‌هایی در فرآیند تولید آن‌ها وجود دارد که در این حالت بنگاه‌ها این توانایی را دارند که در تکمیل فرآیند تولید یکدیگر مساعدت نمایند. حاصل آن نوآوری مستمر، ارتقاء بهره‌وری و افزایش رقابت‌پذیری آن‌ها در عرصه بازار خواهد بود. پیوند افقی: در این نوع همکاری بنگاه‌های مشابه که به تولید یک کالای خاص مبادرت می‌ورزند و به نوعی رقیب یکدیگرند، در یک مکان تمرکز می‌یابند و در همان حال که با یکدیگر در حال رقابت‌اند با یکدیگر در بسیاری از امور همکاری می‌نمایند. این نوع همکاری، رقابت میان تولیدکنندگان محصولات همگن انگیزه نوآوری را تقویت می‌کند و با تشویق و ترغیب روحیه تخصص‌گرایی و همکاری‌های تکمیلی علیرغم وجود رقابت، همکاری بین بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد.

- هم‌افزایی: با همکاری کسب و کارهای فعال در خوشه، انتقال فناوری، دانش و اطلاعات بین کسب و کارها، راحت‌تر و سریع‌تر انجام می‌گیرد، همین امر باعث هم‌افزایی در میان کسب و کارهای فعال در خوشه خواهد شد.

- عدم وجود سلسله مراتب: در میان کسب و کارهای خوشه، سلسله مراتبی وجود ندارد و همه کسب و کارها در کنار همدیگر و با هم فعالیت می‌کنند.

- تعاملات غیررسمی و عضویت آزاد: در خوشه‌ها تعاملات به صورت غیررسمی است و با توجه به اعتماد و سرمایه اجتماعی که بین کسب و کارهای فعال در خوشه وجود دارد، با همدیگر ارتباط دارند. همچنین عضویت در خوشه‌ها محدود نیست و هر چند نفر یا هر چند کسب و کاری که در راستای فعالیت خوشه در منطقه وجود داشته باشد، می‌تواند به عضویت خوشه در بیایند.

- **ارتقاء یا توسعه زنجیره ارزش:** زنجیره ارزش عبارت است از مجموعه کامل فعالیت‌های مورد نیاز برای اینکه یک محصول از مرحله فکر و تصور، تبدیل به یک محصول نهایی با ارزش افزوده بیشتری گردد و طی مراحل در دسترس مصرف‌کننده نهایی قرار گیرد، به منظور توسعه خوشه‌ها، بایستی به مراحل زنجیره ارزش، تحلیل دقیق آن و ارتقاء این مراحل توجه شود که در هر کدام از این مراحل ارزش افزوده بیشتری به محصول مدنظر داده شود.

اهمیت و کارکرد خوشه‌های کسب و کار

کسب و کارهای کوچک را واحدهای کوچک اقتصادی تعریف می‌کنند که در حیطه فعالیت خود به تنهایی تأثیر زیادی نمی‌گذارند و از طرف فرد کارآفرین به آسانی تأسیس می‌شوند و قابل اداره هستند (طالبی و همکاران، ۱۳۹۱). کسب و کارهای مستقل کوچک که کارآفرین آن‌ها را بنیان می‌نهد، مهمترین نوع کارآفرینی مورد بحث در ادبیات مرسوم کارآفرینی است (مقیمی و احمدپور، ۱۳۸۷). کارآفرینی افزون بر افزایش اشتغال به افزایش نوآوری، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات و بهبود توزیع درآمد منجر می‌شود که تمام این موارد از عناصر اثرگذار برای رسیدن به توسعه اقتصادی و تحقق فرصت‌های جدید اشتغال است (عقیلی و همکاران، ۱۳۹۱). در سال‌های اخیر روند توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و انجام دادن فعالیت‌های کارآفرینانه به طور چشمگیری افزایش یافته است (بیک زاده و تیرانداز، ۱۳۸۸). در کشورهای در حال توسعه، صنایع کوچک و متوسط، عامل راهبردی برای توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و رقابت‌پذیری بنگاه‌هاست که این بنگاه‌ها مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری هستند. یکی از راهکارهای اساسی برای ساماندهی به صنایع کوچک و متوسط، تجمیع این بنگاه‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها در قالب خوشه‌ها است.

خوشه کسب و کار، بشر ساخت نیست. همانند روستایی است که با طراحی اولیه کسی ایجاد نمی‌شود، بلکه بر اساس مزیت‌هایی که در یک منطقه موجود است، به طور خودبه‌خود و به تدریج شکل می‌گیرد. با این پیش‌فرض، می‌توان نتیجه گرفت که شکل‌گیری خوشه در هر منطقه بیانگر وجود مزیت‌هایی مثل دسترسی به مواد اولیه، وجود نیروی کار متخصص یا ماهر، دسترسی به بازار مصرف، وجود زیرساخت‌های مناسب و ... است. وجود این مزیت‌های منطقه باعث شکل‌گیری خوشه‌ای می‌شود که در طی زمان (و یا گذر تاریخ) قابلیت عرضه محصول یا خدمت را به طور بهینه (و احتمالاً در رقابت با سایر تولیدکنندگان مناطق دور و نزدیک دیگر) داشته است. بدین ترتیب شکل‌گیری و ادامه حیات خوشه در یک منطقه

خاص و پایداری آن در مقابل نوسانات اقتصادی، اجتماعی و صنعتی محیط می‌تواند نشان از این باشد که وجود مزیت نسبی است. نکته مهم آن است که اغلب خوشه‌های کسب‌وکار به دلیل روبرو شدن با بازارهای محلی و ملی عدم آشنایی با بازارهای بزرگ‌تر از یک سو و فقدان سطح مناسبی از سرمایه اجتماعی از طرف دیگر، دارای قابلیت کافی برای بهره‌مندی از همه قابلیت‌های خود نیستند، بنابراین در صورتی که قابلیت‌های خوشه‌ها مبتنی بر هنجارهای خودشان و در ارتباط با محیط بازار بزرگ‌تر ملی و جهانی شکوفا شوند، می‌توان انتظار داشت، منطقه‌ای که در آن مستقر هستند نیز از رونق اقتصادی - اجتماعی برخوردار گردد. این امر پایه توسعه اقتصادی مبتنی بر خوشه‌های کسب‌وکار^۱ است که اخیراً در تعدادی از کشورهای موفق دنیا بکار گرفته شده است (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان، شاید بتوان مارشال^۲ را نخستین اقتصاددان برجسته‌ای دانست که بر اهمیت خوشه‌ها تأکید کرده است. مارشال در کتاب «اصول اقتصاد»^۳ نشان می‌دهد که خوشه‌ای شدن چگونه می‌تواند به بنگاه‌ها بخصوص بنگاه‌های کوچک کمک کند تا بهتر با بنگاه‌های بزرگ رقابت کنند. از نظر مارشال، تراکم جغرافیایی بنگاه‌هایی که فعالیت‌های مرتبط یا مشابه انجام می‌دهند، «پیامدهای بیرونی» خواهد داشت که در نتیجه آن، هزینه تولید برای بنگاه‌های خوشه‌ای شده، به شدت کاهش می‌یابد. پیامدهای بیرونی مذکور و مزیت‌های ناشی از آن، شامل این موارد است: وجود منبعی مشترک از نیروی کار متخصص برای کلیه بنگاه‌ها، دسترسی آسان بنگاه‌ها به تأمین کنندگان (مواد اولیه و خدمات ویژه) و انتشار سریع دانش جدید در بین بنگاه‌ها، پس از مارشال نیز پژوهشگران برجسته‌ای در حوزه‌های مختلف، بر اهمیت خوشه‌ها در هر منطقه و تأثیر آن بر عملکرد اقتصادی منطقه تأکید کرده‌اند، نظیر پل کروگمن^۴ با جغرافیای اقتصادی، مایکل پورتر^۵ با اقتصاد کسب‌وکار؛ اسکات^۶ با مطالعات منطقه‌ای و براچیک و همکاران^۷ با مطالعات نوآوری منطقه‌ای. از طرفی، پژوهشگران فعال در موضوعات مرتبط با کشورهای در حال توسعه نیز بارها به اهمیت خوشه‌ها در توسعه این کشورها اذعان کرده‌اند. در واقع موفقیت چشمگیر

1- Economic based - Cluster

2- Marshall

3- Principles of Economics

4- Pol groman

5- Porter

6- Scot

7- Braczyk et al

«نواحی صنعتی» در ایتالیا (که عمدتاً متشکل از بنگاه‌های کوچک است) موجب شد تا نظر پژوهشگران به اهمیت خوشه‌ها جلب شود. در این راستا پیره و سابل^۱ را می‌توان از نخستین اندیشمندانی دانست که با ارائه نظریه «تخصص‌گرایی انعطاف‌پذیری^۲»، بر اهمیت خوشه‌ها و شبکه‌ها در کشورهای در حال توسعه تأکید ورزیدند. پس از این دو و به ویژه در اواخر دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰، موجی از محققان دیگر همچون گاروفولی^۳، گودمن و بمفورد^۴، پایک و سنگنبرگر^۵، راسموسن و همکاران^۶ و ون دیجک و رابلوتی^۷ به مطالعه در خصوص این موضوع ادامه دادند (منصوری و عزیز محمدلو، ۱۳۸۸).

اما چرا در کشورهای در حال توسعه، خوشه‌ای شدن، اهمیت و کارکرد بیشتری می‌یابد؟ به طور کلی انقلاب صنعتی منجر به ظهور صنایع بزرگ گردید، اما به تدریج الزامات تکنولوژیک موجب توجه به صنایع کوچک حتی به عنوان تأمین‌کنندگان صنایع بزرگ گردید. از سوی دیگر در اغلب کشورهای دارای عقبه تاریخی، به طور سنتی صنایع کوچک به صورت دستی و محلی وجود داشته‌اند که کم‌وبیش به حیات خود ادامه دادند. پس از انقلاب صنعتی، ملاک سنجش در توجه به صنایع بزرگ مقیاس اقتصادی تولید بوده است؛ یعنی هر چقدر تولید در مقیاس بزرگ‌تری صورت می‌گرفت به دلیل استفاده کارآمدتر از دارایی‌ها، اقتصادی‌تر شناخته می‌شد. این همان نکته‌ای است که بنگاه‌های کوچک، سنتی و دستی در آن دچار ضعف جدی هستند. در دهه‌های اخیر این رویکرد مورد توجه قرار گرفت که در صورتی که بتوان مقیاس اقتصادی در بخش حلقه‌های دیگر کسب‌وکار را مورد توجه قرار داد، مسئله در حلقه تولید قابل حل است. به عبارتی دیگر، در صورتی که بتوانیم بازاریابی را در مقیاس اقتصادی مناسب انجام دهیم (که بیشتر مورد نیاز بازارهای بزرگ است)، امکان تولید محصول به‌طور مشترک برای بنگاه‌هایی است که شبیه هم و در کنار هم هستند، اما به‌طور بدیهی نیاز به سازوکارهایی نیز بنا به اقتضاء خواهد بود. عموماً مشکل بنگاه‌های کوچک این است که به‌طور مجزا اقدام به کسب‌وکار می‌کنند و بنابراین امکان ورود به بازارهای بزرگ را که

1- Piore & Sabel

2- Flexible Specialization Theory

3- Garofoli

4- Goodman & Bamford

5- Pyke & Sengenberger

6- Rasmussen et al

7- Van Dijk & Rabellotti

مشخصه زندگی مدرن است، ندارند. این نقطه آغاز بسیاری از کارکردهای دیگر مورد توجه در بحث خوشه‌های کسب و کار است (منصوری و عزیز محمدلو، ۱۳۸۸). در این راستا طبق نظر پایک، صرفه‌های ناشی از مقیاس^۱ و همچنین صرفه‌های ناشی از تنوع که در یک خوشه حاصل می‌شود، مشابه مزیت‌هایی است که بنگاه‌های دارای ابعاد بزرگ از آن‌ها برخوردارند (منصوری و عزیز محمدلو، ۱۳۸۸). به اعتقاد اشمیتز و نادوی خوشه‌ای شدن، تخصص‌گرایی و سرمایه‌گذاری مؤثر در گام‌های کوچک را تسهیل می‌سازد. برای مثال، در یک خوشه، تولیدکنندگان، دیگر مجبور نخواهند بود همه تجهیزات لازم برای کل فرآیند تولید را خریداری کنند، بلکه می‌توانند بر مراحل مشخصی از فرآیند تولید متمرکز شوند و باقی مراحل را به دیگر تولیدکنندگان واگذار کنند. پس از ظهور این موج تحقیقاتی که بر خوشه‌ای شدن بنگاه‌های کوچک و متوسط به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در فرآیند صنعتی شدن کشورهای دولتی کشورهای در حال توسعه در خصوص خوشه‌ها ارزیابی شد که از جمله می‌توان به دس و دس^۲ (۲۰۱۱) در هند، تامبونان^۳ (۲۰۰۸) در اندونزی اشاره کرد. حضور کارآفرینان (کسب و کارهای کوچک و خرد) در خوشه‌ها آثار متعددی دارد، که از جمله آنها می‌توان به؛ افزایش نوآوری کسب و کار (لای و همکاران^۴، ۲۰۱۴ و کاسانووا و همکاران^۵، ۲۰۱۴)، انتقال دانش بین کسب و کارهای خوشه (هافمن و همکاران^۶، ۲۰۱۴) و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و عملیاتی کسب و کارهای فعال در خوشه اشاره کرد (فارسیجانی و همکاران، ۱۳۹۰). در ادامه در جدول (۲-۳) آثار خوشه‌ای شدن بر بنگاه‌های کوچک و متوسط بیان شده است.

1- Economies of Scale

2- Das & Das

3- Tambunan

4- Lai et al

5- Casanueva et al

6- Hoffmann et al

جدول ۳-۲. آثار خوشه‌ها بر کسب و کارها

عوامل	بنگاه منفرد	خوشه
وسعت بازار	ناتوان از بهره‌گیری از فرصت‌های بازار	کارایی از طریق تمرکز یابی بخشی و برون‌سپاری در عین همکاری عمودی در خوشه
فاصله تا بازار مصرف	در صورت کم بودن هزینه حمل و نقل فاقد مزیت	اثر تجمع بر مکان‌یابی نهادهای خدمات دهنده (مانند خدمات حمل و نقل) در خوشه
پیوندهای عمودی	فاقد مزیت به واسطه عدم کنترل بر مراحل عمودی تولید (به‌خصوص در شرایط بالا بودن هزینه مبادله)	اثر مجاورت بر کاهش هزینه مبادله (در پی روابط بلندمدت و مستمر) و امکان کارایی جمعی
اثر کنترل	مدیریت مالکان و معضل ریسک‌گریزی	اثر تجمع و مجاورت بر ایجاد جو رقابتی و کاهش ریسک‌پذیری مالکان
تطابق با تحولات بازار	فاقد سرمایه لازم و توان ارزیابی واکنش بازار (بازاریابی) جهت پاسخ به تغییرات	اثر مجاورت بر رؤیت‌پذیری بنگاه‌های پیشرو و تطابق با تغییرات بازار
ترکیب عوامل مورد استفاده	استفاده بیشتر از نیروی کار	اثر تجمع بر آموزش و ایجاد ذخیره نیروی کار ماهر
سرمایه انسانی	فاقد مزیت در آموزش نیروی کار	اثر تجمع بر امکان آموزش و ایجاد نیروی کار ماهر

(رجب پور و ستاری فر، ۱۳۹۲)

کسب و کارها به دلیل کوچکی غالباً از تأثیرگذاری بر سیاست‌های کلان اقتصادی دولت ناتوان‌اند، در چنین شرایطی خوشه‌ای شدن در قالب فعالیت مجموعه بنگاه‌ها به صورت هم‌راستا موجب می‌شود تا از یک سو آن‌ها توان چانه‌زنی در عرصه ملی و بین‌المللی را بیابند و از سوی دیگر دولت‌مردان نیز برای حل معضلات اقتصادی و مسائل پیش‌روی خود مجبور شوند تا به کسب و کارها و در واقع خوشه‌های آن‌ها اهمیت بدهند و در نتیجه می‌توان از سیاست توسعه خوشه‌ای نیز سخن گفت (رجب پور و طباطبائی، ۱۳۹۲). با توجه به جدول بالا، خوشه‌ای کردن کسب‌وکارهای خرد و کوچک، در همه زمینه‌ها بهره‌مندی فرصت‌های بازار را از طریق روابط بین‌بنگاهی برای کسب‌وکارها افزایش می‌دهد، همچنین اثر آن بر حمل و نقل نهاده‌ها و سایر موارد مورد نیاز تأثیر مثبت می‌گذارد و هزینه‌ها را پایین می‌آورد. در این راستا جدول بالا نشان داد که با تجمع کسب‌وکارها اثر ریسک‌پذیری صاحبان کسب‌وکارها کاهش می‌یابد و با تغییرات بازار انعطاف‌پذیرتر شده و می‌توانند خودشان را با بازار تطابق

دهند، همچنین نتایج نشان داد که با جمع کسب و کارها، امکان آموزش و ایجاد نیروی کار برای کسب و کارها افزایش می‌یابد.

در نهایت در این بخش، نتیجه می‌گیریم که بیشتر پژوهش‌ها از دیدگاه صنعت به تأثیر خوشه بر منطقه و کشورها نگاه کرده‌اند، در حالی که تلفیق صنعت با کشاورزی نیز می‌تواند برای کشاورزان، همه مزایای بیان شده در بالا را داشته باشد، اما شاید بنا به خاصیت کشاورزی، برخی از مزایای گفته شده در بالا چندان در بحث خوشه‌های کسب و کار کشاورزی مطرح نباشد. به عنوان مثال خوشه‌ای شدن، تخصص‌گرایی و سرمایه‌گذاری مؤثر در گام‌های کوچک را تسهیل می‌سازد. بیان شده که در یک خوشه، تولیدکنندگان، دیگر مجبور نخواهند بود همه مراحل تولید را انجام دهند، بلکه می‌توانند بر مراحل مشخصی از فرآیند تولید متمرکز شوند و باقی مراحل را به دیگر تولیدکنندگان واگذار کنند. شاید این بحث چندان در خوشه کسب و کارهای کشاورزی مطرح نباشند، چرا که خام‌فروشی تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، یکی از مشکلاتی است که امروزه، کشاورزان، متخصصین و برنامه‌ریزان این حوزه با آن روبرو هستند، لذا با توجه به هزینه‌های پایین برخی از فرآیند فرآوری محصولات، بیشتر متخصصان پیشنهاد می‌کنند که همان تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، به فرآوری محصولاتشان در قالب کارگاه‌های کوچک یا مشاغل خانگی اقدام نمایند، این مورد با مزیت تخصص‌گرایی در برخی از پژوهش‌های پژوهشگران حوزه خوشه‌های صنعتی تداخل دارد، لذا با توجه به ظرفیت‌های تولیدی موجود در هر منطقه، خوشه‌ای کردن محصولات مورد نظر، می‌تواند مزایای بسیاری را از جمله افزایش درآمد آحاد جامعه و منطقه، افزایش سطح دانش و مهارت و افزایش سطح آگاهی و سرمایه اجتماعی (که از پایه‌های برنامه‌های توسعه خوشه‌ای هستند)، افزایش تعداد بنگاه‌های کسب و کار، نوآوری و خلاقیت، افزایش تعداد شبکه‌های کسب و کار در پاسخ به تقاضای محیط، افزایش اشتغال، افزایش توان رقابتی شرکت‌ها یا کسب و کارهای خرد و کوچک با صنایع بزرگ‌تر، بهبود جدی در سطح رفاه جامعه، جذب گردشگران به منطقه، شناساندن برند محصول مورد نظر و ... را در بر داشته باشد، در مناطق روستایی نیز، با توجه به ظرفیت محصولات تولیدی و تکمیل کردن زنجیره ارزش این محصولات با فرآوری و بسته‌بندی آن‌ها، خوشه‌ای کار کردن این کسب و کارها می‌تواند، مزایای ذکر شده را برای روستاییان و همه ذینفعان خوشه، به بار آورد. در ادامه به بررسی خصوصیات خوشه‌ها و شاخص‌های شناسایی آنها پرداخته شده است.

خصوصیات خوشه‌های کسب و کار

اگرچه تنوع خوشه کسب و کارهای مختلف موجب شده تا یک الگوی ویژه از آن وجود نداشته و در برخورد با آن‌ها طیف گسترده‌ای از اشکال این خوشه‌ها مشاهده شود، ولی علی‌رغم آن برخی از ویژگی‌های خوشه‌ها مشترک است که شناسایی آن‌ها دید کلی را نسبت به این‌گونه از خوشه‌ها ارتقاء می‌بخشد. در این راستا می‌توان خصوصیات خوشه‌ها را با ابعاد اقتصادی و اجتماعی زیر قابل تفکیک و بررسی کرد.

- ابعاد اقتصادی

تخصص یافتگی و اشتغال

یکی از مهمترین ویژگی‌های خوشه‌ها، قرارگیری صنایع تشکیل دهنده خوشه‌ها در کنار یکدیگر به لحاظ جغرافیایی است که در پی خود صرفه‌های اقتصادی ناشی از مقیاس تولید، تنوع محصول و تجمیع را به دنبال خواهد داشت (کروز و تکسرا^۱، ۲۰۱۰). یکی از مهمترین ویژگی‌های خوشه‌ها آن است که در آن نه تنها صنایع در بخش جغرافیایی معینی تمرکز می‌یابند، بلکه در بخش مشخصی از فعالیت‌ها رشد کرده و بنابراین با تقسیم کار فزاینده‌ای همراه است. این موضوع خود باعث می‌شود که در خوشه‌ها قشری از نیروی کار متخصص پدیدار گردد و بدین ترتیب مهارت‌ها توسعه یابد، لذا خوشه‌ها برای توسعه، نیاز به کارکنان مجرب و متخصص دارند. یکی از منابع پیشرفت خوشه تخصص نیروهاست. علاوه بر تخصص یافتگی، ضریب مکانی^۲ مبادله داده و ستانده، ابتکار و نوآوری گسترش شبکه‌ها نیز مطرح است. منبع مالی برای استفاده از افراد متخصص معمولاً از درون خوشه‌ها است و نه از خارج آن. این نوع جذب نیرو هزینه‌های معاملاتی را کاهش می‌دهد (سرحدی و رحمانی، ۱۳۹۸). پورتر، می‌گوید: از خصوصیات یک خوشه خوب آن است که اعضا، تجربیات خود را با دیگر بخش‌ها در میان بگذارند و مبادله اطلاعات، تخصص، تحقیق و توسعه، تجارت و ... با همکاری یکدیگر صورت گیرد. تبادل تخصص‌ها می‌تواند در یک بخش خاص و یا بین بخش‌های ذینفعی باشد که در زنجیره ارزش افزوده با هم ارتباط دارند. برای مثال خوشه زیست فناوری^۳ با بخش غذا، بهداشت، محیط زیست و کشاورزی مرتبط است و این ارتباطات چند جانبه است؛ به طوری که هر بخش دانش و تخصص و اطلاعات مورد نیازش را از هر بخشی که بخواهد دریافت می‌کند.

1- Cruz & Teixeira

2- Location Quotient

3- Biotechnology

یکی از عوامل رقابت پذیری، ارتباط تخصص تأمین کنندگان و مشتریان خوشه در عرصه بازار جهانی است. مطالعه‌ای که درباره توسعه خوشه‌ها در کانادا صورت گرفته است، نشان می‌دهد که یکی از راه‌های سنجش عملکرد خوشه تعیین میزان یا نرخ سهم اشتغال آن است. این نرخ از اشتغال کل منطقه بر کل اشتغال ملی به دست می‌آید (شاخص LQ). هر چه این میزان افزایش یابد، نشان می‌دهد که جذب نیروهای تخصصی بیشتر بوده و خوشه از مزایای رقابتی بهره‌مند بوده است (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). یکی از بحث‌هایی که اقتصاددانان کشور برای توسعه اشتغال مطرح می‌کنند، ایجاد و گسترش خوشه‌هاست. آنچه اهمیت خوشه‌ها را در ایران دوچندان می‌کند، این است که ۹۴ درصد مؤسسات و شرکت‌هایی که زیربخش صنایع هستند، ۳۰ درصد ارزش افزوده را تشکیل می‌دهند. حمایت از واحدهای کوچک و متوسط از طریق تشویق آنها به تجمیع در خوشه‌ها می‌تواند به عنوان یک راهکار توسعه اشتغال مورد توجه سیاستگذاران توسعه قرار گیرد (قاسمی، ۱۳۸۵). همان‌طور که بیان شد کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط حجم عظیمی از اشتغال افراد را تشکیل می‌دهند، با تجمیع این کسب و کارها می‌توان تخصص یافتگی کسب و کارها را بالا برده و اشتغال پایدار به وجود آورد. یکی دیگر از ابعاد اقتصادی خصوصیات خوشه، بحث خلاقیت و نوآوری است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

خلاقیت و نوآوری

اکنون در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند. چرخ‌های توسعه اقتصادی همواره با خلاقیت و نوآوری و در نهایت توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آید (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۰). کارآفرینی به صورت تعاونی و یا گروهی یکی از حوزه‌های مهم اقتصاد بازار - محور مناطق روستایی است. با غلبه بر وضعیت بحرانی اقتصاد، سازمان‌های همکاری مصرف کننده در بخش کسب و کارهای کوچک و متوسط بر حفظ تجربه و سنت‌های انباشته شده تمرکز می‌کنند، در حالی که زمینه‌های نوآورانه را توسعه می‌دهند، بر فناوری‌های جدید نیز تسلط می‌یابند (اینیچ و همکاران^۱، ۲۰۲۲). تقسیم کار فزاینده و وجود نیروی کار متخصص در خوشه‌های کسب و کار (به عنوان یک فعالیت گروهی) از یک سو و گسترش رقابت جهانی از سوی دیگر باعث می‌گردد که صنایع موجود در خوشه‌ها خواسته و یا ناخواسته در تکاپوی افزایش نوآوری و فناوری برای تولید خود باشند تا بدین طریق بتوانند نیازهای متنوع مصرف کنندگان در یک

محصول خاص را پوشش داده و بنابراین بقای خود را در چرخه تولید حفظ نمایند (کروز و تکسرا، ۲۰۱۰). امروزه یکی از حلقه‌های مهم ارتباطی در بین خوشه‌ها، نوآوری و استفاده از دانش و فنون جدید است. صنایع تشکیل دهنده خوشه‌ها به صورت منفرد از فناوری بالایی برخوردار نمی‌باشند، اما جریانی از تبادلات فناوری در بین خوشه‌ها وجود دارد که این خود باعث ارتقای دانش و یادگیری جمعی و هم‌افزایی فناوری شده و نوآوری کسب‌وکارها را افزون می‌کند (کروز و تکسرا، ۲۰۱۰)، لذا خلاقیت و نوآوری خوشه‌ها متکی به ارتباط متقابل اجتماعی است.

نوآوری می‌تواند نقش مهمی در کسب مزیت رقابتی با استفاده از ایده‌های داخلی و خاچی داشته باشد. نوآوری به عنوان ایده‌های جدیدی که دارای ارزش هستند بیان می‌شود (ایرج پور و همکاران، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر نوآوری یکی از مهمترین عناصری است که با مفهوم و کارکرد خوشه‌ها پیوند دارد. حتی برخی از محققان، نوآوری را به عنوان یکی از کلیدی ترین عامل مانند نزدیکی جغرافیایی و تخصص یافتگی در چارچوب مفاهیم خوشه طبقه بندی کرده اند. خوشه‌ها با مفهوم نوآوری ارتباط تنگاتنگی دارند، به طوری که بسیاری از نویسندگان حتی این دورا در قالب فرایند نوآوری تعریف نموده اند. کسب و کارهای عضو خوشه به دلیل اینکه در یک مکان جغرافیایی قرار دارند و در یک کسب و کار فعالیت می‌کنند، از مزایای مهم هم‌مکانی بهره من می‌شوند، این مجاورت موجب دسترسی به نهادهای تخصصی مانند مواد اولیه، ماشین آلات و خدمات توسعه کسب و کار با هزینه کمتر را برای خوشه‌ها به دنبال دارد، همچنین این مجاورت موجب سرریز دانش و تسهیل نوآوری می‌شود. سرریز دانش و تسهیم دانش ضمنی در سطح خوشه‌ها، شبکه‌های محلی از نوآوران و نهادهای تحقیقاتی در ارتقای نوآوری در خوشه‌ها نقش بسزایی دارند (اسکندر زاده فرد و بهلولی، ۱۳۹۹). در نتیجه این بخش، می‌توان بیان داشت که نوآوری و فناوری در کسب‌وکارهای موجود در خوشه‌ها به مراتب بیشتر از کسب‌وکارهای منفرد است، چون کسب‌وکارهای موجود در خوشه، از طریق روابط متقابل، باعث ایجاد خلاقیت، نوآوری و در نهایت خلق فناوری‌های مورد نیاز برای افزایش تولید و درآمد خودشان می‌کنند. کارایی بعد اقتصادی دیگری است که در خصوصیات خوشه مورد توجه است.

کارایی

بررسی مقایسه‌ای بنگاه‌های فعال در یک خوشه با بنگاه‌های همانند خود که به صورت منفرد فعالیت دارند، نمایانگر وجود کارایی بالاتر بنگاه‌هایی است که در یک خوشه به فعالیت می‌پردازند؛ به عبارت دیگر خوشه‌ها همانند یک بنگاه بزرگ ولی در عین حال انعطاف‌پذیر و نوآور که به دلیل حضور صنایع کوچک و متوسط فعال در آن به دست آمده است، عمل می‌نمایند. خوشه‌ها به دلیل برخورداری از ساختارهای کوچک و غیر سلسله‌مراتبی، کاملاً انعطاف‌پذیری بوده و به راحتی به تنوع‌طلبی مشتریان و تقاضای بازار پاسخ می‌دهند، لذا می‌توان گفت که خوشه‌ها دارای سلسله‌مراتب نیستند و از انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به کسب‌وکارهای بیرون از خوشه برخوردار هستند، همین امر کارایی آنان را بیشتر می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). خوشه‌ها باعث کاهش هزینه‌های شرکت‌های فعال در خوشه می‌شوند، لذا یکی دیگر از ابعاد اقتصادی خصوصیات خوشه‌ها، بحث کاهش هزینه‌ها است که در ادامه به بررسی آن پرداخته شده است.

کاهش هزینه‌ها

تعامل موجود در بین شرکت‌های فعال در یک خوشه منجر به خریدهای مشترک و همچنین بازاریابی و فروش مشترک محصولات می‌شود که برخی از این فعالیت‌ها همانند برگزاری دوره آموزشی جهت ارتقاء بهره‌وری، به دلیل وجود هزینه‌های زیاد برای یک بنگاه منفرد امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر با دریافت تخفیف از خرید مشترک و درآمد بالاتر از فروش مشترک، هزینه‌های یک شرکت کاهش پیدا کرده و حاشیه سود او نیز افزایش می‌یابد. همچنین بهره‌گیری از منابع طبیعی و مزیت‌های نسبی موجود در مناطق سبب کاهش هزینه‌های مجموعه شرکت‌هایی می‌گردد که در یک خوشه می‌باشند (قاسمی، ۱۳۸۵). در نهایت با شکل‌گیری خوشه‌ها در مناطق و در نتیجه بالاتر رفتن سطح عمومی شناخت از خوشه‌ها، افزایش درآمدها و سرریز منافع به سایر حوزه‌ها، سطح زندگی در منطقه توسعه می‌یابد که نتیجه آن توسعه همه‌جانبه منطقه‌ای و کاهش هزینه‌ها خواهد بود.

وجود نهادهای عینی تأمین‌کننده خدمات پشتیبان خوشه‌های کسب و کار

هر یک از خوشه کسب و کارهای مختلف نه‌تنها دارای تمرکز جغرافیایی صنایع در بخشی خاص می‌باشند، بلکه در میان صنایع مذکور، نهادهایی عینی را برای تأمین برخی از نیازهای

مرتبط با صنایع در بر می‌گیرند. وجود برخی از بانک‌ها، اتحادیه‌ها، گردهمایی‌ها، پژوهشکده‌های مرتبط با صنایع، در خوشه‌های متفاوت نمونه‌هایی از نهادهای مذکور در خوشه‌ها به شمار می‌آیند (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹).

وجود تأسیسات زیربنایی

خوشه‌ها اگرچه غالباً به صورت خودجوش به وجود آمده‌اند و در ابتدا فاقد تأسیسات زیربنایی مناسب و کارآمد می‌باشند، ولی با گسترش این خوشه‌ها، به تدریج به دلیل کاهش هزینه‌های حمل و نقل و تولید، یا از طرف خود صاحبان خوشه‌ها و یا توسط نهادهای دولت، تأسیسات زیربنایی همچون راه، آب، برق، گاز و مخابرات تأمین می‌گردد (مهدوی، ۱۳۸۶)، اما جدای بر ابعاد اقتصادی، ابعاد اجتماعی نیز از دیگر خصوصیات خوشه‌ها است که در ادامه به بررسی آن پرداخته شده است.

- ابعاد اجتماعی

یکی از ابعاد مهم اجتماعی خوشه‌ها، سرمایه اجتماعی است که بسیار در خوشه‌ها مورد توجه است.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی عاملی کلیدی است که بر دیگر انواع سرمایه جهت نیل به توسعه پایدار تأثیرگذار است. با توجه به تعاریف و شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌توان به صورت مستدل از این امر دفاع کرد که بین سرمایه اجتماعی با توسعه فرهنگی و اجتماعی رابطه وجود دارد؛ زیرا به نوعی این رابطه، ارتباطی متقابل است؛ بدین معنا که بخشی از توسعه سرمایه اجتماعی معادل است با توسعه در ابعاد مختلف و برعکس؛ توسعه در ابعاد مختلف برابر است با توسعه سرمایه اجتماعی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی، عامل مهمی در بهبود سرریز دانش، بهره‌وری و اشتغال است. سرمایه اجتماعی می‌تواند بر:

۱. عوامل تولید یعنی سرمایه فیزیکی و انسانی

۲. شاخص هزینه‌های معاملاتی

۳. پایین آوردن هزینه‌ها، اثرگذار باشد.

سرمایه اجتماعی را مجموعه دارایی‌هایی مانند منابع و سرمایه‌های انسانی، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی و ارزش‌ها و کارکردهای جامعه مدنی می‌دانند

(سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). منابع سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: خانواده، آموزش، جامعه مدنی، شرکت‌ها و نهادهای بخش عمومی، جنسیت، گروه‌های عمومی. یکی از دیدگاه‌های سرمایه اجتماعی، وضعیت شبکه‌های اجتماعی و ارتباط متقابل بین اعضا است. شبکه‌های اجتماعی در خوشه بر دو نوع است:

- زنجیره شبکه‌ای^۱: این نوع شبکه‌ها ارتباط متقابل افراد یک گروه خاص را تعریف و پشتیبانی می‌کنند.

- زنجیره پل مانند^۲: این نوع شبکه‌ها بین افراد متفاوت و البته با ماهیت کاری یکسان، ارتباط متقابل ایجاد می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)؛ به عبارت دیگر شبکه‌های اجتماعی در میان خوشه‌ها یا به صورت افقی است، به طوری که شرکت‌ها در طول یک فعالیت اقتصادی با هم همکاری می‌کنند (همانند تولیدکنندگان یک کالا در یک منطقه خاص)، یا همکاری بین آن‌ها به شکل تکمیلی در طول زنجیره تولید صورت می‌پذیرد که شبکه عمودی نامیده می‌شود. سرمایه اجتماعی در تعاملات گفته شده، ارزش‌هایی ایجاد می‌کند که ناشی از دانش، مشارکت و خطر کردن است. سازوکار سنجش سرمایه اجتماعی، هویت، یگانگی و اعتماد است. در این صورت لزوماً سرمایه اجتماعی محدود به یک منطقه نبوده، بلکه مرزهای جغرافیایی وسیعی را می‌پوشاند. بنابراین شرط موفقیت خوشه‌ها، قرار گرفتن در دایره سرمایه اجتماعی با گسترش و تعریف عواملی از قبیل ارتباط متقابل (تعامل)، مشارکت، شبکه‌های اعتماد، حفظ یگانگی، هویت و ... است (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی در یک خوشه را می‌توان به شیوه‌های زیر افزایش داد:

- برگزاری گردهمایی‌ها برای گفتگو میان ذینفعان خوشه با فعال‌سازی مجدد شبکه‌ها و اتحادیه‌ها و انجمن‌ها.

- حمایت از تلفیق نظرات از طریق اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی که ذینفعان مختلف خوشه در آن عضویت دارند.

- گسترش آگاهی در مورد مزیت‌های فعالیت مشترک از طریق خوشه در بین ذینفعان.

- توانمند نمودن خوشه‌ها و اجرای طرح‌های مشترک (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹).

یکی دیگر از ابعاد اجتماعی که از سرمایه اجتماعی جدا نیست، اعتماد در خوشه‌ها است که در ادامه به این موضوع پرداخته شده است.

1- Bonding Network

2- Bridging Network

اعتماد آفرینی در خوشه‌ها

اعتماد در خوشه‌ها مفهومی مطلق نیست. اعتماد نوعی آگاهی میان ذینفعان است که فعالیت مشترک را تسهیل کرده و به آنها اطمینان می‌دهد که دانش موجود مربوط به آن فعالیت مشترک، میان اعضاء تقسیم شود و اینکه در صورت مشارکت مثبت، تلاش‌ها در جهت رسیدن به اهداف، ثمربخش‌تر خواهد بود. این اعتماد را می‌توان اعتماد عملی نامید. هرچه فعالیت پیچیده‌تر باشد، سطح درگیری و دخالت ذینفعان مختلف در آن بیشتر می‌شود و سطح اعتماد عملی لازم میان ذینفعان نیز افزایش می‌یابد. این روابط اگرچه مبتنی بر ارزش‌های مشترک و فرهنگ تعلق‌پذیری محلی و منطقه‌ای است و در اثر ارتباطات و رفتارهای شغلی شکل می‌گیرد، ولی از طریق توافق‌ها و قواعد همکاری رسمی حفظ می‌شود و این همان سرمایه اجتماعی یک خوشه است (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). واضح است که اعتماد و سرمایه اجتماعی کاملاً با هم مرتبط می‌باشند. پژوهشگران معتقدند که با ایجاد اعتماد متقابل میان افراد، شبکه گسترده‌ای از همکاری‌های متقابل شکل می‌گیرد. اهمیت اعتماد به حدی است که در بسیاری از تحقیقات از آن به عنوان جایگزین سرمایه اجتماعی یاد شده است تا جایی که به گفته پانتام^۱، اعتماد، چرخ‌های حیات اجتماعی را روغن می‌زند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴). اعتماد عملی با تعاملات رسمی یا غیررسمی آغاز می‌شود و با پیشرفت‌های محسوس در آن به ثمر می‌نشیند. ممکن نیست بحث و گفتگو به‌تنهایی به نتیجه ملموسی برسد، ولی مسلماً به ایجاد این جریان کمک خواهد کرد.

عامل توسعه خوشه^۲ به عنوان کسی که وظیفه تسریع اعتماد را در یک خوشه بر عهده دارد، در کنار بازدید از خوشه‌های کارآمدتر و موفق می‌تواند جوی مثبت ایجاد کرده و تردیدها و خودداری‌ها را در میان ذینفعان بردارد. علاوه ممکن است طی این بازدیدها زمینه‌های جدید همکاری از مذاکره و مقایسه گرفته تا اجرا نیز مطرح گردد. اعتماد عملی به ماهیت فعالیت بستگی دارد و کم‌وبیش برای انجام فعالیت‌های مشترک ضروری است، به عنوان مثال اعتماد

1- Pantam

۲- عامل توسعه خوشه عموماً فردی است با تحصیلات دانشگاهی مرتبط و تجربه کافی در حوزه صنایع کوچک و متوسط که آموزش‌های لازم را دیده باشد. دارای قابلیت‌های رهبری، ایجاد ارتباط مثبت و اثربخش، قدرت تحلیل اقتصاد کسب و کار، آشنا به رویکردهای کل‌گرا و سیستمی، مدیریت راهبردی، توان حل تعارضات، روحیه پویا و فعال و ترجیحاً دارای سن بین ۵۰-۳۰ سال باشد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴). در مورد خوشه‌های کشاورزی، عامل توسعه باید به مباحث مشارکت و تسهیلگری، توسعه روستایی و کشاورزی را نیز مسلط باشد.

میان اعضای یک شبکه کسب و کار، میان یک شبکه و یک مؤسسه مالی، میان یک شبکه و یک مؤسسه فنی و میان مؤسسات فنی و مالی، در صورتی که عامل توسعه خوشه بتواند در ایجاد اعتماد دخیل باشد، باید با همکاری ذینفعان خوشه به طور مشترک این کار را انجام دهد (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). با توجه به اهمیت اعتماد در خوشه‌ها، در ادامه به بررسی نشانه‌های ایجاد اعتماد در میان کسب و کارهای موجود در خوشه پرداخته می‌شود.

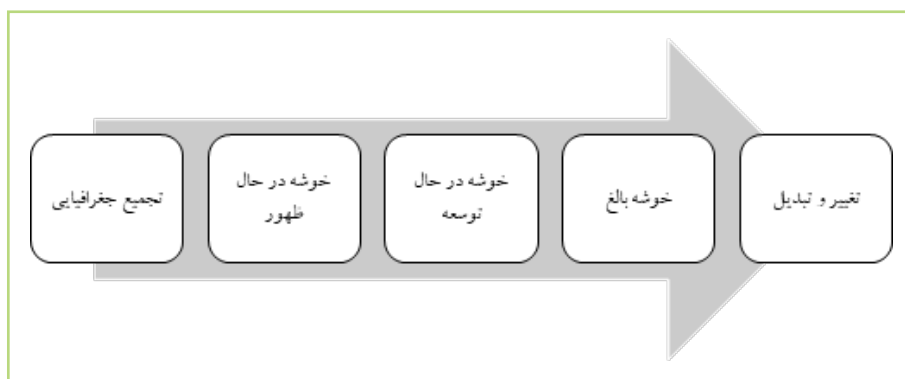
نشانه‌های ایجاد اعتماد

- پیدایش اعتماد شامل چند مرحله است که عبارت‌اند از:
 - ایجاد یا ترویج شبکه‌ها/ اتحادیه‌های متمرکز در خوشه (این امر نشانگر آن است که اتفاق آرای بیشتری در خوشه در حال پدید آمدن است).
 - افزایش سطح همکاری میان اعضای شبکه‌های اتحادیه در امر تصمیم‌گیری.
 - افزایش سطح تعهد ذینفعان: ذینفعان نه تنها نگرش طولانی مدت درباره خود و طرح‌های عملیاتی پیدا می‌کند، بلکه به تخصیص منابع مالی و یافتن منابع بیشتر برای طرح‌ها و فعالیت‌های مشترک نیز ترغیب می‌شوند.
 - همکاری بیشتر میان ذینفعان (که به جریان آزاد اطلاعات، شرکت در نمایشگاه‌ها، خریدهای مشترک، آموزش نیروی انسانی، بازاریابی مشترک و غیره منجر می‌گردد). این نوع همکاری‌ها نشانه ایجاد روابط طولانی مدت است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

گردش خوشه‌های کسب و کار در طول زمان و شکل‌گیری چرخه عملی آن

از ویژگی‌های ساختاری هر خوشه تحول و تکمیل آن در طول زمان است، به گونه‌ای که خوشه نیز همانند یکی از انواع سازمان، با نگرش بلندمدت در حال تحول است. در واقع برای بهره‌گیری از خوشه‌ها، جهت حل مشکلات صنعتی باید همواره افق بلندمدت را مدنظر قرار داد. هر خوشه‌ای در طول زمان مراحل را جهت دستیابی به چشم‌اندازهای بالاتر، ثروت آفرینی بیشتر و کسب سهم بازار بیشتر از محصول طی می‌نماید که به این دگرگونی در طول زمان از پیدایش، بلوغ و بعد افول چرخه عمر خوشه گفته می‌شود. این خصوصیات برای همه خوشه‌ها یکسان نبوده و مراحل تکامل برای خوشه‌های مختلف، متفاوت است. با این حال، می‌توان روند کلی را برای خوشه‌های در حال تکامل ذکر کرد و به این وسیله از گردش کار و چگونگی رشد آنها اطلاعاتی به دست داد و پیش زمینه سیاستگذاری برای یک خوشه را در

مراحل مختلف آن فراهم آورد (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). هر چند شکل دقیق چرخه عمر خوشه ممکن است وابسته به موقعیتها باشد، اما در مجموع روند کلی مراحل خوشه و چرخه عمر خوشه به شکل (۱-۳) است:



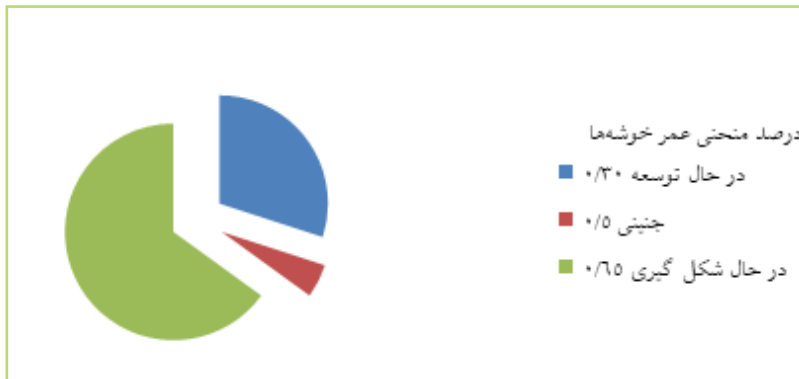
شکل ۳-۱. روند مراحل و چرخه عمر خوشه (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)

در ادامه به بررسی و تعریف هر کدام از مراحل بیان شده در نمودار بالا، پرداخته شده است. تجمیع جغرافیایی بنگاه‌ها و نهادها: در یک منطقه که شرایط لازم برای همکاری بنگاه‌ها و نهادهای آموزشی فراهم باشد، بنگاه‌ها و نهادهای مختلفی در راستای فعالیت همدیگر ایجاد می‌گردد. خوشه در حال ظهور: به عنوان مرحله جنینی خوشه، تعدادی از کسب‌وکارها که در یک منطقه جغرافیایی گردهم آمده‌اند شروع به همکاری با یکدیگر، حول یک فعالیت محوری (کسب‌وکار تولیدی محور) می‌کنند و از طریق پیوندهای بین خود به فرصت‌های مشترکی دست می‌یابند، به این حالت خوشه در حال ظهور گفته می‌شود.

خوشه‌های در حال توسعه: همان‌گونه که کسب‌وکارهای جدید در اثر فعالیت‌های جدید به وجود آمده و یا به سوی منطقه جذب می‌شوند، پیوندهای جدید نیز بین آنها توسعه می‌یابد. در این میان نهادهایی برای بیشترین همکاری با این کسب‌وکارها در منطقه ایجاد می‌شود. در این مرحله برچسب مشترک، وب سایت، منافع مشترک و پیوندهای منطقه‌ای نوظهور در منطقه پدیدار می‌گردد.

خوشه‌های بالغ: خوشه‌های بالغ به اندازه کافی از کسب‌وکارهای مختلف شکل یافته است. این خوشه‌ها همچنین روابط خود را بر بیرون از خوشه و سایر خوشه‌ها، فعالیت‌ها و مناطق نیز

گسترش داده‌اند. در این حالت پویایی درونی خوشه منجر به ایجاد بنگاه‌های جدید از طریق بنگاه‌های تازه تأسیس^۱، سرمایه‌گذاری مشترک^۲ و زایش‌های صنعتی^۳ می‌گردد. تغییر و تبدیل: با سپری شدن زمان، فناوری، بازار و فرآیندها تغییر می‌یابد. جهت ادامه حیات خوشه حفظ پایداری آن و جلوگیری از افول خوشه، باید نوآوری کرد و این نوآوری را با تغییرات سازگار ساخت. این فرآیند، تغییر و تبدیل نامیده می‌شود که شامل تغییر در راه‌های تولید و استفاده از خدمات جدید و توزیع می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). در ادامه به بررسی منحنی عمر خوشه‌های ایران پرداخته می‌شود. همان‌طور که بیان شد، خوشه‌های صنعتی می‌توانند در نقاط مختلفی از منحنی عمر یک خوشه قرار داشته باشند. منحنی عمر یک خوشه نشان‌دهنده چهار مرحله اساسی برای فعالیت خوشه‌ها است. مرحله ابتدایی این منحنی به مرحله جنینی تعلق دارد. بعد از مرحله جنینی، خوشه‌ها وارد مرحله شکل‌گیری شده و سپس وارد مرحله توسعه‌ای می‌شوند که خوشه‌های موجود در این مرحله تحت عنوان خوشه‌های در حال توسعه شناخته می‌شوند. آخرین مرحله اختصاص به خوشه‌های توسعه یافته دارد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴). وضعیت خوشه‌های شناسایی شده ایران در شکل (۲-۳) ارائه شده است.



شکل ۲-۳. منحنی خوشه‌های شناسایی شده در ایران (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴)

- 1- Start - Ups
- 2- Joint - Ventures
- 3- Spin - Offs

همان طور که در نمودار بالا نیز مشاهده می شود، حدود ۵ درصد از خوشه های کسب و کار شناسایی شده در ایران در مرحله جنینی قرار دارند. ۶۵ درصد از خوشه های شناسایی شده در مرحله شکل گیری و ۳۰ درصد بقیه نیز در حال توسعه هستند، لذا برای توسعه خوشه های کسب و کار شناسایی شده در ایران برنامه های وسیعی به لحاظ کیفی و کمی مورد نیاز است و اجرای چنین برنامه هایی نیازمند رسیدن به سطح مناسبی از ظرفیت های انسانی و مالی در سطح استان های کشور است. هر خوشه ای از ساختار و اجزای خود تشکیل شده است، بعد از تشریح چرخه عمر خوشه، در ادامه به بررسی ساختار خوشه ها پرداخته شده است.

ساختار خوشه های کسب و کار

بررسی ادبیات توسعه خوشه ها نمایانگر آن است که فرآیند شکل گیری و گردش کار در خوشه ها، فرآیندی طبیعی است و بسیاری از خوشه ها، به ویژه خوشه های مبتنی بر منابع و خوشه های با فناوری پایین به شکل خودکار فعالیت می کنند. البته این فرآیند در خوشه های فناوری برتر همانند خوشه های زیست فناوری و نانوفناوری با حضور مستقیم دولت تسریع یافته و گردش روند فعالیت ها تسهیل شده است (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). بر این اساس هر چند خوشه ها به طور طبیعی شکل می گیرند، اما توسعه بلندمدت آن را نمی توان به شانس واگذار کرد. به عبارت دیگر توسعه پایدار خوشه نیازمند حضور خودآگاه دولت به عنوان تسهیل کننده است تا گردش کار در جهت توسعه بلندمدت و پایدار خوشه صورت پذیرد (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). گردش کار در خوشه ها در واقع گردشی از روند فعالیت های مجموعه ای از واحدهای صنعتی تمرکز یافته و مرتبط با هم، دولت مردان، دانشگاهیان، نهادهای مالی و نهادهایی برای همکاری است. خوشه های پویا برای موفقیت محیط کسب و کار خود حیاتی اند. اگر از ارتفاع صد هزار پایی زمین به یک خوشه نگریسته شود، شباهت بسیار زیادی بین خوشه و اداره، شرکت، زیرساخت های فیزیکی، فضاهای آموزشی و غیره دیده می شود، اما اگر این نقشه در کشورهای مختلف تهیه گردد و با یکدیگر مقایسه شود، آنگاه تفاوت های زیادی در بین خوشه ها یافت می شود. برخی بسیار ایستا عمل می کنند همانند تولیدکنندگان ماشین در آلمان شرقی سابق و برخی بسیار پویا هستند. خوشه های پویا با خصوصیات ذیل شناخته می شوند (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹):

- رقابت فشرده محلی که دائماً در حال تغییر، تنوع و توسعه زیرساخت ها هستند.

- ورود روزافزون بنگاه های جدید و زایش های صنعتی از بنگاه های مادر.

- همکاری فشرده محلی که از طریق نهادهایی برای همکاری تنظیم می‌شود. این نهادها شامل سازمان‌های حرفه‌ای، اتاق‌های بازرگانی و سایر نهادها می‌شوند. در خوشه‌های پویا تعاملات غیر رسمی فشرده‌ای نیز یافت می‌شود که مبتنی بر شبکه‌های شکل گرفته بین افراد است.

- دسترسی آسان به عوامل تولید پیشرفته و تخصصی (همانند سرمایه انسانی، سرمایه مالی، زیرساخت‌ها) و برای برخی از خوشه‌ها پیوند با دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی خصوصی یا دولتی.

- پیوند با صنایع مرتبط و تسهیم ذخیره فناوری پیشرفته و نیروی انسانی.

- هم‌جواری با خریداران و تقاضاکنندگان محصولات (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹).

جهت بررسی پویایی یک خوشه و تشریح گردش کار در خوشه، شناسایی اجزاء مختلف خوشه الزامی است. در هر خوشه ۴ جزء اساسی یافت می‌شود که عبارت‌اند از:

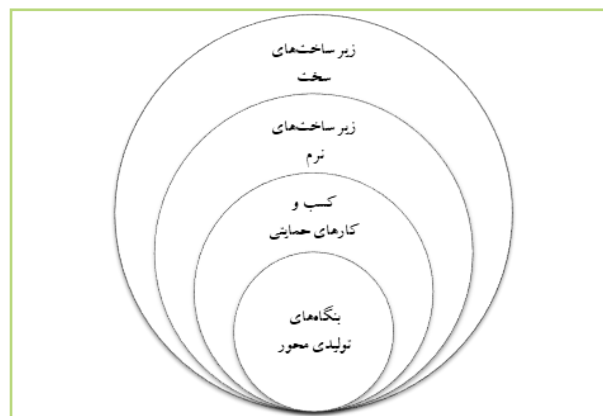
- بنگاه‌های تولیدی محور تشکیل دهنده اصلی خوشه.

- کسب‌وکارهای حمایتی (مالی، ماشین آلات و ...).

- زیرساخت‌های نرم

- زیرساخت‌های سخت (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰).

این چهار جزء در یک خوشه پویا وظایف مشخصی دارند که در مجموع همانند یک بنگاه بزرگ نوآور عمل می‌نماید، ولی برخلاف یک بنگاه بزرگ، ساختار سلسله‌مراتبی در آن به چشم نمی‌خورد. در ادامه اجزاء اساسی هر نوع خوشه‌ای در قالب شکل (۳-۳) ترسیم شده است.



شکل ۳-۳. اجزاء اساسی هر خوشه (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰)

در ادامه هر کدام از اجزاء خوشه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

- بنگاه‌های تولیدی محور: کسب‌وکارهایی هستند که تشکیل دهندگان اصلی به شمار می‌روند، اغلب آن‌ها قسمت عمده درآمد خود را از مشتریان کسب می‌کنند که فراتر از قلمرو خوشه قرار دارند (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰). به عنوان مثال خوشه کسب و کار کشاورزی در رشته فعالیت فراوری محصولات باغی (زیتون) بنگاه‌های تولیدی همان واحدهای کسب و کار فراوری زیتون هستند.

- کسب‌وکارهای حمایتی: کسب‌وکارهایی هستند که به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم از کسب‌وکارهای تولیدی محوری حمایت می‌کنند. این نوع بنگاه‌ها ممکن است شامل عرضه‌کنندگان ماشین‌آلات تخصصی، قطعات یا مواد خام و یا در حوزه خدمات شامل تأمین کنندگان مالی، سرمایه‌گذاران خطرپذیر، طراحان، بازاریابان و برنامه‌ریزان شوند. معمولاً این بنگاه‌ها از تخصص بالایی برخوردار بوده و از نظر جغرافیایی نیز همجوار کسب‌وکارهای محوری قرار دارند (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰). در مثال خوشه کشاورزی فراوری زیتون تولیدکنندگان زیتون (باغداران) یا تولیدکنندگان ماشین‌آلات مورد نیاز فراوری زیتون مانند دستگاه هسته‌گیر به عنوان کسب و کارهای حمایتی محسوب می‌شوند.

- زیرساخت‌های نرم: در خوشه‌هایی که از عملکرد خوبی برخوردارند، کسب‌وکارهای تولید محوری و همچنین کسب‌وکارهای حمایتی به صورت جدا و جزیره‌ای عمل نمی‌کنند، بلکه خوشه‌های موفق وسیعی از فعالیت‌ها و نهادها را در خود جای داده‌اند. مدارس محلی، دانشگاه‌ها، پلی تکنیک‌ها، تجار محلی و انجمن‌های حرفه‌ای و آژانس‌های توسعه اقتصادی همگی از فعالیت‌های دو بخش قبلی حمایت می‌کنند و از عوامل اصلی موفقیت خوشه‌ها محسوب می‌شوند، در واقع دو عامل کلیدی توسعه هر خوشه عبارت‌اند از: کیفیت زیرساخت‌های نرم و میزان کار گروهی در آن (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰). در مثال خوشه کسب و کار کشاورزی فراوری زیتون، دانشکده کشاورزی، جهاد کشاورزی و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی می‌توانند به عنوان زیرساخت نرم انجام وظیفه کنند.

- زیرساخت‌های سخت: این زیرساخت‌ها شامل، زیرساخت‌های فیزیکی حمایتی است که شامل جاده‌ها، بنادر، فاضلاب، سامانه‌های ارتباطی و غیره می‌شود. کیفیت این زیرساخت‌ها باید به گونه‌ای باشد که بتواند با مقاصد مدنظر، قابل رقابت بوده و به صورت بومی نیز یافت می‌شود (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰).

گردش موفق فعالیت‌های خوشه برگرفته از تعامل فعال ۴ جزء فوق‌الذکر است. روابط انسانی در هر ۴ جزء به چشم می‌خورد. بررسی خوشه‌هایی که دارای عملکرد موفقی بوده‌اند تا میزان زیادی وابسته به کیفیت روابط در شبکه‌هایی است که برای دستیابی به اهداف شکل گرفته است. این روابط و پیوندها غیر رسمی بوده و توسط نهادها و سازمان‌های رسمی حمایت می‌شود. معمولاً در این روابط شکل گرفته در صنایع محلی و منطقه‌ای، درجه‌ای از اعتماد و گفتگو نیز یافت می‌شود. در واقع، توجه به عامل انسانی در خوشه، به دنبال اهمیت دانش و اثرات سرریز آن در درون خوشه، صورت پذیرفته است که به عنوان عامل مهمی در توسعه رقابت‌پذیری خوشه‌ها به شمار می‌رود. اشخاصی که درون خوشه در یک رشته فعلیتی مشترک یا مکمل به فعالیت و تعامل می‌پردازند، با به اشتراک گذاشتن تجارب یکدیگر، از طریق نشست‌های رسمی یا تبادل اطلاعات غیر رسمی، نقش مهمی را در انتقال اثر سرریز بر عهده دارند (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰).

مواجهه مستقیم در رشته فعالیت‌های مشابه و مکمل، پتانسیل یادگیری متقابل، گسترش تجربه و در نهایت نوآوری را به همراه دارد. در واقع این عامل یادگیری است که روابط درون خوشه را بر مرزهای فراتر از خوشه هدایت می‌کند و ممکن است این روابط از گستره یک بخش، یک زنجیره ارزش نیز فراتر رفته و چندین بخش و زیرمجموعه‌های یک صنعت را در نوردد. به هر حال خوشه‌هایی که از عملکرد خوبی برخوردارند، در نهایت زیربخش‌های خود را به سویی هدایت کرده‌اند که در هر یک از زیربخش‌ها و عملکردهای درون خوشه به تخصص‌گرایی تکمیل کننده^۱ برای بخش‌ها و عملکردها رسیده‌اند و هر یک روی یک کسب‌وکار که در ارتباط با سایر کسب‌وکارها است، تمرکز یافته و در مجموع در یک فرآیند یادگیری مشترک، هم‌افزایی ایجاد می‌نمایند. واقع امر این است که امروزه مرز بین بخش‌ها و صنایع تا حدود زیادی از میان رفته است، زیرا در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی همانند شکل‌گیری و توسعه خوشه‌ها نیاز به همکاری بین بخشی و بین صنعتی فشرده احساس می‌شود که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در بخش‌های تولیدی و خدماتی نیز مشاهده نمود (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). البته همان‌طور که بیان شد، ساختار همه خوشه‌ها یکسان نیست، ممکن است در خوشه‌های مختلف قسمت‌های دیگری به این ساختار اضافه یا کم شود، اما این اجزاء ذکر شده به صورت کلی است که در اکثر خوشه‌ها وجود دارد، اما به منظور شناسایی خوشه‌ها چند عامل مهم مورد توجه پژوهشگران می‌باشد که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است.

1- Complementary

مفهوم خوشه کسب و کارهای کشاورزی

خوشه کشاورزی عبارت است از تراکم تولیدکنندگان، صنایع مرتبط با کشاورزی (کسب و کارهای مرتبط با محصول کشاورزی موردنظر) و نهادهایی که در همان بخش یا محصول کشاورزی، در منطقه‌ای مشخص فعالیت می‌کنند و با همدیگر ارتباط دارند و دارای فرصت‌ها و چالش‌های مشترکی هستند (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰). ارتباط درونی میان تولیدکنندگان خوشه، نشان‌دهنده ارتباط افقی در خوشه است. برای رسمیت بیشتر در خوشه، تولیدکنندگان می‌توانند به شکل تعاونی، شرکت تولید، گروه‌های تولید، گروه‌های خودیاری شکل بگیرند. همچنین می‌توانند به شکل انجمن، تشکیل شوند. تولیدکنندگان خوشه انگور ماهاراشتر^۱، در قالب انجمن پرورش دهندگان انگور ماهاراشتر^۲ با همدیگر همکاری دارند. همچنین خوشه دانه‌های سیب در سانتا کاتارینای برزیل^۳ را می‌توان به عنوان تعاونی کشاورزی نام برد (ناگلس^۴، ۲۰۱۰). رابطه بین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، با افرادی که فراوری محصولات را انجام می‌دهند، ارتباطات عمودی را بیان می‌کند. راهبرد فراوری محصولات در خوشه‌های کشاورزی دارای اهمیت زیادی است. توسعه شرکت دراگون هد^۵ در چین، در زمینه خوشه‌های کشاورزی مثال خوبی است. شرکت دراگون هد کشاورزی به عنوان شرکتی است که عمدتاً در زمینه فراوری و توزیع محصولات کشاورزی تخصص دارد و می‌تواند عمل بازاریابی محصولات کشاورزان را انجام دهد. در این شرکت برای ارتباط بین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی با دیگر کسب و کارهای فعال کشاورزی، از قراردادهای رسمی و یا روابط غیر رسمی استفاده می‌شود (یای و همکاران^۶، ۲۰۱۳).

ارائه دهندگان خدمات پشتیبانی شامل؛ خدمات مالی، تحقیق و توسعه، مؤسسات و خدمات توسعه کسب و کار است. ارائه دهندگان خدمات مالی، تشکیل شده‌اند از، بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی مانند مؤسسات اعتباری تعاونی. حمایت نهادی، در قالب توسعه فناوری، خدمات ارائه شده توسط دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و یا انجمن تولیدکنندگان و تعاونی‌ها نقش

1- Maharashtra

2- Maharashtra State Grape Growers' Association (MRDBS)

3- Santa Catrina in Brazil

4- Nogales

5- Dragon Head Enterprises

6- Ye et al

عمده‌ای در خوشه‌ها انجام می‌شود. همکاری خوشه انگور ماهاراشترا با مؤسسات تحقیقاتی، باعث کاهش شکاف میان کیفیت انگور هند و استانداردهای بین‌المللی شده است. رویکرد خوشه کشاورزی، بیان می‌کند که تمام ذینفعان در زنجیره ارزش کشاورزی، زمانی که با حمایت از نهادها و دیگر ذینفعان در زنجیره تأمین با همدیگر تعامل دارند، اغلب خلاقانه‌تر و موفق‌تر هستند. با افزایش ارتباط‌های عمودی و افقی بین شرکت‌های کشاورزی محلی همچنین حمایت از روابط بین آن‌ها و سازمان‌های تسهیلگر (دولت‌های محلی، مؤسسات تحقیقاتی و سازمان‌های غیر دولتی)، افزایش انتشار و تولید نوآوری، اثرات جانبی مهم محلی بر منطقه دارد (شارما و آنوپام^۱، ۲۰۱۴). بورگر و همکاران^۲، موفقیت‌های شرکت‌های کوچک اندونزی در افزایش رقابت ناشی از جهانی شدن و بازار آزاد را در خوشه‌ها می‌دانند، همچنین شرکت‌های کوچک محلی به‌منظور کاهش هزینه‌های مبادلاتی و مشتری محور بودن محصولات، با شرکت‌های بزرگ‌تر شهری قرارداد می‌بندند. سیاست‌های خوشه به ویژه برای کشاورزان کوچک‌مقیاس و سایر کسب‌وکارهای کشاورزی مهم هستند، چون آن‌ها را قادر به رسیدن به بهره‌وری بالاتر، بازار محور بودن محصولات و ارزش افزوده بالاتر محصولات می‌کند. بر این اساس، دولت‌ها و سازمان‌های محلی پی برده‌اند که توسعه خوشه، به عنوان یک ابزار ارزشمند برای حمایت از کسب‌وکارهای کشاورزی در کشورها است و کشاورزان منطقه را با کشاورزی جهانی پیوند می‌دهد و زنجیره ارزش را کارآمدتر و پایدارتر می‌کند (شارما و همکاران، ۲۰۱۴). خوشه‌های کشاورزی جدا بر مطالب گفته شده منجر به افزایش دانش و اطلاعات کسب و کارهای فعال در خوشه می‌شوند، هزینه‌های تولید را در قالب ایجاد شبکه کردن کسب و کارها جهت فروش مواد مورد نیاز کاهش می‌دهند، قدرت چانه زنی فروشندگان را در قالب ایجاد شبکه فروش بالا می‌برند و مهمتر از همه با تخصصی کردن فعالیت‌ها در محصول تولیدی مدنظر، زنجیره ارزش تولید را با کمک عامل توسعه خوشه تکمیل می‌کنند. عامل توسعه خوشه، در خوشه‌های کشاورزی باید بر مباحث توسعه کشاورزی و روستایی مسلط باشد و با توجه به شرایط روستا و زندگی روستایی، بتواند بر سایر موارد تولید - مصرف روستاییان نیز تأثیرگذار باشد و مدیریت حوزه مصرف را برای روستاییان تشریح کند. یا بخشی از نیاز مالی جهت توسعه کسب و کارهای فعال در خوشه یا جهت تکمیل کردن زنجیره

1- Sharma & Anupam

2- Burger et al

ارزش محصولات تولیدی، با استفاده از راه اندازی صندوق‌های خرد هدفمند خود روستاییان و کسب و کارهای فعال در خوشه و با تقویت آنها از طریق دولت، برطرف کند. بنابراین برخلاف خوشه‌های صنعتی، در خوشه‌های کشاورزی، عامل توسعه خوشه جدا بر تخصص‌های مورد نیاز برای خوشه‌های صنعتی، باید توانایی‌های دیگری را که در بالا ذکر شد در حوزه روستا داشته باشد. با این وجود در اغلب کشورهای در حال توسعه، خوشه‌های کشاورزی به دلیل عدم صلاحیت‌های مدیریتی و اطلاعات کافی، به صورت طبیعی تکامل پیدا نمی‌کنند. علاوه بر این، به طور کلی وضعیت مالی مخاطره‌آمیز کشاورزان و مقاومت آنان در برابر مخاطره پذیری و نوآوری در غیاب مداخله از خارج روستا، به حفظ وضع موجود روستاها کمک کرده است. در نتیجه ایجاد و توسعه خوشه در بخش کشاورزی نیاز به کمک عامل خارجی دارد، با توجه به تحقیقات انجام شده، این عامل می‌تواند دولت، شرکت‌های بزرگ محلی یا سرمایه‌گذاران بین‌المللی و یا ترکیبی از این سه باشد (ناگلس، ۲۰۱۰). در غرب آفریقا، نظام‌های کشاورزی و سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با ذینفعان مختلف میان خوشه کسب‌وکار کشاورزی، از جمله کشاورزان کوچک، کارآفرینان محلی، خدمات توسعه کسب‌وکار، واسطه‌گران، کارکنان بانک، خدمات ترویج و توسعه و سامانه اطلاعات بازار در خوشه‌های کشاورزی فعال هستند (آلیدو و همکاران^۱، ۲۰۱۰). بنابراین به‌منظور ایجاد و توسعه خوشه‌های کشاورزی در مناطق روستایی، در درجه اول باید منطقه مورد نظر ظرفیت تشکیل و ایجاد خوشه را از لحاظ تولید محصولات، نیروی کار، ارگان‌های پشتیبان و نهادهای حمایتی داشته باشد، در کنار این موارد، دولت نیز باید در قالب برنامه و قوانین مختلف از وجود چنین خوشه‌هایی به‌منظور توسعه آنها کمک کند. با توجه به اینکه، خوشه کسب‌وکارهای کشاورزی در روستاها نیاز به شناسایی و توسعه دارند، لذا شناسایی و توسعه خوشه‌های کشاورزی باید در اختیار سازمان جهاد کشاورزی باشد که بیشترین ارتباط با کسب و کارهای روستایی دارد. بنابراین کارگزار توسعه خوشه‌ها که در بخش صنعت، شرکت شهرک‌های صنعتی است، قطعاً نمی‌تواند خوشه‌های کشاورزی و روستایی را مدیریت کند و این امر باید در اختیار افراد متخصص در حوزه روستا و کسب و کارهای روستایی باشد که متولی آن می‌تواند وزارت جهاد کشاورزی باشد. در ادامه به نحوه شناسایی و توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی در مناطق روستایی پرداخته شده است.

1- Alidou et al

شناسایی خوشه‌های کسب و کارهای کشاورزی

شناسایی خوشه‌های کسب و کار، به عنوان نخستین گام در امر اجرایی نمودن سیاست‌های توسعه خوشه‌ای به شمار رفته و از این رو به عنوان سنگ بنای برنامه‌های توسعه‌ای محسوب می‌شوند. برای شناسایی خوشه‌های کسب و کار که قابل توسعه باشند، روش‌های متعددی وجود دارد که بسته به شرایط و اقتضائات حاکم می‌توان از یکی از این روش‌ها یا ترکیبی از آنها بهره جست. از جمله این روش‌ها عبارت‌اند از: روش مبتنی بر نظر خبرگان و کارشناسان (مصاحبه‌های عمیق)، روش مبتنی بر نسبت تمرکز مکانی، روش مبتنی بر تحلیل روابط شبکه‌ای و روش پیمایشی (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین پژوهشگران دیگر به منظور شناسایی خوشه‌های کسب و کار از تمرکز جغرافیایی، تمرکز بخشی، روابط همکاری، چالش‌ها و فرصت‌های مشترک بین کسب و کارها استفاده می‌کنند (ضرغام و امینی، ۱۳۹۰؛ سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹).

به منظور مشارکت مردم و شناسایی زنجیره ارزش کسب و کار مورد نظر، بایستی از فن مصاحبه عمیق، روش ارزیابی مشارکتی روستایی و انواع فنون آن (در فصل آینده فنون کاربردی این روش تشریح شده است) استفاده شود که بتوان حلقه مفقوده و نقطه فشار زنجیره ارزش کسب و کارهای فعال در روستا را شناسایی کرد و مردم را در شبکه‌ای کردن کسب و کارهای قبل و بعد رسته مورد نظر توانمند کرد، اما بعد از شناسایی خوشه مورد نظر در روستاها و بررسی نقاط فشار (حلقه‌های مفقوده) بایستی اقدام به توسعه خوشه مورد نظر کرد. اما نحوه محاسبه تمرکز جغرافیایی کسب و کارهای کشاورزی از فرمول زیر استفاده می‌شود (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴، ضرغام و امینی، ۱۳۹۰).

$$LQ_i = \frac{M_i/M}{R_i/R}$$

LQ_i : ضریب مکانی

M_i : تعداد کسب و کارهای کشاورزی محصول a در شهرستان (دهستان)

M : تعداد کل کسب و کارهای انواع محصولات کشاورزی در شهرستان (دهستان)

R_i : تعداد کسب و کارهای کشاورزی محصول a در استان (شهرستان)

R : تعداد کل کسب و کارهای محصولات کشاورزی در استان (شهرستان)

رابطه مذکور سهم تولید یا کسب و کارهای کشاورزی در رابطه با یک محصول، در شهرستان (دهستان) را با سهم آن در استان (شهرستان) مقایسه می‌کند. از این رو، ضریب مکانی در واقع، نسبت نسبت‌هاست. چنانچه مقدار این شاخص بزرگ‌تر از ۱ باشد، می‌توان این‌گونه قضاوت نمود که میزان تولید محصول a در شهرستان (دهستان)، از تمرکز بیشتری برخوردار است و اگر کمتر از ۱ باشد، بیانگر این است که شهرستان (دهستان) فوق در تولید محصول مورد نظر از سطح پایینی برخوردار است و اگر برابر با ۱ باشد، شهرستان (دهستان) مذکور خودکفا محسوب می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

در این راستا به منظور مشارکت مردم و شناسایی رسته فعالیت مورد نظر، بهتر است از روش ارزیابی مشارکتی روستایی و انواع فنون آن (در فصل آینده فنون کاربردی این روش تشریح شده است) استفاده شود که بتوان حلقه مفقوده و نقطه فشار زنجیره ارزش کسب و کارهای فعال در روستا را شناسایی کرد و بتوان مردم را در شبکه‌ای کردن کسب و کارهای قبل و بعد رسته مورد نظر توانمند کرد، اما بعد از شناسایی خوشه مورد نظر در روستاها و بررسی نقاط فشار (حلقه‌های مفقوده) بایستی اقدام به توسعه خوشه مورد نظر کرد. با توجه به اینکه برای توسعه هر خوشه‌ای، یک سری عوامل و پیش‌نیازهای لازم است، در ادامه عواملی که به منظور توسعه خوشه‌ها بایستی مدنظر قرار داد، تشریح شده است.

عوامل مؤثر بر توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی

بی‌شک خوشه‌ها نقش محوری و بارزی در سیاست‌های اقتصادی و صنعتی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایفا می‌کنند. رویکرد جدیدی که امروزه در مباحث توسعه منطقه‌ای مطرح شده است، در مناطق مختلف با توجه به مزیت‌های طبیعی، انسانی، سازمانی و تشکیلاتی موجود باید به شناسایی خوشه‌ها توجه جدی داشت و ابعاد مختلف سازماندهی خوشه‌ها را تسهیل کرد (اسفندیاری و ساکیان، ۱۳۸۸). در این صورت، می‌توان در بازارهای ملی و بین‌المللی موفق عمل کرد و بخش‌های با ارزش‌تری از زنجیره ارزش کالاهای مرتبط را در اختیار گرفت (اسفندیاری و ساکیان، ۱۳۸۸). با توجه به سوابق و تجربیات محدودی که در زمینه توسعه خوشه در کشور وجود دارد، شرایط خوشه‌ها و عوامل مؤثر بر موفقیت آن‌ها نیز به تناسب سطح توسعه یافتگی، متفاوت با دیگر کشورها خواهد بود. این عوامل بر مبنای شرایط محیطی نظیر سطح توسعه یافتگی کشور، نظام‌های مدیریتی، وضعیت نیروی انسانی، فرهنگ اجتماعی و سایر عوامل تأثیرگذار از یک کشور به کشور دیگر و نیز از یک خوشه به

خوشه دیگر دارای تفاوت‌ها و تمایزاتی خواهد بود و می‌توان بر مبنای مطالعات علمی و نظر نخبگان صنعتی تعیین و شناسایی گردد (ریاحی، ۱۳۹۲؛ منصوری و عزیز محمدلو، ۱۳۸۸). در این قسمت، بر مبنای مطالعات انجام شده عوامل مؤثر بر توسعه خوشه‌ها در حوزه‌های اصلی زیر شناسایی و دسته‌بندی شده است، اما این عوامل در همه خوشه‌ها یکسان نیست و ممکن است در خوشه‌های مختلف عوامل دیگری نیز وجود داشته باشد که باید با انجام مطالعات میدانی در خوشه‌های مختلف کشف شوند.

– عامل جغرافیایی – فضایی

شرایط محیطی و جغرافیایی در هر خوشه، عامل تعیین کننده‌ای در موفقیت خوشه محسوب می‌شود. این عامل تصویری اولیه از وضعیت خوشه در شروع برنامه‌های توسعه‌ای است. هر قدر این عامل مساعدتر و همساز با فرایند توسعه باشد، به موفقیت رویکردها کمک قابل ملاحظه‌ای خواهد نمود. مجاورت فضایی دارای تأثیرات مثبت در کاهش هزینه‌های مبادله و حمل و نقل کالاها است، این تأثیرات مثبت همچنین شامل جریان سریع‌تر اطلاعات و تماس‌های رو در روی بیشتر عاملان اقتصادی واقع در یک منطقه است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

از جمله مهمترین عوامل جغرافیایی - فضایی، سطح توسعه یافتگی خوشه، وجود شرکت‌های صنعتی و تشکیل زنجیره تأمین، جایگاه محصولات خوشه و نیز ارائه کنندگان خدمات کسب‌وکار می‌باشند. وجود مراکز آموزشی و تأمین کننده نیروی انسانی متخصص، از عوامل پیش برنده در رویکرد خوشه‌ای برای توسعه صنایع کوچک و متوسط محسوب می‌شود و عامل مهمی در توسعه یافتگی خوشه است. نیروی انسانی ماهر عامل مهمی است که در همه زمینه‌ها می‌تواند نقش اساسی و پایداری در پیشبرد امور داشته باشد، لذا یکی دیگر از جنبه‌های فضایی مهم وجود پیوندهای شهری - روستایی است که به خاطر ایجاد امکان دسترسی به نیروی کار ارزان و انعطاف‌پذیری دارای تأثیرات مثبت است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). این مهارت‌ها می‌تواند در حوزه‌های مختلف مدیریتی، رهبری، کارآفرینی، مربیگری (هدایتگری) و نیز حوزه‌های فناوری، تأثیرگذار باشد. نکته‌ای که در توسعه خوشه‌ها اهمیت دارد، وجود ارتباط با مراکز علمی و آموزشی است که نیروی انسانی تحصیل کرده و ماهر را در محیط صنعتی عرضه می‌نماید و عامل تسهیل کننده در پیشبرد امور خواهد بود. در ایران مراکز فنی حرفه‌ای در استان‌های مختلف وجود دارند که مأموریت این مراکز ارائه آموزش‌های تخصصی و مهارتی به نیروهای جویای کار و یا مشغول به کار است تا از مهارت و توان لازم

برای انجام صحیح کار برخوردار شده و به ارتقای کیفیت و کمیت کار کمک نمایند. وجود این مراکز علمی - آموزشی و به تبع آن نیروی انسانی توانمند، ظرفیت نوآوری و تحقیقات در خوشه را ارتقا بخشیده و فرصت‌های بیشتری را برای فعالان آن فراهم خواهد ساخت (ریاحی، ۱۳۹۲). بنابراین یکی از مهمترین عناصر خوشه‌ها، شکل‌گیری بازار نیروی کار ماهر محلی است که یکی از مجراهای مهم برای تقویت و توسعه خوشه‌ها است. بازار نیروی کار ماهر عموماً به وسیله تمرکز افراد ماهری که از یک بنگاه به بنگاه‌های دیگر در حال حرکت هستند و محلی شدن آنها در یک فضای جغرافیایی مشخص، شکل می‌گیرد. تحرک نیروی کار بین بنگاه‌ها، عامل اساسی در ترکیب مجدد اطلاعات موجود و در ایجاد یک ذخیره اطلاعاتی مشترک در درون یک واحد فضایی مشخص است. از این‌رو است که گفته می‌شود جریان نیروی کار بین بنگاه‌ها، ابزار بزرگی برای ساخت روابط اجتماعی تلقی می‌شود و تسهیل‌کننده ایجاد شبکه روابط غیر رسمی است و صرفه‌های مثبت را به وسیله ایجاد و تداوم روابط اجتماعی پدیدار می‌سازد. از این‌رو، قابلیت دسترسی به نیروی کار ماهر محلی با ظرفیت‌های مشخص، یک عامل حیاتی برای ایجاد و توسعه خوشه‌های محلی و منطقه‌ای شده است. یک ذخیره بزرگ از نیروی کار ماهر در منطقه به معنی این است که بنگاه‌ها مجبور نیستند برای جستجوی نیروی کاری که آنها نیاز دارند، هزینه زیادی پرداخت کنند یا بالعکس، در چنین محیطی، نیروهای کار ماهر محلی، در دستیابی به فرصت‌های شغلی، موقعیت بهتری دارند. ضمن اینکه، حضور مؤسسات آموزشی و تربیت نیروی کار در منطقه، عرضه ثابتی از نیروی کار کیفی را به بنگاه‌ها در خوشه‌ها ارائه می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). در کنار بحث‌های مطرح شده در بالا، وجود یک بازار نیروی کار منعطف و پرتحرک می‌تواند به شکل‌گیری بنگاه‌های جدید منجر شود. این بحث تصریح دارد که در یک خوشه، نیروی کار موجود در بنگاه‌ها ممکن است بنگاه خود را ترک کند و برای خود بنگاه‌های جدیدی ایجاد کند. این اثر تراوش بنگاه‌های جدید به تکمیل با رقابت با بنگاه‌های موجود منجر می‌شود. از این‌رو، بیشتر خوشه‌های محلی، ممکن است از شکل‌گیری بنگاه‌های جدید، توسعه پیدا کنند.

شواهد حاکی از آن است که توسعه محصول در کنار ساختار تحقیقاتی، لازمه نوآوری است و محرک حیاتی برای خوشه محسوب می‌شود. نوآوری برای حضور بهتر در بازار اهمیت دارد و تحقیق و توسعه نیز ابزاری برای خلق ایده‌ها و محصولات جدید برای آینده خوشه می‌باشند. ترویج نوآوری و تحقیق و توسعه اگرچه با هم دارای رابطه می‌باشند، لیکن دو فعالیت جداگانه

محسوب می‌شوند. نوآوری در زمینه خلق محصولات و خدمات جدید متمرکز است، در حالی که تحقیق و توسعه سبب رشد دانش می‌گردد و در بهترین حالت نوآوری حاصل فرایند تحقیق و توسعه است. نوآوری برای محصولات فعلی می‌تواند به تدریج صورت گیرد، ولی برای محصولات جدید می‌تواند به صورت لحظه‌ای رخ دهند. خوشه‌هایی موفق خواهند بود که نوآوری و کسب دانش در آن نهادینه شده و فعالان خوشه نیز از آن حمایت کنند و این دانش و اطلاعات را مابین خود تسهیم نمایند. دانشگاه‌ها مراکز تحقیقاتی، عامل شتاب‌دهنده و تعمیق و پرورش در زمینه نوآوری و تحقیقات و توسعه می‌باشند. هرچند در توسعه خوشه‌ها، الزامی به وجود واحدهای تحقیقات و توسعه نیست، اما وجود این مراکز در خوشه‌ها می‌تواند در جذب و انتقال فناوری بسیار اثربخش و تأثیرگذار باشد (ریاحی، ۱۳۹۲). به طور خلاصه، با توجه به رویکردها و روش‌هایی که در مدل توسعه خوشه‌ای از جمله مدل ارائه شده توسط سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)^۱ ارائه شد و نیز تجربیاتی که در فرآیند توسعه خوشه در کشور توسط کارشناسان و صاحب‌نظران بیان گردید. مهمترین عوامل جغرافیایی - فضایی مؤثر در توسعه خوشه در ایران شامل؛ سطح توسعه یافتگی و بلوغ خوشه، تعداد فعالان خوشه، حضور شرکت‌های بزرگ و مختلف، جایگاه محصولات خوشه در اقتصاد کشور و منطقه، دسترسی به نیروی انسانی متخصص، وجود ارائه‌کنندگان خدمات کسب‌وکار، وجود تأمین‌کنندگان مواد اولیه و تجهیزات، نزدیکی به مراکز علمی و دانشگاهی، نزدیکی به بازارهای مصرف داخلی و خارجی و سطح دانش فنی و فناوری خوشه می‌باشد (ریاحی، ۱۳۹۲). پورتر نقش تقاضای محلی را در تحت تأثیر قرار دادن موقعیت رقابتی بنگاه‌ها مهم می‌داند و بر این باور است که عمق بیشتر و تخصصی شدن تولیدکنندگان در درون خوشه‌ها به شناخت آسان‌تر فرصت‌های بازار و کاهش ریسک به دلیل حضور مشتریان محلی متعدد، منجر می‌شود، بنابراین دسترسی به بازار یا پیوندهای پیشین مهم است. از این‌رو، یک گام مهم در فرآیند توسعه خوشه‌ها، تحلیل نقاط قوت نسبی هر خوشه از نظر پتانسیل رشد بازار و رقابت پذیری در درون بازارهای محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی است. اهمیت نسبی بازارهای داخلی و خارجی بر اساس ادبیات خوشه متفاوت است. پورتر بر اهمیت بازارهای داخلی بیش از خوشه‌های صادرات پایه، تأکید دارد، به لحاظ اینکه همجواری با بازار به توسعه خوشه‌ها کمک بیشتری می‌کند. همچنان که دسترسی به بازارهای خارجی (جهانی) و وجود جمعیت مصرف‌کننده بیشتر یک ویژگی

مزیت‌دار برای بیشتر خوشه‌های موفق است. برای اینکه دسترسی به بازارها در پایداری و گسترش مداوم یک خوشه با اهمیت تلقی می‌شود. بنگاه‌هایی که موفق به صادرات به خارج از منطقه می‌شوند، نه تنها درآمد اضافی را به داخل منطقه منتقل می‌کنند، بلکه کیفیت محصولات آنها در هر دو بعد ملی و جهانی آزمون می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

در این راستا نتایج پژوهش میدانی نگارنده (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸) نشان داد که تمرکز جغرافیایی کسب و کارهای کشاورزی در منطقه مشخص از جمله کسب و کارهای اولیه تولیدات کشاورزی، کسب و کارهای مرتبط با تولیدکنندگان (توزیع کنندگان کود و سم، ماشین‌آلات مرتبط و...)، همکاری و رقابت بین کسب و کارها (ارتباطات افقی و عمودی بین کسب و کارهای کشاورزی و ارتباط با مشاوران و متخصصان حوزه مربوطه) و نهایتاً چالش و فرصت‌های مشترک می‌تواند زمینه‌های ایجاد و توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی را فراهم نماید.

در این راستا نتایج این مطالعه گویای این بود که در صورت وجود نیروی انسانی و افراد متخصص و کارآفرین در منطقه مورد مطالعه، می‌توان انتظار خلاقیت و تخصصی شدن کسب و کارها و ایجاد کسب و کارهای جدید (اشتغالزایی) در منطقه داشت. بنابراین با اشاره به این موضوعات، طبقه‌های وجود نیروی انسانی متخصص، کارآفرینی و هویت جمعی در منطقه نیز به عنوان عواملی که منجر به توسعه خوشه‌ها می‌شوند، شناخته شدند. همچنین وجود بازار مصرف محلی و منطقه‌ای و بازار خارجی محصول مورد نظر و تقاضاپذیر بودن محصول مورد نظر می‌تواند زمینه‌های توسعه خوشه کسب و کار کشاورزی را فراهم آورد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)، لذا بازار به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی، مورد تأکید ویژه‌ای قرار گرفته است.

– عامل فرهنگی – اجتماعی

ماهیت فعالیت‌های خوشه‌های منبعث از حضور و حرکت جمعی و گروهی است تا فعالان اصلی خوشه در کنار رقابت‌هایی که در بازار کسب‌وکار با یکدیگر دارند، بتوانند در حوزه‌هایی که دارای منافع مشترک می‌باشند، با یکدیگر همکاری نمایند. صاحب‌نظران خوشه در کشورهای در حال توسعه، اعتقاد دارند که کلیدی‌ترین عامل رشد و توسعه شرکت‌های کوچک، در همکاری و مشارکت آنان در قالب شبکه‌ها^۱ است. هر قدر شکل‌گیری شبکه‌های همکار،

1- Networking

در خوشه‌ها بیشتر باشد حکایت از وجود سرمایه اجتماعی^۱ در خوشه دارد که حاصل آن در درازمدت شکل‌گیری مؤسسات حمایتی و توسعه ارزش‌های فرهنگی و کار مشترک است. انجام فعالیت‌های مشترک در چارچوب گروه‌ها و شبکه‌های کسب‌وکار در زمینه دانش و اطلاعات، سبب توسعه دانش فعالان حاضر در خوشه و نیز به اشتراک گذاشتن دانش و تجربه می‌گردد که این خود باعث توسعه خوشه‌ها می‌شود. به عنوان مثال، اعضای یک شبکه می‌توانند از دانش و اطلاعات مشترکی چون وب‌سایت مشترک در جهت انتشار دانش و علوم فی‌مابین استفاده نمایند. در خوشه‌های بزرگ که امکان مذاکره و تبادل اطلاعات رو در رو^۲ وجود ندارد، شکل‌گیری شبکه‌ها در درون چنین خوشه‌هایی، کمک می‌کند تا انتقال دانش و تجربه بین فعالان خوشه به شکل مناسب‌تری انجام شود. ترویج شبکه‌های متعدد در حوزه‌های مختلف در درون خوشه، سبب می‌شود تا عناصر فعال در خوشه توسعه یافته و با مشارکت شبکه‌ها، فرآیند توسعه خوشه به صورت سیستماتیک و از پایین به بالا هدایت شود. نمونه‌ای از این شکل توسعه در شبکه کمبریج انگلستان است که ابتدا توسط تعدادی از فعالان بومی شکل گرفت و کم‌کم به صورت یک شبکه بین‌المللی درآمد و نهایتاً در سال ۱۹۹۸ با همکاری دولت و دانشگاه کمبریج به شکل یک شبکه بزرگ درآمد. تجربه دیگر در زمینه توسعه شبکه در ایالت اورگان^۳ ایالت متحده آمریکا است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). در اینجا نیز شرکت‌های تشکیل دهنده شبکه، فردی را به عنوان واسطه شبکه تعیین و از این طریق در جهت انتقال دانش و اطلاعات اقدام نمودند. در نهایت انجام فعالیت‌های گروهی در قالب شبکه‌های تخصصی می‌تواند سبب شکل‌گیری مشارکت‌های بیشتر بین فعالان در زمینه خاص شود و در بلندمدت به شکل مشارکت‌های انتفاعی بزرگ در حوزه‌های تولید، صادرات، خدمات مهندسی و سایر زمینه‌ها به ایفای نقش پردازد. هر قدر فعالیت‌های گروهی در بین فعالان خوشه تقویت گردد، بستر فرهنگی و اجتماعی مساعدتری برای فعالیت‌های جمعی فراهم گشته و اجرای برنامه‌های خوشه‌ای که غالباً ماهیت جمعی و گروهی دارند، مهیا شده و هم‌افزایی مناسبی در توسعه خوشه در پی خواهد داشت (ریاحی، ۱۳۹۲).

لذا یکی از عوامل موفقیت در زمینه توسعه خوشه کسب‌وکارهای کشاورزی، شبکه‌سازی کسب و کارها است. به طریقی که مالکان کسب‌وکارها را ترغیب به اعتماد به یکدیگر و

1-Social capital

2- face to face

3- Oregon

شبکه‌سازی کرد. به عنوان مثال، شبکه فروش محصولات یا شبکه خرید مواد اولیه ایجاد کرد». ایجاد شبکه خرید مواد اولیه باعث می‌شود که هزینه خرید مواد اولیه برای کسب و کارهای مربوطه کاهش یابد. همچنین شبکه فروش محصولات باعث می‌شود که قدرت چانه‌زنی کسب و کارها افزایش یابد و با توجه به اینکه حجم تولیدات در شبکه فروش افزایش می‌یابد، زمینه را برای صادر کردن تولیدات فراهم می‌کند که منجر به قیمت فروش بیشتر و هزینه حمل و نقل کمتر می‌گردد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

در این راستا توسط نگارنده در یکی از پروژه‌های توانمندسازی جوامع محلی (روستایی) در یکی از روستاهای استان کرمانشاه، اقدام به شبکه‌ای کردن کسب و کارهای روستایی شد. یکی از این شبکه‌ها، شبکه دام سبک بود که یکی از اصلی‌ترین کسب و کارهای روستاییان استان کرمانشاه می‌باشد. اعضای این شبکه متشکل از دامداران روستای هدف بود که تمایل داشتند در پروژه با گروه پژوهش مشارکت کنند. با مشارکت دامدارهای اعضای شبکه، اقدام به بررسی مشکلات شبکه دام شد و از مزایای شبکه‌ای کار کردن آنها برایشان توضیحات لازم ارائه گردید. سپس آموزش‌های لازم به اعضای شبکه در زمینه اصول تغذیه، مبارزه با بیماری‌های دامی، اصول جایگاه دام، سیدرگذاری و همزمان‌سازی فعلی و سایر موارد مورد نیاز دامداری به اعضای شبکه داده شد. پس از آموزش‌های داده شده به منظور آشنایی بیشتر اعضای شبکه اقدام به بازدید اعضای شبکه از دامداری موفق در سطح استان شد. سپس اعضای شبکه دام سبک، مجاب شدند که به جای تغذیه سنتی که تا زمان ورود گروه تسهیله‌گری و متخصصان دامداری به روستا به دام‌هایشان می‌دادند، از این پس از تغذیه اصولی و علمی که متخصص تغذیه دام به آنها پیشنهاد کرده بود استفاده کنند، اما برای جلوگیری از بالا رفتن هزینه‌ها، به صورت شبکه‌ای و مشارکتی خرید کنند تا هزینه‌های آنها کاهش پیدا کند. پس از انجام این کار و ارزیابی میدانی که توسط نگارنده صورت گرفت، رضایت دامداران از رعایت اصول تغذیه علمی و کامل دام و نحوه خرید آنها مشاهده شد، به طوری که هزینه تغذیه دام پیشنهادی برای آنها کاملاً برابر با هزینه خوراک سنتی بود که از قبل استفاده می‌کردند، از طرفی عملکرد بهتری در دام‌هایشان داشتند، فلذا این کار را ادامه دادند.



شکل ۳-۴. توزیع خوراک کامل دام بین اعضای شبکه دام سبک روستای هدف

مهمترین عوامل فرهنگی و اجتماعی مربوط به خوشه کسب و کارهای کشاورزی ایران را می‌توان در چهار عامل اصلی زیر تبیین نمود:

- وجود روحیه کار گروهی
 - وجود روحیه کارآفرینی و نوآوری
 - مطلوبیت سرمایه‌گذاری تولیدی در منطقه
 - وجود رقابت سالم بین فعالان (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).
- در خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی، اعتماد داشتن کسب و کارها به ارگان و سازمان‌های دولتی مثل جهاد کشاورزی، کارشناسان، دانشگاه و ...، اعتماد مالکان کسب و کارهای کشاورزی و روستایی به افراد غریبه جهت سرمایه‌گذاری در روستا و وجود اعتماد بین خود کسب و کارها جهت انجام کارهای مشارکتی با همدیگر، از جمله عوامل فرهنگی - اجتماعی مردم منطقه می‌باشد که می‌تواند باعث توسعه خوشه‌های کسب و کار کشاورزی گردد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

بنابراین همان‌طور که بیان شد، عامل فرهنگی - اجتماعی از طریق انجام فعالیت‌های مشترک بین فعالان موجود در خوشه، ارتباطات متقابل بین کسب‌وکارهای موجود در خوشه را افزایش می‌دهد که باعث ایجاد انتقال تجربه، دانش و فناوری بین کسب‌وکارهای موجود در خوشه می‌شود، این روند باعث توسعه خوشه‌ها می‌شود.

– عامل سیاستگذاری – نهادی

محیط نهادی نیز بر شدت و ماهیت تعامل میان بنگاه‌ها، بین بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و جریان‌های سرمایه بین بنگاه‌ها، مؤسسات و ... تأثیر دارد و می‌تواند به تقویت فرآیند یادگیری و نوآوری منجر شود. امین و تریفت^۱ از مفهوم «درهم تنیدگی نهادی» برای این منظور استفاده می‌کنند و پیشنهاد می‌کنند که حضور نهادی قوی و سطوح بالای تعامل میان بنگاه‌ها و نهادها در یک منطقه مشخص، پیوندهای محلی قوی را ایجاد می‌کند. در چنین محیطی نوآوری ستانده یک فرایند جمعی و انتشار یافته است. در خوشه‌ها، محیط نهادی از نهادهایی نظیر دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، مراکز تربیت حرفه‌ای، مراکز فنی و مهندسی، انجمن‌های حرفه‌ای و صنعتی، مؤسسات مالی و اعتباری، اتاق‌های بازرگانی و ... تشکیل می‌یابند. علاوه بر این، قابلیت دسترسی به انجمن‌های مختلف مرتبط با خوشه، از ویژگی‌های اساسی در توسعه خوشه‌های موفق است. این انجمن‌ها می‌توانند وسایل ارتباطی منظم و فرصتی برای تقسیم منابع برای آدرس کردن نیازهای مشترک فراهم بیاورند. چنین روابطی به وسیله ایجاد انجمن‌های صنعتی محلی و منطقه‌ای کامل می‌شود تا به عنوان واسطه‌هایی برای هماهنگی و همکاری بین بنگاه‌های عمل کنند. از نظر هیرست^۲، شکل‌گیری انجمن‌های مرتبط محلی، می‌تواند دو نتیجه داشته باشد: اول از طریق گرد هم آمدن، افراد می‌توانند بیانیه‌ها و علایق مشترک خود را تعقیب کنند و فعالیت‌های خود را با مشارکت یکدیگر سازماندهی کنند. دوم در این فرآیند، افراد تنوعی از شبکه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند تا مسیر برای مشارکت‌ها و همکاری‌های بزرگ‌تر و انجام فعالیت‌های مشترک باز شود. چنین انجمن‌هایی می‌توانند در تقویت هویت‌های منطقه‌ای و تشویق بازیگران خاص برای کار با همدیگر در جهت اهداف مشترک نقش مهمی را بازی کنند، به ویژه که صرفه‌جویی‌های بازار به حصول عوامل اجتماعی غیربازاری وابسته است که به ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌تنهایی قادر به انجام آن نیستند. از این گذشته، همجواری با مؤسسات مالی و اعتباری نظیر بانک‌ها، بنگاه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و سایر نهادهای مالی نیز از طریق حمایت مالی از رشد و گسترش فعالیت‌های مرتبط با خوشه می‌تواند به توسعه موفق خوشه‌ها کمک کند. آنها با حمایت از بازیگران کلیدی در خوشه‌ها، بنگاه‌های جدید شکل گرفته و پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر خوشه‌ها، اثر مثبتی را در توسعه و تقویت خوشه‌ها ایفا می‌کنند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

1- Amin & Tteft

2- Hirest

دولت نیز نقش کلیدی برای توسعه خوشه‌ها از طریق شکل‌گیری محیط و تجاری مطلوب با شکل دادن به مشارکت متعهدانه در تضمین رشد تجاری بنگاه‌ها بازی کند. این نقش دولت به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه در توانمندسازی و تحریک بازیگران در خوشه‌های در حال توسعه مهم است. دولت از طریق مختلفی می‌تواند بر فرآیند توسعه خوشه‌ها کمک کند. این نقش می‌تواند از طریق کمک‌های مالی (کمک به صندوق‌های خرد روستایی)، تنظیم سیاست‌های بازار سرمایه و نرخ مبادله، سیاست‌های پولی و تجاری، استقرار استانداردهای تولید ملی و محلی، مقررات ضد انحصار و سیاست‌های خرید دولتی، محیط تنظیمی و مالیاتی که می‌تواند تأثیر مهمی بر هزینه کار اقتصادی و تجاری بگذارد، ارائه انگیزش‌های مالیاتی برای تحقیق و توسعه، سیاست‌های مناسب زیست محیطی و ... به تقویت نقش خوشه‌ها کمک کند. کوک و مورگان^۱ بر این باورند که دولت با ارائه کمک‌های مالی نظیر کاهش تعرفه‌ها بر نهاده‌ها و حفظ ستانده‌ها بدون تحت تأثیر قرار دادن کارایی بلند مدت، نقش مهمی را در توسعه خوشه‌ها بازی می‌کند. این به‌ویژه در مورد بنگاه‌های کوچک بیشتر صدق می‌کند. بالاخره، زیرساخت‌های فیزیکی که نقش دولت در ایجاد و توسعه آنها انکارناپذیر است، می‌تواند نقش حیاتی در توسعه و رقابت‌پذیری خوشه‌ها بازی کند. این زیرساخت‌ها می‌توانند از جاده‌ها، بنادر، سامانه‌های مخابراتی و برق گرفته تا مراکز پردازش داده، سیستم‌های حمل و نقل کارآمد و نظایر اینها را شامل شوند. وجود این زیرساخت‌ها نه تنها به توسعه خوشه‌ها منجر می‌شود، بلکه موجب جذب صنایع جدید به این نوع مناطق می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

بعلاوه این موارد، جایگاه و نقش دولت در خصوص توسعه خوشه‌ها متأثر از ساختار اقتصادی و نحوه حضور دولت در فرآیندهای توسعه‌ای پایدار است. بر این اساس تدوین وظایفی برای دولت جهت توسعه خوشه‌ها باید مبتنی بر جهت‌گیری دولت در این نوع فرآیندها و همسو با سیاست‌های حمایتی دولت در کسب‌وکارهای بخش خصوصی به‌منظور افزایش توان رقابتی آنها باشد. واقع امر آن است که هر نوع کمک و سیاست‌گذاری برای توسعه خوشه‌ها، اعم از آنکه توسط دولت و یا نهادهای بین‌المللی توسعه‌ای صورت پذیرد، باید دارای ویژگی‌های زیر باشد که به رهیافت مجا مشهور است که علامت اختصاری مبانی زیر است (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹).

– مشتری نگر بودن:

سیاست‌های حمایتی باید به نحوی باشد که شرکت‌ها نیازهای مشتریان خود را تشخیص دهند، آنگاه بهتر می‌توانند معضلات اصلی حصول به توان رقابتی را برطرف کنند.

– جمعی بودن:

حمایت از شرکت‌ها به صورت جمعی نه تنها در مقایسه با کمک به یک‌یک آنها هزینه‌های معاملاتی کمتری دارد، بلکه باعث همکاری یادگیری متقابل می‌شود.

– انباشتی بودن:

حمایت‌ها در خصوص توسعه خوشه‌ها باید منجر به انباشت دانش، ارتقاء و بهبود مداوم گردد تا خوشه‌ها به حمایت دولتی بیشتری نیاز نداشته باشند.

علاوه بر موارد فوق، سیاست‌گذاری برای توسعه خوشه‌ها باید نوع خوشه‌ها را مدنظر قرار دهد. بر اساس تجارب بین‌المللی، به سه خوشه اشاره می‌شود. نخست، خوشه‌های متشکل از شرکت‌های کوچک و بسیار کوچک که برای بقا دست‌وپا می‌زنند. دوم؛ خوشه‌های پیشرفته‌تری که از شرکت‌های کوچک ممتاز و دارای تولید انبوه تشکیل شده‌اند و سوم؛ خوشه‌های متشکل از شرکت‌های فراملی و عرضه کنندگان هم‌جوارشان.

خوشه‌هایی که برای بقا دست و پا می‌زنند، شایستگی توجه سیاست‌گذاران را دارند. سیاست‌های حمایتی در این نوع خوشه‌ها در راستای تقویت شبکه‌سازی حرکت می‌نماید. شناسایی مشکلات شایع و ارائه راه‌حل مشاوره‌هایی برای توسعه همکاری‌های محلی و ایجاد شبکه‌های تازه فراهم می‌آورد. در خوشه‌های پیشرفته‌تر سیاست‌گذاری اقدامات باید معطوف به ارتقای آنها در زمینه آموزش فنی و نوآوری باشد و نخستین گام برای این کار، آگاهی در زمینه لزوم بهبود است. به این منظور باید اقدامات محلی را بر اساس آنچه سردمداران بازار جهانی انجام می‌دهند، محک زد. ترویج اقدام مشترک محلی لازمه کمک به شرکا در رسیدن به سطح بالای معیارهای بین‌المللی است که اغلب از طریق دخالت راهبردی در حوزه‌هایی مثل توسعه فناوری یا ارتقای زیست محیطی صورت می‌گیرد (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹).

سیاست‌های حمایتی در مورد خوشه‌های متشکل از شرکت‌های فراملی با توجه به ویژگی‌های آنها، متفاوت است. شرکت‌های فراملی بر اساس اصول مشترک فی‌مابین شرکت‌های محلی و با تکیه بر سنت‌های صنعتی شکل نگرفته‌اند، بلکه خاستگاه آنها بیرون از ناحیه است و از

سرمایه‌گذاری هنگفت در یک یا چند کارخانه که شعبه شرکت‌های فراملی آغاز گردیده‌اند. ضعف اصلی خوشه‌های متکی بر شرکت‌های، میزان کم سرریز فناوری و ناکامی در ایجاد کارآفرینی در حوزه‌های حساس به دانش فنی است، بنابراین شتاب بخشیدن به شکل‌گیری عرضه‌کنندگان و تأمین‌کنندگان توانمند محلی که مواد خام، قطعات و خدمات را به صورت مستقیم و غیرمستقیم ارائه می‌کنند، باید محور سیاست‌ها در خصوص این نوع خوشه‌ها باشد. الزام شرکت‌های فراملی به جمع‌سازی تولید و رعایت تراز بازرگانی معمولاً قابلیت رقابت کلی خوشه را دچار اختلال می‌کند (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). به‌منظور ترویج و تعمیق خوشه‌هایی که در شرکت‌های فراملی حضور دارند سه دسته سیاست‌گذاری را می‌توان متمایز کرد:

- جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
- توسعه و گسترش عرضه‌کنندگان
- انتقال فناوری به سایر شرکت‌های محلی.

بر اساس نظر سولول و همکاران^۱، دولت اغلب در ساماندهی و کنترل فرآیندهای آغازین شکل‌گیری خوشه موفق‌تر عمل می‌نماید. آنها همچنین خاطرنشان می‌سازند که در فرآیندهای اولیه شکل‌گیری خوشه، وام‌های دولتی نقش مؤثری دارند، ولی به مرور زمان از وابستگی به وام‌های دولتی کاسته می‌شود. از سوی دیگر دولت چشم‌انداز بلندتری نسبت به بخش خصوصی در جهت توسعه خوشه‌ها دارد. بر این اساس حضور دولت منجر به گردهمایی مدیران، قانون‌گذاران و سایرین می‌گردد که به عنوان یک سرمایه‌غیرملموس نقش مؤثری در راه‌اندازی و شروع فرآیندهای اولیه شکل‌گیری خوشه را بر عهده دارد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). امروزه عمده طرفداران سیاست‌گذاری خوشه، نقش کاتالیزور و حمایت‌کننده را برای دولت در خصوص توسعه خوشه‌ها در نظر می‌گیرند. این اندیشه تا حدودی بر گرفته شده از وجود شکست‌های دولتی در انجام کارهای تولیدی و انجام کسب‌وکار است که در مقابل شکست بازار مطرح می‌گردد. در خوشه‌سازی در خصوص توسعه خوشه‌ها ترسیم دو نقش متفاوت برای دولت‌ها مطرح است. اولین نقش خوشه‌سازی از طریق دولت و یا نهادها و مؤسسات وابسته به دولت است که در تمامی زیربخش‌های اقتصادی قابلیت اجرا دارد و نقش دوم به عنوان حامی و مشوق در طول فرآیند توسعه خوشه است؛ به عبارت دیگر دولت در این نقش، به ساماندهی ساختارهای مالی، تجدیدنظر در قوانین، ایجاد بسترهای محیطی مناسب برای رشد خوشه‌ها و

فعالیت‌های این‌گونه‌ای می‌پردازد. بررسی تجارب موفق توسعه خوشه‌ها و تبیین نقش دولت در این خوشه‌ها نمایانگر آن است که در مواردی که بازار برای توسعه خوشه‌ها وجود ندارد (فقدان عرضه مناسب و عدم وجود تقاضای برای محصولات) همانند بسیاری از فناوری‌های جدید که شیوه تولید و نحوه به‌کارگیری محصولات در زندگی روزانه شناخته شده نیست، دولت حضور فعالی در عرصه تولید و تقاضا بر عهده می‌گیرد. خوشه‌های زیست فناوری در شمال انگلستان خوشه IT در دره سیلیکان، خوشه‌های نانو فناوری در آمریکا تنها بخشی از این مجموعه به شمار می‌روند که تحت عنوان خوشه‌های دارای فناوری برتر شناخته شده‌اند. (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹). واقع امر آن است که در خوشه‌های دارای فناوری برتر، دولت ابتدا تمامی نهادها را فراهم می‌آورد و سپس فرایندهای واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی آغاز می‌گردد. واقعیت نهفته در این خوشه‌ها نشان‌دهنده وجود مخاطره‌پذیری بالا در فناوری‌های برتر است که به دلیل عدم حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های دارای ریسک بالا، امکان شکل‌گیری چنین خوشه‌هایی نیز وجود نخواهد داشت. بر این اساس نقش و حضور دولت رفته‌رفته از خوشه‌های صنایع مبتنی بر منابع تا خوشه‌های صنایع دارای فناوری پایین، صنایع خوشه‌های دارای فناوری متوسط و در نهایت خوشه‌های صنایع دارای فناوری برتر تشدید می‌شود (سرحدی و رحمانی، ۱۳۸۹).

همچنین تجربیات توسعه‌ای در کشورهای توسعه یافته نظیر انگلستان و در حال توسعه چون هند، حکایت از حضور نهادهای پشتیبان برای شروع و پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای است. در مدل ارائه شده توسط سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) برای توسعه صنایع کوچک و متوسط در قالب خوشه‌ها، وجود سازمان‌های حمایتی به همراه افراد واسطه در پیشبرد برنامه‌ها تأکید شده است و نمونه‌هایی از این مدل در کشورهای آسیا، آمریکا و آفریقا، بیانگر نقش برجسته این سازمان‌ها و نهادها در شکل‌دهی، هدایت و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای است. در ایران نیز با اقتباس از رویکردهای موجود در فرآیند توسعه خوشه، به‌خصوص روش‌هایی که با همکاری سازمان توسعه صنعتی ملل متحد توصیه شده است، در کنار حضور سازمان‌های سیاستگذار و حمایتی، وجود عامل توسعه خوشه که دارای دانش علمی و بینش تجربی در حوزه‌های صنعتی و اقتصادی باشد، به عنوان یک تسهیل‌کننده تأکید شده است. عامل توسعه خوشه با حمایت سازمان‌های پشتیبان، در فرهنگ‌سازی، اعتماد آفرینی و نیز پیشبرد برنامه‌های مشترک در بین فعالان خوشه وارد عمل شده و هدایتگر برنامه‌هایی است

که منطبق با چشم‌انداز، اهداف و راهبردهای خوشه تعریف و تبیین شده است. برای مثال عامل توسعه خوشه، می‌تواند در برقراری ارتباط بین واحدهای صنعتی و مراکز آموزشی و فنی و حرفه‌ای نقش ایفا نماید و یا نیازهای این واحدها را به این مراکز علمی و پژوهشی منتقل نموده و زمینه را برای آموزش و پرورش نیروی انسانی متناسب با نیاز خوشه صنعتی فراهم آورد. در ایران نیز چند سالی است که از این رویکرد استفاده شده و نتایج خوبی نیز طی این مدت کسب شده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). شرکت شهرک‌های صنعتی در هر استان به عنوان نهاد سیاستگذار و متولی اصلی کار، با شناسایی خوشه‌های مختلف در استان، فرد مجرب و آموزش دیده در حوزه برنامه‌های توسعه‌ای، بالأخص خوشه‌های صنعتی را به عنوان عامل توسعه خوشه انتخاب و با هماهنگی سایر سازمان‌های حمایتی، مسئولیت توسعه صنایع کوچک و متوسط با رویکرد خوشه‌ای را عهده‌دار می‌باشند، لذا با توجه به تجربیات اجرایی در ایران، عوامل تأثیرگذار در این حوزه نیز عبارت‌اند از:

- نقش شرکت شهرک‌های صنعتی استان

- حضور و آمادگی سازمان‌ها و نهادهای حمایتی و

- نقش عامل توسعه خوشه (ریاحی، ۱۳۹۲).

در ایران، خوشه کسب و کارهای کشاورزی متأسفانه همانند خوشه‌های صنعتی از طرف دولت مورد حمایت واقع نشده است و شرکت شهرک‌های صنعتی به عنوان کارگزار خوشه‌ها، بیشتر از خوشه‌های صنعتی حمایت می‌کند. بنابراین در صورت حمایت حقوقی و قانونی دولت و کارگزار خوشه‌ها از کسب و کارهای کشاورزی و خوشه‌ای کردن آن‌ها و کمک به حضور این کسب و کارها در نمایشگاه‌ها و عرضه محصولات تولیدی، تسهیل خدمات اعتباری به منظور خوشه‌ای شدن این کسب و کارها و توسعه آن‌ها، برقراری ارتباط با کشورهای دیگر به منظور صادرات محصولات و فراهم کردن فناوری مناسب و نهایتاً همکاری سازمان‌های حمایتی و پشتیبان (استانداری، صنعت و معدن، جهاد کشاورزی، آب منطقه‌ای و ...) می‌توان محیط نهادی را برای توسعه خوشه‌های کسب و کار کشاورزی همانند خوشه‌های صنعتی فراهم آورد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)، اما عامل دیگری که در توسعه خوشه‌های کشاورزی تأثیر زیادی دارد، شخص عامل توسعه است که از طرف شرکت شهرک‌های صنعتی انتخاب می‌شود، عامل توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی قدری با عامل توسعه خوشه‌های صنعتی متفاوت است، وی باید اولاً متخصص توسعه روستایی و کشاورزی باشد که بتواند به عنوان یک تسهیگر

جهت جلب مشارکت کسب و کارها و چشم انداز مشترک نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید. همچنین داشتن نگاه سیستمی و توانمندی ارتباطی از جمله توانمندی‌های دیگر عامل توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی است که در متخصصان توسعه روستایی و کشاورزی به خوبی مشاهده می‌شود. قدرت شبکه‌سازی، راه اندازی صندوق خرد، تعهد اجتماعی، مهارت مدیریت جلسه و بومی بودن در کنار آشنایی با مفاهیم خوشه‌های کسب و کار کشاورزی از جمله دیگر توانمندی‌های عاملین توسعه خوشه‌های کسب و کارهای کشاورزی و روستایی می‌باشد (حیدری و همکاران، ۲۰۱۸) که متأسفانه در بین عاملین توسعه خوشه صنعتی بسیار کم مشاهده می‌شود، لذا برای توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی، بایستی علاوه بر مدرک (CDA) یا آشنایی با مفاهیم خوشه‌های کسب و کار وی باید حتماً متخصص توسعه روستایی و کشاورزی باشد یا حداقل رشته تحصیلی وی با محیط روستا آشنایی داشته باشد. با توجه به مطالب ذکر شده در این بخش، نتیجه می‌گیریم که محیط نهادی نظیر دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، مراکز تربیت حرفه‌ای، مراکز فنی و مهندسی، انجمن‌های حرفه‌ای و صنعتی، مؤسسات مالی و اعتباری، اتاق‌های بازرگانی و ... از ویژگی‌های اساسی در توسعه خوشه‌های موفق هستند. در کنار این‌ها، دولت نیز می‌تواند نقش مؤثری در موفقیت و توسعه خوشه‌ها بازی نماید، اما برای سیاستگذاری برای توسعه خوشه‌ها، باید نوع خوشه‌ها را مدنظر قرار داد. همان‌طور که بیان شد سیاستگذاری در سه نوع خوشه، متشکل از شرکت‌های کوچک و بسیار کوچک که برای بقا دست و پا می‌زنند، با خوشه‌های پیشرفته‌تری که از شرکت‌های کوچک ممتاز و دارای تولید انبوه تشکیل شده‌اند و با خوشه‌های متشکل از شرکت‌های فراملی و عرضه کنندگان هم‌جوارشان، با همدیگر متفاوت است. با توجه به اینکه بیشتر خوشه‌ی کسب و کارهای کشاورزی و روستایی مدنظر است، لذا سیاستگذاری‌ها بیشتر بر مبنای خوشه‌های متشکل از شرکت‌های کوچک و بسیار کوچک است. سیاست‌های حمایتی در این نوع خوشه‌ها در راستای تقویت شبکه‌سازی حرکت می‌نماید. شناسایی مشکلات شایع و ارائه راه‌حل، مشاوره‌هایی برای توسعه همکاری‌های محلی و ایجاد شبکه‌های تازه فراهم می‌آورد.

– عامل اقتصادی و سازمانی

به‌منظور موفقیت خوشه‌ها، مهمترین عامل اقتصادی و سازمانی مؤثر در توسعه خوشه‌ها عبارت‌اند از (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

- تخصص‌یافتگی چشمگیر در زمینه تولید در سطح محلی، نظام تولید تخصص یافته محلی، کل تولید ملی و کاهش تولید بین‌المللی در آن بخش از صنعت را به شدت تحت تأثر قرار می‌دهند.

- درجه بالایی از تقسیم کار بین شرکت‌ها. بکاتینی در این زمینه می‌نویسد: هر یک از شرکت‌های تشکیل دهنده مجموعه، تنها به تخصص‌یافتگی در یک مرحله یا دو یا سه مرحله از فرآیندهای تولید خاص آن ناحیه گرایش دارد.

تخصصی شدن یکی از مزیت‌های اصلی پیوندهای بین بنگاهی و عنصری کلیدی برای تقویت پیوندهای بین بنگاهی است. تمرکز منطقه‌ای فعالیت‌های اقتصادی مشابه و وجود پیوندهای بین بنگاهی راهبردی درجه مشخصی از تخصصی شدن را ارتقاء می‌دهد و این تخصصی شدن، وابستگی متقابل را افزایش می‌دهد. در ادبیات خوشه صنعتی، بنگاه‌های تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای، کالاهای خود را به بنگاه‌های دیگر در درون خوشه برای پردازش بیشتر می‌فروشند، در حالی که بنگاه‌ها در مراحل نهایی زنجیره، ستانده نهایی را به مشتریان خارجی می‌فروشند. تقسیم کار زیاد محاسنی چند را به همراه دارد که مارشال در پیش‌گفتار کتاب خود که در آن به تفصیل به بحث در مورد نواحی صنعتی می‌پردازد بر آنها تأکید می‌کند: با توجه به این نکته که شرکت‌ها یا کسب و کارهای فعال در خوشه، باید طیف وسیعی از کالاها را تولید کنند می‌توانیم فرآیند تولید را به چند مرحله تقسیم کنیم و هر یک از این مراحل را به یک بنگاه صنعتی کوچک (یا یک شبکه متشکل از چند واحد کسب و کار فعال) واگذار کنیم تا حداکثر مزیت ممکن را کسب نماییم. چنانچه تعداد زیادی از این بنگاه‌های کوچک که هر یک برای اجرای مرحله خاصی از فرآیند تولید تخصص یافته‌اند وجود داشته باشند، آنگاه موقعیت مناسب برای سرمایه‌گذاری سودآور در ایجاد صنایع مکمل برای برآوردن احتیاجات خاص این شرکت‌ها (کسب و کارها)، فراهم می‌شود. مارشال محاسن تقسیم فرآیند تولید به مراحل تخصصی را این‌گونه بیان می‌کند: تخصص یافتگی امکان بهره‌برداری مطلوب از ابزار تخصصی و نیروی کار بسیار ماهر را برای شرکت‌ها فراهم می‌آورد، همچنین به آنها اجازه می‌دهد تا از مزیت‌های بیرونی که ثابت هستند و در پایین آوردن هزینه تولید در درون نواحی مؤثر هستند نیز به‌خوبی استفاده کنند.

- با وجود تعداد زیادی از عاملان محلی و نبود شرکتی غالب یا پیشرو، روابط بین شرکت‌ها با توجه به موازنه موجود بین رقابت و همکاری قابل بررسی و شناسایی می‌باشند. روابط به

صورت افقی و بین شرکت‌های هم‌تراز صورت می‌گیرد، به عبارت دیگر بین شرکت‌هایی که در زمینه محصولی مشابه یا فعالیتی همانند، تخصص یافته‌اند و این رقابت فقط مبتنی بر قیمت نیست، بلکه دامنه تولیدات را نیز در بر می‌گیرد. در ادبیات تحقیق بر رقابت در زمینه‌های کیفیت، طرح، تنوع، سرعت و انعطاف‌پذیری در انطباق (با بازار) به عنوان زمینه‌های رقابتی خاص ناحیه‌های صنعتی تأکید شده است. مفهوم همکاری به مسأله روابط بین شرکت‌ها، پیمانکاران، عرضه‌کنندگان و روابط بین شرکتی از طریق تأسیس نهادهایی که ارائه‌دهنده خدمات گروهی و مشاوره به آن‌ها هستند، می‌پردازد.

- میزان تخصص و مهارت‌های کارگران بیانگر مرجعی است که در تعیین میزان دانش عمومی که به طور کلی در دسترس ناحیه است، بسیار مؤثر است. بکایتی در این زمینه می‌نویسد: «از نقطه نظر ناحیه در صورتی که کارگری از شرکتی به شرکت دیگر منتقل شود، تخصص کارگر که برخی مواقع خاص شرکت و بعضی اوقات خاص ناحیه است در حد بسیار محدودی از بین می‌رود». در حقیقت تخصص کارگر به عنوان بخشی از «کالای عمومی» که مارشال آن را «جو صنعتی» می‌نامد، باقی می‌ماند. مارشال می‌گوید: هنگامی که رموز صنعت در همه‌جا پراکنده باشند، انتقال مهارت‌های کسب شده از کانال‌های متداول مانند مدارس فنی و آموزش‌هایی که از جانب کارخانه‌ها انجام می‌شود به شدت تحت تأثیر تبادل و کسب عقاید و نظریات در روابط «رو در رو» و «صمیمانه» است. این روابط «رو در رو» و «صمیمانه» به دفعات در زندگی روزمره در ناحیه‌های صنعتی شکل می‌گیرند.

- وجود سیستمی کارآمد از روابط رو در رو بین عاملان اقتصادی که گردش اطلاعات در زمینه فناوری، بازار، عرضه‌کنندگان و دیگر مؤلفه‌ها را تسهیل می‌کند و هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد.

- وجود شبکه‌های با سابقه و تخصص یافته از عاملان اقتصادی که تولیدات نواحی را در بازارهای نهایی خود عرضه می‌کنند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

خوشه کسب و کارهای کشاورزی نیز از این قاعده مستثنی نیست، در خصوص این خوشه‌ها نیز بایستی کارها تخصصی بشوند و کسب و کارهای جدیدی در کنار کسب و کارهای اولیه به منظور تکمیل شدن زنجیره ارزش محصول تولیدی ایجاد شود که بتواند ارزش افزوده محصول تولیدی را بالا ببرند و در نهایت با کارآفرینی افراد کارآفرین بتوان اشتغالزایی و کسب درآمد جدید در منطقه ایجاد کرد. در این صورت می‌توان مجموعه‌ای از کسب و کارها را که در یک

مکان جغرافیایی هستند و مکمل (تکمیل کننده) فعالیت همدیگر هستند و دارای فرصت و چالش‌های مشترک هستند را ایجاد کرد که در این صورت به طور طبیعی خوشه کشاورزی (محصول مورد نظر) شکل گرفته است و می‌تواند تسهیل کننده توسعه خوشه مورد نظر باشد. وضعیت اقتصادی مردم منطقه مورد نظر، جایگاه محصول تولیدی خوشه در اقتصاد منطقه و کشور (مزیت نسبی محصول تولیدی)، سابقه فعالیت کسب و کارهای فعال محصول مورد نظر، دسترسی کسب و کارها به فناوری مناسب و گردشگرپذیر بودن منطقه از موارد دیگری بودند که می‌توانستند در توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی تأثیرگذار باشند. همچنین ارائه اثربخش خدمات به کسب و کارها توسط کارگزار توسعه خوشه‌ها مثل دسترسی واحدها به شرکت‌های ارائه دهنده خدمات کسب و کار، دسترسی واحدها به مواد اولیه با کیفیت و ابزار و فناوری مناسب و ارائه خدمات ارتباطی - اطلاع رسانی (از طریق اینترنت) می‌توان شرایط اقتصادی و سازمانی را برای توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی فراهم آورد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

در توسعه خوشه‌ها کوشش می‌شود در پاسخ به اقتضائات محیطی در طرف تقاضا، سازوکار سنتی شکل یافته در خوشه‌ها منقطع شده و هماهنگی لازم در آنها ایجاد شود. برای این امر نمی‌توان توسعه را تزریق نمود، بلکه می‌بایست مبتنی بر هنجارهای هر منطقه (خوشه) اقدام به توانمندسازی پایا نمود. به گونه‌ای که خود فعالان خوشه به سطح مناسبی از کارآمدی برسند و خود را مدیریت نمایند. هرچقدر توانمندی فعالان عضو خوشه بیشتر شود، همگرایی بیشتری در آنها ایجاد می‌گردد و این امر منجر به انجام فعالیت‌های مشارکتی می‌شود که به تدریج در قالب شبکه‌های متعدد مثل (تشکل‌های اقتصادی محلی ولی متعدد) می‌شود. به همین دلیل یکی از معیارهای توسعه یافتگی، تعداد شبکه‌هایی است که به طور خودبخودی و نه به صورت متمرکز یا دستوری شکل یافته‌اند، لذا با توجه به ادبیات موجود، ایجاد خوشه‌ها با توسعه خوشه‌ها، از همدیگر جدا نمی‌باشند. بیشتر عواملی که برای ایجاد خوشه‌ها نیاز هستند، همان‌ها نیز می‌توانند به توسعه خوشه‌ها کمک کنند. به عنوان مثال، وجود تمرکز جغرافیایی محصول خاصی، یکی از دلایل ایجاد خوشه است که همین تمرکز جغرافیایی منابع، می‌تواند به توسعه خوشه‌ها کمک کند، یا وجود ارتباطات و سرمایه اجتماعی بین کسب و کارهای موجود در خوشه‌ها، برای ایجاد خوشه لازم است، ارتباطات و وجود سرمایه اجتماعی می‌تواند به توسعه خوشه‌ها و زایش کسب و کارهای جدید و شبکه‌های جدید در خوشه‌ها کمک کند. به نوعی

با راه اندازی و تقویت صندوق‌های خرد روستایی به صورت هدفمند، خوشه‌های كشاورزی می‌تواند به تخصص‌گرایی و تکمیل شدن زنجیره ارزش محصول تولیدی کمک کند و با فراوری محصول، بتوان محصولات جدیدی تولید کرد. همچنین با پیدا کردن مشکلات محصول تولیدی با ارائه آموزش‌های لازم به مالکان واحدهای كسب و كار، می‌توان به افزایش تولید و پایین آوردن هزینه‌های آن کمک کرد.

توسعه خوشه‌ای مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را که تولید یک محصول یا خدمات مشخص را در قالب همکاری‌های تکمیل‌کننده شکل می‌گیرند، در کنار نهادها و بنگاه‌های پشتیبان و تأمین‌کننده دنبال می‌نماید، این کار توسعه محلی و منطقه‌ای را تقویت می‌کند. بنابراین توسعه خوشه‌ها می‌تواند باعث توسعه محلی و منطقه‌ای شود. حال با توجه به اینکه بیان می‌شود که خوشه‌ها باعث توسعه مناطق می‌شوند، در ادامه به بررسی نقش خوشه‌ها در توسعه منطقه‌ای و روستایی پرداخته شده است.

نقش خوشه كسب و كارهای كشاورزی در توسعه روستایی

بیشتر مردم روستایی و عشایری کشور در بخش كشاورزی اشتغال دارند و فعالیت‌های شغلی آنان در ارتباط با این كسب و كار است (حبیبی و همكاران، ۱۴۰۰). لذا ایجاد اشتغال و افزایش درآمد این جوامع بیشتر در حوزه كشاورزی و زیرمجموعه‌های آن است و توسعه صنعت در مناطق روستایی متناسب با زیست‌بودم كسب و كار این مناطق به توسعه كسب و كارهای روستایی منجر می‌شود. توسعه كسب و كارهای كشاورزی مبتنی بر زنجیره ارزش در طی یک دوره زمانی نتیجه تعامل بین عوامل داخلی و خارجی است. از آنجا که كسب و كارهای کوچک توانایی محدودی در کنترل عوامل محیطی خارجی دارند بقا و رشد آنها، به توانایی آنها در شناسایی و پاسخ به تهدیدها و فرصت‌های محیط خارجی وابسته است. هم‌افزایی كسب و كارهای خرد و کوچک كشاورزی و روستایی در قالب سیاست خوشه بندی رویکرد مناسبی برای توسعه اقتصادی در بخش كشاورزی و روستایی است (شریف زاده و همكاران، ۱۳۹۷). ایجاد و توسعه خوشه كسب و كارهای كشاورزی شکل جدیدی از توسعه هستند که هدف آنها افزایش توسعه منطقه‌ای است (لای و همكاران، ۲۰۱۴). شکل‌گیری خوشه‌ها در محدوده‌های جغرافیایی معین به دنبال خود تأثیرات مختلفی بر توسعه مناطق می‌گذارد که شناخت آنها، نه‌تنها به درک بهتر ضرورت پرداختن به موضوع خوشه‌ها کمک می‌کند، بلکه چارچوبی جهت

ارزیابی میزان موفقیت هر یک از خوشه‌ها نیز فراهم می‌آورد. خوشه کسب و کارهای کشاورزی نهایتاً منجر به توسعه کشاورزی و توسعه روستایی می‌شود، تأثیری که خوشه‌های کسب و کار بر شاخص‌های توسعه روستایی و کسب و کارهای موجود می‌گذارند بسیار به همدیگر وابسته هستند و تفکیک کردن انواع توسعه‌ها از همدیگر بسیار سخت است، بنابراین در ادامه این اثرات در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی و فیزیکی است که در ادامه به تشریح هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

– نقش خوشه کسب و کارهای کشاورزی در توسعه اقتصادی مناطق روستایی

امروزه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی جوامع روستای با مشکلات و چالش‌های متعددی روبرو هستند. بررسی‌های نشان می‌دهد توسعه کارآفرینی به مانند یکی از عوامل اصلی نوآوری، بهره‌وری، ایجاد شغل و توسعه اجتماعی و اقتصادی است (کریمی و ماکریت^۱، ۲۰۲۰). بدون توسعه روستایی، یک کشور هرگز نمی‌تواند به توسعه همه جانبه دست یابد و برای رسیدن به این منظور بهترین سرمایه گذاری، ایجاد بستر کارآفرینی پایدار و ترویج آن در سطح مناطق روستایی می‌باشد (جنابی نمین و نوروززاده، ۱۴۰۲). خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی که تجمعی از کسب و کارهای خرد و کوچک و خدمات مربوط به آن در یک فعالیت مشخص محسوب می‌گردند، به لحاظ اقتصادی از طرفی با کارآفرینی ارتباط بسزایی دارد و افزایش فرصت‌های شغلی در مناطق را در پی دارد و بدین صورت می‌تواند به توزیع مجدد درآمد در مناطق و در نهایت افزایش عدالت اجتماعی بیانجامد و از طرف دیگر با فراهم آوردن مزیت‌ها و صرفه‌جویی‌های بسیاری در مناطق همراه هستند. به دلیل نزدیکی و هم‌جواری واحدهای مشابه یا مکمل در یک ناحیه به لحاظ برخورداری از نیروی کار ماهر، مواد اولیه، قطعات مصرفی، بازاریابی، فروش، مشاوره، حمل و نقل، بیمه، خدمات مالی و اعتباری و انتقال سریع تجارب و گردش آسان اطلاعات که به کاهش هزینه‌ها، کارایی و بهره‌گیری بیشتر می‌انجامد، خوشه‌ها دارای صرفه‌های ناشی از تجمیع می‌باشند (شریف زادگان و نورائی، ۱۳۹۴). پورتر نشان می‌دهد که مکان در درون خوشه می‌تواند دسترسی با هزینه پایین‌تر و بهتر را برای نهاده‌های تخصصی نظیر قطعات، ماشین آلات و خدمات تجاری را در مقایسه با ادغام عمودی و اتحادیه‌های رسمی با هویت‌های خارجی یا وارد کردن نهاده‌ها از مکان‌های دورتر فراهم بیاورد. ادبیات خوشه‌ها، همچنین نشان می‌دهد که تأثیر رقابت و همکاری بین بنگاهی

به وسیله همجواری فضایی تقویت می‌شود و اینکه ترکیبی از رقابت و همکاری در میان بنگاه‌های محلی، یکی از محرک‌های کلیدی کارکردی کردن خوشه‌ها و توسعه اقتصادی محلی است. هم‌مکانی و تماس‌های چهره به چهره در درون یک خوشه، همچنین مزیت‌های اضافی به وجود می‌آورد که با چرخش اطلاعات و الهام بخشی ارتباط دارد. این خوشه‌ها می‌توانند پایه یک شبکه مبادله اطلاعات غنی باشند که بنگاه‌ها را برای یادگیری درباره اتحادیه‌های جدید و فرصت‌های بازاری با شرکای قابل اتکا، هدایت کند، بنابراین با تجمیع گروهی بنگاه‌ها، در خوشه‌ها این امکان فراهم می‌شود که دو موضوع به ظاهر متناقض رقابت و همکاری، با همدیگر جمع بسته شوند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). اشیم^۱ همکاری را به عنوان یک راهبرد مهم به منظور ارتقاء نوآوری می‌داند. وی معتقد است که توسعه اقتصادی منطقه‌ای در «ایتالیای سوم» بر اساس اهمیت همکاری میان بنگاه‌های خوشه‌ای شده، در فضای مشخص منطقه‌ای بوده است، بنابراین خوشه‌بندی همکاری افقی مشترک میان بنگاه‌ها را تشویق می‌کند. این نوع همکاری در میان بنگاه‌ها به تکمیل‌کنندگی بنگاه‌ها منجر می‌شود و بهتر می‌توانند از بازارهای جدید بهره‌مند شوند. این همکاری به صورت طبیعی و مکرر در درون خوشه‌ها اتفاق می‌افتد. بررسی خوشه‌ها نشان می‌دهد که بنگاه‌ها در شبکه‌ها مزیت‌های مهمی را از همکاری با هم‌تایانشان به دست می‌آورند و رقابت‌پذیری و سودپذیری آنها به وسیله همکاری و مشارکت بین بنگاه‌های تقویت می‌شود. فعالیت‌هایی نظیر تسهیلات تربیت نیروی کار مشترک، تحقیق و توسعه، بازاریابی و زیرساخت مشترک و خدمات اساسی نمونه‌هایی از فعالیت‌ها در عرصه همکاری مشترک هستند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

بر اساس مفاهیم اشاره شده در بالا، همکاری و رقابت بین بنگاه‌ها در صورتی که درست اتفاق بیفتد، مجرای خوبی برای انتقال دانش و توسعه منطقه فراهم می‌آورد، سرریزهای دانش و پیوندهای بین بنگاه‌ها را تسریع می‌کند و بنگاه‌های خوشه‌ای شده را برای یادگیری از یکدیگر توانا می‌سازد که حاصل آن از این رو، یک فرآیند یادگیری جمعی و توسعه اقتصادی منطقه است که سازوکارهای همکاری بین بنگاه‌ها و انتقال دانش را یکپارچه می‌کند و منطقه را به سمت پیشرفت اقتصادی سوق می‌دهد.

یک بحث عمده پدیده خوشه‌بندی این است که ترکیبی از صرفه‌جویی‌های مقیاس، هزینه‌های حمل و نقل و معامله در درون خوشه، کاربران و تأمین‌کنندگان نهادهای واسطه‌ای را تشویق می‌کند تا در کنار یکدیگر قرار گرفته، وابستگی‌های متقابل تجاری را شکل داده و از

1- Ashim

این‌رو یک مزیت رقابتی را کسب کنند. کاهش هزینه‌های متوسط تولید در بلندمدت، بر اثر افزایش حجم تولید را اصطلاحاً «صرفه مقیاس تولید» گویند. قرار گرفتن یک بنگاه کوچک در قالب خوشه، این امکان را فراهم می‌کند که از جهت تولید انبوه مانند یک شرکت بزرگ عمل کرده و به لحاظ مجزا بودن نیز از قدرت انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشد (شریف زادگان و نورائی، ۱۳۹۴). فلذا توسعه کسب و کارهای فعال در خوشه را به وجود می‌آورد. همچنین رقابت در خوشه‌ها، تخصصی شدن، کارایی و نوآوری را سرعت می‌بخشد و موتور مهمی برای رشد و تغییر و پویایی در خوشه‌ها است. رقابت، هزینه‌های انتقال را برای مشتریان پایین می‌آورد و به بنگاه‌ها برای تغییر به یک تأمین کننده در همان خوشه اجازه می‌دهد. رقابت محلی، رقابت در یک سطح کامل است که رقابت کنندگان با همان مقررات روبه‌رو هستند و همان شرایط بازار نیروی کار، همان هزینه‌های تجاری و همان پایه تأمین کننده را دارند. در چنین محیط رقابتی، تخصصی شدن محصولات و خدمات بیشتر توسعه می‌یابد تا رقابتی که در محیط متفاوتی عمل می‌کنند. رقابت محلی با بنگاه‌های مرتبط همچنین منطقه را به سمت توسعه سوق می‌دهد، چراکه رقابت محلی تا حد بالایی محسوس است.

تنوع بخشیدن به محصولات تولیدی از راهبردهای نفوذ در بازارهای هدف است. معمولاً بنگاه‌های کوچک و متوسط به صورت منفرد از چنین قابلیت‌هایی برخوردار نیستند، اما همین بنگاه‌ها در صورت گرد آمدن در کنار هم و تشکیل خوشه‌ها، واحدهای اقتصادی بزرگی قلمداد می‌شوند که می‌توانند با تولید محصولات مختلف میزان تنوع را در خوشه افزایش دهند (شریف زادگان و نورائی، ۱۳۹۴) که همین امر تنوع در محصولات باعث توسعه اقتصادی مناطق می‌گردد.

با ایجاد و توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی کارآفرینی روستایی رونق می‌گیرد و کسب و کارهای تکمیلی ایجاد می‌گردد که منجر به افزایش جذب دانش آموختگان و اشتغال نیروی کار متخصص، افزایش ارتباطات بین کسب و کارها و افزایش دانش شغلی نیروی کار می‌شود. همچنین توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی بهبود بازاریابی محصولات تولیدی، افزایش ظرفیت صادرات و توسعه گردشگری در منطقه را به بار می‌آورد که منجر به توسعه بازار محصولات تولیدی خوشه می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا، خوشه کسب و کارهای کشاورزی، باعث افزایش درآمد کشاورزان، بهره‌وری بالا، انتقال و افزایش دانش، اقتصاد مبتنی بر مقیاس، دسترسی به نوآوری، کیفیت بالای محصولات تولیدی و استفاده از

فناوری‌های مدرن می‌شود.

خوشه‌های کسب و کار کشاورزی با تکمیل کردن زنجیره ارزش کشاورزی و تخصصی شدن کسب و کارها و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، ارتقای کیفیت محصولات تولیدی به سبب رقابتی که بین کسب و کارها وجود دارد و احترام به سلیقه مشتری، ارتقای سطح فناوری تولید و مکانیزاسیون در بخش کشاورزی از طریق تجمیع کسب و کارها و اقتصاد مقیاس منجر به توسعه کشاورزی در منطقه می‌شوند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸).

بنابراین همان طور که بیان شد خوشه کسب و کارهای کشاورزی منجر به افزایش میانگین درآمد محلی، اتصال به بازار، کاهش هزینه‌های تولید از طریق شبکه‌سازی، تحقق اقتصاد مقیاس و جذب سرمایه در بخش کشاورزی می‌شود که منجر به توسعه اقتصادی منطقه می‌گردد.

– نقش خوشه کسب و کارهای کشاورزی در توسعه اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی

اگرچه در مبانی نظری و تجربی بیش از همه به خوشه‌ها به عنوان پدیده‌ای اقتصادی توجه شده است، اما آثار این خوشه‌ها محدود به آثار اقتصادی نبوده و دارای ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز است. در واقع در صورت نگاه به فعالیت‌های رخ داده در درون خوشه‌ها این موضوع مشخص می‌گردد که شکل‌گیری خوشه‌ها باعث شکل‌گیری و ارتقای دسته‌ای از نهادهای اجتماعی در درون مناطق در برگیرنده می‌گردد که خود این نهادها محصول ارتباطات اجتماعی میان بنگاه‌های تشکیل دهنده هستند (شریف‌زادگان و نورائی، ۱۳۹۴). وقتی بنگاه‌های مشابه در خوشه‌ها قرار می‌گیرند، آنها در سری‌های مشترکی از ارزش‌ها و دانش مشترک که خیلی مهم است، شریک می‌شوند که یک محیط فرهنگی را شکل می‌دهد. در این محیط، فرهنگی مشخص که ارزش‌ها و دانش مشترکی شکل گرفته است، بنگاه‌ها در ترکیب پیچیده‌ای از همکاری و رقابت به هم پیوند می‌خورند که نتیجه آن تقویت یادگیری و نوآوری و توسعه در یک محیط منطقه‌ای است.

در واقع در کنار هم قرارگیری بنگاه‌های تشکیل دهنده خوشه‌ها به لحاظ جغرافیایی از یک سو و ارتباطات عمودی و افقی میان آنها به لحاظ فعالیتی، از سوی دیگر باعث می‌شود تا ارتباطات اجتماعی وسیعی در مناطق در برگیرنده خوشه‌ها در جریان باشد که این موضوع خود به گسترش فرهنگ کار از یک طرف و شکل‌گیری و ارتقای یادگیری جمعی از طرف دیگر کمک می‌کند (شریف‌زادگان و نورائی، ۱۳۹۴). در این راستا، سرمایه اجتماعی شکل گرفته در

خوشه کسب و کارهای کشاورزی، دارای بیشترین نقش در جهت توسعه کارآفرینی اجتماعی و ایجاد بنگاه‌های اجتماع محور است (پویا و دل انگیزان، ۱۳۹۳) و بدین صورت، گذشت زمان در این مناطق نوعی از هویت اجتماعی، ارتباطات افقی و عمودی میان کسب و کارهای منطقه به وجود می‌آید که اعتماد و به دنبال آن سرمایه اجتماعی منطقه را بهبود می‌بخشد و باعث ارتقای جامعه مدنی و توسعه اجتماعی منطقه می‌گردد.

خوشه‌های کشاورزی اعتماد بین کسب و کارها را افزایش می‌دهد و پیوندهای کاری و شبکه‌سازی بین کسب و کارها را تقویت می‌کند، در این راستا با توجه به اینکه ایجاد و توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی منجر به افزایش درآمد و اشتغال روستاییان می‌شود، فلذا از مهاجرت آنها به شهرها جلوگیری می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به مطالب ذکر شده، توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی، توسعه اجتماعی - فرهنگی را ایجاد می‌کند.

– نقش خوشه کسب و کارهای کشاورزی در توسعه کالبدی و فیزیکی مناطق روستایی

توسعه کالبدی و فیزیکی در مناطق بیش از هر چیز به توسعه اجتماعی و اقتصادی در همان مناطق وابسته است؛ به عبارت دیگر امروزه بر این نکته تأکید می‌شود که برای داشتن توسعه کالبدی و فیزیکی، لازم است تا زمینه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در مکان فراهم آید. این موضوع برای خوشه‌ها نیز صادق است؛ بدین صورت که توسعه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگ تبیین شده در قسمت پیشین، می‌توانند در پی خود موجبات توسعه کالبدی و فیزیکی را فراهم آورده و بدین ترتیب به توسعه کالبدی و فیزیکی محیط و مناطق در برگیرنده توسعه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمک کند. علاوه بر این تجربه نشان داده است که گسترش خوشه‌ها در کنترل جریانات مهاجرتی نقش مؤثری داشته و توسعه آن‌ها در شهرهای کوچک و متوسط و حتی در برخی از روستاها می‌تواند به جلوگیری از مهاجرت‌های گسترده کمک کرده و بنابراین باعث تمرکززدایی از شهرهای بزرگ گردد (شریف زادگان و نورائی، ۱۳۹۴). که به دنبال آن، توسعه زیرساختی، همانند احداث جاده، مدرسه، آب، برق، گاز و ... رخ می‌دهد. از این‌رو، یکی دیگر از آثاری که می‌توان برای خوشه‌ها در توسعه کالبدی و فیزیکی در نظر گرفت، اهمیت تعادل بخشی جمعیتی به مناطق با فراهم ساختن فرصت‌های شغلی در شهرها و روستاهای مبدأ مهاجرت است.

بنابراین، خوشه کسب و کارهای کشاورزی دارای مزایای زیادی است که از آن جمله می‌توان به؛ توسعه یافتگی کسب و کارهای کشاورزی، افزایش بهره‌وری، دسترسی به اطلاعات، هم‌افزایی،

دسترسی به منابع عمومی، رشد سریع‌تر نوآوری از طریق همکاری‌های تحقیقاتی و شکل‌گیری کسب‌وکارهای جدید به عنوان نتیجه از رقابت کسب‌وکارها با همدیگر (کارآفرینی)، تقاضا برای خدمات و جذب سرمایه‌گذاران، توسعه زیرساخت‌هایی همانند ایجاد یا تعمیر جاده دسترسی، برق، آب، گاز و ... رسیدن به اقتصاد مقیاس تولید، کاهش هزینه‌های آموزش، به اشتراک‌گذاری اطلاعات و جمع‌آوری اطلاعات و دانش، سهل بودن برای صدور گواهینامه و کاربرد و استفاده انواع فناوری‌ها بهره‌مند شوند. همچنین کار در قالب خوشه‌های کشاورزی، بر مدیریت بهتر مزرعه، پذیرش فناوری‌های جدید و شیوه‌های زیست محیطی، برندسازی، اشتغالزایی، سودآوری و دسترسی به بازار برای کشاورزان خرده‌پا، افزایش درآمد کسب و کارهایی که در خوشه‌های روستایی مشغول به کار هستند نسبت به کسب و کارهایی که در خارج از خوشه کار می‌کنند، اشاره کرد (شارما و آنوپام^۱، ۲۰۱۴؛ روبزن و همکاران^۲، ۲۰۱۳).

در نهایت، با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان بیان داشت که ایجاد و توسعه خوشه‌های کشاورزی در توسعه کسب‌وکارهای خرد و کوچک روستایی و توسعه کشاورزی منطقه، تأثیر زیادی دارند، با توجه به اینکه توسعه کشاورزی پایه و اساس توسعه روستایی است، لذا می‌توان بیان داشت که خوشه‌ها تأثیر مستقیم بر توسعه روستایی دارند. با توجه به اینکه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی به انواع مختلف می‌تواند منجر به ایجاد شغل‌های جدید شود، در ادامه به بررسی مبحث خوشه کسب و کارهای کشاورزی با کارآفرینی و اشتغالزایی پرداخته شده است.

جایگاه خوشه کسب و کارهای کشاورزی در کارآفرینی روستایی

نواحی روستایی به دلیل شرایط خاص بومی، اقتصادی و اجتماعی با مشکلات و مسائل متعددی مواجه است که فقر و کم‌برخورداری از مهمترین آن‌ها محسوب می‌شود. با توجه به نقش‌های متعددی که روستاییان در فرایند توسعه ملی به ویژه در زمینه تأمین مواد غذایی به عهده دارند، توسعه این نواحی اهمیت و ضرورت زیادی دارد (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷)، بنابراین یکی از راه‌حل‌های مشکل کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و دیگر صنایع سنتی روستایی، افزایش تنوع بخشی بهینه به فعالیت‌های اقتصادی در جوامع روستایی و ایجاد تعادل

1- Sharma & Anupam

2- Rubzen et al

میان تنوع بخشی و تخصصی سازی به منظور رسیدن به اشتغال پایدار و توسعه روستایی است (ریزو^۱، ۲۰۰۵).

امروزه در همه جوامع، ایجاد و تقویت کارآفرینی کم و بیش مورد تأکید است و دیدگاهها و روشهای مختلفی برای ارتقای آن ارائه شده است که بر حسب شرایط هر جامعه ای می توان از آنها بهره گرفت. به عبارت دیگر کارآفرینی، یعنی تمایل به اعمال مخاطره های حساب شده در زمینه شغلی و مالی و سپس، انجام هر کاری برای ایجاد مزیت و امتیاز ممکن. از این رو، دنیا همواره نیازمند کارآفرینان است، زیرا کارآفرینان خون حیات بخش نوآوری و ارزش آفرینی هستند و در سراسر جهان به تقویت اقتصاد و اعتلای جامعه کمک می کنند. از منظری دیگر وجود فاصله و شکاف بین منابع و امکانات از یک سو و نیازهای متنوع جامعه لزوم دخالت و نقش کارآفرینی را اقتضا می کند (کریمی راد و پاپ زن، ۱۳۹۰).

فلذا به طور کلی، یکی از عوامل مؤثر توسعه روستایی، کارآفرینی است. زیرا کارآفرینی می تواند با خلق فرصت های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد. به همین دلیل، سنجش میزان کارآفرینی روستاییان و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرآیند توسعه روستایی، از طریق فراهم کردن زمینه های اولیه آن، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷). کارآفرینی روستایی را می توان اکوسیستم منحصر به فردی دانست که ویژگی ها و الزامات خاص خود را در یک زمینه دارد (زیدوار و همکاران^۲، ۲۰۲۲). در میان اشکال مختلف کارآفرینی و کسب و کارهای جدید، توسعه مشاغل کوچک روستایی و خانگی (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹)، همانند فراوری انواع محصولات کشاورزی، مورد توجه ویژه متخصصان توسعه روستایی قرار گرفته است.

طرح های خوشه کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی و روستایی به عنوان یک رویکرد کلیدی برای کمک به پیشبرد بخش کسب و کارهای کشاورزی و به دنبال آن کارآفرینی و توسعه کشاورزی در بسیاری از کشورها محسوب می شوند. ترویج و یا ایجاد انگیزه چنین خوشه هایی دارای مزایای مختلفی نسبت به روش های دیگر است. رهیافت خوشه باعث می شود که تمام اعضا در زنجیره ارزش کشاورزی زمانی که با حمایت از نهادها و بازیگران دیگر در زنجیره تأمین با هم در تعامل باشند، اغلب خلاقانه تر و موفق تر باشند. با افزایش ارتباطات

1- Rizov

2- Zivdar et al

عمودی و افقی بین کسب و کارهای کشاورزی و همچنین حمایت از روابط بین آن‌ها با سازمان‌های تسهیلگر (دولت‌های محلی، مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌ها)، سیاست‌های خوشه ترویج انتشار نوآوری و همچنین استفاده و تولید نیرو اثرات مهم جانبی محلی دارد. همچنین خوشه‌های کشاورزی می‌توانند دسترسی به بازارها و اطلاعاتشان را افزایش دهند. سیاست‌های خوشه برای کشاورزان خرده‌پا و تجارت محصولات کشاورزی بسیار مهم هستند، آن‌ها را قادر می‌سازد تا در بهره‌وری بالاتر و بازار محورتر و تولید با ارزش افزوده بالاتری داشته باشند. بر این اساس، دولت‌های محلی و مرکزی پی برده‌اند که ارتقاء خوشه یک ابزار ارزشمند برای حمایت از کسب و کارهای کشاورزی در کشور خود و کمک به آن‌ها برای پیوند با زنجیره ارزش کشاورزی جهانی به شیوه کارآمدتر و پایدار است (فائو^۱، ۲۰۱۰).

پورتر معتقد است که پژوهشگران دانشگاهی و سیاستگذاران دولتی، همواره چند فرض ضمنی در مورد روستاها داشته‌اند که در خور تأمل و بررسی است: نخست اینکه با مناطق روستایی به گونه‌ای متفاوت از مناطق دیگر برخورد می‌شود. این در حالی است که نظرسنجی امنیت غذایی خانوار^۲ نشان می‌دهد که از نظر صاحبان کسب و کار، نقش و وظیفه دولت در مناطق شهری و روستایی تقریباً یکسان است. دوم پژوهشگران و سیاستگذاران در تعریف مناطق روستایی، عمومی‌سازی^۳ را در پیش گرفته‌اند، در حالی که هر منطقه، چه شهری باشد و چه روستایی، یکتا و منحصر به فرد است. سوم مناطق روستایی معمولاً (اگرچه نه همیشه) متمایز و مستقل از نواحی شهری در نظر گرفته شده‌اند، بدون توجه به اینکه عملکرد و ساختار اقتصاد منطقه‌ای روستایی به عملکرد و ساختار اقتصاد مناطق شهری همسایه‌اش وابستگی زیادی دارد. در مجموع، مناطق روستایی را نیز باید با دیدگاهی مشابه با مناطق دیگر ارزیابی کرد، با این رویکرد که هر منطقه، واحدی اقتصادی است که ترکیب اقتصادی متمایز، محیط کسب و کار مختص خود و روابط ویژه‌ای با مناطق همسایه دارد. مطالعات نشان می‌دهد که اصلاح نگاه به نواحی روستایی به صورت رویکرد خوشه‌ای، در درک رقابت‌پذیری این نواحی و اینکه چگونه رقابت‌پذیری آنها می‌تواند بهبود یابد، حیاتی و ضروری است (پورتر^۴، ۲۰۰۴). ایجاد خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی در مناطق روستایی، پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی

1- FAO

2- United States Department of Agriculture (USDA)

3- Generalization

4- Porter

درآمد و میزان تولیدات کشاورزی روستاییان است و فرصت‌های مناسبی را نیز برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. یک خوشه کسب و کار مجموعه‌ای از کسب و کارهای مشابه در یک محدوده جغرافیایی است که باعث ایجاد کسب و کارهای مرتبط و مکمل با کانال‌های فعال برای معاملات کسب و کار، پیدایش زیرساخت‌های تخصصی مشترک با محیط اطراف و بازار کار و خدمات می‌شود و با فرصت‌ها و تهدیدهای مشترکی رو به رو است (لی^۱، ۲۰۰۶).

خوشه‌های کسب و کار باعث ایجاد و توسعه صنایع کوچک و کارآمد در نواحی روستایی می‌شود که به اشتغال غیرزرعی و ایجاد درآمد در نواحی روستایی کمک می‌کند. همچنین موجب بهره‌برداری بهینه از منابع محلی، تقویت و موفقیت نهادهای درون منطقه‌ای می‌شود (صفری علی اکبری و همکاران، ۱۳۹۰) و با ایجاد تخصص‌گرایی و افزایش مهارت‌های جدید و هماهنگی و شکستن موانع سنتی، موجب رشد اقتصادی در مناطق روستایی می‌شود (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۳). این امر می‌تواند به ایجاد اشتغال محلی کمک شایانی کند و مانع خروج سرمایه‌های مالی و انسانی از نواحی روستایی شود. علاوه بر این هدف اصلی خوشه‌سازی را ایجاد و تنوع بازار کسب و کار است (نویلی و همکاران^۲، ۲۰۰۶). بدین ترتیب خوشه کسب و کارهای کشاورزی در مناطق روستایی ضمن ایجاد مؤسسه‌های توانمند برای تمرکز در مرکز فعالیت‌های خود، برای سازمان‌ها فناوری‌های جدید تولید اتخاذ می‌کنند که پیامدهای اقتصادی (ایجاد اشتغال پایدار، تولید محصولات و ارائه خدمات جدید، همکاری بین کسب و کارهای محلی، افزایش ارزش افزوده) و اجتماعی (تعامل با جامعه، ارتقای جامعه و محل، ایجاد فرصت‌های آموزشی و در نهایت حمایت و پشتیبانی رویدادها) دارند.

در مورد حضور خوشه کسب و کارهای روستایی در کشورهای در حال توسعه و عملکرد آنها شواهد متعددی ارائه شده است. یونیدو، توسعه خوشه‌ها را برنامه اصلی خود در کاهش فقر روستاهای کشورهای در حال توسعه بر می‌شمارد. خوشه‌سازی در روستا گامی بلند در اشتغالزایی روستایی تلقی می‌شود، خوشه‌ها می‌توانند با فعال کردن کسب و کارهای روستاییان، علاوه بر افزایش کمیت و کیفیت محصولات تولیدی، اتصال به بازار و فروش آنها تضمین شود. با خوشه‌ای شدن کسب و کارهای روستایی، کسب و کارها به سمت تخصص‌گرایی می‌روند و کسب و کارهای جدیدی شکل می‌گیرند که زنجیره ارزش محصولات در روستا تکمیل

1- Lee

2-Novelli et al

شود، این امر می‌تواند اشتغال پایدار و افزایش درآمد برای روستاییان حاصل کند، بنابراین می‌توان بیان داشت که خوشه‌های شکل گرفته در مناطق روستایی تأثیر مثبتی بر توسعه کسب و کارهای روستایی، اشتغال و کارآفرینی روستایی دارد.

چگونگی توسعه خوشه‌های کسب و کار

توسعه خوشه‌های کسب و کار فرایندی ۳ تا ۵ ساله است که طی آن ظرفیت‌های موجود در خوشه، به وسیله عامل توسعه خوشه^۱، از طریق توانمندسازی پایا و معطوف به استفاده از فرصت‌های محیطی شکوفا می‌شود. ارتقای سطح سرمایه اجتماعی و توسعه و بسط شبکه‌های کسب و کار در درون خوشه از محوری‌ترین فعالیت‌ها در این فرآیند شناخته می‌شوند که به وسیله عامل توسعه اتفاق می‌افتد.

به منظور اجرای فرآیند توسعه خوشه، پروژه توسعه خوشه توسط سازمان کارگزار توسعه خوشه با انتخاب عامل توسعه خوشه و در چارچوب یک قرارداد مشخص و در قالب فازهای کلی زیر به اجرا می‌آید؛

- مطالعه شناختی

- اعتمادسازی

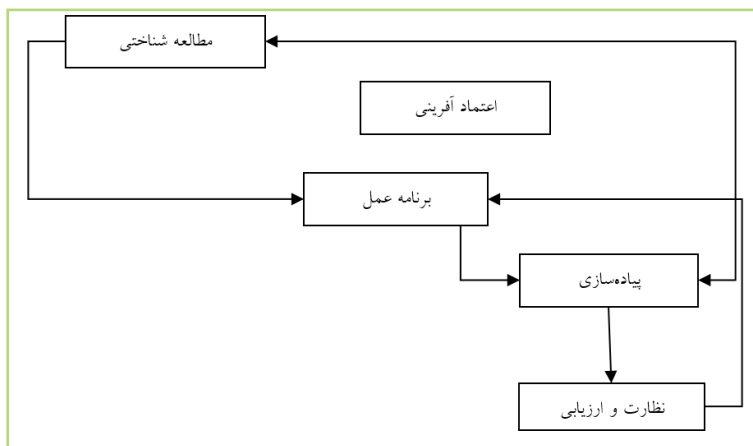
- تدوین سند برنامه عمل

- پیاده‌سازی

- خروج عامل توسعه. این فازها غیر قابل تفکیک بوده و به عنوان بخش‌های اصلی پروژه توسعه خوشه‌ای محسوب می‌شوند (شرکت شهرک‌های صنعتی ایران، ۱۴۰۲).

فرایند توسعه خوشه یک فرایند غیرخطی است؛ فعالیت‌های نامبرده، رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی دارند. نمودار شماتیک رویکرد یونیدو برای توسعه خوشه‌های کسب و کار به شکل زیر است (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰).

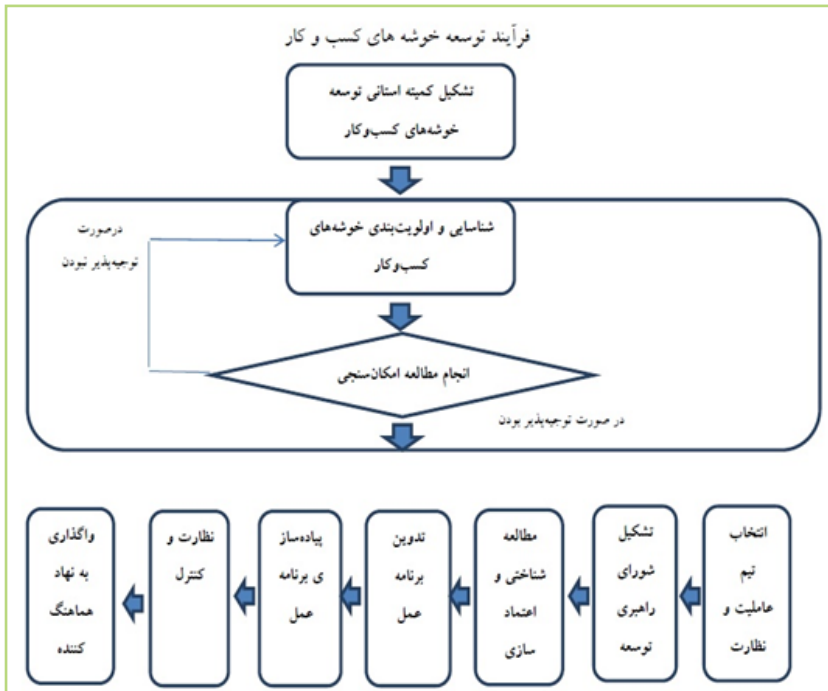
۱- عامل توسعه خوشه کشاورزی فردی است دارای تحصیلات مرتبط با روستا و کسب و کارهای کشاورزی و آشنا با خوشه‌های کسب و کار و زنجیره‌های ارزش کسب و کارهای موجود در روستا که توان اعتمادآفرینی و تسهیلگری در زمینه توانمندسازی کسب و کارهای روستایی و کشاورزی را داشته باشد (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰)، متخصصین ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی.



شکل ۳-۵. فرایند توسعه خوشه‌های کسب و کار (پاپ زن و حیدری، ۱۴۰۰)

بر اساس این زیرساخت علمی و عملی، مراحل اصلی پیاده‌سازی خوشه کسب و کارهای کشاورزی که مورد قبول سازمان‌های بین‌المللی توسعه خوشه نیز می‌باشد و می‌تواند توسط سازمان جهاد کشاورزی اجرا شود، به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تشکیل کمیته استانی توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی،
- ۲- شناسایی و اولویت‌بندی خوشه کسب و کارهای کشاورزی با توجه به مزیت هر منطقه،
- ۳- انجام مطالعه امکان‌سنجی توسعه خوشه‌های شناسایی شده با اولویت‌های هر منطقه،
- ۴- اجرای پروژه توسعه خوشه‌ای برای خوشه‌های دارای توجیه (این مرحله در طول یک بازه زمانی ۳ تا ۵ ساله و با طی فرآیند زیر قابل انجام است):
 - انتخاب گروه عاملیت توسعه خوشه‌های کسب و کار شناسایی شده،
 - تشکیل شورای راهبری توسعه خوشه،
 - انجام مطالعه شناختی و اعتمادسازی،
 - تدوین برنامه عمل بر اساس استراتژی توسعه خوشه مدنظر،
 - پیاده‌سازی برنامه‌های عمل،
 - نظارت و کنترل توسط گروه عاملیت توسعه خوشه،
 - واگذاری مسئولیت توسعه خوشه از عامل توسعه خوشه به نهاد شکل گرفته پس از حصول خوشه به خود اتکایی لازم.



شکل ۳-۶. مدل فرآیندی توسعه خوشه های کسب و کار (شرکت شهرک های صنعتی ایران، ۱۴۰۲)

در صورتی که توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی از طریق سازمان جهاد کشاورزی به عنوان رهیافت جدید ترویج و آموزش کشاورزی و متولی آموزش و تولید در روستاها انجام گیرد، سازمان جهاد کشاورزی هر استان می تواند با همکاری بخش ترویج و آموزش کشاورزی و مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی و افراد متخصص دیگری که در خوشه کسب و کار مدنظر فعالیت می کنند، اقدام به تشکیل کمیته استانی توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی کند. کارشناسان ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی که با مدل توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و زنجیره ارزش و روش های مشارکتی روستایی آشنایی دارند، اقدام به شناسایی و اولویت بندی خوشه کسب و کارهای کشاورزی اولویت دار منطقه کنند. به منظور شناسایی و اولویت بندی خوشه کسب و کارهای هر منطقه (روستا) می توان از ارزیابی مشارکتی روستایی و فنون تسهیلگری (که در فصل بعد چگونگی انجام این فنون تشریح شده است) کمک گرفت که علاوه بر مشارکت ذی نفعان، کسب و کارهای اولویت دار هر منطقه استخراج گردد و مطالعه امکان سنجی هر خوشه انجام گیرد.

در ادامه با کمک کارشناسان ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی سازمان جهاد کشاورزی استان، گروه عاملیت توسعه خوشه هر منطقه (شهرستان) که آموزش‌های لازم را دیده‌اند، انتخاب شوند، با کمک متخصصین محصول مدنظر در خوشه کسب و کار (همانند کسب و کارهای نخود، آفتابگردان، محصولات باغی، دام و ...) که می‌توانند از بخش خصوصی، اساتید دانشگاه یا متخصصین مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی^۱ باشند، اعضای شورای راهبری هر خوشه کسب و کار انتخاب شوند که بتوانند موارد تخصصی خوشه کسب و کار را به ارائه دهندگان خدمات تخصصی خوشه کسب و کار مدنظر^۲، در شهرستان هدف آموزش دهند.

عامل توسعه خوشه که در خوشه کسب و کارهای کشاورزی می‌تواند کارشناسان ترویج کشاورزی و توسعه روستایی باشند، اقدام به انجام مطالعه شناختی و تحلیل زنجیره ارزش خوشه کسب و کار با مشارکت کشاورزان و متخصصان کسب و کار مدنظر می‌کند، برای این کار از روش‌های مختلف و فنون تسهیلگری می‌توان بهره گرفت. به منظور تدوین برنامه عمل اجرایی هر خوشه کسب و کار، با مشارکت متخصصین کسب و کار مدنظر در خوشه و ذی‌نفعان اصلی آن یعنی کشاورزان روستا اقدام به تدوین برنامه عمل اجرایی می‌شود. در ادامه نهایتاً برنامه عمل تدوین شده که حاصل استراتژی توسعه خوشه کسب و کار است و مورد قبول ذی‌نفعان خوشه کسب و کار می‌باشد، به مرحله اجرا می‌رسد و نظارت بر اجرای آن می‌تواند بر عهده ترویج و آموزش کشاورزی سازمان جهاد کشاورزی استان باشد.

با توجه به اینکه به منظور مطالعه شناختی خوشه کسب و کارهای کشاورزی به تحلیل زنجیره ارزش آن کسب و کار نیاز است، در ادامه به منظور آشنایی با چگونگی تحلیل زنجیره ارزش کسب و کار هر خوشه، تعریف مفهومی و مدل زنجیره ارزش و تحلیل آن بیان می‌شود.

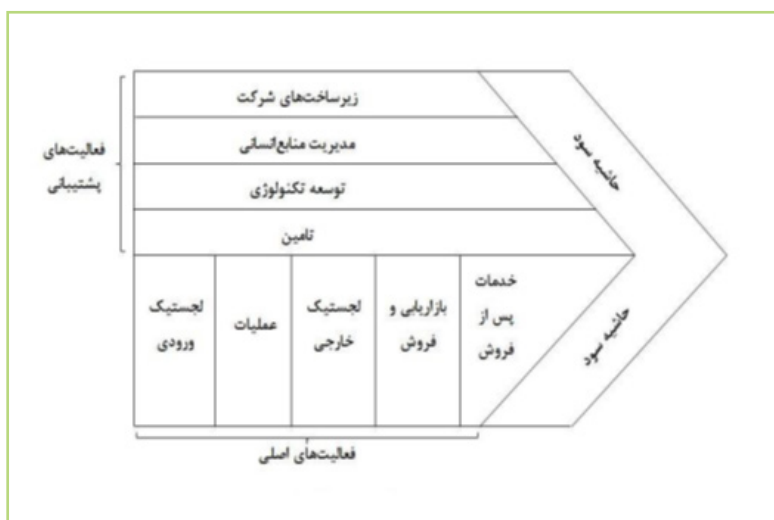
زنجیره ارزش خوشه کسب و کار

زنجیره ارزش خوشه کسب و کار به زنجیره فعالیت‌های ارزش آفرین قابل انجام از مرحله شکل‌گیری تا طراحی، تولید، انبارش، حمل و نقل، بازاریابی، فروش و مصرف یک کالا یا خدمت زنجیره ارزش در یک خوشه کسب و کار گفته می‌شود. توسعه خوشه کسب و کار مستلزم

۱- این متخصصین باید از حلقه‌های مختلف زنجیره ارزش خوشه مدنظر باشند، علاوه بر تولید، متخصصین در بحث فراوری، بازاریابی و فروش نیز باشند.

۲- در اینجا ارائه دهندگان خدمات کسب و کار می‌تواند کارشناسان مراکز خدمات کشاورزی هر منطقه باشند.

توسعه تمامی حلقه‌های زنجیره ارزش است (شرکت شهرک‌های صنعتی ایران، ۱۴۰۲). مفهوم زنجیره ارزش به وسیله پورتر در سال ۱۹۸۵ بسط و عمومیت یافت و برای اجرای استراتژی رقابتی به منظور دستیابی به عملکرد برتر تجاری ارائه شد. این مدل دارای ۹ قسمت مختلف است که به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند (کوک و بزدگ^۱، ۲۰۱۷). بر اساس این مدل، فعالیت‌های دخیل در سازمان‌های تولیدی و خدماتی را می‌توان به دو بخش فعالیت‌های اصلی (ارزش افزا) و فعالیت‌های پشتیبانی (حمایتی) تقسیم کرد (منصوری و ریاضی^۲، ۲۰۱۳).



شکل ۳-۷. مدل عمومی زنجیره ارزش پورتر (عباسی و همکاران، ۱۳۹۸)

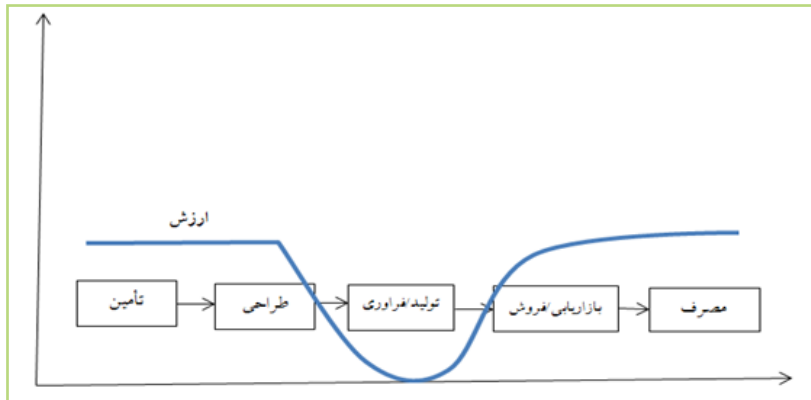
زنجیره ارزش از قسمت‌های مختلفی همچون تحقیق و توسعه، برندسازی، طراحی، تولید، توزیع، بازاریابی، فروش و خدمات پس از فروش تشکیل شده است (منگ و هی^۳، ۲۰۲۲). تولید در زنجیره ارزش از کمترین ارزش را در زنجیره دارد و هر چه به دو سمت نمودار حرکت می‌کنیم، ارزش که نصیب کسب و کارهای فعال در آن قسمت‌ها می‌شود بیشتر خواهد بود. علاوه بر این، خدمات نیز به دلیل ایجاد پیوند بین فعالیت‌های شرکت نقش کلیدی در زنجیره

1- Koc & Bozdog

2- Mansoori & Riazi

3- Meng & Ye

ارزش و پویایی آن ایفا می‌کند (گروپ^۱، ۲۰۱۴؛ تاگلیونی و وینکلر^۲، ۲۰۱۶). مدل لبخند زنجیره ارزش در ادامه بیان شده است.



شکل ۳-۸. توزیع ارزش در زنجیره کسب و کار (گروپ، ۲۰۱۴)

همان طور که در شکل بالا مشخص است، در زنجیره ارزش کسب و کارها از ابتدای مدل یعنی ورودی مواد اولیه تا انتها یعنی رسیدن محصول به دست مصرف کننده به محصول (تامین، طراحی، تولید / فراوری، بازاریابی / فروش و مصرف) ارزش افزوده می‌شود، و بیشترین ارزش در ابتدای زنجیره یعنی تامین و طراحی و انتهای زنجیره یعنی بازاریابی و فروش و توزیع آن می‌باشد، لذا کمترین ارزش در بخش تولید است، که در ایران به غیر از صنایع بزرگ، در کسب و کارهای کوچک معمولاً بیشترین تعداد بنگاه یا کسب و کار در بخش تولید می‌باشد و کمترین توجهی به تامین و طراحی و بازاریابی و فروش محصول شده است.

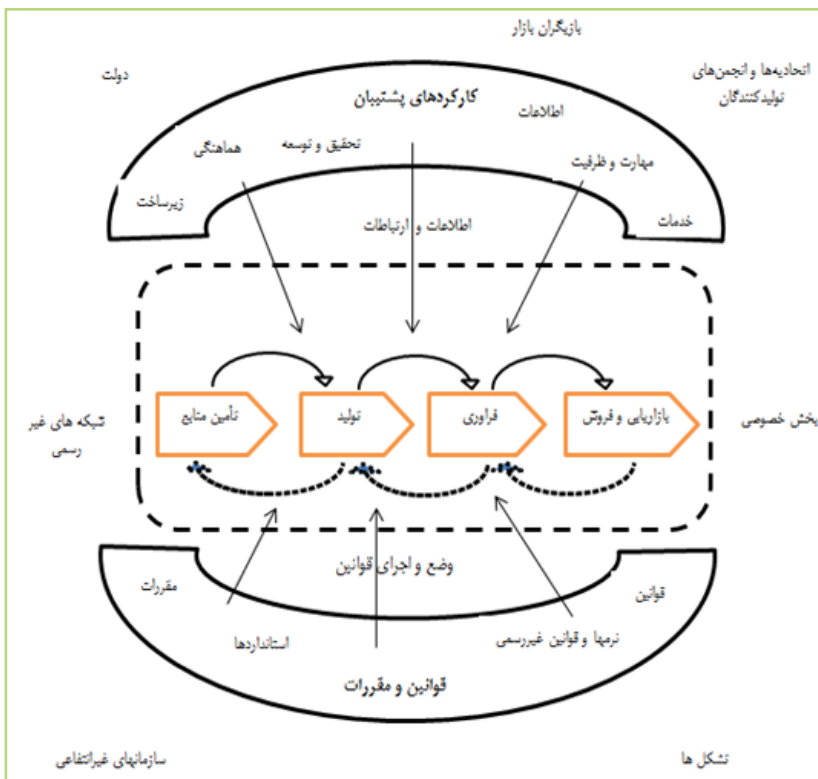
تحلیل سیستم کسب و کار زنجیره ارزش با رویکرد مسأله‌یابی

تحلیل سیستم کسب و کار زنجیره ارزش، فرایندی است که طی آن، رفتار بازیگران، نهادها و مکانیسم‌های موجود به گونه‌ای بهسازی شوند که فعالان زنجیره ارزش کسب و کار بتوانند توانمندی لازم برای خلق ارزش را در بستری تسهیل شده، داشته باشند (تازیکی، ۱۴۰۲). با توجه به مباحث بیان شده، مدل زنجیره ارزش با هدف مسأله‌یابی در زنجیره کسب و کار ارائه شده است، در این مدل در واقع کسب و کار مدنظر به صورت کامل تحلیل می‌شود،

1- Group

2- Taglioni & Winkler

حلقه‌های اصلی زنجیره ارزش شناسایی شده و ارتباطات آنها با همدیگر به دست می‌آید، همچنین فعالیت‌های پشتیبان زنجیره کسب و کار مشخص می‌شود و ارتباط آنها با همدیگر و با فعالیت‌های اصلی زنجیره بایستی تحلیل شود. علاوه بر آن، تعداد بنگاه‌های تولید کننده و پشتیبان باید مشخص شود و باید بیشترین تمرکز در زنجیره کسب و کار به دست آید، ضعف یا حلقه مفقوده کسب و کار استخراج شده و راه حل برطرف شدن مشکل نیز ارائه شود، بخش خصوصی و بخش دولتی چه نقشی در فعالیت زنجیره دارند و ...، تمام این موارد باید در مدل زنجیره ارزش کسب و کار استخراج و تحلیل شود.



شکل ۳-۹. مدل زنجیره ارزش کسب و کار

همانطور که در شکل (۳-۹) نیز مشخص است، فعالیت اصلی (زنجیره ارزش)، که طی آن بنگاه‌ها کالا و خدمات خود را در ازای پول یا دیگر کالاها یا خدمات مبادله می‌کنند، شامل؛ تأمین، تولید، فراوری و بازاریابی و فروش می‌باشد. در سیستم کسب و کار، علاوه بر زنجیره

اصلی، فعالیت‌های پشتیبان نیز مانند مکانیزم‌های هماهنگی، کانال‌های ارتباطی، دانش، مهارت‌ها و ظرفیت‌ها، زیرساخت‌ها، مراکز تحقیق و توسعه و غیره وجود دارند که برای تحقق تعاملات اصلی در زنجیره ارزش ضروری هستند.

زنجیره‌های ارزش تحت تأثیر قوانین و مقررات رسمی و غیر رسمی متعددی هستند که بر نحوه انجام تعاملات کسب و کاری نظارت دارد. این مقررات می‌توانند شامل برخی توافقات داوطلبانه یا چارچوب‌های مقرراتی وضع شده توسط دولت یا نرم‌های غیر رسمی مانند باورهای مذهبی، نرم‌های اجتماعی و فرهنگی و شبکه‌های غیر رسمی باشند. بازیگران سیستم کسب و کار نیز مانند دولت، ارائه دهندگان خدمات کسب و کار، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، سازمان‌های توسعه‌ای و غیره هستند که باید نقش آنها در زنجیره کسب و کار مشخص شود.

این موارد در زنجیره کسب و کارهای مختلف متفاوت است و ارتباطات و فعالیت‌های آنها بایستی با دقت تحلیل شوند که مشکلات کسب و کار و عدم توسعه یافتگی آن زنجیره شناسایی شوند و استراتژی توسعه آن ارائه شود. در تحلیل زنجیره کسب و کار باید فهمید کدام یک از بازیگران در زنجیره ارزش عهده دار انجام هر یک از نقش‌های اصلی زنجیره و کارکردهای پشتیبان و قواعد هستند و عملکرد آنها با چه میزانی از مطلوبیت همراه است. چه نشانه‌هایی از عدم عملکرد بهینه‌ی زنجیره کسب و کار مشاهده می‌شود و چه فرصت‌های بالقوه‌ای در دسترس گروه هدف قرار دارد.

فصل چهارم

فنون تسهیلگری و توسعه روستایی

"تسهیلگران عادی‌ترین شکل از توسعه را در دست دارند. آنها با ایجاد فرصت‌های انسانی مسیر توسعه را با مشارکت و آموزش هموار می‌کنند. تسهیلتگری شیوه‌ای از زندگی است که می‌توان آن را انتخاب کرد. شیوه بسیار ساده اما آمیخته با مفهوم دیگری، رشد و پویایی جمعی است و مقصد آن صلح، لبخند و توسعه است. تسهیلتگری کمک می‌کند که درست و نقادانه فکر کردن، خودآگاهی، هم‌فکری، احترام به افکار یکدیگر را یاد بگیریم و تمرین کنیم تا بتوانیم برای زیست بهتر در کشورمان و جهان به راهکارهای مناسبی برسیم که نظر همه در آن شنیده شده باشد، همه برای رسیدن به چنین زندگی و رؤیایی مشارکت و تلاش کنند".

مقدمه

مشارکت روستاییان در برنامه‌های مختلف توسعه روستایی از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی شروع شد و تجدیدنظری در راهبردهای توسعه برای این کشورها به عمل آمد. متفکران و نظریه‌پردازان توسعه نظریه‌های جدیدی را برای رسیدن به توسعه ارائه نمودند که ویژگی عمده آنها تمرکز توجهات بر مناطق روستایی، جلب و سازماندهی نیروی روستایی در مدیریت روستا، تأسیس نهادهای مشارکتی و تشکل کشاورزان، استفاده از رهبران محلی و وجود نظام برنامه‌ریزی مشارکتی بوده است. علاوه بر این، «مشارکت مردم»، شرط اساسی عملی است که بخشی از جنبه عملیاتی توسعه را تشکیل می‌دهد. نظریه توسعه، با توجه به هدف و محتوا، اهمیت مشارکت را در همه سطوح، از مرحله تعیین‌کننده شناسایی نیازها گرفته تا مرحله نهایی ارزیابی و اجرای برنامه و همچنین مراحل میانی تصمیم‌گیری در خصوص تعیین هدفها، کاربرد منابع و مدیریت عملیات نشان می‌دهد (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۴).

رسیدن به اهداف توسعه بدون مشارکت به خصوص مشارکت روستایی، امری غیرممکن خواهد بود. بر اساس قبول این طرز تلقی که توسعه، تعالی انسان‌ها و کاهش نابرابری‌ها است، بایستی روستاییان تنها گیرندگان منفعل خدمات نبوده، بلکه شرکت‌کننده و تصمیم‌گیرنده باشند تا بتوانند فعالیت‌های سازنده‌ای بر برنامه‌های آتی توسعه روستا داشته باشند. دستیابی به این هدف، در حقیقت رسیدن به برنامه‌ریزی پایین به بالا یعنی دخالت دادن مردم روستا در برنامه‌های روستا و دادن حس اعتماد و خودتکایی به ایشان است. در این راستا یکی از تشکل‌هایی که روستاییان می‌توانند با مشارکت در آن، درآمد خود را افزایش دهند، شبکه و خوشه‌ای کردن کسب و کارهای کشاورزی و روستایی است، با عضو شدن و فعال بودن در این خوشه‌ها، کمیت و کیفیت تولیدات آنها افزایش می‌یابد، اما قبل از آن بایستی با استفاده

از اصول تسهیلگری و فنون مشارکتی کسب و کارهای فعال روستا شناسایی شوند و نقاط فشار آن کسب و کارها مشخص شوند که بتوان با برطرف کردن آن مشکلات و تکمیل کردن زنجیره ارزش کسب و کار مورد نظر، در کنار افزایش درآمد کسب و کارهای موجود کارآفرینی و اشتغالزایی در روستا انجام داد و یا حتی با توجه به شرایط منطقه پیشنهاد کاشت و توسعه محصولات جدید را با درآمد بیشتر را داد. در این فصل به بررسی و تعاریف مشارکت و توسعه کاربرد ابزارهای مشارکتی، تشریح فنون مشارکتی و تسهیلگری که بیشترین استفاده برای شناسایی کسب و کارهای فعال روستا و حلقه‌های مفقوده زنجیره ارزش این کسب و کارها در راستای تکمیل کردن زنجیره ارزش آن، ایجاد خوشه‌های کسب و کار و شناسایی پتانسیل‌های روستا دارند، پرداخته شده است.

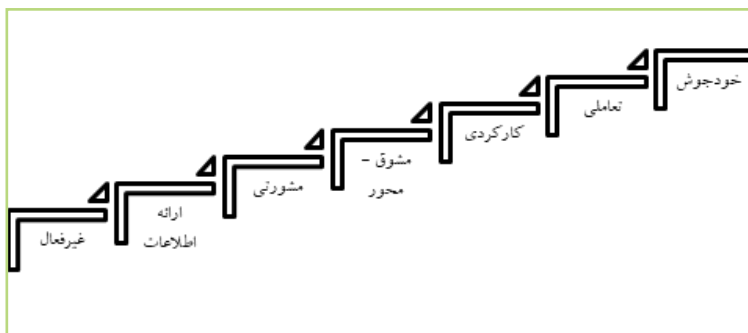
مشارکت و توسعه

واژه مشارکت به ویژه در طی سه دهه اخیر نقش و جایگاه مهمی در گفتمان توسعه و نیز در میان دست اندرکاران آن در سطوح مختلف سیاستی و اجرایی پیدا کرده است. به نظر می‌رسد که این دیدگاه، واکنشی آگاهانه و مسئولانه نسبت به رهیافت‌های متعارف توسعه به ویژه رهیافت‌های «بالا به پایین» بوده و پایداری و کارآمدی برنامه‌های توسعه تا حد زیادی به آن وابسته است. ناکامی رهیافت‌های مذکور در تحقق اهداف درازمدت توسعه، عدم پایداری طرح‌ها و پروژه‌ها و تأثیرات جنبی طرح‌های توسعه‌ای بر محیط اجتماعی، محیط زیست و به ویژه مسائل فرهنگی ناشی از آنها باعث شده است تا نگاه تازه‌ای در قالب نگرش مشارکتی به توسعه شکل گیرد. این تغییرات نگرشی موجب تغییراتی متناظر در ابزارها و روش‌ها نیز گردیده است و بر این اساس، «رهیافت‌های مشارکتی» در واقع الگوهای عملیاتی برای مسأله‌یابی، طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های توسعه محسوب می‌شوند. اجرای مشارکتی برنامه‌های توسعه در بر گیرنده فرآیندهایی است که از طریق آنها ذینفعان در طراحی، اجرا، ارزیابی و نظارت یک برنامه تأثیر داشته یا سهیم می‌شوند. در این شرایط، تحقق همیاری هم یک هدف و هم ابزاری برای پیشبرد سایر برنامه‌ها محسوب می‌شود (مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵).

بسیاری از پروژه‌های توسعه کشاورزی و روستایی به دلیل عدم همکاری ذی نفعان اصلی در عمل یا با شکست مواجه می‌شوند و یا به طور کامل به اهداف از پیش تعیین شده نمی‌رسند. با وجود این بسیاری از افراد توسعه را روندی خطی و ساده می‌دانند که در آن فقط باید از یک نقطه به نقطه دیگری رسید. برای این دسته از افراد، فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت «تلف

کردن وقت» است. مبنای اصلی روش‌های مشارکتی، سهیم شدن در تصمیم‌گیری است. همان گونه که اشاره شد، این رهیافت واکنشی به رهیافت‌های «بالا به پایین» در توسعه است که در آنها تصمیم‌گیری عمدتاً در دستان برنامه‌ریزان و مدیران «بیرونی» است. رهیافت‌های بالا به پایین در واقع همان شیوه‌های متعارف توسعه است که به ویژه دستاوردهای آنها مورد انتقاد قرار گرفته است و به نظر می‌رسد که در برخی موارد مؤثر یا پایدار نبوده‌اند (مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵).

مشارکت می‌تواند تعاریف مختلفی داشته باشد، اما اغلب آن را چیزی بیشتر از انجام مهارت یا مشاهده کنش و عکس‌العمل‌های مردم تعریف می‌کنند. واقعیت امر این است که مشارکت حالت کاملی از امور نیست، بلکه فرآیندی است که از طریق آن افراد در سطوح مختلفی از فرآیندهای توسعه درگیر می‌شوند. بر این اساس مفهوم نرده‌بان مشارکت در نمودار زیر بیان شده است که چگونه یک فرد به تدریج می‌تواند خود را از یک تماشاگر غیرفعال به عنوان یک ذینفع فعال در جامعه تبدیل کند (علی بیگی، ۱۳۹۲). در واقع تعیین سطوح مشارکت در این نردبان درجه‌ای از قدرت تصمیم‌سازی طبق نظر جامعه می‌باشد. همچنین این واقعیت دارد که بین اعضای جامعه و نهادهای توسعه‌ای و کسانی که در درون سازمان‌های اجتماعی هستند با بازیگران محلی ارتباط وجود دارد.



شکل ۴-۱. پلکان مشارکت

عاملی که سطح مشارکت را در این پلکان تعیین می‌کند، میزان توان تصمیم‌گیری است که آن جامعه به دست می‌آورد. می‌توان از پلکان مشارکت به صورت تدریجی و پله به پله بالا رفت و موفقیت در این مسیر مستلزم عواملی است که از آن جمله می‌توان به میزان

سازماندهی جامعه روستایی، انعطاف‌پذیری نهادهای پشتیبان و نیز حضور همه ذینفعان اشاره کرد (گیلفاس، ۱۳۹۲). در ادامه مراحل پلکان مشارکت توضیح داده شده است.

غیرفعال^۱: وضعیت انفعالی شرایطی است که در آن به مردم گفته می‌شود که چه کاری در حال انجام است یا انجام خواهد شد. مانند برخی طرح‌های توسعه که مردم پس از افتتاح یا راه‌اندازی پروژه از آن مطلع می‌شوند. این گونه طرح‌ها در بسیاری موارد با بی تفاوتی و نگرش منفی مردم روبرو شده و در مواردی نیز ممکن است به نارضایتی مردم از توزیع ناعادلانه منافع منجر شود (مانند برخی پروژه‌های زیرساختی و منابع طبیعی که باعث شده تا برخی از افراد از آنها منتفع می‌شوند). در حال حاضر متأسفانه تعدادی از سازمان‌ها در این سطح از پلکان مشارکت با مردم هستند و پس از اجرای طرح‌ها یا حین اجرای طرح‌ها مردم از اجرای آن مطلع می‌شوند، بدون اینکه نیاز آنها مورد بررسی قرار گرفته باشد.

تأمین‌کننده اطلاعات^۲: در برخی از شرایط، نقش اصلی مردم در ارائه اطلاعات است. در این وضعیت اغلب افراد به پرسش‌ها پاسخ داده و یا فرم‌های پرسشنامه‌ای (مربوط به پژوهش‌ها یا ارائه اطلاعات و داده‌ها) را تکمیل می‌کنند. در بسیاری از طرح‌های توسعه کشاورزی و روستایی، کارشناسان اغلب از روستاییان در مورد میزان تولید، مساحت اراضی، میزان مصرف کود، تعداد دام‌هایی که در مراتع چرا می‌کنند و موارد دیگر اطلاعاتی جمع‌آوری می‌کنند، اما در این سطح از مشارکت با توجه به اینکه مشارکت روستاییان واقعی نمی‌باشد و به صورت رفع تکلیف می‌باشد، نمی‌توان به آن اطلاعات اتکا داشت. پژوهش‌های دانشگاهی همانند مقالات علمی و پایان‌نامه‌های مرتبط با روستا نیز در این دست قرار می‌گیرند.

مشارکت مشورتی^۳: مردم از طریق دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه که خارج از محیط روستا می‌آیند (عاملین توسعه)، طرف مشورت قرار می‌گیرند. با این حال مخاطبین در تصمیم‌گیری‌ها نقشی ندارند و تصمیم‌گیرنده نهایی همان کارشناسان (عاملین توسعه خوشه) هستند. تعدادی از سازمان‌های اجرایی مرتبط با روستا که مشغول انجام فعالیت در زمینه اشتغال و توسعه روستایی هستند، در این طبقه قرار می‌گیرند و مردم را در جریان کارهایی که می‌خواهند در روستا انجام دهند قرار می‌دهند، اما مردم در تصمیم‌گیری اجرا شدن یا نشدن، نحوه اجرا شدن، مکان اجرا و ... نقشی ندارند.

1- Passivity

2- Information providers

3- Consultative participation

مشارکت مشوق محور^۱: مردم از طریق عرضه نیروی کار یا سایر منابع مشارکت داشته و در مقابل آن چیزی مانند پول، خدمات و یا آموزش دریافت می‌کنند. در این طرح‌ها پروژه متکی به مردم است، اما مردم در تصمیم‌گیری‌ها نقشی ندارند. مثلاً به منظور احداث پروژه‌های زیرساختی مثل سد، سیل‌بند، کاشت نهال و ... از نیروی کار مردمی روستاهای اطراف استفاده شود، لذا در این شیوه همکاری افراد در برنامه‌های توسعه داوطلبانه است، اما در ازای آن نوعی مشوق مادی یا غیر مادی دریافت می‌کنند.

مشارکت کارکردی^۲: مردم از طریق تشکیل گروه‌های کاری در تعریف و یا اصلاح اهداف پروژه‌ها مشارکت می‌کنند. آنها در طراحی پروژه‌ها نقشی ندارند، اما در برخی فرآیندهای دیگر حضور دارند. در این راستا برخی از سازمان‌های توسعه‌ای نوع پروژه را شناسایی و طراحی کرده‌اند و مردم به جای طراحی اصل پروژه، فقط حق اصلاح برخی اهداف آن را دارند. اینگونه سازمان‌ها اعتقاد دارند که مردم دانش کافی را در زمینه طراحی پروژه‌ها ندارند.

مشارکت تعاملی^۳: گروه‌های محلی سازمان یافته در طراحی پروژه‌ها، اجرا و ارزیابی آن حضور دارند. این نوع مشارکت در واقع یک فرآیند یادگیری سازمان یافته است که در راستای پیشرفت توانمندی‌ها و مدیریت محلی است. در این نوع مشارکت، در قسمت طراحی پروژه‌ها با استفاده از فنون تسهیلگری و با جلب مشارکت مردم، اقدام به شناسایی و طراحی پروژه‌ها می‌شود و در ادامه با توجه به اینکه روستاییان پروژه‌ها را از آن خود می‌دانند در اجرا و ارزیابی آن پروژه‌ها نیز مشارکت فعال دارند. در مشارکت تعاملی بهتر است که کارشناسان مربوطه نیز در زمان طراحی پروژه‌ها و اجرای آن حضور داشته باشند.

مشارکت خودجوش^۴: گروه‌های سازمان یافته محلی منتظر دست اندرکاران بیرونی نبوده و خود اقدام به برنامه‌ریزی و اجرا می‌نمایند و نهادهای بیرونی نقش مشورتی و یا همکاری دارند. در این نوع مشارکت مردم مشکل خود را شناسایی می‌کنند و راه حل آن را هم تشخیص می‌دهند و اقدام به برطرف کردن آن می‌کنند، در این راستا اگر به مشکل بخورند یا کارشان وابسته به سازمان یا نهادی باشد از آن ارگان همکاری و مشورت می‌گیرند. این نوع مشارکت عموماً زمانی اتفاق می‌افتد که آن جامعه مرحله قبل یعنی مشارکت تعاملی را گذرانده باشند

1- Incentive- based participation

2- Function participation

3- Interactive participation

4- Self development

و از مزایای این مرحله منتفع شده باشند. بنابراین به منظور پیشرفت واقعی بایستی جامعه را به سمت و سوی رسیدن به مشارکت خودجوش پیش برد که برای این امر راهی جز اجرای مشارکت تعاملی با استفاده از انواع رهیافت‌ها و فنون مشارکتی و تسهیگری نیست.

رهیافت‌های مشارکتی

بر اساس نقاط مشترک و مورد توافق در تعاریف مختلف از مشارکت، راهبردها و روش‌های متعددی برای تحقق آن طراحی شده و در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند که به مجموعه آنها رهیافت‌های مشارکتی گفته می‌شود. رهیافت مشارکتی در برگیرنده سازوکارهایی برای شرکت فعالانه عموم افراد در فرآیند تصمیم‌گیری‌هایی است که به آنها مربوط می‌باشد. این افراد می‌توانند شهروندان عادی، ذی‌نفعان یک پروژه، خبرگان و حتی کارکنان دولت یا یک شرکت خصوصی باشند (مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵).

روش و رهیافت‌های مشارکتی محصول تعامل درازمدت بین پژوهشگران، دست‌اندرکاران توسعه، نهادهای دولتی و جوامع محلی می‌باشند. پیشینه شیوه‌های مشارکتی در توسعه به اواخر دهه ۱۹۷۰ می‌رسد که در آن زمان برخی رهیافت‌های جدید پژوهشی تحت عنوان ارزیابی سریع روستایی^۱ معرفی شده و به سرعت در نهادهای توسعه‌ای اعم از دولتی و غیردولتی رایج شدند. رهیافت‌های ارزیابی سریع بر اساس ارتباط نزدیک با جوامع محلی و دریافت اطلاعات دقیق از مردم روستایی در مورد نگرش آنها به محیط و شرایط زندگی در آن نواحی طراحی شده‌اند (مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵). از آنجا که کاربرد روش‌های ارزیابی سریع در مناطق روستایی بوده است، لذا روش‌ها و فرآیندهای ارتباطی آن نیز متناسب با شرایط مردم کم سواد و بی سواد طراحی شده‌اند.

در طی دهه ۱۹۸۰، سازمان‌های غیردولتی که در مناطق روستایی فعالیت داشتند، شیوه‌های دیگری از عملیات میدانی روستایی را بکار گرفتند که تحت عنوان ارزیابی مشارکتی روستایی^۲ نامگذاری شد. در ارزیابی مشارکتی نیز همان شیوه‌ها و ابزارهای ارزیابی سریع استفاده می‌شود، اما هدف و فلسفه آن تا حدی متفاوت است. در واقع در ارزیابی سریع، هدف نهایی دریافت و گردآوری اطلاعات است که در یک جلسه یا نشست انجام شده و به پایان می‌رسد، اما در ارزیابی مشارکتی، به علائق و ملاحظات مردم توجه شده و مورد پیگیری

1- Rural Rapid Appraisal (RRA)

2- Participatory Rural Appraisal (PRA)

قرار می‌گیرند. کارگاه‌ها و نشست‌های ارزیابی مشارکتی اغلب توسط گروهی از متخصصین هدایت شده و ممکن است روزهای متمادی نیز ادامه یابد. یکی از اصول مهم در ارزیابی مشارکتی، مشارکت و حضور اعضا و شرکت کنندگان در تحلیل، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است. روش‌های مشارکتی در واقع زمینه‌ساز اصلی برای مدیریت تقاضا محور برنامه‌های توسعه و تفکر فرآیند محور می‌باشند. این روش‌ها موجب می‌شوند تا ظرفیت مردم روستایی برای تحلیل شرایط زندگی خود، توانایی‌ها، مسائل و مشکلاتشان ارتقاء یافته و بتوانند بطور فعالانه در مورد تغییرات لازم تصمیم‌گیری کنند. تسهیلگران بیش از پیش نقش یادگیرندگان را در این فرآیند می‌پذیرند و این گذار به یادگیری دوجانبه بعدها در دهه ۱۹۹۰ منجر به ارائه رهیافت یادگیری و عمل مشارکتی^۱ گردید (مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵)، بنابراین در این فنون که توسعه یافته PRA است، از مردم یاد می‌گیریم و با آنها درگیر کار می‌شویم. این نوع روش به دنبال توانمندسازی مردم است.

در سال‌های اخیر، از تجمیع مفاهیم مختلف در فرآیندهای مشارکتی و یادگیری تعاملی (دو جانبه)، مفهوم توسعه مشارکتی یکپارچه مطرح شد که در برگیرنده پشتیبانی تسهیلگران از جوامع محلی (روستاها، اجتماعات، گروه‌های هدف، انجمن‌ها و غیره) بصورت تقاضا - محوری می‌باشد و در آن به مردم محلی کمک می‌شود تا علائق و خواسته‌های خود را بیان کنند. در این حالت، برنامه‌ریزی و اقدام در سطوح محلی با برنامه‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای تطبیق داده می‌شود. این روند منجر به شکل‌گیری شیوه‌های بهتر و پایدارتری در توسعه می‌شود (چتی و همکاران^۲، ۲۰۰۳). در توسعه مشارکتی باید این جمله را مدنظر داشت که «هیچ انسانی همه چیز را نمی‌داند، اما هر انسانی چیزی را می‌داند». با توجه به اینکه در فرآیند توسعه، از ابزارهای مشارکتی استفاده می‌شود، در ادامه به بررسی کاربرد ابزارهای مشارکتی در فرآیند توسعه پرداخته شده است.

کاربرد ابزارهای مشارکتی در فرآیند توسعه:

ابزارهای مشارکتی می‌توانند در مراحل مختلف برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه استفاده شوند. به عنوان مثال می‌توان به کاربردهای زیر اشاره کرد (گیلفاس، ۱۳۹۲).

- در طی مراحل ارزیابی اولیه که در آنها مسائل و مشکلات جامعه محلی و روش حل

1- Participatory Learning and Action (PLA)

2- Chaty et al

آنها بررسی می‌شود. به منظور پیدا کردن مشکلات موجود در روستاها در زمینه‌های مختلف می‌توان از این روش‌ها استفاده کرد. به عنوان مثال در خوشه کسب و کار نخود با اجرای فنون مشارکتی، مشکلات و پتانسیل‌های زنجیره نخود استخراج شود که بتوان برای برطرف کردن حلقه‌های مفقوده و نقاط فشار با مشارکت مردم برنامه ریزی کرد.

- در طی مراحل بررسی مسائل و پیدا کردن راه‌حل‌های ممکن یا به عبارت دیگر در مراحل برنامه‌ریزی پروژه‌ها. به عنوان مثال در خوشه کسب و کار نخود با وجود گروه تسهیلگر یا عاملین توسعه خوشه^۱ (شامل تسهیلگر و متخصص حوزه نخود) می‌توان با مشارکت مردم راه‌حل‌های پیشنهادی جهت برطرف کردن مشکلات و نقطه فشار زنجیره تولید را استخراج کرد که بعداً بتوان از آنها در تدوین برنامه عملیاتی توسعه خوشه استفاده کرد.

- در طی مراحل اجرایی که شامل مراحل پیگیری نیز است. به عنوان مثال با اجرای فنون مشارکتی می‌توان استراتژی توسعه خوشه کسب و کار نخود و اجرای برنامه عمل تدوین شده آن را پیگیری کرد.

- در طی مراحل ارزشیابی پروژه‌ها. به عنوان مثال با اجرای فنون مشارکتی می‌توان ارزشیابی نحوه و میزان موفقیت راه‌حل‌های پیشنهادی به منظور برطرف کردن مشکلات کسب و کار نخود را بررسی کرد و متوجه این نکته شد که چقدر اجرای برنامه‌ها توانسته است در برطرف کردن مشکلات خوشه کسب و کار نخود موفق باشند.

در واقع، هر برنامه تسهیلگری یا مشارکتی اعم از اینکه در مراحل ارزیابی، برنامه‌ریزی، اجرا یا ارزشیابی باشد، می‌بایست مرحله‌ای مشخص را طی نماید. به عنوان نمونه می‌توان به مرحله‌بندی زیر اشاره کرد:

- تعریف اهداف برنامه (چرا این کار را انجام می‌دهیم).
- دامنه یا حوزه کار و گروه مخاطب (با چه کسانی کار می‌کنیم).
- بررسی اطلاعات موجود (در مورد موضوع چه می‌دانیم/ چقدر اطلاعات داریم).
- انتخاب گروه تسهیلگران (چه کسانی کار تسهیلگری را انجام می‌دهند).
- تهیه لیست انتظارات و خروجی‌ها (انتظارات ما از کار چیست).
- انتخاب ابزارها (چگونه کار را انجام می‌دهیم).

۱- در زمینه پیدا کردن راه‌حل‌های مشکلات و تدوین برنامه عملیاتی خوشه کسب و کار مدنظر، بهتر است با مشارکت ذی‌نفعان و گروه عاملیت توسعه خوشه (تسهیلگر، متخصص کسب و کار فعالیت مربوطه) انجام گیرد.

- تعیین زمان و مسئولیت‌های افراد (در چه زمانی و چه کسی چه کاری را انجام می‌دهد) (مأموریان، ۱۳۹۵ و گیلفاس، ۱۳۹۲).

انتخاب تسهیلگر یا گروه تسهیلگری نیز بسیار مهم است. در حالت بهینه، گروه تسهیلگری باید حداقل دو یا سه نفر باشد. این افراد باید تجربه کافی در زمینه تسهیلگری داشته و نیز همراه آنها افرادی از اعضای شناخته شده جامعه روستایی نیز باشند. اگر برنامه ارزیابی گسترده باشد، چند نفر با تخصص‌های مختلف نیز باید گروه را همراهی کنند. این اتفاق در زمینه شبکه‌ای کردن و خوشه‌سازی کسب و کارهای روستایی، زمانی بیشتر نیاز است که کسب و کارهای روستایی با استفاده از فنون تسهیلگری توسط تسهیلگران شناسایی شده باشند و پس از آن به منظور استخراج مشکلات و ارائه راه‌حل‌های محلی موجود آن رسته فعالیت، از کارشناس کسب و کار مورد نظر نیز دعوت شود که در جلسه مورد نظر حضور داشته باشد تا با همفکری با مخاطبین بتوانند مشکلات مورد نظر را استخراج کرده و راه‌حلهایی برای برطرف کردن آن مشکلات استخراج شود. باید این نکته را هم مدنظر داشت که هیچکدام از اعضای گروه نباید منفعت شخصی در برنامه داشته باشند و یا رابطه سیاسی یا مالی با برنامه داشته باشد. این کار از سوگیری برنامه جلوگیری خواهد کرد، لذا بایستی توجه داشت که کاربرد روش‌ها و ابزارهای تسهیلگری بسیار گسترده‌تر از مواد مذکور می‌باشد و اساساً در هر فعالیت گروهی مرتبط با فعالیت‌های توسعه‌ای می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

به منظور توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی، گروه تسهیلگر، در واقع همان گروه عاملیت توسعه خوشه (ارائه دهندگان خدمات کسب و کار) هستند که می‌تواند از کارشناسان مراکز خدمات کشاورزی مناطق به همراه کارشناس ترویج و آموزش کشاورزی یا توسعه روستایی باشند که با مفاهیم فنون مشارکتی و خوشه‌های کسب و کار آشنایی دارند.

تعریف تسهیلگری

برای آغاز بحث در مورد تسهیلگری لازم است تا ابتدا معنای واژه و سپس اینکه چگونه این مفهوم در طی چند دهه اخیر در زمینه‌های مدیریت، آموزش، روانشناسی، توسعه اجتماعی و توسعه روستایی گسترش یافته است مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. تسهیل به معنای آسان‌سازی است، اما باید توجه داشت که در طول زمان، بار مفهومی این واژه به تدریج افزایش یافته و در بر گیرنده مفاهیم عمیق‌تر و پیچیده‌تری شده است. به عنوان مثال، امروزه

تسهیگری در برگیرنده بخشی از بالاترین سطوح ارتباطات و تعاملات انسانی می‌باشد. در تعریف محدودتر، تسهیگری شیوه کار با گروه، مدیریت نشست‌ها و هدایت جلسات به منظور برطرف کردن مشکلات و چالش‌های موجود است (مأموریان، ۱۳۹۵). تسهیگری در حوزه‌های سازمانی، آموزشی و جوامع محلی شکل گرفته است و در فرآیندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی سازمان‌های دولتی، خصوصی، غیردولتی و گروه‌های مردم نهاد می‌تواند به کار رود و منجر به توسعه سازمانی یا محلی شود.

تسهیگری در برگیرنده مجموعه مهارت‌هایی است که به افراد به ویژه دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه کمک می‌کند تا ارتباط مؤثری با جوامع محلی برقرار نماید. توانایی ارتباط مؤثر پیش نیاز بسیاری از فعالیت‌هایی است که یک «عامل توسعه» برای پیشبرد اهداف خود به آن نیاز دارد. این فعالیت‌ها طیف گسترده‌ای از فرآیندها مانند درک شرایط محیط، شناخت افراد و هنجارهای اجتماعی، درک سازوکارهای تحرک بخشی به افراد و گروه‌ها و نیز شیوه پیمودن مراحل تکاملی مشارکت در جوامع را در بر می‌گیرند. عاملین توسعه اغلب باید مهارت‌هایی چون ارتباطات اجتماعی و بین فردی، مهارت‌های مدیریت گروهی، دانش اصول و فنون علمی، مهارت‌های آموزشی، مهارت‌های فنی و نیز دیدگاه و اطلاعات مناسبی در مورد توسعه^۱ داشته باشند (گیلفاس، ۱۳۹۲). همه این موارد در قالب مفهوم تسهیگری بازتاب می‌یابد. این امر نشان دهنده تنوع دانش‌ها و مهارت‌هایی است که در کنار هم صلاحیت‌های حرفه‌ای یک تسهیگر را نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه طرح‌های توسعه روستایی به ویژه آنهایی که بلند مدت بوده و یا به همکاری مستمر افراد جامعه نیاز دارند، با مشکل مواجه می‌شوند. در این راستا مسأله پایداری و تداوم طرح‌های توسعه روستایی به عنوان یکی از اجزای توسعه پایدار توجه و تأکید زیادی می‌شود. تداوم و پایداری پروژه به عوامل مختلفی مانند نگرش مخاطبین، نوع و شیوه مشارکت آنها، نظام مالی، بازده اقتصادی و ... بستگی دارد. فعالیت‌ها و روش‌های تسهیگری ابزار مؤثری برای شناخت عوامل مهم در مسأله‌یابی، امکان‌سنجی، اجرا و ارزیابی می‌باشد. با توجه به اینکه روش‌های مشارکتی از فنون تصویرسازی، ارتباط شفاهی و بر اساس گفتگو استوار است، می‌توانند نظرات و دیدگاه‌های همه اعضای حاضر در جلسه (افراد با سواد، کم سواد و بی‌سواد) را استخراج کند و آنها را در پروژه‌های توسعه مشارکت دهد.

۱- دانش آموختگان رشته توسعه روستایی و ترویج و آموزش کشاورزی باشند.

نوع شرکت کنندگان بستگی به موضوع، توانایی و ظرفیت‌های آنها دارد. علاوه بر آن، پراکنش جغرافیایی افراد و زمان‌بندی پروژه‌ها نیز بر تصمیم‌گیری در مورد افراد و مخاطبین آن تأثیرگذار است. مهمترین گروه‌هایی که در پروژه‌های تسهیلتگری و مشارکتی به ویژه در مناطق روستایی می‌توانند به عنوان مخاطب این فرآیندها مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از (مأمورین و همکاران، ۱۳۹۵).

- آحاد مردم جامعه روستایی (افراد کلیدی در خصوص موضوع مورد نظر)
- سازمان‌های غیر دولتی
- ذی‌نفعان خاص
- گروه‌های دارای منافع مشترک
- خبرگان و متخصصین یک رشته
- صاحبان صنایع بخش خصوصی
- مدیران محلی

به منظور توسعه اشتغال، کارآفرینی و در ادامه آن شبکه‌سازی و خوشه‌ای کردن کسب و کارهای روستایی، با استفاده از فنون تسهیلتگری می‌توان کسب و کارهای فعال روستایی و مشکلات آن (حلقه‌های مفقوده) و پتانسیل‌های موجود در روستا جهت کارآفرینی و اشتغالزایی را استخراج کرد و مشارکت آنها را در زمینه شبکه‌سازی (نهادسازی)، اجرای پروژه‌ها و ارزیابی آنها جلب کرد.

ویژگی‌های یک تسهیلتگر خوب

فرد تسهیلتگر بایستی اعتقاد و ایمان به توانایی‌های مردم داشته باشد، توانایی ایجاد فضای اعتماد بین روستایی را داشته باشد، وی باید فردی صبور و توانمند در مهارت گوش دادن باشد و تمایل به یادگیری داشته باشد تا بتواند از همکاران خود و روستاییان یاد بگیرد. همچنین وی باید فردی بدون تکبر و دارای اعتماد به نفس باشد، احترام به عقاید دیگران بدون تحمیل نظرات خود را داشته باشد. از بودن در محیط‌های واقعی کار (روستا و مزرعه) لذت ببرد. فردی خلاق، انعطاف‌پذیر و دارای استعداد تلفیق و تجزیه و تحلیل باشد (گیلفاس، ۱۳۹۲) و مهمتر از همه دارای تخصص و آشنایی با مباحث توسعه (توسعه روستایی و کشاورزی) و آشنا با فضای روستایی و کسب و کارهای موجود در روستا باشد. همچنین فرد تسهیلتگر بایستی آشنایی با ابزار و فنون تسهیلتگری داشته باشد و بداند که هر کدام از این فنون را چه موقع، چگونه و کجا

به کار ببرد. برای این منظور در ادامه به بررسی مهمترین فنون تسهیلگری که بیشترین کاربرد را در زمینه شناسایی کسب و کارها و پتانسیل‌های موجود در روستا در زمینه جلب مشارکت آن‌ها جهت اجرای انواع پروژه‌های توسعه‌ای دارند، پرداخته شده است.

انواع ابزارها و فنون تسهیلگری

ابزارها و فنون تسهیلگری، روش‌هایی هستند که توسط تسهیلگران و برای اجرای برنامه‌های تسهیلگری در حوزه‌های مختلفی از جمله؛ سازمان‌های دولتی، خصوصی، غیردولتی، گروه‌های مردم نهاد و توسعه جوامع روستایی و محلی استفاده می‌شوند. در فعالیتهای تسهیلگری از ابزارها، روش‌ها و فنون مختلفی استفاده می‌شود. انتخاب نوع روش یا ابزار یک تصمیم‌گیری بسیار مهم برای تسهیلگران می‌باشد که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند نوع مخاطبین، میزان وقت و زمان، اهداف هر فعالیت و موارد دیگری می‌باشد. در هر فعالیت تسهیلگری مانند یک نشست یا یک پروژه، اغلب مجموعه‌ای از ابزارها و فنون استفاده می‌شود (گیلفاس، ۱۳۹۲ و مأموریان، ۱۳۹۵). این ابزارها را می‌توان در چهار گروه عمده طبقه‌بندی کرد (گیلفاس، ۱۳۹۲).

- فعالیتهای گروهی

- فن تصویرسازی

- فن گفتگو و ارتباط کلامی

- فن مشاهده میدانی.

فعالیت‌های گروهی برای کار با گروه‌های مردم و تحقق مشارکت مؤثر آنها ضروری هستند. این فنون در تمامی روش‌های مختلف دیگر نیز قابل استفاده می‌باشند. فنون بصری‌سازی یا تصویرسازی آنهایی هستند که از روش‌های نمایشی و بصری برای ارائه اطلاعات یا دریافت اطلاعات از افراد با میزان تحصیلات مختلف استفاده می‌کنند و امکان می‌دهند که دانش و اطلاعات آنها سازماندهی شود. این فنون را می‌توان در گروه‌های اصلی زیر طبقه‌بندی نمود:

- **جداول و نمودارها:** که اطلاعات، ایده‌ها و نظرات را می‌توان به صورت منطقی در آنها

طبقه‌بندی و سازماندهی نمود تا بتوان تفاوت‌ها و اولویت‌ها را به همه نشان داد.

- **نقشه‌ها:** به همراه چارت‌ها (نمودارها) نمایش ساده‌ای از واقعیت‌های بیرونی هستند.

آنها می‌توانند کاربردهای متعددی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی یا تجزیه و تحلیل و نیز ارزیابی‌ها داشته باشند و اغلب نیز به عنوان نقطه شروع فرآیندها محسوب می‌شوند.

- **فلوچارت‌ها:** نمودارهایی هستند که روابط بین عناصر مختلف را نشان می‌دهند. این‌ها می‌توانند شامل روابط علت و معلول و یا روند حوادث رخ داده‌ها باشند.

- **روندها (سری‌ها):** نمودارهایی که وضعیت‌های وجود و فقدان یا شدت یک پدیده مشخص را نشان می‌دهند (گیلفاس، ۱۳۹۲).

فنون گفتگو و ارتباط کلامی در روش‌های مشارکتی و تسهیگری بر ارائه آمار یا ارائه یک طرفه اطلاعات و دانش تأکید ندارند، بلکه بیشتر در جهت مبادله اطلاعات از مراجع و منابع مختلف عمل می‌کنند. بدین ترتیب می‌توان اطمینان داشت که دیدگاه‌ها و اطلاعات اعضای مختلف جامعه را منعکس کرده‌اند. این روش‌ها همچنین برای دریافت نظرات و دیدگاه‌های افراد در مورد مسائل و مشکلاتشان به کار می‌روند.

مشاهدات میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات از سطح میدان از دیدگاه گروه‌های خاص طراحی شده‌اند. همان گونه که در مورد ویژگی تلفیقی این روش‌ها گفته شد، پس از جمع‌آوری اطلاعات، تسهیگران از روش‌های بصری‌سازی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌نمایند (گیلفاس، ۱۳۹۲). از این میان، فعالیت‌های گروهی و فنون تصویرسازی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و جامع‌تر هستند و نیز سایر ابزارها به نحوی در آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در مجموع بالغ بر ۸۰ ابزار و فنون تسهیگری وجود دارد که هر کدام از این فنون به منظور هدف مشخصی به کار می‌رود و منجر به جلب مشارکت، توسعه سازمانی، نهادی و جوامع محلی مختلف می‌شود. در ادامه این فصل فقط به بررسی فنونی پرداخته شده است که بیشترین کاربرد را در زمینه جلب مشارکت و جوامع محلی (روستایی) در شناسایی محیط روستا، امکانات و منابع آن، توسعه خوشه و زنجیره ارزش کسب و کارهای روستا دارند، لذا به منظور پایداری پروژه‌ها، جلب مشارکت افراد محلی، تأثیرگذاری آموزش‌ها و امکان‌سنجی و توسعه خوشه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی، پیشنهاد می‌شود از فنون مشارکتی ذیل استفاده شود.

گفتگو (مصاحبه) نیمه ساختارمند

هنگام کار کردن با اعضای جوامع روستایی، تسهیگران تقریباً همیشه با مردمی برخورد می‌کنند که به نسبت سطح سواد پایین‌تری دارند و کمتر آموزش رسمی دیده‌اند. مفاهیم تسهیگری یقیناً بایستی به منظور ترویج و تقویت گفتگو باشد. در این راستا دو رهنمود ضروری وجود دارد:

۱- پرسش سؤالاتی که مشارکت را تحقق بخشیده و تقویت نماید.

۲- به دقت عقاید و نظرات بیان شود.

در این راستا سؤالات تسهیلگران بایستی هنرمندانه باشد و منجر به تشویق کردن آنها به مباحثه، تشویق کردن گروه به عکس العمل، حرکت فرآیند به جلو، توجه به دانش گروه و قابلیت‌های آنها و تمایل آشکار به کمک و فهم مطالب باشد و از پرسیدن سؤالات بسته، تعاریف کلی و ابهام برانگیز، رفتار ارباب مآبانه و شروع به سخنرانی کردن پرهیز شود (گیلفاس، ۱۳۹۲).

هدف مصاحبه نیمه ساختارمند:

هدف اصلی از انجام این گونه گفتگوها، جمع‌آوری اطلاعات عمومی یا اختصاصی از طریق گفتگو با افراد (پاسخ دهندگان اصلی و مهم)، خانوارها (خانواده‌هایی که نمونه یا نماینده تمام جامعه محسوب می‌شوند) یا گروه‌های خاص می‌باشد. گفتگوهای نیمه ساختاری روشی است که در جهت کاهش اثرات منفی پرسشنامه‌های رسمی و معمول به کار می‌رود. در پرسشنامه‌های معمول، امکان پاسخ‌های مشخصی وجود دارد، امکان گفتگو نیست و از طریق آنها نمی‌توان ادراک و فهم یا ذهنیات افراد را منتقل کرد. این گونه گفتگوها کاربرد زیادی دارند که از آن جمله می‌توان به مطالعات اجتماعی، مطالعات موردی، تعیین میزان صحت و درستی اطلاعات و داده‌هایی که از منابع دیگر جمع‌آوری شده‌اند و غیره اشاره کرد. گفتگو با مصاحبه متفاوت است چراکه در مصاحبه افراد به دنبال مبادله هستند و به این دلیل، عناوین از پیش تعیین شده در گفتگوهای نیمه ساختاری، صرفاً به عنوان یک راهنمای عمومی عمل می‌کند (گیلفاس، ۱۳۹۲).

زمان مورد نیاز:

در مورد موضوعات مختلف، متفاوت است.

مواد و ابزار لازم:

صرفاً یک دفترچه یادداشت کوچک و یک قلم البته در صورتی که یادداشت برداری می‌شود. باید توجه داشت که در برخی موارد خاص، حتی یادداشت برداری نیز موجب بروز حساسیت‌هایی در افراد پاسخ دهنده می‌شود که می‌بایست قبلاً برطرف شوند (مأمورین و همکاران، ۱۳۹۵).

روش کار:

مرحله ۱- ابتدا باید یک راهنما برای مصاحبه تهیه شود (شامل ۱۰ تا ۱۵ عنوان یا محور برای پاسخگویان اصلی ۶ تا ۷ مورد برای گروه‌ها) که به طور شفاف مسائل اصلی مورد مطالعه را به صورت خلاصه نشان دهند. این عناوین (نه سؤالات) به عنوان یک راهنما برای گفتگوکننده هستند و باید آن‌ها را حفظ کند نه به این دلیل که باید از بر شوند، بلکه به این دلیل که تمام موضوعات را در گفتگو در نظر داشته باشد. اگر گفتگو بخشی از یک فعالیت پژوهشی است، تهیه پیش نویس این راهنما عملاً یک کار گروهی است و باید افراد مختلفی به ویژه پژوهشگران میدانی و سایر کارشناسان نیز در مورد آن نظر دهند. مراحل اصلی برای تهیه پیش نویس عناوین به صورت زیر است:

- تعیین نیازها و اهداف از گفتگو (ما چه چیزی را می‌خواهیم بدانیم؟)؛
- تهیه لیستی از مسائلی که باید برای تأمین نیازها، مورد توجه قرار گیرند؛
- بحث در مورد مسائل و مشکلات مرتبط با موضوع؛
- بحث در مورد اینکه مخاطب اصلی این کار چه کسی یا کسانی هستند؛
- بحث و انتخاب مناسب‌ترین روش برای دستیابی به اطلاعات در مورد هر عنوان. راهنمای گفتگو یک دستورالعمل غیرقابل تغییر نیست. این راهنما می‌بایست اصلاح شده و بسته نتایج هر گفتگو، بازنگری شود. این راهنما نباید گفتگو را به یک کار ماشینی تبدیل کند، بلکه باید سعی شود تا گفتگوها بدون از دست دادن اهداف اصلی، آزادانه جریان یابند.
- مرحله ۲- این مرحله شامل انتخاب افراد یا گروه‌ها برای گفتگو است. انتخاب بسیار مهم است و برای اجتناب از خطا به راهنمایی‌های زیر در مورد انواع خطاهای ممکن توجه کنید:
 - خطای دسترسی: اینکه گفتگو را به افرادی محدود کنید که در دسترس شما هستند (مثلاً آن‌هایی که نزدیک جاده اصلی یا راه ورودی روستا یا مرکز آن زندگی می‌کنند و در نتیجه به راحتی آن‌ها را پیدا می‌کنید).
 - خطای سلسله مراتب: اینکه تنها با رهبران محلی و آن‌هایی که صاحب جایگاه و قدرت در جامعه هستند، صحبت کنید.
 - خطای جنسیتی: اینکه زنان در برنامه‌ها حضور نداشته باشند.
 - خطای ناشی از تنوع: اینکه تمام گروه‌های مختلف جامعه محلی در نظر گرفته نشده باشند و در برنامه‌ها نماینده‌ای نداشته باشند.

- خطای ناشی از فصل و زمان: اینکه در زمان‌های معینی از سال، گروه‌ها و اقشار خاصی از مردم روستایی در دسترس نیستند (مانند کارگران فصلی و غیره).
- خطای ناشی از ساعت کار افراد: بسیاری از افراد در یک جامعه محلی در طی روزها و ساعت‌های خاصی در دسترس نیستند.
- خطای ناشی از پروژه: اینکه گفتگوها با افرادی از جامعه محلی انجام شود که همگی در کار پروژه‌های دخیل بوده و با سازمان متولی برنامه توسعه در ارتباط هستند.
- مرحله ۳- این مرحله، مرحله انجام گفتگو یا مصاحبه‌ها است. در این زمینه توجه تسهیل‌گر بایستی به موارد زیر باشد:
 - مردم را در وضعیت راحت قرار دهید. زیاد ژست رسمی نگیرید و رابطه را با آن‌ها نزدیک کنید. در مقابل پاسخ‌های آن‌ها خود را ناراحت نشان ندهد و یا نگرش تحقیرآمیز به پاسخ‌های خاص نداشته باشید.
 - برآنچه که مردم می‌گویند تمرکز کنید. به صورت آن‌ها نگاه کنید و حالت غرور یا بی‌حوصلگی نداشته باشید.
 - حرف افراد را قطع نکنید و بطور ناگهانی موضوع را عوض نکنید.
 - لزومی ندارد که در همه موارد، راهنمای گفتگو به صورت کامل اجرا شود. موضوعات جالب و جدیدی که در حین بحث پیش می‌آید را بکار بگیرید و از طریق آن‌ها نتیجه‌گیری نهایی را دنبال کنید.
 - سؤالات شما کاملاً باز و شفاف باشد و منجر به پاسخ‌های بسته مانند بله و خیر نباشد. ترجیحاً با کلماتی مثل چرا، چگونه، چه وقتی، چه کسی و کجا شروع شوند تا منجر به تفکر و ایجاد واکنش از طرف مخاطبین باشند.
 - از طریق سؤالاتی مانند «منظور شما چیست؟» «یا در مورد این موضوع بیشتر بگویید»، افراد را تشویق کنید که توضیح دهند.
 - سؤالات بسیار دشوار و یا تهدیدکننده نپرسید.
- مرحله ۴- در این مرحله، تحلیل نتایج صورت می‌گیرد. یادداشتهایی ممکن است در طی مصاحبه‌ها تهیه شود که بیشتر زمانی به خوبی تهیه می‌شوند که دو مصاحبه‌گر وجود دارند. برای ارزیابی پاسخ‌ها به موارد زیر توجه کنید:

- ۱) آیا مصاحبه شونده تجربه مستقیم در مورد موضوع را داشته است؟ آیا او در مقام پاسخگویی به سؤالات بوده است (یعنی شایستگی یا صلاحیت پاسخگویی داشته است؟).
- ۲) آیا مصاحبه شونده وقت کافی برای فکر کردن در مورد پاسخها داشته و یا پاسخهای او همان چیزهایی هستند که به نظر او «ما دوست داشتیم بشنویم»؟
- ۳) آیا ممکن است مصاحبه شوندگان حقیقت را نگفته باشند؟ آیا افرادی در محل بوده‌اند که حضور آنها بر پاسخها تأثیر داشته است؟
- پاسخها را در سه گروه طبقه‌بندی کنید:
- اطلاعات و داده‌ها (یعنی واقعیت‌های موجود)
 - دیدگاهها و نظرات
 - شایعات

مرحله ۵- اطلاعات بدست آمده را با اطلاعات دیگر منابع (دیگر مصاحبه‌ها، نتایج سایر بررسی‌ها با موضوع مشابه) مقایسه کنید (مأموربان و همکاران، ۱۳۹۵ و گیلفاس، ۱۳۹۲).

در مصاحبه نیمه ساختارمند، ابتدا مصاحبه‌گر باید خود را معرفی کند و هدف از مصاحبه را به اطلاع حاضرین برساند. در ادامه با طرح کردن سؤالات کلی در خصوص هدف کار، بحث را آغاز کرده و در ادامه با مطرح کردن سؤالات بعدی که در خلال بحث به وجود می‌آید بتوان جلسسه را ادامه داد و به جلو هدایت کرد. در ادامه چند تصویر از جلسات مصاحبه نیمه ساختارمند در اجرای پروژه توانمندسازی جوامع روستایی در روستاهای هدف به منظور توسعه کسب و کارهای روستایی (حیدری و احمدی، ۱۳۹۸) ارائه شده است. بعد از این فن عامل توسعه خوشه کسب و کار (کارشناسان ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی) می‌توانند جواب سؤالات کلی خود را به دست آورد و آگاهی آنها در زمینه کسب و کارهای فعال منطقه و شرایط آنها بالا رود.



شکل ۴-۲. انجام مصاحبه نیمه ساختارمند



شکل ۴-۳. اجرای فن مصاحبه نیمه ساختارمند

تشکیل گروه‌های کاری ویژه

هدف:

این کار برای سازماندهی افرادی از یک اجتماع است که منافع یا کارکردهای مشترکی دارند و به منظور انتخاب یک راه‌حل خاص یا تمرکز بر یک موضوع از میان موضوعات مختلفی است که توسط مردم آن جامعه مطرح شده‌اند. گروه‌های ویژه بخصوص در سه مرحله زیر مفید هستند:

- بررسی عمیق و دقیق یک مسأله خاص در میان یک گروه بزرگ غیرممکن است؛
 - شرایطی که شرکت کنندگان در گروه‌های کوچکتری تقسیم شوند چرا که دیدگاه‌های بسیار متفاوتی در مورد یک موضوع دارند و رابطه آنها با مسأله مورد نظر مشخص است و دیدگاه‌های مختلف نایستی بر هم تأثیر گذاشته یا غالب شوند (مثلاً زنان در برابر مردان، جوانان در برابر دیگران و غیره)؛
 - برخی افراد در مورد یک موضوع اطلاعات کافی دارند و یا در مورد مسائل خاصی بسیار علاقمند هستند، در حالی که کل گروه در این مورد اطلاعات کافی نداشته و یا به هر دلیل علاقمند به آن نیستند یا منافعی در آن مورد ندارند.

زمان مورد نیاز:

این کار اغلب بخشی از یک فعالیت بزرگتر مانند یک بررسی یا مطالعه است.

روش اجرا:

مرحله ۱- آماده سازی که در آن عناوین مورد بحث می‌بایست به روشنی بیان شده و در نتیجه افراد متمایل به هر موضوع مشخص شوند. این کار می‌تواند پیش از جلسه و یا در طی نشست گروه اصلی صورت گیرد.

مرحله ۲- این مرحله شامل انتخاب شرکت کنندگان با اعضای گروه ویژه است. این گروه باید همگن باشد یعنی اعضا همسانی و شباهت داشته باشند و به موضوع محوری گروه علاقه‌مند و متعهد باشند و یا ویژگی‌های مشترکی داشته باشند و یا متخصصین محلی در مورد موضوع باشند (یعنی گروهی از افراد جامعه محلی که در مورد یک موضوع خاص تخصص دارند).

اعضای گروه را می‌توان بر اساس اطلاعات به دست آمده از پاسخگویان کلیدی یا دیگر فعالیت‌ها (مانند نقشه اجتماعی) تعیین کرد و تعداد افراد نیز معمولاً بین ۴ تا ۱۲ نفر است (گیلفاس، ۱۳۹۲ و مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵). این فن می‌تواند مبنایی جهت ایجاد شبکه و خوشه کسب و کارهای کشاورزی باشد. تشکیل گروه‌های کاری ویژه می‌تواند در هر زمینه‌ای که اعضای آن گروه با همدیگر هدف یکسانی دارند، بکار رود. به عنوان مثال در خوشه کسب و کار نخود، کشاورزان روستا می‌توانند با همدیگر گروه کاری مشترک (شبکه) در زمینه خرید نهاده‌های مورد نیاز از جمله خرید بذر گواهی شده یا سم مورد نیاز، برداشت محصول و ... با همدیگر تشکیل دهند. تشکیل این گونه گروه‌های کاری مشترک (شبکه‌ها) منجر به افزایش

توان کارهای گروهی، هم فکری، کاهش هزینه‌ها و در نهایت نهادسازی در روستاها می‌شود. در ادامه تصاویر اعضای شبکه نخود در یکی از روستاهای استان کرمانشاه مشاهده می‌شود که پس از توجیه خصوصیات شبکه، اقدام به خرید مشارکتی نهاده‌های مورد نیاز کرده‌اند.



شکل ۴-۴. ارائه آموزش به اعضای گروه کاری (شبکه)



شکل ۴-۵. خرید مشارکتی نهاده‌ها توسط گروه کاری

نقشه اجتماعی

هدف:

هدف از اجرای این تکنیک، به دست آمدن شمای کلی از روستا، تعداد خانوارها، جمعیت و امکانات موجود در روستا است. همچنین نقشه اجتماعی به عنوان پایه برای سایر تکنیک‌ها (نقشه کاربری اراضی، نقشه منابع و نقشه احشام) می‌باشد (حیدری و احمدی، ۱۳۹۸).

زمان مورد نیاز:

زمان مورد نیاز اجرای این فن حداقل ۲ ساعت است.

مواد و ابزار لازم:

تخته سیاه، گچ، کاغذ رول و ماژیک رنگی.

روش اجرا:

مزیت این نقشه این است که به پاسخ دهندگان اجازه می‌دهد، برای نتیجه‌گیری در رسیدن به مسائل حساس، ناشناس باقی بمانند. نقشه‌های مجزا می‌توانند مسائل مختلف را پوشش دهند (همانند تعداد اعضای خانواده، زمین، دام، زیرساخت‌ها و غیره).

مرحله ۱- جمع آوری گروه کوچکی از پاسخ دهندگان که جامعه را به خوبی می‌شناسند و هدف از اجرای این فن برای آن‌ها توضیح داده شود.

مرحله ۲- از شرکت کنندگان به منظور توسعه نقشه پایه‌ی برخی از نقاط مرجع (جاده‌ها و غیره) شامل همه منازل در جامعه سؤالاتی همانند: چه افراد خانوار در هر جامعه وجود دارد؟ بپرسید اگر امکان دارد برای طبقه‌بندی کلی از خانواده‌ها سؤالات مشخص‌تری برای منابع مربوط در نظر گرفته شود. سؤالاتی همانند: برای زندگی کردن چه کارهایی انجام می‌دهند؟
مرحله ۳- تمرین بایستی به منظور بررسی داده‌ها با چند گروه از پاسخ دهندگان صورت پذیرد.

نکته: نقشه اجتماعی، اولین قدم به سمت درک واقعیات جامعه است، بایستی زمینه را برای تمرین‌های تحلیلی دقیق‌تر طرح نمود (گیلفاس، ۱۳۹۲). در نقشه اجتماعی عموماً موقعیت منازل، مسجد، مدرسه و امکانات زیرساختی روستا ترسیم می‌شود که در ادامه با استفاده از نقشه منابع تکمیل می‌شود. در ادامه، ترسیم نقشه اجتماعی توسط تعدادی از افراد مطلع یکی از روستاهای شهرستان روانسر که بخشی از پروژه تسهیلتگری و توانمندسازی جوامع روستایی می‌باشد، ارائه شده است (حیدری و احمدی، ۱۳۹۸). اجرای این فن به بالا بردن اطلاعات گروه توسعه خوشه کسب و کار در مورد شرایط جغرافیایی و تعداد خانوارهای روستا کمک می‌کند.



شکل ۴-۶. ترسیم نقشه اجتماعی روستا، توسط اهالی روستا

نقشه منابع (طبیعی، مالی، فیزیکی، اجتماعی و انسانی)

هدف:

هدف این فن ایجاد نقشه‌ای است که در آن منابع موجود در روستا اعم از منابع طبیعی (مراتع، جنگل، رودخانه)، مالی (زراعت، باغ، دام، شیلات و ...)، فیزیکی (جاده، مدرسه، آب، برق، گاز و ...)، اجتماعی (انجام فعالیت‌های گروهی و مشترک) و انسانی (وجود نیروی انسانی جوان، متخصص و حرفه‌های مختلف در روستا) در نقشه ترسیم شود نقشه منابع می‌تواند بر روی نقشه اجتماعی روستا ترسیم شود و آن نقشه را کامل کند. خروجی این نقشه می‌تواند مزیت‌های اقتصادی روستا یا کسب و کارهای اولویت دار روستا را نمایان کند.

زمان مورد نیاز:

زمان مورد نیاز این فن ۱ تا ۳ ساعت است.

مواد و ابزار لازم:

تخته سیاه و گچ یا کاغذ رول و ماژیک.

روش اجرا:

مرحله ۱- حداکثر ده نفر از افراد جامعه را گردآوری کنید و هدف این تمرین را برای آنان توضیح دهید. در صورت لزوم آنها را بر اساس اولویت‌بندی یا گروه خاص (برای مثال؛ مرد، زن یا جوان) تفکیک نمایید.

مرحله ۲- به آنها بگویید نقشه چگونه کشیده خواهد شد و چه علائم و خصوصاتی در آن وجود دارد (رودخانه‌ها، جاده‌ها، خانه‌ها، جنگل‌ها، زمین‌های زراعی و غیره). اگر آنها تمایل داشته باشند تا نقشه شامل تعداد زیادی از این خصوصیات باشد، تسهیلگر می‌تواند کشیدن چندین نقشه را پیشنهاد دهد.

مرحله ۳- کمک کنید تا افراد پر انرژی تر کار را شروع کرده و سپس به سایر افراد گروه واگذار کنند. سپس اجازه دهید گروه با کشیدن بر روی تخته، برگه یا زمین به تنهایی به کار خود ادامه دهد. با «یک نقشه‌ی پایه» شروع نمایید که شامل چندین نقطه‌ی عطف مانند رودخانه‌ها، جاده‌ها و غیره است. بعد از آن نقطه، متخصصان نباید دخالت نمایند. عموماً از نقشه اجتماعی به عنوان نقشه پایه استفاده می‌شود.

مرحله ۴- یک جلسه‌ی جامع (شامل تمام اعضاء) برگزار نمایید تا در مورد نقشه‌ای که توسط گروه (ها) کشیده شده است، بحث نمایید. یک نقشه‌ی نهایی ایجاد کنید که شامل نظرات تمام شرکت کنندگان باشد.

مرحله ۵- از نقشه (ها) رونویسی نمایید، یک کپی به اعضای گروه و یک کپی به گروه فنی ارائه دهید. کاربردهای احتمالی آن را مطرح نمایید (به نقشه اجتماعی رجوع کنید).

نکته ۱: نقشه به عنوان نقطه آغاز برای تحلیل‌های بیشتر به شمار می‌رود. هدف آن راهنمایی افراد برای رسم نمودار و یا تهیه برش‌های مختلف می‌باشد. این نقشه ممکن است مورد تجدیدنظر قرار گرفته، اصلاح و بهبود یابد یا به نقشه‌های مختلفی تقسیم شود (گیلفاس، ۱۳۹۲).

نکته ۲: در نقشه ترسیم شده بایستی در گوشه سمت چپ آن راهنمای نقشه نیز وجود داشته باشد و هر کدام از علائم مشخص شده و مورد توافق شده به عنوان یکی از منابع برای خانوارهای روستا مشخص شود.

نقشه منابع با الهام گرفتن از نقشه اجتماعی می‌تواند روی همان نقشه اجتماعی ترسیم می‌شود، چون در نقشه اجتماعی، موقعیت جغرافیایی روستا و خانه‌های آن مشخص است، لذا طبق آن موقعیت منابع و زمین‌های اطراف روستا، وضعیت احشام و زمین‌های زراعی و باغی خانوارها مشخص می‌شود. در مثال زیر که بخشی از پروژه تسهیلگری و توانمندسازی اداره منابع طبیعی استان کرمانشاه در یکی از روستاهای شهرستان روانسر می‌باشد. نقشه منابع روی نقشه اجتماعی اولیه ترسیم شده است (حیدری و احمدی، ۱۳۹۸) آمده است.



شکل ۴-۷. ترسیم نقشه اجتماعی و منابع روستا

خروجی نقشه منابع به شناسایی پتانسیل‌ها و کسب و کارهای فعال روستا یا منطقه که خانوارهای روستا از طریق آنها امرار معاش می‌کنند، منتهی می‌شود و به نوعی کسب و کارهای فعال و مزیت‌های منطقه با اجرای این فن به دست می‌آید. حال با توجه به اینکه کسب و کارهای فعال و اولویت‌دار روستا شناسایی شدند و با توجه به وجود هم مکانی جغرافیایی و یکسان بودن فرصت و چالش‌های کسب و کار اولویت‌دار روستا که یک هدف مشخص هم دارند، می‌توان در قالب مدل توسعه خوشه کسب و کار اقدام به توسعه کسب و کار اولویت‌دار منطقه کرد. در ادامه با استفاده از فن فلوچارت فعالیت‌ها به بررسی چگونگی اجرای زنجیره ارزش کسب و کار مدنظر در منطقه می‌شود. سپس از طریق فن شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات، می‌توان اقدام به استخراج و اولویت‌بندی مشکلات زنجیره ارزش خوشه کسب و کار مدنظر با مشارکت کارشناسان و روستائیان که ذی نفعان اصلی خوشه کسب و کار هستند، کرد.

فلوچارت فعالیت‌ها

هدف:

به منظور به تصویر کشیدن جریان حوادث و روند فعالیت‌های مورد نیاز برای انجام یک کسب و کار تولیدی (برای مثال، برای تولید نخود) می‌باشد. این نوع نمودار چندین استفاده

دارد: می‌تواند به عنوان یک معیار کمیت‌پذیر (مثلاً برای سرمایه‌گذاری)، به عنوان مبنایی برای مشکلات مطرح شده یا به عنوان وسیله‌ی نشان دهنده‌ی پیچیدگی دانش مورد نیاز برای فرآیندهای مشخص و ویژه به کار رود.

زمان مورد نیاز:

حدود ۱ ساعت برای هر نمودار.

مواد و ابزار لازم:

تخته سیاه، گچ، کاغذ رول و ماژیک رنگی.

روش اجرا:

مرحله ۱- گروهی از افراد محلی و مطلع که در کسب و کار مدنظر فعالیت می‌کنند را دور هم گرد آورید. هدف تمرین را توضیح دهید.

مرحله ۲- پرسش روبرو را بپرسید: این فرآیند از کجا شروع می‌شود؟ (کاشت نخود را از کجا شروع می‌کنید؟) اولین مرحله را روی تخته یا کاغذ مقوایی بنویسید و تا جایی که کل فرآیند پوشش داده شود، سیستماتیک ادامه دهید. شرکت‌کنندگان معمولاً مراحل جدیدی اضافه می‌نمایند که بر اولین مورد نوشته شده تقدم می‌یابند.

مرحله ۳- با پرسیدن سؤال از شرکت‌کنندگان که به کدام مراحل برای تصمیم‌گیری در قسمت‌های مختلف در حین فرآیند نیاز است؛ این نمودار می‌تواند گسترش یابد. با پیروی از الگوی فرآیند مشابه درخت مشکلات «شاخه‌ها» اضافه می‌شوند.

مرحله ۴- اطلاعات قابل سنجش و کمیت‌پذیر همچون میزان ورودی‌ها و کار مورد نیاز در مراحل مختلف فرآیند، می‌توانند به نمودار اضافه شود.

مرحله ۵- از شرکت‌کنندگان بپرسید که آنها در مورد تمرین چه فکر می‌کنند. نتایج را یادداشت کنید و آنها را با گروه مرور نمایید.

برای اجرای این فن مقوا و ماژیک در اختیار افراد کشاورزان حاضر در جلسه قرار گرفت و از آنان خواسته شد که فرآیند کاشت نخود را از ابتدا تا انتها یعنی برداشت و فروش محصول ترسیم کنند. در ادامه روندنما زنجیره کسب و کار نخود توسط کشاورزان ارائه شده است.



شکل ۴-۸. روندنما کاشت، داشت و برداشت نخود

این فن می‌تواند برای همه کسب و کارهای اولویت‌دار روستا شامل محصولات باغی، دامی و ... اجرا شود که بتوان مراحل تولید محصولات مختلف در روستا را توسط روستاییان مشخص کرد. اجرای این فن می‌تواند بر اساس مراحل زنجیره کسب و کار انجام شود و وضعیت حلقه‌های اصلی زنجیره ارزش کسب و کار شامل؛ (تأمین، تولید، فرآوری، بازاریابی و فروش) در منطقه و وضعیت فعالیت‌های پشتیبان (بخش خصوصی، دولت، مهارت و ظرفیت‌های، بازیگران بازار، زیرساخت‌ها، اتحادیه‌ها، قوانین و مقررات، استانداردها و ...) و ارتباط این فعالیت‌ها با همدیگر و با بخش خصوصی در کسب و کار به چه شکل است و حلقه‌های مفقوده آن چی مواردی است. در واقع اجرای این فن می‌تواند مراحل زنجیره کسب و کار مدنظر در روستا را شناسایی کرد و چگونگی انجام هر کدام از فعالیت‌های موجود در حلقه‌های زنجیره را مشخص کرد و نقاط فشار و حلقه مفقوده تولید هر کدام از محصولات تولیدی را شناسایی و جهت تکمیل کردن زنجیره ارزش آن محصول با مشارکت مردم اقدام کرد.

خروجی این فن به استخراج مراحل زنجیره ارزش خوشه کسب و کار مدنظر در منطقه کمک می‌کند و اینکه هر فعالیت از زنجیره ارزش کسب و کار در چه تاریخی و با چه روشی انجام می‌گیرد، در ادامه با استفاده از فن شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات اقدام به شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات زنجیره ارزش کسب و کار مدنظر می‌شود.

در زنجیره کسب و کار نخود که فلوجارت فعالیت‌های آن تدوین شد، مشخص شد که در بخش تأمین نهاده‌ها، بذر مورد نیاز بیشتر به صورت خودمصرفی و از محصول سال قبل استفاده می‌شود و در برخی موارد در بازار آزاد از سایر کشاورزان بذر خریداری می‌شود. در واقع در بخش تأمین نهاده‌ها از تأمین بذر گواهی شده و مادری لیبل دار استفاده نمی‌شود. سم مورد نیاز نیز به صورت انفرادی و بدون اطلاع و آگاهی از تأثیر سموم خریداری و استفاده می‌شود.

در بخش تولید نیز کاشت این محصول در منطقه مورد بررسی، به صورت سنتی و دستی انجام می‌گیرد و از کشت مکانیزه خبری نیست و کاشت این محصول در این منطقه، به صورت بهاره در اواخر زمستان یا اوایل بهار انجام می‌گیرد که عملکرد پایین تری نسبت به کشت پاییزه دارد. در دوره داشت محصول نیز به ندرت وجین محصول انجام می‌گیرد و عموماً با دانش پایینی از سموم استفاده می‌شود. در تولید نخود، کشاورزان این منطقه دانش کافی از کشت به صورت پاییزه ندارند و نیاز به آموزش در این زمینه و موارد دیگری از جمله استفاده از سموم و کاشت و برداشت محصول به صورت مکانیزه دارند. در بازاریابی و فروش محصول نیز محصول تولید شده به دلال‌های منطقه با قیمت به نسبت پایینی به فروش می‌رسد.

جدول شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات

هدف:

هدف از این کار طراحی نموداری است که مهمترین مسائل و مشکلاتی که یک گروه (مثلاً کشاورزانی که کشت نخود انجام می‌دهند) با آن مواجه است را نشان دهد. اولویت‌بندی مشکلات می‌تواند در زمینه‌های مختلف انجام شود، مثلاً در حوزه دام، باغ، زراعت، مشکلات عمومی روستا و ... مشکلات هر کدام از این فعالیت‌ها به طور جداگانه می‌توان شناسایی و اولویت‌بندی کرد. سپس برای مشکلات مهمتر که در اولویت باشند، درخت مشکل ترسیم شود.

۱- در اینجا بهتر است با راهنمایی و تسهیلتگری کارشناسان (تسهیلتگر، عامل توسعه خوشه و کارشناس کسب و کار مدنظر) حلقه‌های زنجیره ارزش خوشه کسب و کار مدنظر برای مردم بیان شود مثلاً (تأمین نهاده، تولید، فراوری، بازاریابی و فروش) و همچنین فعالیت‌های پشتیبان که به فعالیت‌های اصلی کمک می‌کنند بیان شود که مردم و ذی‌نفعان خوشه مدنظر بر اساس حلقه‌های زنجیره ارزش کسب و کار و فعالیت‌های پشتیبان بتوانند مشکلات هر حلقه از زنجیره ارزش و ارتباطات و همکاری هر کدام از آن فعالیت‌ها با همدیگر و ... را در خوشه کسب و کار مدنظر بیان کرده و اولویت‌بندی کنند.

زمان مورد نیاز:

زمان لازم اجرای این فن حدود ۲ ساعت است.

مواد لازم:

ماژیک رنگی و کاغذ بزرگ (رول)، یا تخته سیاه (سفید) و گچ.

روش اجرا:

مرحله ۱- برای شرکت کنندگان توضیح دهید که این کار چیست و به عنوان یک گروه باید مشکلات موجود را شناسایی و لیست کرده و بگویند که کدام یک مهمترین مشکل جامعه محلی یا گروه است.

مرحله ۲- یک ماتریس دو وجهی رسم کنید به نحوی که تعداد ردیف‌ها و ستون‌ها یکسان باشد و تعداد آنها مساوی تعداد مشکلات مطرح شده باشد.

مرحله ۳- در جدول ماتریسی از خانه اول یعنی جایی در ستون اول که مشکل شماره ۱ در آن است شروع کنید. از شرکت کنندگان بپرسید که کدام مشکل به نظر شما مهمتر است، شماره ۱ یا شماره ۲ (ستون اول ردیف دوم) یا اینکه بپرسید «کدام مشکل می‌بایست سریع‌تر حل شود، شماره ۱ یا شماره ۲، وقتی که اجماع حاصل شد (یعنی همه توافق کردند) مشکل مهمتر را در درون خانه بنویسید یا در خانه مذکور فلش به سمت آن مشکل ترسیم کنید.

مرحله ۴- همین کار را در مورد تمام مشکلات به صورت دوتایی تکرار کنید. در پایان، نیمی از جدول پر شده است.

مرحله ۵- تعداد دفعاتی که هر مشکل در جدول تکرار شده است را بشمارید و در نتیجه می‌توان آنها را به ترتیب اولویت مرتب کرد. مشکلی که از همه بیشتر تکرار شده است، مهمترین مسئله می‌باشد.

مرحله ۶- از شرکت کنندگان بپرسید که در مورد مراحل مذکور چه فکر می‌کنند. نتایج را بنویسید و یک کپی از آن را به هر یک بدهید (گیلفاس، ۱۳۹۲؛ مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵). در نهایت پس از اینکه مشکلات شناسایی و اولویت‌بندی شدند، اقدام به ترسیم درخت مشکل، مشکلات دارای اولویت خواهد شد.

در این روش، بعد از اینکه مشکلات حلقه‌های مختلف زنجیره ارزش کسب و کار مدنظر به دست آمد و اولویت‌بندی شد، با توجه به آن می‌توان حلقه اصلی که منجر به بروز مشکل در زنجیره ارزش آن کسب و کار شده است را به دست آورد و در توسعه خوشه تأکید بیشتری بر آن داشت.

در مثال ذیل، کسب و کار اصلی روستای مورد مطالعه کاشت نخود است، لذا خوشه کسب و کار این روستا را می‌توان خوشه کسب و کار نخود نامید و در راستای توسعه آن اقدام کرد. با مشارکت کارشناسان و چند نفر از کشاورزان ذی نفع و مطلع در این کسب و کار، مشکلات زنجیره ارزش این کسب و کار شناسایی و اولویت‌بندی شد. بنابر مشارکت افراد مطلع و حاضرین در جلسه، مشکلاتی همانند عدم دسترسی به ارقام مختلف بذر مرغوب، عدم دسترسی به کارنده مخصوص کاشت نخود، عدم دسترسی به کمابین در فصل برداشت، نبود دستگاه بوجاری لیزری در منطقه، بهره‌وری پایین نسبت به میانگین جهانی، نبود کارخانه فراوری محصول در منطقه، نبود خرید تضمینی محصول، نبود مجوز صادرات از عمده مشکلات اصلی این کسب و کار می‌باشد که بهره‌برداران حاضر در جلسه به هم‌را کارشناس به آن اذعان داشتند. در ادامه با استفاده از جدول اولویت‌بندی و با مشارکت حاضرین در جلسه اقدام به اولویت‌بندی این مشکلات شد.



شکل ۴-۹. ترسیم جدول اولویت‌بندی مشکلات خوشه کسب و کار نخود توسط کشاورزان

مشکلات کشاورزی	عدم دسترسی به ابزار و وسایل	ندودرنگذات بهرای زراعت	عدم دسترسی کار و محموله	نبود کمپاین برداشت	بهره‌وری پایین زمین و آب	نبود کارخانه روستای	عدم دسترسی به خدمات تعمیراتی	جمع امتیاز
عدم دسترسی به ابزار و وسایل	→	→	↑	↑	→	↑	↑	۳
بهره‌وری پایین	→	→	↑	↑	↑	→	↑	۲
عدم دسترسی به کارخانه تعمیراتی	→	→	→	↑	→	↑	↑	۴
نبود کمپاین برداشت	→	→	→	↑	↑	→	→	۳
بهره‌وری پایین	→	→	→	↑	↑	→	→	۳
نبود کارخانه تعمیراتی	→	→	→	↑	↑	→	→	۲
عدم دسترسی به خدمات تعمیراتی	↑	→	→	↑	↑	→	→	۱
نداشت خدمات	→	→	→	↑	↑	→	→	
جمع عددی	۰	۰	۲	۴	۱	۱	۱	۰
جمع کل	۱	۱	۴	۷	۴	۵	۳	۳

شکل ۴-۱۰. جدول اولویت بندی مشکلات خوشه کسب و کار نخود

محاسبه امتیازها در جدول اولویت بندی به این شکل است که ابتدا امتیازهای افقی هر کدام از موارد را محاسبه کرده، سپس اقدام به بررسی امتیازها به صورت عمودی می‌شود، در نهایت امتیازات افقی و عمودی هر مورد با صورت جداگانه با همدیگر جمع شده و امتیاز کل به دست می‌آید. در مثال جدول بالا، مشخص شد که در خوشه کسب و کار نخود، مشکل بهره‌وری پایین نسبت به میانگین جهانی با ۷ امتیاز (به این شکل محاسبه شده است که گزینه بهره‌وری پایین به صورت افقی ۳ بار فلش به سمتش رفته و به صورت عمودی نیز ۴ بار فلش به سمت آن رفته است، لذا جمع آن ۷ می‌شود که نسبت به دیگر مشکلات ذکر شده، بیشترین تعداد فلش را به سمت خودش جذب کرده است) اولویت اول این زنجیره را دارد و به عنوان مشکل اصلی زنجیره ارزش نخود شناسایی شد، در اولویت‌های بعدی عدم دسترسی به کارنده مخصوص کاشت نخود با ۵ امتیاز و نبود کمپاین و هد آن در فصل برداشت و نبود کارخانه فراوری نخود هر کدام با ۴ به عنوان اولویت‌های بعدی این زنجیره مشخص شدند.

نکته: توجه داشت که در کنار اجرای فنون باید نکات رد و بدل شده بین کارشناسان و یا ذی نفعان حاضر در جلسه یادداشت‌برداری شود و قطعاً قبل از اجرای این فن عامل توسعه

خوشه (کارشناس ترویج و آموزش کشاورزی یا توسعه روستایی با همکاری متخصص کسب و کار مدنظر) باید بخشی از مطالعات خود را در زمینه زنجیره ارزش کسب و کار مدنظر آغاز کرده باشد و اطلاعات و آگاهی کافی در خصوص وضعیت آن کسب و کار در ایران و جهان، بررسی میانگین عملکرد آن محصول در ایران و جهان، روند شکل‌گیری آن کسب و کار، کشورهای عمده تولیدکننده آن در دنیا، وضعیت بازار، صادرات و واردات آن، ماشین‌آلات و ... را داشته باشد که در جلسه اجرای فن اولویت‌بندی مشکلات، این موارد را با وضعیت آن کسب و کار در منطقه هدف مقایسه کند و بتوان نتیجه‌گیری و استراتژی درستی جهت توسعه خوشه کسب و کار مدنظر ارائه داد. در این مثال با توجه به اینکه مشکل بهره‌وری پایین به عنوان اولویت اول مشکل خوشه کسب و کار نخود شناسایی شد، در ادامه در فن درخت مشکل، به بررسی این مشکل پرداخته شده است. البته فن درخت مشکل را می‌توان برای چند مشکل اولویت‌دار هر خوشه کسب و کاری که شناسایی شده ترسیم کرد.

درخت مشکلات (با نمودار علت - معلول)

منظور از درخت مشکلات، ترسیم شکلی است که بر اساس آن می‌توان علت و معلول‌ها و یا دلایل وجود مشکلات و مسائل موجود در یک جامعه را بر اساس نظرات و دیدگاه‌های افراد حاضر در جلسه سازماندهی نمود. ویژگی این کار این است که اولاً همه افراد از نظرات دیگران به خوبی آگاه شده و میزان نزدیکی یا دوری دیدگاه‌های خود به آنان را درک می‌کنند. از سوی دیگر، با این کار احتمال بیشتری برای نزدیکی دیدگاه‌ها و همکاری جمعی و در نهایت توافق بر سر راه‌حل‌ها بوجود می‌آید.

هدف:

این فعالیت برای بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق‌تر مسائل و مشکلات انجام می‌شود. این برنامه به جامعه هدف و گروه فنی کمک می‌کند تا درک بهتری از مسائل داشته و بین علت‌ها و معلول‌ها تمایز قائل شده و آنها را بهتر بشناسند. اگرچه این برنامه کمی پیچیده بوده و اجرای آن شاید دشوار باشد، اما می‌تواند در شناسایی ریشه مشکلات کمک کند. این برنامه نباید در صورتی که گروه علاقمند نبوده و یا انعطاف‌پذیری لازم را ندارد اجرا شود (گیلفاس، ۱۳۹۲ و مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵).

زمان مورد نیاز:

زمان لازم جهت اجرای این فن بسته به میزان پیچیدگی موضوع و تعداد شرکت کنندگان به ۱- ۳ ساعت زمان نیاز دارد.

مواد لازم:

کارت‌های مقوایی، کاغذ بزرگ، ماژیک، تخته سیاه و سفید.

روش اجرا:

مرحله ۱- مسائل و مشکلات شناسایی شده (یا مطرح شده) به بطور جداگانه بر روی کارت‌های کاغذی بنویسید (هر مسأله یک کارت). یا اینکه هر مسأله را بر روی یک کاغذ بزرگ بنویسید.

مرحله ۲- به شرکت کنندگان توضیح دهید که آنها باید مسائل، مشکلات و علت آنها را مشخص کنند. یک مثال ساده برایشان مطرح کنید. از آنها بخواهید که یک مسأله (یا مشکل) مهم را مطرح کنند. کارت مربوط به آن مسأله یا مشکل را در وسط تخته سیاه (تخته سفید) یا کاغذ بزرگ روی زمین قرار دهید. یا اینکه آن مشکل را وسط کاغذ بزرگ بنویسید.

مرحله ۳- از شرکت کنندگان بخواهید که کارت‌های دیگر را بررسی کنند و ببینند که آیا مشکلات دیگر ممکن است دلیل یا علت مشکل اصلی باشند یا خیر. کارت‌هایی که به عنوان علت شناخته می‌شوند را در زیر کارت وسطی به ترتیب قرار دهید. به این لیست از کارت‌ها، «خط علت‌ها» گفته می‌شود. از دیگران بخواهید که علت‌های دیگری برای مشکل اصلی پیدا کنند. یا اینکه آن مشکلاتی که علت مشکل اصلی هستند را در پایین مشکل اصلی بر روی کاغذ بزرگ بنویسیم که به عنوان ریشه‌های درخت مشکل می‌باشند.

مرحله ۴- همان کارها را برای شناسایی مشکلات دیگر تکرار کنید. مشکلات دیگری که ممکن است خود پیامد یا نتیجه مشکلاتی باشند که هم اکنون کارت مربوط به آنها بر روی تخته نصب شده است. به بیان دیگر، هر مشکل یا مسأله‌ای ممکن است دلیل یا علت برای مشکل دیگری باشد. همچنین پیامدهای مشکل اصلی را با نظرات حاضران در جلسه بر روی کاغذ ترسیم کنید.

مرحله ۵- تمام کارت‌های باقیمانده را بررسی کنید تا ارتباط آنها با کارت‌های روی تخته مشخص شود.

مرحله ۶- در پایان شما یک یا چند درخت مشکل خواهید داشت. بسیار مهم است که بتوانید یک مشکل محوری را بر روی درخت یا درختانی که ساخته‌اید پیدا کنید. این مشکل اصلی به اغلب سایر مشکلات و مسائل منجر می‌شود.

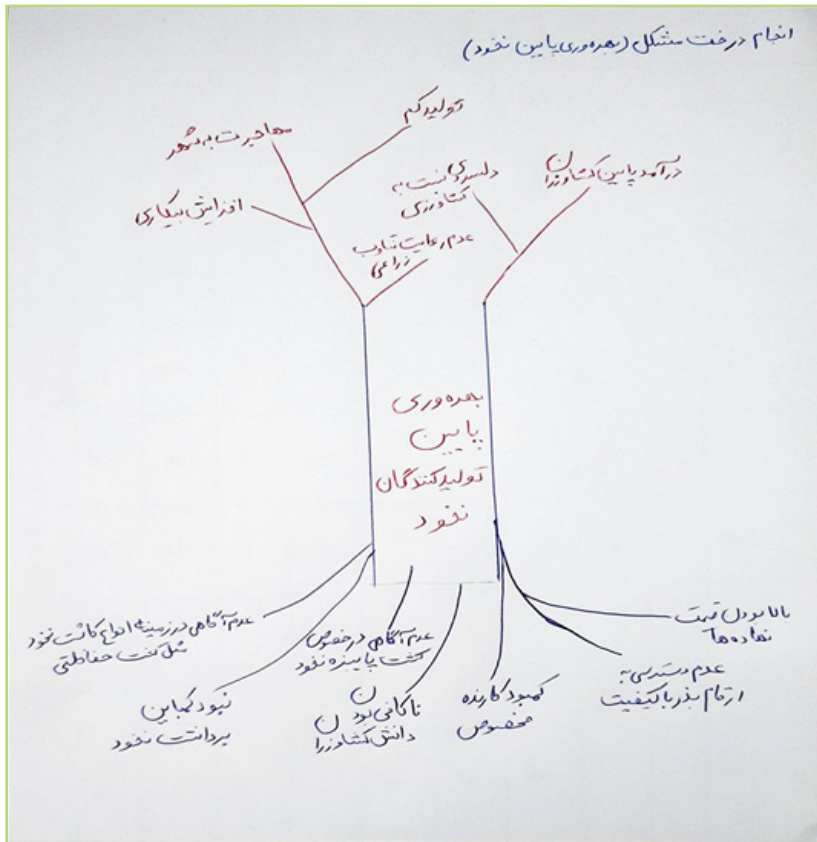
مرحله ۷- از شرکت کنندگان بخواهید که بیان کنند در مورد برنامه اجرا شده نظر خود را بیان کنند. نتایج را یادداشت کنید و یک کپی از کاغذ نتایج را به افراد بدهید.

نکته: تمایز بین مشکلات و علت آنها مهم است تا بتوان اهداف برنامه‌های بعدی را به خوبی تعریف کرد (گیلفاس، ۱۳۹۲؛ مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵).

در ادامه مثال قبلی که در فن اولویت‌بندی مشکلات بیان شد، مشکل بهره‌وری پایین نخود به عنوان مشکل اصلی خوشه کسب و کار نخود شناسایی شد، لذا در ادامه درخت مشکل بهره‌وری پایین نخود توسط کشاورزان بهره‌بردار نخود یکی از روستاهای استان کرمانشاه ترسیم شده است.



شکل ۴-۱۱. مشارکت افراد در ترسیم درخت مشکل



شکل ۴-۱۲. درخت مشکل بهره‌وری پایین تولیدکنندگان نخود

همان‌طور که در تصویر درخت مشکل مشاهده می‌شود، مشکل بهره‌وری پایین تولیدکنندگان نخود در تنه درخت مشکل و ریشه‌های به وجود آورنده این مشکل نیز شامل؛ بالا بودن قیمت نهاده‌ها، عدم دسترسی به ارقام بذر با کیفیت، کمبود کارنده مخصوص، ناکافی بودن دانش کشاورزان، عدم آگاهی در خصوص کاشت پاییزه نخود، نبود کمباین و هد برداشت نخود در منطقه و عدم آگاهی در زمینه انواع کاشت نخود مثل کاشت حفاظتی می‌باشد که در ریشه‌های درخت ترسیم شده است. اما پیامدهای بهره‌وری پایین نخود نیز که عبارت بودن از؛ درآمد پایین کشاورزان، دلسردی نسبت به کشاورزی، عدم رعایت تناوب زراعی، تولید کم، مهاجرت به شهرها و افزایش بیکاری در شاخ و برگ درخت مشکل ترسیم شده است.

شناسایی راه‌حل‌ها (اعم از محلی یا بیرونی)

هدف:

هدف از انجام این فن این است که مردم را قادر سازیم تا بتوانند با کمک تسهیلگر راه‌حلهایی را برای هر مشکل پیدا کنند. این راه‌حل‌ها ممکن است در درون جامعه محلی باشند (یعنی راه‌حل درونی باشد) و یا لازم باشد که از بیرون از جامعه محلی وارد شده و یا تأیید آن توسط مراجع بیرون از جامعه محلی یا روستایی انجام شود. البته باید توجه داشت که اولویت با راه‌حل‌های درونی است و راه‌حل‌های بیرونی فقط برای مواردی است که هیچ راه حل درونی برای مشکل وجود ندارد و یا راه‌حل‌های موجود نتیجه رضایت بخشی ندارند. مزیت این روش این است که به مردم کمک می‌کند تا در فرآیند مذکور، به حس اعتماد و خود اتکایی (اعتماد به نفس) رسیده و روحیه کنجکاوی را در خود تقویت کنند.

زمان مورد نیاز:

۱ تا ۳ ساعت در نشست‌های عادی و اگر کار میدانی مورد نیاز باشد، چند روز ادامه دارد.

مواد و ابزار لازم:

مقوا و ماژیک رنگی یا تخته سیاه و گچ.

روش اجرا:

این کار در یک نشست عمومی انجام می‌شود (مثلاً در نشست یک گروه ویژه) هر یک از مسائل و مشکلات را روی تخته سیاه یا کاغذ یادداشت کنید. از فلوجارت منطقی به صورت زیر کمک بگیرید:

سؤال ۱- آیا راه حلی محلی برای این مشکل وجود دارد؟ (چه کاری تاکنون برای رفع این مشکل انجام شده است؟).

- اگر پاسخ منفی است: راه‌حل‌های ممکن بیرونی را بررسی کنید.

- اگر پاسخ مثبت است: به سؤال دوم بروید.

- اگر پاسخ نمی‌دانیم است: تحقیقات میدانی لازم است.

سؤال ۲- آیا راه‌حل‌های محلی نتایج خوبی داشته است؟ (در صورت لزوم از یک ماتریس

ارزیابی استفاده شود).

- پاسخ منفی است: به سؤال ۳ بروید.

- پاسخ مثبت است: این راه‌حل‌ها باید اعمال شده و توسعه یابند.

- پاسخ «نمی‌دانم» است: تحقیقات میدانی لازم است.

سؤال ۳- آیا راه‌حل‌های محلی را می‌توان بهبود داد؟

- پاسخ منفی است: به سؤال ۴ بروید.

- پاسخ مثبت است: بر راه‌حل‌ها و امکان تغییر و اصلاح آنها تمرکز کنید. از امکانات بیرونی هم می‌توان استفاده کرد.

- پاسخ «نمی‌دانیم» است: تحقیقات میدانی و بررسی‌های فنی لازم است.

سؤال ۴- آیا راه‌حلهایی را در جاهای دیگر خارج از روستا برای این مسأله می‌شناسیم؟

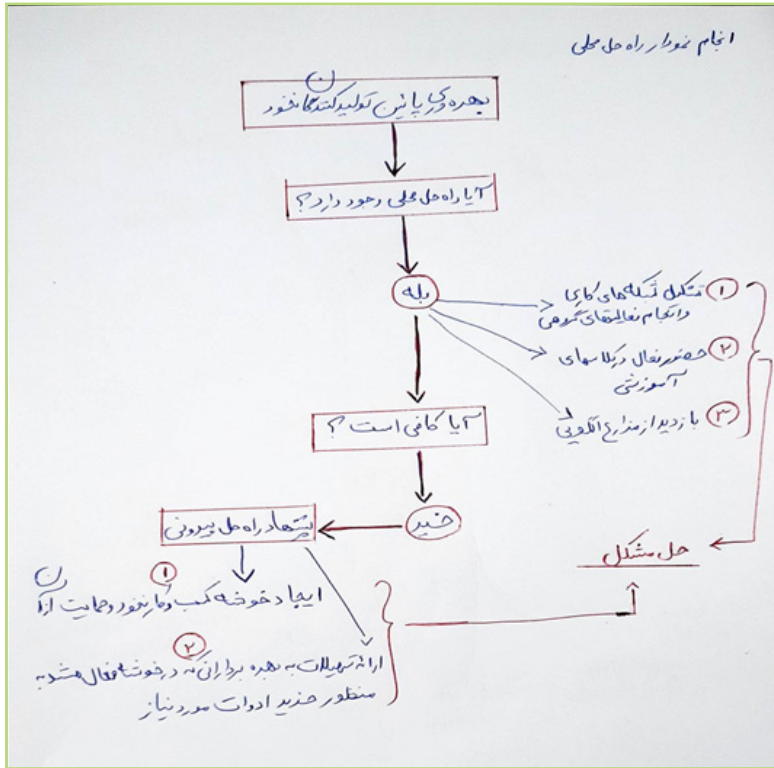
- پاسخ منفی است: نیاز به تحقیق داریم و باید از گروه فنی کمک گرفت.

- پاسخ مثبت است: لیستی از کارهایی که می‌شود انجام داد را تهیه کرده و آنها را بررسی می‌کنیم. اگر اطلاعات کافی در مورد راه‌حل‌های محلی نداریم، کار میدانی لازم است (روش بعدی را در صفحات آینده ببینید). وقتی این فلوجارت کامل شد، می‌توان راه‌حل‌ها را در یک جدول سازماندهی کرد (گیلفاس، ۱۳۹۲؛ مأموریان و همکاران، ۱۳۹۵).

در ادامه مثال مشکل بهره‌وری پایین نخود، ارائه راه‌حل‌های محلی برای این مشکل نیز ترسیم شده است.



شکل ۴-۱۳. حضور افراد در اجرای فن راه‌حل‌های محلی



شکل ۴-۱۴. نمودار راه‌حل‌های محلی مشکل بهره‌وری پایین تولیدکنندگان نخود

به منظور برطرف شدن مشکل بهره‌وری پایین نخود، حاضرین در جلسه بیان کردند که راه‌حل محلی جهت برطرف کردن این مشکل وجود دارد و کشاورزان حاضرند که در قالب شبکه‌های کاری سازماندهی شوند و انجام فعالیت‌های گروهی در زمینه تولید نخود را همانند شرکت در دوره‌های آموزشی، بازدید از مزارع الگویی، خرید نهاده‌های به صورت گروهی و فروش محصول به صورت گروهی را انجام دهند، اما برای انجام این کارها نیاز به یک عامل بیرونی و تسهیلاتی می‌باشد که این شبکه‌های کاری در دل خوشه کسب و کار نخود ایجاد شوند و مورد حمایت عوامل بیرونی همانند دولت و سازمان جهاد کشاورزی قرار گیرند و تسهیلات روستایی به سمت این شبکه‌های کاری سوق پیدا کند که متقاضیان بتوانند با این تسهیلات ادوات مورد نیاز کاشت، داشت و برداشت نخود را خریداری کرده و برای اعضای شبکه‌های شکل گرفته کار کنند.

اجرای این فن در واقع به تحلیل زنجیره ارزش کسب و کار مدنظر کمک می‌کند که بتوانیم با مشارکت کارشناسان و کشاورزان فعال در این کسب و کار، راه‌حلهایی برای برطرف شدن مشکل مدنظر در خوشه زنجیره ارزش کسب و کار ارائه داد و در واقع به تدوین استراتژی توسعه خوشه مدنظر کمک می‌کند که بتوان بر اساس آن برنامه عمل اجرایی جهت توسعه خوشه کسب و کار ارائه داد که این برنامه عمل در واقع هم مورد تایید کارشناسان و هم کشاورزان است و با توجه به اینکه ذی‌نفعان خوشه کسب و کار، در شناسایی خوشه کسب و کار، شناسایی مشکلات و اولویت‌بندی آن‌ها، تحلیل زنجیره ارزش آن و ارائه راه‌حل‌ها مشارکت داشته‌اند، در اجرای برنامه عمل تدوین شده نیز حضوری فعال خواهند داشت و نتایج مدنظر به دست می‌آید.

اجرای این فنون و مطالعه اسناد بالادستی در واقع ابزاری جهت به دست آوردن اطلاعات دقیق محلی مربوط به خوشه کسب و کارهای کشاورزی و جلب مشارکت ذی‌نفعان اصلی خوشه کسب و کار در اجرای برنامه‌های توسعه خوشه‌ای می‌باشد. بخش اصلی تحلیل زنجیره ارزش خوشه کسب و کار کشاورزی بر اساس مدل توسعه زنجیره ارزش خوشه‌های کشاورزی ارائه شده در انتهای فصل سوم و فعالیت‌های اصلی و پشتیبان زنجیره ارزش و ارتباط آنها با همدیگر، با توجه به اطلاعات به دست آمده در منطقه که با فنون مشارکتی به دست آمده است، بر عهده فرد متخصص حوزه خوشه کسب و کارهای کشاورزی (عامل توسعه) می‌باشد. با توجه به اینکه هر دهستان یا منطقه تحت پوشش یک مرکز خدمات کشاورزی می‌باشد، معمولاً یک الی سه کسب و کار کشاورزی اصلی دارد که بیشتر مردم آن منطقه از طریق آنها امرار معاش می‌کنند، این فنون را می‌توان برای به دست آوردن خوشه کسب و کارهای کشاورزی و تحلیل زنجیره‌های ارزش اولویت‌دار هر دهستان با مرکز خدمات کشاورزی و مشارکت مطلعین آن منطقه اجرا کرد.

منابع:

- احمدیان، م؛ قنبری، ی؛ اصلانی سنگده، ب؛ عزیزی، ح. (۱۳۹۳). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان مرودشت)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۲ (۴)، صص. ۲۷-۳۱.
- ازکیا، م. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ ششم، صص ۱-۳۴۴.
- ازکیا، م؛ غفاری، غ. (۱۳۹۶). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ ششم، صص ۱-۳۲۸.
- اسفندیاری، ع؛ ساکیان، م. (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل زنجیره‌های تولیدی و خوشه‌های صنعتی، مطالعه موردی استان خوزستان، نامه اقتصادی، جلد ۵، شماره ۲، صص. ۱۲۹-۱۴۶.
- اسکندرزاده فرد، ت؛ بهلولی، ن. (۱۳۹۹). نقش شرکت‌های پیشرو و خوشه‌های کسب و کار در نوآوری منطقه‌ای، نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دهم، شماره یک، صص ۱۶۱-۱۸۸.
- اکبری، ن؛ جمشیدی، ه؛ اکبری، م ح. (۱۳۹۱). تجزیه و تحلیل مشاغل خانگی زنان مبتنی بر فضای کسب‌وکار مطالعه موردی: استان اصفهان. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش بنیان، صص. ۲۳۷۲-۲۳۹۲) بابلسر: آبان ۹۱.
- امینی نژاد، غ، زنده بودی، ی؛ نوروزی، م. (۱۴۰۲). تحلیل نقش کشاورزی در توسعه روستایی با تأکید بر تولید تنباکو (مورد مطالعه: دهستان اهرم استان بوشهر)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی ۴۳)، صص ۱۳۱-۱۵۰.
- ایرج پور، ع؛ دیانت نژاد، ح؛ دیانت نژاد، ن. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر نوآوری غیرتکنیکی بر مزیت رقابتی پایدار از طریق نوآوری تکنیکی. مطالعات کاربردی در علوم و توسعه. ۱۶ (۲)، صص ۲۱-۳۲.
- ایزدی، ج؛ مصلح شیرازی، ع ن. (۱۳۹۱). بررسی آثار اقتصادی ناشی از توسعه خوشه‌های صنعتی (مطالعه موردی خوشه گلاب و عرقیات و گیاهان دارویی فارس)، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشکده علوم انسانی، (صص. ۱۷-۱)، سنندج: دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، ۹ و ۱۰ خرداد ماه ۱۳۹۱.

- آسایش، ح. (۱۴۰۱). *برنامه‌ریزی روستایی در ایران*، تهران: انتشارات پیام نور، چاپ یازدهم، صص ۱-۲۰۴.
- آگهی، ح؛ برزو، غ. (۱۳۸۸). مدیریت توسعه روستایی با تأکید بر کاهش ضایعات و توسعه صنایع بسته‌بندی در روستاها، *مجموعه مقالات همایش ملی اصلاح الگوی مصرف در کشاورزی و منابع طبیعی* (صص ۳۵-۳۸). کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- آگهی، ح؛ میرک زاده، ع؛ تقی بیگی، م. (۱۳۹۱). اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی، *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۸۱-۲۰۲.
- برنامه ششم، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۶).
- برنامه پنجم، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۹).
- برنامه چهارم، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۴).
- بیک‌زاده، ج. تیرانداز، ح. (۱۳۸۸). *خوشه‌های صنعتی و توسعه صنایع کوچک*، مجله تدبیر، شماره ۲۱۲، صص ۴۹-۵۲.
- پاپ زن، ع؛ حیدری، ح. (۱۴۰۰). ایجاد و توسعه خوشه‌های گیاهان دارویی، سازواره‌ای مطلوب برای فرآوری و اشتغالزایی، *کنگره بین‌المللی گیاهان دارویی، مکانیزاسیون و فرآوری*، ۲ تا ۴ اسفند ماه ۱۴۰۰، مرکز آموزش امام خمینی (ره) کرج، ایران، صص ۱-۱۴.
- پاپ زن، ع؛ حیدری، ح؛ کریمی داربخانی، ر. (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان فرهنگ سازمانی و مؤلفه‌های کارآفرینی سازمانی، *فصلنامه علمی - پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۱ (۳)، صص ۱۴۵-۱۶۶.
- پاپ زن، ع؛ حیدری، ح؛ مرادی، خ و احمدی، س. (۱۳۹۴). *طرح توانمندسازی جوامع محلی و توسعه پایدار منابع طبیعی، روستای، چهارزبر علیا، شهرستان کرمانشاه*، طرح پژوهشی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری، استان کرمانشاه.
- پاپلی یزدی، م ح؛ ابراهیمی، م ا. (۱۳۹۶). *نظریه‌های توسعه روستایی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- پویا، ه؛ دل انگیزان، س. (۱۳۹۳). *بررسی توسعه کارآفرینی اجتماعی از طریق توسعه خوشه‌های کسب‌وکار*، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.

- تقی بیگی، م؛ آگهی، ح؛ میرک زاده، ع.ا. (۱۳۹۳). بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب، پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۲، صص. ۲۸۳-۳۱۰.
- توحیدلو، ش؛ مجردی، غ. (۱۴۰۱). برآورد و پهنه بندی امید زندگی در مناطق روستایی ایران. راهبردهای توسعه روستایی، ۹ (۳)، صص ۳۱۳-۳۲۸.
- تازیکی، ر. (۱۴۰۲). جزوه روش مطالعات تحلیلی رسته زنجیره ارزش دارای مزیت منطقه‌ای، شرکت در گارگاه دوره آموزشی آشنایی با سازوکار طرح اجرایی توسعه زنجیره‌های ارزش راهبردی، مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور، ۱۰ لغایت ۱۲ تیرماه ۱۴۰۲.
- جمعه پور، م. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها. تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- جنابی نمین، ع؛ نوروززاده، ا. (۱۴۰۲). طراحی و اعتبارسنجی الگوی کارآفرینی و توسعه پایدار روستایی با تأکید بر طرح‌های آبخیزداری استان اردبیل، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی ۴۳)، صص ۱۷۳-۱۹۰.
- حبیبی، م؛ خان نژاد، س؛ قنبری، س. (۱۴۰۰). مشارکت زنان روستایی و پروژه‌های منابع طبیعی و جنگل، مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۷-۱۱.
- حیدری، ح؛ احمدی، س. (۱۳۹۸). تسهیلاتی حوزه آبخیز کیلانیر، شهرستان روانسر، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کرمانشاه، طرح پژوهشی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری، استان کرمانشاه.
- حیدری، ح؛ پاپ زن، ع؛ دربان آستانه، ع. (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد خوشه کسب و کار فراوری محصولات باغی، فرصتی برای اشتغال و توسعه روستایی: مورد استان کرمانشاه، همایش ملی توسعه پایدار استان کرمانشاه: فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌انداز، (صص. ۹۵-۱۲۵)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، ۱۹ آذر.
- حیدری، ح؛ پاپ زن، ع؛ دربان آستانه، ع. (۱۳۹۸). طراحی مدل ایجاد و توسعه خوشه کسب و کار محصولات باغی با تأکید بر صنایع فراوری در استان کرمانشاه، رساله دکتری، گروه توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی.
- حیدری، ح؛ پاپ زن، ع؛ دربان آستانه، ع. (۱۴۰۱). امکان‌سنجی ایجاد خوشه کسب و کارهای فراوری زیتون در استان کرمانشاه، مجله پژوهش‌های کارآفرینی، ۱ (۲)، صص ۴۳-۵۶.

- حیدری، ح؛ پاپ زن، ع؛ دربان آستانه، ع. (۱۳۹۷). تحلیل وضعیت خوشه‌های کسب و کار کشاورزی و توسعه آن‌ها در ایران، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد پنجم، شماره دوم، صص. ۱۴۰-۱۲۵.
- حیدری، ح؛ زرافشانی، ک؛ مرادی، خ. (۱۳۹۴). مدل کیفی کنش سرمایه اجتماعی با فرآیند توسعه روستایی مورد: روستای فارسینج در استان کرمانشاه، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۱۱، صص. ۱۴۶-۱۳۱.
- درکه، م؛ زرافشانی، ک؛ شرفی، ل. (۱۳۹۷). کشاورزی قراردادی، راهی به سوی توسعه پایدار کشاورزی، چهارمین همایش بین‌المللی مهندسی کشاورزی و محیط زیست با رویکرد توسعه پایدار، ۲۹ خرداد ماه ۱۳۹۷ در شیراز، برگزار کننده مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- رادفر، ر. (۱۳۹۲). مفاهیم پایه‌ای در ارتباط با خوشه‌های کشاورزی (سؤالات متداول در مورد خوشه)، تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی. صص ۱-۱۵.
- رجب پور، ح، و ستاری فر، م. (۱۳۹۲). بررسی اثر توسعه خوشه‌های صنعتی بر کارایی و مزیت رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) (مطالعه موردی: خوشه فرآوری سنگ تهران)، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۶، صص ۵۵-۸۲.
- رضوانی، م ر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: نشر قوس، چاپ ششم، صص ۱-۳۰۴.
- رضوانی، م ر؛ و نجارزاده، م. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرآیند توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی (شهرستان اصفهان))، توسعه کارآفرینی، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۶۱-۱۸۲.
- رکن‌الدین افتخاری، ع؛ سجادی، ح و رضوی، ح. (۱۳۸۹). راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی، مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده، فصلنامه روستا و توسعه، پاییز، ش ۳، صص. ۱-۲۹.
- ریاحی، ا. (۱۳۹۲). تبه‌بندی عوامل بحرانی موفقیت در توسعه خوشه‌های صنعتی در ایران، فصلنامه مدیریت، سال دهم، شماره ۳۱، صص. ۹۱-۱۰۲.
- زاهدی، ش ا. (۱۴۰۲). توسعه پایدار، تهران: انتشارات سمت، چاپ یازدهم، صص ۱-۲۳۲.

- سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران (۱۴۰۲). قابل دسترس در سایت <https://isipo.ir>.
- سرحدی، ف؛ رحمانی، م. (۱۳۸۹). بررسی چگونگی تشکیل خوشه‌های صنایع تبدیلی غذایی کوچک و متوسط (مطالعه موردی مجتمع دامداری لبن قم)، طرح پژوهشی مؤسسه پژوهش‌های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، صص ۸۵-۱. قابل دسترس در سایت <http://www.agri-peri.ir>.
- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵). مرکز آمار ایران، قابل دسترس در سایت <https://www.amar.org.ir>.
- سعدی، ح؛ جلیلیان، س؛ یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۹۳). تأثیر کسب‌وکارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی، فصلنامه زن و جامعه، ۵ (۳)، صص. ۸۵-۱۰۷.
- سلیمانی، غ؛ عزیزمحمدلو، ح؛ وحدت، س. (۱۳۹۴). خوشه‌های کسب‌وکار شناسایی شده در ایران: (نقشه کشوری خوشه‌های کسب‌وکار)، قم: انتشارات آیین محمود، چاپ اول.
- شریف‌زادگان، م ح؛ نورائی، ه. (۱۳۹۴). ویژگی خوشه‌های صنعتی و اثرات آن در توسعه منطقه‌ای، نشریه نشاء علم، سال پنجم، شماره دوم، صص ۴۸-۵۳.
- شکوری، ع. (۱۳۹۰). سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- شهبازی، ا. (۱۳۹۵). توسعه و ترویج روستایی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- صفری علی اکبری، م؛ کردوانی، پ؛ مرادی، ف. (۱۳۹۰). تعیین زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای توسعه فعالیت‌های صنایع روستایی در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، شماره ۱۶، صص. ۵۲-۶۹.
- زرغام، ح؛ امینی، ص ح م. (۱۳۹۰). امکان‌سنجی خوشه گردشگری در شهرستان بندر انزلی، فصلنامه مطالعات گردشگری، شماره ۱۴، صص ۹۴-۱۲۳.
- طالبی، ک؛ ایمانی‌پور، ن؛ عباسی بنی، ص. (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط فعال در خوشه صنعتی گز بلداجی، توسعه کارآفرینی، دوره پنجم، شماره سوم، صص. ۱۶۵-۱۸۳.
- عبادی، ف. (۱۳۹۰). بررسی تجربیات کشورهای منتخب (اتحادیه اروپا، آمریکا، ژاپن،

چین، ترکیه) در زمینه ارتقاء نوآوری با تأکید بر صنایع کوچک. مؤسسه پژوهش‌های برنامه ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، گروه پژوهشی صنایع تبدیلی و تکمیلی. انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، مدیریت امور پردازش یافته‌های تحقیقاتی و اطلاع‌رسانی.

- عبادی، ف. (۱۳۹۱). بررسی راهکارهای تقویت مزیت رقابتی صنایع کوچک و متوسط لبنی با استفاده از مدل رقابتی الماس پورتر (مطالعه موردی: استان تهران). تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، مدیریت امور پردازش یافته‌های تحقیقاتی و اطلاع‌رسانی.

- عقیلی، ف؛ طیبی، ک؛ زمانی، ز؛ ابراهیمی، ن. (۱۳۹۱). اثر کارآفرینی و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اشتغال: تجربه چند کشور منتخب در حال توسعه، توسعه کارآفرینی، سال پنجم، صص. ۳۵-۵۵.

- عباسی، ع؛ عسکری فر، ک؛ سیاح فر، م. (۱۳۹۸). ارائه مدل زنجیره ارزش پایدار با استفاده از توسعه الگوی پورتر و کارت امتیازی متوازن: مطالعه موردی شرکت پریموم باند، چشم انداز مدیریت صنعتی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۴۱-۱۶۷.

- علی بیگی. (۱۳۹۲). جزوه درس رهیافت‌های مشارکتی در توسعه روستایی دانشگاه رازی، دوره دکتری، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی.

- فارسیجانی، ح؛ حبیبی، ل؛ سلطانی، ه. (۱۳۹۰). نقش خوشه‌های صنعتی بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط در دستیابی به تولید در کلاس جهانی، مطالعه موردی: خوشه طلای تهران، چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، شماره ۸، صص ۴۷-۶۴.

- فتح‌الهی گلام بحری، س؛ کلانتری، خ؛ امیری، ع. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای قوانین عمران روستایی در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲ - ۴۸، شماره ۱، صص: ۶۷-۷۷.

- قاسمی، ع. (۱۳۸۵). امکان‌پذیری استفاده از رهیافت خوشه‌ای در صنایع نفت و گاز ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، صص. ۱-۱۱۲.

- قاسمی، ع؛ علمی مقدم، م. (۱۳۸۸). افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط و تأمین مالی آن‌ها با تأکید بر توسعه رویکرد خوشه‌ای، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۴ و ۹۳، صص. ۷۱-۹۰.

- کلانتری، خ. (۱۳۹۰). جامعه شناسی روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، صص ۱-۲۳۶.
- کلانتری، خ؛ شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۹۰). اقتصاد توسعه کشاورزی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم.
- گریفین، گ. (۱۳۹۷). راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه: حسین رزاغفر و محمد حسین هاشمی، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ ششم.
- گل محمدی، ف؛ کرباسچی، م. (۱۳۹۳). ترویج و آموزش اشتغال خانگی زنان روستایی به عنوان راهکاری جهت توانمندسازی آن‌ها و دستیابی به اهداف توسعه پایدار در ایران، اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، ۲۳ مهرماه ۱۳۹۳، محل برگزاری: مشهد، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- گیلغاس، ف. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی و مشارکت روستایی با استفاده از روش‌های تسهیلتگری/ ۱۰/بزار توسعه مشارکتی، مترجم: سید عارف موسوی، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، چاپ اول.
- مأموریان، م؛ خسروی، ع؛ فلاحی، م. (۱۳۹۵). مهارت‌های تسهیلتگری در کشاورزی و منابع طبیعی، تهران: انتشارات فرادید، چاپ اول.
- مرادی، خ. (۱۳۹۴). تحلیل راهبردی استقرار صنایع تبدیلی کارگاهی میوه در مناطق روستایی استان کرمانشاه، رساله دکتری، رشته توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- مرادی، خ؛ آگهی، ح؛ زرافشانی، ک؛ پاپزن، ع. (۱۳۹۴). تحلیل کیفی چالش‌های فراوری صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه (کاربرد نرم افزار NVivo). پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۳، صص. ۴۸۳-۵۱۴.
- مرادی، م. (۱۳۸۴). جایگاه صنایع در فرآیند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، دانشگاه تهران، صص. ۱۳۷-۱۳۸.
- مطیعی لنگرودی، ح. (۱۳۹۲). برنامه ریزی روستایی، با تأکید بر ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ ششم.
- مطیعی لنگرودی، س ح؛ نجفی کانی، ع ا. (۱۳۹۰). توسعه و صنعتی‌سازی روستا (نظریه‌ها، روش‌ها و راهبردهای توسعه صنعتی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، صص ۱-۱۹۷.

- مطیعی لنگرودی، ح؛ شمسایی، ا. (۱۳۹۴). توسعه کشاورزی پایدار (از دیدگاه اقتصاد روستایی)، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، صص ۱-۲۱۰.
- معصوم زاده، س م؛ تراب زاده، ا. (۱۳۸۳). رتبه بندی تولیدات صنعتی کشور، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۰، صص ۶۷-۸۱.
- مقیمی، م؛ احمدپور داریانی، م. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول، صص ۲۰۷-۲۴۵.
- ملاشاهی، غ؛ پدرام، پ؛ سلطانی، م؛ خیری، م؛ فیروزجاه، ن. (۱۳۹۱). اهمیت و نقش صنایع کوچک روستایی در ایجاد اشتغال پایدار، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان.
- منافی آذر، ر؛ شیخی کوهسار، س. (۱۳۹۱). ارزیابی سیاست‌های متنوع سازی اقتصاد روستایی با تأکید بر شغل غیر کشاورزی، مطالعه موردی: دهستان سلطانعلی شهرستان گنبد کاووس. مجموعه مقالات همایش ملی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان.
- منصوری، ع؛ عزیزمحمدلو، ح. (۱۳۸۸). پروژه‌های توسعه خوشه‌ای (برنامه‌ها و دستاوردها)، تهران: ناشر: روابط عمومی و بین الملل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، صص ۱-۱۳۳.
- موسی کاظمی، س م؛ بدری، س ع. (۱۳۹۸). جغرافیای شهری و روستاشناسی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم، صص ۱-۲۸۸.
- میرزایی، خ؛ شکوری، ا؛ سپه پناه، م؛ عواطفی کمل، ف؛ سامیان، م. (۱۴۰۲). شناسایی سناریوهای توسعه پایدار روستایی استان همدان (با تأکید بر توسعه کارآفرینی و مشاغل خانگی)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوازدهم، شماره اول پیاپی (۴۳)، صص ۱-۱۸.
- نجفی، ب؛ صفا، ل. (۱۳۹۳). بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه آن‌ها در مناطق روستایی، فصلنامه کارآفرینانه در کشاورزی، ۱ (۲)، صص ۶۱-۷۳.
- نوروزی آوارگانی، ا. (۱۳۹۰). گذری اجمالی بر رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی، پورتال علوم انسانی، دوره بیستم، شماره هفتاد و هفتم، صص ۳۶-۴۳.
- رمزبازی، ح؛ بنی اسدی، م. (۱۳۹۳). سیری بر مفاهیم توسعه اقتصادی از رشد تا پایداری؛ تطابق‌پذیری با رویکرد اسلامی، سومین کنفرانس الگوی اسلامی پیشرفت؛ واگوی مفاهیم و

نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت، (صص.

۱-۲۲)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳.

- Alidou, M. Lem, M. Schrader, T. Zeeuw, F. (2010). Local entrepreneurship, *agribusiness cluster formation and the development of competitive value chains-Evaluation of the Strategic Alliance for Agricultural Development in Africa (SAADA program) 2006-2009*, September 2010 available at www.berenschot.com/publish/pages/1920/saada_evaluation_report.pdf.

- Casanueva, C, Castro, G, and Galán, J. (2013). "Informational networks and innovation in mature industrial clusters". *Journal of Business Research*, 66. 603-613.

- Cruz, S. C. S. and Teixeira, A. A. C. (2010). "The Evolution of the Cluster Literature: Shedding Light on the Regional Studies-Regional Science Debate". *Regional Studies*, Vol. 44.9, pp. 1263-1288.

- Koc, T., & Bozdog, E. (2017). Measuring the degree of novelty of innovation based on Porter's value chain approach. *European Journal of Operational Research*, 257, 559-567.

- Das, R. and Das, A.K. (2011). Industrial Cluster: An Approach for Rural Development in North East India, *International Journal of Trade, Economics and Finance*, Vol. 2, No. 2.

- Enang, I., Asenova, D., & Bailey, S. J. (2022). Identifying influencing factors of sustainable public service transformation: a systematic literature review. *International Review of Administrative Sciences*, 88(1), 258-280.

- Gibosen, J. and Olivia, S. (2009). The effect of infrastructure access and quality on non-farm enterprises in rural Indonesia. *Proceeding of International Association of Agricultural Economists Conference, Beijing, China*, 16-22 August, pp: 1-23.

- Giuliani E, Pietrobelli C, Rabellotti R. (2005). Upgrading in global value chains: lessons from Latin American clusters. *World development 2005*; 33(4): 549- 573.

- Group, W. B. (2014). Doing Business 2015: Going Beyond Efficiency: Comparing Business Regulations for Domestic Firms in 189 Economies: a World Bank Group Flagship Report. World Bank Publications.

- Heidari, H; Papzan, A; Darban Astane, A. (2018). Designing a Model to Develop Businesses for the Cluster Processing of Garden Products in Kermanshah Province and its Relationship with Rural Development, *Journal of sustainable rural development*, volume 2, Number 1-2, and pp: 39-50.

- Hoffmann, V, Lopes, G, and Medeiros, J. (2014). "Knowledge transfer among the small businesses of a Brazilian cluster", *Journal of Business Research*, 67(5), 856-864.
- FAO, (2013). *Definition of Contract Farming in FAO*. Available at: <https://en.wikipedia.org/wiki/Contract-farming>.
- Karimi, S., and Makreel, A. S. (2020). The Role of Personal Values in Forming Students' *Entrepreneurial Intentions in Developing Countries*. *Frontiers in Psychology*, 11(1): 525-844.
- Lai, Y, Hsu, M, Lin, F, Chen, Y, and Lin, Y. (2014). "The effects of industry cluster knowledge management on innovation performance", *Journal of Business Research*, 67(5), 734-739.
- Lee, T. (2006). Action strategies for strengthening industrial clusters in southern Taiwan. *Technology in Society*, 28(4), 533-52. doi: 10.1016/j.techsoc.2006.09.007
- Long, C. & Zhang, X. (2011). Cluster-based industrialization in China: Financing and performance. *Journal of International Economics*, 84(1), 112-123. Doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jinteco.2011.03.002>.
- Meng, B., & Ye, M. (2022). *Smile curves in global value chains: Foreign-vs. domestic-owned firms; the US vs. China*. *Structural Change and Economic Dynamics*, 60, 15-29.
- Mohanty, S.K. (2006). *Fundamentals of Entrepreneurship*, Prentice Hall of India, New Delhi, p 183.
- Mansoori, S., & Riazi, K. (2013). Investigating Value Chain Models in the E-Learning Industry and Presenting an Optimal Model (Case Study: One of Tehran Universities). *Information Technology Management*, 5(3), 191-202.
- Novelli, M., Schmitz, B., & Spencer, T. (2006). Networks, clusters and innovation in tourism: A UK experience. *Tourism Management*, 27(6), 1141-152. doi: 10.1016/j.tourman.2005.11.011.
- Nogales E G. (2010). *Agro based clusters in developing countries: staying competitive in globalised economy Agricultural management, marketing and finance*, occasional paper 25, FAO, Rome 2010.
- Porter, M.E. (2004). *Competitiveness in Rural U.S. Regions: Learning and Research Agenda*, *Institute for Strategy and Competitiveness*.

- Rizov, M. (2005). Rural development under the European CAP: The role of diversity. *Social Science Journal*, 42(4), 621-628. doi: 10.1016/j.soscij.2005.09.003
- Rocha, H. O. (2013). Elaborating a Socioeconomic Theory of the Impact of Clusters on Entrepreneurship and Entrepreneurship Regional Outcomes. In *Entrepreneurship and Regional Development*, edited by H. O. Rocha, 155–183. London, UK: Palgrave Macmillan.
- Sharma, S & Anupam, P. (2014). Agro-based cluster: A Tool for competitiveness of Indian agriculture in the ERA of globalization, *Global Journal of Finance and Management*. ISSN 0975-6477 Volume 6, Number 8 (2014), pp. 713-718. Research India Publications <http://www.ripublication.com>.
- Sundar, K. & Srinivasan, T. (2009). *Rural industrialization: Challenges and proposition*. *J. Soc. Sei*, 20(1), 23-29.
- Tambunan, Tulus T.H. (2008). Development of Rural Manufacturing SME Clusters in a Developing Country: The Indonesian Case, *Journal of Rural Development*, 31(2).
- Tayfun, Y, & Aykanat, Z. (2015). Clustering and Innovation Concepts and Innovative Clusters: An Application on Techno parks in Turkey. *Social and Behavioral Sciences*, 195(3), 1196-1205.
- Todaro, M. (2005). Economic development in third world, (12th Ed). *Translation by Farjadi, Institution research in planning and development*.
- Tagliani, D., & Winkler, D. (2016). *Making global value chains work for development*. World Bank Publications.
- UNIDO. (2008). the importance of agro-industry for socio-economic development and poverty reduction. *Prepared for SIDE-Event on: How agro-industry can help eradicate poverty*.
- Yu. M. Calzadilla, J. L. Lopez, A. Villa. (2013). Engineering agro – food development: The cluster model in china, *Agricultural Sciences* vol 4, No. 9B, 33-39. <http://dx.doi.org/10.4236/as.2013.49B006>.
- Walker, E. Wang, C. Redmond, J. (2008). Women and work-life balance: Is home-based business ownership the solution? *Equal Opportunities International*, 27(3): 258-275.
- Zivdar, M., & Sanaeepour, H. (2022). Dimensions and Strategies of Sustainable Rural Entrepreneurship Ecosystem: An Explorative-Mixed Research Study. *Qualitative Report*, 27(3).

**Application of agricultural business cluster and facilitation techniques in rural
development**

By

Dr. Hossein Heidari

Researcher, Agricultural and Natural Resources Research and Education Center of
Kermanshah

Dr. Abdolhamid Papzan

Faculty member, Faculty of Agriculture, Razi University



نشر آموزش کشاورزی